



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حج

از میمنت تا تمییز



احمد صادق اروستانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج از میقات تا میعاد

نویسنده:

احمد صادقی اردستانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	حج از میقات تا میعاد
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۲۱	زیبایی حج
۲۱	مقدمه
۲۳	۱ نیت خالص
۲۳	اشاره
۲۶	نیت چیست؟
۲۸	نیت‌های ناسالم
۳۰	نیت سالم
۳۲	ارزش واقعی حج
۳۳	معیار ارزش و بی‌ارزشی
۳۷	۲ به کجا می‌رویم؟
۳۷	اشاره
۴۱	معبد پیامبران و امامان علیهم السلام
۴۵	سراسر قداست و شرافت
۴۹	۳ با کاروان نور
۴۹	اشاره
۵۴	آزمون و زمینه سازی
۵۶	مراقبت سخت
۶۳	۴ احرام در میقات
۶۳	اشاره

- ۱- عرفان احرام ۷۰
- ۲- لتبیک صحیح ۷۱
- اشاره ۷۱
- تلبیه و احرام انبیاء علیهم السلام ۷۳
- ۵ در طواف یار ۷۵
- اشاره ۷۵
- فرمان سکوت و آرامش ۷۹
- ورود به مسجدالحرام ۸۰
- نگاه به کعبه ۸۲
- طواف کعبه ۸۵
- اشاره ۸۵
- ۱- طواف قبل از اسلام ۸۶
- ۲- هفت دور طواف ۸۷
- ۳- طواف دل ۹۰
- ۶ این چنین باید بود ۹۳
- اشاره ۹۳
- در برابر عظمت خدا ۹۸
- اشاره ۹۸
- ۱- راز و نیاز امام حسن علیه السلام ۱۰۰
- ۲- گریه امام سجاد علیه السلام ۱۰۱
- ۳- اشک امام باقر علیه السلام ۱۰۲
- ۴- نیایش امام جواد علیه السلام ۱۰۳
- ۷ اماکن مقدّس مسجدالحرام ۱۰۷
- اشاره ۱۰۷

۱۱۲	در کنار کعبه
۱۱۴	ارکان کعبه
۱۱۴	اشاره
۱۱۵	۱- رکن حجرالأسود
۱۱۵	اشاره
۱۱۶	نصب حجرالاسود
۱۱۷	استلام حجرالاسود
۱۱۹	دست بیعت
۱۲۱	۲- ارکان چهارگانه
۱۲۳	۳- رکن یمانی
۱۲۵	۴- مُسْتَجَار
۱۲۵	۵- مُلْتَزَم
۱۲۷	۶- حَطِیم
۱۲۹	۷- حجر اسماعیل علیه السلام
۱۳۲	۸- ناودان رحمت
۱۳۴	۹- مقام ابراهیم علیه السلام
۱۳۷	۱۰- بین رکن و مقام
۱۳۸	۱۱- پیراهن کعبه
۱۳۹	۱۲- جرعه زَمْزَم
۱۴۱	۸ سعی صفا و مَرُوه
۱۴۱	اشاره
۱۴۴	دو کوه صفا و مَرُوه
۱۴۶	وچوب سعی
۱۴۸	بر کوه صفا

۱۵۱	فلسفه سعی
۱۵۴	هَرَوَله
۱۵۶	تواضع و تربیت
۱۵۸	تقصیر
۱۶۱	۹ عرفات
۱۶۱	اشاره
۱۶۴	یوم ترویبه
۱۶۶	صحرای عرفات
۱۶۹	وقوف در عرفات
۱۷۲	اعمال عرفه
۱۷۶	فقط خدا
۱۷۷	بزرگ‌ترین گناه!
۱۷۹	هدف‌های بزرگ
۱۸۲	هم‌نوا با حسین علیه السلام
۱۸۵	۱۰ مشعرالحرام
۱۸۵	اشاره
۱۹۰	پیام‌رسانی امام صادق علیه السلام
۱۹۲	حرکت کنیم
۱۹۴	با نوای کاروان
۱۹۶	وظایف مشعرالحرام
۱۹۹	احیا و شب‌زنده‌داری
۲۰۱	۱۱ منا
۲۰۱	اشاره
۲۰۷	چرا «منا» نامیده شده؟

۲۰۹	فضیلتِ منّا
۲۱۰	اعمال «منّا»
۲۱۰	اشاره
۲۱۲	۱- رمیِ جمره عَقَبه
۲۱۴	۲- قربانی
۲۱۴	اشاره
۲۱۷	فلسفه رمی و قربانی
۲۲۱	۳- حلق یا تقصیر
۲۲۴	۴- بیتوته در «منّا»
۲۲۴	اشاره
۲۲۷	سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله در منّا
۲۲۸	۵- رمیِ جمرات
۲۳۱	۱۲ بازگشت به مکه
۲۳۱	اشاره
۲۳۵	بهداشت تن و روان
۲۳۸	تحول اخلاقی
۲۴۲	اعمال پنج‌گانه
۲۴۵	۱۳ آموزه‌های حج
۲۴۵	اشاره
۲۴۹	الف: ارزش حج
۲۵۰	ب: نیت پاک
۲۵۲	ج: مال پاک
۲۵۲	اشاره
۲۵۴	۱- دعای مستجاب

- ۲- امنیت عمومی ۲۵۵
- ۳- عرفان و معناگرایی ۲۵۸
- ۴- مساوات و برادری ۲۶۰
- ۵- حقوق انسانی ۲۶۲
- اشاره ۲۶۲
- الف: حقوق خانوادگی ۲۶۲
- ب: حق اقتصادی ۲۶۳
- ج: حقوق اجتماعی ۲۶۴
- د: حقوق سیاسی ۲۶۵
- ۱۴ منافع و آثار حج ۲۶۹
- اشاره ۲۶۹
- ۱- آمرزش و گناهسوزی ۲۷۲
- ۲- سلامتی و طول عمر ۲۷۵
- ۳- به میهمانی خدا ۲۷۶
- ۴- در پناه و ضمان خداوند ۲۷۸
- ۵- مصونیت مال و بستگان ۲۷۹
- ۶- افزایش مال و ثروت ۲۸۰
- ۷- اصلاح ایمان ۲۸۱
- ۸- خیر دنیا و آخرت ۲۸۲
- ۹- برطرف شدن فقر و جلوگیری از مرگ بد ۲۸۳
- ۱۰- نورانیت حج ۲۸۴
- ۱۱- نشانه قبولی حج ۲۸۶
- ۱۵ فلسفه حج ۲۸۷
- اشاره ۲۸۷

- ۱- آزمایش الهی ۲۹۱
- ۲- شناخت عمومی ۲۹۲
- ۳- منافع عمومی ۲۹۷
- ۴- وحدت جبهه توحید ۲۹۹
- ۵- قیام برای مردم ۳۰۴
- ۶- رعایت احکام ۳۰۶
- ۷- بیعت با امام علیه السلام ۳۰۸
- مهمترین اجتماع بزرگ ۳۱۱
- منابع عمده کتاب ۳۱۱
- درباره مرکز ۳۱۶

حج از میقات تا میعاد

مشخصات کتاب

سرشناسه : صادقی اردستانی احمد، ۱۳۲۳-
 عنوان و نام پدیدآور : حج از میقات تا میعاد/ تالیف احمدصادقی اردستانی
 مشخصات نشر : تهران : مشعر ، ۱۳۸۵.
 مشخصات ظاهری : ۳۰۴ص.
 شابک : ۹۶۴۹۶۳۵۹۸۲/۱۵۰۰۰ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فاپا
 یادداشت : کتابنامه ص [۳۰۱] - ۳۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع : حج -- احادیث موضوع : حج -- جنبه‌های قرآنی
 موضوع : حج موضوع : حج -- فلسفه رده بندی کنگره : BP۱۴۱/۵/ح ۲۷ ص ۲ ۱۳۸۵
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸
 شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۴۵۴۳۴
 ص: ۱

اشاره

ص: ۱۰

زیبایی حج

مقدمه

ص: ۱۱

- ۱- زیبایی حج، آن‌گاه لذت بخش‌تر، پرتراوت‌تر و دلنشین‌تر می‌گردد، که بتوانیم علاوه بر جدابیت شعارها و «قالب‌ها» زیبایی روح و «محتوای حج» را نیز درک نماییم و از آبشخور عرفان آن، جان خسته و افسرده را با معنویت متعالی حج سرشار سازیم.
- ۲- کتاب «حج» از میقات تا میعاد» کوشیده است تا با استفاده از حدود ۷۰ آیه قرآن درباره حج و صدها حدیثی که در این زمینه وارد شده، علاوه بر مروری به مراحل اعمال و «مناسک حج»، بیشتر «روح حج» و اسرار و مفاهیم انسانی و متعالی این «کنگره عظیم اسلامی» را بررسی کند.
- ۳- نکات مهمی که در این کتاب مورد توجه بوده، ساده‌نویسی، پرهیز از به کار بردن الفاظ زیاد، استفاده از متون معتبر اسلامی و فضاسازی اماکن و مشاهد، برای جذب خواننده به مراحل عرفانی حج است، تا عموم زائرینی که هر چند اطلاعات کافی نداشته

ص: ۱۲

باشند، بتوانند با مطالعه دقیق آن قبل از سفر، از حج خود بهره زیادی دریافت دارند.

۴- این کتاب، اسرار احکام و مسایل حج را از، تیت خالص، احرام در میقات تا پایان اعمال، طی ۱۵ فصل به بررسی گذاشته، تا همانگونه که امام باقر علیه السلام علت نامگذاری و معنای حج را «فلاح و رستگاری» دانسته (۱)، مطالعه دقیق آن و به کارگیری دستورات قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام ما را به بهروزی و فلاح رهنمون گرداند.

از همه خوانندگان عزیز، در همه اماکن و مشاهد مقدس امید است، این بنده را نیز در دعاهای خویش شریک نمایند.

احمد صادقی اردستانی

۲۵ رمضان المبارک ۱۴۲۵

۱۳۸۳ / ۸ / ۱۹

اِتِّتِ فَالِص**اشاره**

۱- ۱. معانی الأخبار، ص ۱۷۰.

ص: ۱۳
آیت خالص

ص: ۱۵

۱ نیت خالص

کاروان‌ها، از هر نقطه، بار بسته‌اند تا به مکه بروند، این حرکت از همه کشورهای اسلامی و یا هر کشوری که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند، آغاز گردیده است.

حج، به معنای «قصد» است، اما از نظر شرع مقدّس، درباره قصد زیارت کعبه، جهت انجام اعمال و احکامی که مربوط به آنهاست و در مکان و زمان معینی به منظور اطاعت و تقرب به خدا صورت می‌گیرد، به کار رفته است. (۱)

درباره «حج و احکام آن» بیش از ۷۰ آیه قرآن و همچنین روایات فراوانی وارد شده و آن را عبادت بزرگ شمرده است و هر توانمندی، آن را نادیده بگیرد یا با وجود توانایی از انجام آن شانه خالی کند، به وادی نوعی کفر و بی‌دینی فروغلتیده است. (۲)

بنابراین، حج، یک عبادت است و هر عبادتی به «نیت» احتیاج دارد.

نیت چیست؟

۱-۱. مصباح‌المنیر، ص ۱۶۸، مجمع‌البحرین، ص ۱۵۵.

۲-۲. سوره آل‌عمران، آیه ۹۷، فروع کافی، ج ۴، ص ۲۶۹.

ص: ۱۶

نیت، به معنای: قصد، تصمیم، انگیزه درونی، اراده قلبی، عزم کار، فاصله گرفتن مسافر از وطن، برانگیخته شدن برای انجام کاری که مطابق میل است، و بالاخره، حرکت از مکانی به مکان دیگر آمده است. (۱)

در قرآن کریم می‌خوانیم: خداوند، شکافنده «دانه» و «هسته» است. (۲) دانه، عموماً مربوط به گیاهان ظریف مثل: گندم، جو، ذرت و آنچه قابل درو کردن است، گفته می‌شود (۳) و هسته درباره گیاهان و درختان سخت و زمخت، مثل: درخت خرما، زردآلو، هلو، قیسی و ... به کار می‌رود. اکنون با توجه به این که «نوی و نیت» [نوی یعنی «هسته»] از یک فعل هستند و در ادبیات عرب، وقتی می‌خواهند بگویند: درخت خرما هسته خود را بست، جمله «عَقَدْتُ نَوَاهَا» را به کار می‌برند. ملاحظه می‌کنیم، میان «سفت شدن و بسته شدن هسته» با نیت، که با قلب و درون انسان وابستگی دارد، یک نوع پیوستگی و ارتباط مشترک است. یعنی، همانطور که هسته وقتی بسته شد، آماده شکفتن و باروری و میوه آوردن می‌گردد، نیت هم وقتی برقرار گردید و باطن را برای انجام عملی آماده ساخت، به عنوان محصول نیت، اعمال و عبادات شکل می‌گیرد و با دقت و استحکام، رنگ و کاربرد بیشتری پیدا می‌کند و نتایج بهتری هم خواهد داشت.

امام علی علیه السلام فرموده است: الْأَعْمَالُ ثِمَارُ النَّيَاتِ. (۴)

اعمال انسان، میوه‌های نیت‌های اوست.

۱-۱. اقرب الموارد، ج ۲، ص ۱۳۶۲، المنجد، ص ۸۴۹.

۲-۲. «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى». آل عمران، ۹۶

۳-۳. المفردات، ص ۱۰۵.

۴-۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۴.

ص: ۱۷

روی این حساب، اگر «هسته» سالم باشد، درخت و میوه‌های آن هم سالم خواهند بود و اگر «هسته» ناسالم باشد، درخت و میوه‌های آن سالم نخواهند بود.

نیت‌های ناسالم

برای نیت‌های ناسالم و به عبارت دیگر، نیت‌های فاسد، موارد مختلفی را می‌توان مطرح کرد: ممکن است کسانی برای رفتن به مکه و انجام حج، خدای ناکرده، رقابت، چشم و هم‌چشمی، خودنمایی و تظاهر، افزون‌طلبی، غلبه بر رقیب، عنوان و امتیاز گرفتن، ریاکاری و تشخص‌سازی، منفعت‌جویی مادی صرف، هوا و هوس و خلاصه، چیزی غیر از عبادت خدا و رشد و تعالی انسانی را در نظر داشته باشند. این گونه افراد، در عین حالی که خرج‌های زیاد و زحمات فراوانی متحمل می‌شوند، ولی زیان خواهند دید، که مقداری توضیح خواهیم داد:

۱- نیت فاسد، خیر و برکت را از عبادت و زندگی انسان می‌برد.

امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: عِنْدَ فِسادِ النَّيَّةِ، تُزَفَعُ الْبِرْكَةُ. (۱)

۲- نیت فاسد، غیر از این که عبادت را باطل می‌کند و از آن جز ظاهری باقی نمی‌گذارد، و با توجه به این که رفتار و اعمال را فاسد می‌نماید، مرزهای اخلاق و مناسبات اجتماعی را هم، به هم می‌ریزد و موجب وقوع بلاها و گرفتاری‌های انسانی و اجتماعی می‌گردد.

امام علی علیه السلام فرموده است: إِذَا فَسَدَتِ النَّيَّةُ، وَقَعَتِ الْبَلِيَّةُ. (۲)

۱- ۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۹۱.

۲- ۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۱۲.

ص: ۱۸

۳- کسی که عمل و عبادتی را برای خودنمایی و غیر خدا انجام دهد، اعمال و زحمات او در قیامت، مورد توجه و قبول درگاه خداوند، قرار نخواهد گرفت. در این باره، روایات زیادی وارد شده، که چهار نمونه از آن را مورد توجه دقیق قرار می‌دهیم:

الف: امام صادق علیه السلام به «عباد بصری» فرمود: از ریاکاری خودداری کن، زیرا هر کس عملی را برای غیر خدا انجام دهد، خداوند پاداش او را به کسی واگذار می‌کند، که عمل را به خاطر او انجام داده است! (۱)

ب: همچنین آن حضرت فرمود: هر عبادت ریاکارانه‌ای شرک محسوب می‌شود، هر کس عملی را برای جلب نظر مردم انجام دهد، پاداش او هم به عهده مردم خواهد بود و هر کس عملی را برای خدا انجام دهد، پاداش او از جانب خدا می‌باشد. (۲)

ج: پیامبر عالی‌قدر اسلام فرمود: آن گاه که روز قیامت فرارسد، مُنادی به گونه‌ای که همگان می‌شنوند، اعلام می‌کند: آنان که مردم را عبادت کرده‌اند برخیزند و پاداش خود را از کسی که به خاطر او عبادت انجام داده‌اند بگیرند، زیرا من عملی را که، مظاهر دنیا و جلب نظر اهل دنیا با آن آمیخته شده باشد نمی‌پذیرم. (۳)

د: امام صادق علیه السلام بیان داشته، که خداوند متعال فرموده: **أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ، مَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمَلَهُ، لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا.** (۴)

۱-۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۳

۲-۲. همان.

۳-۳. مشکاة الانوار، ص ۳۱۲

۴-۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۵

ص: ۱۹

من، بهترین شریک هستم، هرکس در عملی، دیگری را شریک من قرار دهد، عمل او را نمی‌پذیرم (و پاداش او را به آن شریک واگذار می‌کنم) زیرا من جز عملی را که خالص برای من باشد قبول نمی‌کنم.

نیت سالم

در برابر نیت‌ها و انگیزه‌های ناسالمی که، زیان‌های بزرگ دنیوی و اخروی در پی خواهد داشت، نیت سالم قرار دارد که، به فرموده امام علی علیه السلام: اساس و شالوده عمل عبادی را تشکیل می‌دهد. (۱)

نیت سالم، که در قرآن و احادیث، به «خلوص نیت» تعبیر شده و مورد تأکید جدی قرار گرفته، تا انسان نماز و روزه و حج و جهاد و هر عمل عبادی خویش را، بر اساس آن و برای اطاعت، رضایت و تقرب به خدا انجام دهد کاری ضروری است، که درباره آن، چهار توضیح مهم را باید مورد دقت قرار دهیم:

الف: داشتن نیت خالص و پیراسته از آلودگی‌های ریاکاری و هوس‌رانی، سرمایه معنوی بزرگی است که از روح ایمان، سلامت نفس، صفای باطن و خودساختگی انسان حکایت می‌کند و هیچ سرمایه‌ای را با آن نمی‌توان برابر دانست.

امام علی علیه السلام فرموده است: *أَفْضَلُ الذَّخَائِرِ، حُسْنُ الضَّمَائِرِ*. (۲)

برترین ذخیره و سرمایه داشتن نیت و باطن نیک و سالم است.

ب: برای رهاشدن از نیت‌های پست و آلوده و رسیدن به نیت پاک و

۱-۱. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۵ و ۲۰۲.

۲-۲. همان.

ص: ۲۰

خالص، آگاهی و دانایی، کوشش و تلاش، تمرین و ریاضت و خلاصه مجاهده سخت و هوش مندانانه لازم است.

امام علی علیه السلام فرموده: تَخْلِيصُ النَّيِّهِ مِنَ الْفَسَادِ، أَشَدُّ عَلَى الْعَامِلِينَ مِنْ طَوْلِ الْجِهَادِ. (۱)

خالص گردانیدن قصد و نیت از فساد و آلودگی برای عمل کنندگان، سخت‌تر از عمل در طول جهاد است.

ج: اگر نیت خالص و سالم در درون کسی استوار گردد، پویایی و کارآیی رفتارها و اعمال او تا آن جا غنی می‌گردد و اوج می‌گیرد، که اضافه بر پاداش معنوی بیش‌تر و جاویدان‌تر، اصولاً اعمال عبادی و غیر عبادی او نیز در زندگی، از هر گونه آلودگی پاک و پیراسته می‌گردد.

امام علی علیه السلام، خلاصه این مطالب را، این گونه بیان فرموده است: لَوْ خَلَصَتِ النَّيَّاتُ لَزَكَتِ الْأَعْمَالُ. (۲)

اگر نیت‌ها خالص و پاک شوند، عمل‌ها هم پاکیزه و سالم می‌گردند.

د: به هر اندازه که دین‌داری انسان، بر اساس آگاهی و دانایی و بصیرت استوار باشد و با قوت و قدرت و استحکام شکل گیرد، خلوص نیت و روح اطاعت و معنویت و تکامل خواهی و تقرب به مقام پروردگار عالم، قدرت و اقتدار بیشتری خواهد داشت و هر چه قدرت دین‌داری ضعیف‌تر باشد، نیت‌های ضعیف و منحط نیز بر وجود انسان سلطه خواهد داشت.

امام علی علیه السلام فرموده: عَلَى قَدْرِ قُوَّةِ الدِّينِ، يَكُونُ خُلُوصُ النَّيِّهِ (۳)

۱-۱. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۵۲.

۲-۲. غرر الحکم، ج ۲، ص ۶۰۳ و ۴۸۸.

۳-۳. همان.

ص: ۲۱

به اندازه قوت و قدرت دین‌داری، خلوص و نیت پاک حاصل می‌شود.

ارزش واقعی حج

آنچه عمل عبادی و به خصوص حج را ارزشمند، پویا، سازنده، تعالی بخش، ماندگار و مورد قبول خداوند می‌گرداند، انگیزه درونی و خلوص باطنی است، و این «هسته سالم»؛ درخت پرشاخ و برگ و میوه‌ای خواهد رویانید. آری، با توجه به ارزشمندی همین «خلوص نیت» و خداخواهی و پرهیز از «ریاکاری» است که، امام صادق علیه السلام درباره حج می‌فرماید:

الْحَجُّ، حَجَّانٍ: حَجٌّ لِلَّهِ وَحَجٌّ لِلنَّاسِ، فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ، كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ، وَمَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ، كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

حج، دو گونه است: حَجِّی که برای خدا انجام می‌شود و حَجِّی که به خاطر جلب نظر مردم صورت می‌گیرد، پس هر کس برای خدا حج انجام دهد، پاداش او از جانب خدا، بهشت می‌باشد، و هر کس به خاطر مردم حج انجام دهد، روز قیامت پاداش او هم برعهده مردم خواهد بود.

این معنا، که در حج و عبادت می‌بایست، خلوص نیت، معرفت و خودآگاهی و شعور قلبی و اسرار باطنی مورد توجه قرار گیرد، آن قدر لازم و دارای اهمیت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده:

خداوند متعال، به جسم‌ها و حسب و نسب و دارایی شما نگاه نمی‌کند، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ، فَمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ صَالِحٌ،

۱- ۱. ثواب الأعمال، ص ۷۴، بحار الأنوار، ج ۹۶ ص ۲۴.

ص: ۲۲

تَحَنَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ. (۱)

بلکه خداوند به دل‌ها و (نیت‌ها) ی شما نگاه می‌کند، پس هر کسی دارای قلبی صالح و سالم و نیتی پاک باشد، خدا به او نظر رحمت و شفقت می‌نماید. و عمل او را مورد عنایت قرار می‌دهد.

باری، این جهت مهم که، مغز و هسته عبادت «خلوص نیت» و روح اطاعت و بندگی و تقرب به ذات مقدس پروردگار عالم که موجب قبولی عمل از ناحیه حضرت حق باید باشد، هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد، و یا مظاهر مادی و هوس‌های پست دنیایی آن را تحت‌الشعاع قرار دهد، بلکه برای جلب رضایت خالق خویش، پیوسته او را حاضر و ناظر و مراقب اعمال خویش بدانند و بر غنی و پویایی و صحت و کمال آن بیفزایند، زیرا حضرت امام علی علیه السلام فرموده است: **إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عِنْدَ إِضْمَارِ كُلِّ مُضْمِرٍ، وَقَوْلِ كُلِّ قَائِلٍ، وَعَمَلِ كُلِّ عَامِلٍ.** (۲)

به راستی، خداوند سبحان، نزد نیت و قصد هر صاحب نیتی، و گفتار هر گوینده‌ای، و عمل هر عمل‌کننده‌ای، حاضر و ناظر است. آری، با توجه به ضرورت چنین مسئولیت حساس و سنگینی است که امام صادق علیه السلام فرموده است: هر گاه برای انجام حج تصمیم گرفتی، نیت خود را برای خداوند متعال خالص گردان، و هر چیزی که تو را به خود مشغول می‌کند و حجاب و مانع ارتباط تو با خدا می‌گردد، از خویش دور کن، و در همه حرکات و سکانات خود را به خدا واگذار کن ... (۳)

معیار ارزش و بی‌ارزشی

۱- ۱. محجة البیضاء، ج ۸، ص ۱۰۳، کنز العمال، ج ۳، ص ۴۲۱، صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۴۷.

۲- ۲. گفتار امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ترجمه غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۴۹۹.

۳- ۳. مصباح الشریعة، ۴۷، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۲۱.

ص: ۲۳

نیت مخلصانه بامعرفت، برای اطاعت و رسیدن به مقام رضایت خداوند، معیار ارزش واقعی و موجب قبول درگاه خداوند است و عملی که بر اساس چنین انگیزه پاکی استوار باشد، رنگ و بوی الهی به خود گرفته، رشد و ترقی معنوی انسان و الگوی جاودانه عمل عبادی خواهد بود.

پیشوایان بزرگ دین، خود چنین می‌کردند، ریاکاری و هیاهوی تظاهرآمیز که «قالب اعمال را از محتوا» تهی و پوک می‌کرد، مورد نکوهش قرار می‌دادند و معیار ارزش عبادت و مقبولیت آن را در پیشگاه خدا و رسول صلی الله علیه و آله، نیت خالصانه پیراسته از هر گونه هوا و هوس و غرض نفسانی و دنیایی معرفی می‌کردند.

در این باره، داستان‌های تکان‌دهنده و آموزنده‌ای آمده، که خلاصه چند نمونه آن قابل دقت است:

۱- در صدر اسلام و در روزگار سخت ناامنی برای دین‌داری، هجرت از مکه به مدینه، یک عمل مخاطره‌آمیز، فداکارانه، شجاعانه، پراجر و ثواب و سرنوشت‌ساز محسوب می‌گردید و نخست افراد اندکی هم این خطر را به جان پذیرفتند و با ایمان استوار و عشق به اسلام و گسترش آن، از مکه به مدینه هجرت کردند. در آن میان، مردی که سودای ازدواج با زن زیبایی به نام «امّ قیس» را در سر داشت، بدین منظور به مدینه مهاجرت کرد. امّیا، وقتی از نیت آن مرد مطلع شدند، به جای «مهاجر فی سبیل الله» از او «مهاجر امّ قیس»، کسی که به خاطر ازدواج با زن ذکر شده هجرت

ص: ۲۴

نموده، یاد می‌کردند. (۱)

۲- افراد دیگری، غیر از انگیزه مقدّس «هجرت فی سبیل اللّٰه» با غرض‌های تجارت و کسب در آمد عالی هجرت می‌کردند و این موضوع به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فقط اعمالی که بر پایه نیت‌های خالصانه صورت می‌گیرد، ارزش دارد و هر کس نتیجه نیت خویش را دریافت می‌دارد. هر کس هجرت او برای خدا و رسول صلی الله علیه و آله باشد، از سوی آنان پاداش می‌گیرد، و هر کس هجرت او برای رسیدن به مال دنیا، یا برای ازدواج با زنی باشد، هجرت او همین گونه محسوب خواهد شد و پاداش او هم از همین ناحیه است. (۲)

۳- در یکی از جنگ‌ها، فردی ابتدا به منظور جهاد در راه خدا شرکت کرد، امّا پس از پایان جنگ، وی برای به دست آوردن و تصرف نمودن وسایل و چهارپایی به عنوان غنیمت به میدان جنگ رفت و از جانب صاحب آن «مرکب سواری» مورد هجوم قرار گرفت و کشته شد و «قتیل الحمار» لقب گرفت، یعنی کشته شده در راه چهارپا. (۳)

۴- ابوبصیر، که از بینایی چشم محروم بود ولی سروصدا را می‌شنید، یک سال در مکه، در حالی که امام باقر علیه السلام هم حضور داشت، به آن حضرت عرض کرد: چقدر حاجیان زیاد هستند! و چقدر ضجّه و ناله و راز و نیاز آنان فراوان است! امام علیه السلام، (با توجه به چشم بصیرت خویش) در پاسخ ابوبصیر فرمود: بَلْ مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجِ وَأَقَلَّ الحَجِيجِ ... (۴)

۱- ۱. محجّة البیضاء، ج ۸، ص ۱۰۴، جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۱۳، العبادة فی الاسلام، ص ۱۶۳.

۲- ۲. محجّة البیضاء، ج ۸، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۳- ۳. همان.

۴- ۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۸۴.

ص: ۲۵

آری، ضجّه و سروصدا خیلی زیاد است، ولی حاجیان واقعی (که نیت‌های خالص و عمل سالم داشته باشند) بسیار اندک هستند!

۵- پدر حنظله غسیل الملائکه به نام ابوعامر راهب، رئیس قبیله اوس، به عنوان راهب، سمت پیشوای دینی مردم را به عهده داشت و وعده ظهور پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را به مردم داده بود، وقتی با گسترش اسلام موقعیت خود را متزلزل دید به مکه مهاجرت کرد و با پیوستن به کافران از تکمیل کنندگان جبهه کفر و تشکیل دهندگان جنگ احد و از شرکت کنندگان فعال در آن جنگ بر رسول الله صلی الله علیه و آله گردید، که در نتیجه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را فاسق نامید. (۱)

همچنین عبدالله بن ابی بن سلول که پدر و یا برادر جمیله، همسر حنظله می‌باشد از مخالفین رسول الله صلی الله علیه و آله بوده که جبهه مخالف علیه رسول الله صلی الله علیه و آله را تشکیل داده بود و با دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله همکاری می‌کرد، اما حنظله با توجه به انگیزه الهی و همت جوانمردانه، به مصداق آیه *يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ* (۲)

در سال سوم هجرت هنگام برپایی جنگ احد برای انجام مراسم شب عروسی خود، که آیه قرآن هم در این باره نازل شده بود (۳) از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تأخیر چند ساعت از حضور در جبهه اذن گرفت و سپس در حالی که فرصت انجام غسل جنابت هم نیافته بود، در جنگ احد شرکت کرد و شهید شد و پیامبر صلی الله علیه و آله مشاهده کرد، فرشتگان

۱-۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۵۷.

۲-۲. سوره روم، آیه ۱۹.

۳-۳. سوره نور آیه ۶۳.

ص: ۲۶

میان آسمان و زمین، با آب باران بر روی تختی از نقره او را غسل می‌دهند، وی از آن زمان «حنظله غسیل الملائکة» نامیده شد. (۱)

جوانی که از لحاظ خانوادگی در راه تکامل انسانی خویش از نداشتن زمینه مساعد، با موانع سختی هم مواجه بود، به خاطر نیت و انگیزه معنوی و روح جهاد و فداکاری، بدان مقام بلند دست یافت.

آری، نیت خالصانه برای انجام عبادت، آن قدر سرنوشت‌ساز است که برای دست‌یابی به این مرحله نورانی باید ریاضت فراوان کشید.

امام زین‌العابدین علیه السلام وقتی ماه مبارک رمضان فرا می‌رسید، دعا می‌کرد:

خدایا! همه اعمالم را از ریاکاری و شهرت‌طلبی خالص گردان، تا در انجام وظیفه بندگی تو چیزی را شریک قرار ندهم و در عبادت، جز رضای تو را نخواهم. (۲)

۲ به کجا می‌رویم؟

اشاره

۱- ۱. السیره النبویّه، ج ۳، ص ۷۹ و ۱۳۰.

۲- ۲. صحیفه سجادیّه، دعای ۴۴، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۷.

ص: ۲۷

۲ به کجا می‌رویم؟

ص: ۲۹

۲ به کجا می‌رویم؟

ابراهیم خلیل، جدّ اعلاّی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نسل هشتم از ذریّه «سام بن نوح علیه السلام» حدود ۲ هزار سال قبل از میلاد، در قریه «اور» از توابع «کلده» در شرق «بابل» که بین دجله و فرات قرار داشت و به «سزواد» موسوم گردیده، به دنیا آمد و در آن جا رشد و نمو کرد، و چنانکه در روایت آمده ۱۷۵ سال زندگی نمود. (۱)

قرآن کریم فرموده: نخستین خانه‌ای که، برای پرستش خداوند متعال ساخته شد، در سرزمین مکه قرار داشت. (۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: آیا نمی‌بینید خداوند متعال، مردم جهان را از زمان آدم علیه السلام تا به امروز به وسیله قطعه سنگ‌هایی امتحان کرده است؟ و آن را خانه محترم خود قرارداد، سپس به آدم و فرزندان او دستور داد که، به دور آن طواف کنند؟ (۳)

۱- ۱. دائرةالمعارف القرن العشرين، ج ۱، ص ۱۰، فرهنگ فارسی معین، اعلام، ج ۵، ص ۷۵.

۲- ۲. آل عمران، ۹۶.

۳- ۳. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۲۹۳، خ ۱۹۲.

ص: ۳۰

بنابراین، بر مبنای قرآن کریم، کعبه نخستین خانه مردم و معبد آنان بوده و بنا به فرموده امام علی علیه السلام تاریخ آن هم به زمان حضرت آدم علیه السلام می‌رسد و همچنین طبق بیان امام باقر علیه السلام بازسازی کعبه به هبوط آدم علیه السلام بر می‌گردد. (۱) که به حسب معروف، تاریخ آن به حدود ۶ هزار سال قبل می‌رسد. (۲)

درباره اهمیت این خانه محترم که در سرزمین مقدس قرار دارد و از روزگار آدم علیه السلام تاکنون، یعنی حدود ۶ هزار سال، مرکز طواف و عبادت انسان‌های فراوانی بوده است، باید این جهات را مورد توجه جدی قرار دهیم:

معبد پیامبران و امامان علیهم السلام

۱- دعوت‌کننده زائران برای اعمال حج، حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام است، که خداوند به او دستور داده از مردم برای برگزاری اعمال حج دعوت عمومی به عمل بیاور، تا (حتی) پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر، از هر نقطه دوردست (به سوی خانه خدا) بیایند. (۳)

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرموده‌اند: وقتی خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام دستور داد، خانه کعبه را بنا کنند و ستون‌های آن را بالا ببرد، و مناسک حج را برای مردم به نمایش گذارد، ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام هر روز یک ردیف از دیوار کعبه را بالا می‌بردند، تا به محلّ حجراً الأسود

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۸۶.

۲- ۲. دائرةالمعارف قرن العشرين، ج ۱، ص ۱۲۳.

۳- ۳. حج، ۲۷.

ص: ۳۱

رسید ... پس از نصب حجرالأسود، اعلام کرد: ای مردم! من ابراهیم خلیل الله هستم، خداوند به شما دستور می‌دهد حج خانه او انجام دهید، همه مردم تا روز قیامت دعوت ابراهیم را پذیرفتند، اولین گروهی که این دعوت را پاسخ دادند، از اهل «یمن» بودند و نیز خود حضرت ابراهیم علیه السلام با همسر و فرزندش حج انجام دادند. (۱)

در بیان دیگری از امام صادق علیه السلام وارد شده: وقتی ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام دستور بنای خانه خدا را دریافت کردند و آن را به پایان رساندند، ابراهیم روی «رُکن» نشست و اعلام کرد، هَلُمَّوا إِلَيَّ الْحَجَّ ... ای مردم! برای انجام حج بشتابید، آن گاه خداوند صدای او را به گوش همه مردم رسانید و حتی انسان‌هایی هم که در پشت پدران و رحم مادران بودند، این ندا را شنیدند و لبیک گفتند. (۲)

۲- امام باقر علیه السلام فرموده است: سلیمان بن داود، در حالی که جنّ و انس و پرندگان و باد او را همراهی می‌کردند و لباس خانه کعبه، پارچه «قبطی» مصری بود، حج خانه خدا را انجام داد. (۳)

۳- همچنین آن حضرت فرمود: موسی بن عمران، از «رَوْحَاء» که درّه‌ای بود و سی یا چهل میل تا مدینه فاصله داشت، در حالی که هفتاد پیامبر همراه او بودند و هریک دو قطعه پارچه بافت کوفه (احرام) به تن داشتند، لبیک می‌گفتند و به مکه رسیدند و عمل حج را انجام دادند. (۴)

۴- امام صادق علیه السلام از حجّ یونس بن مَتَّى و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۲۰۵، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۵.

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۲۰۶، محجّة البیضاء، ج ۲، ص ۱۴۶.

۳-۳. کافی، ج ۴، ص ۳۱۳، بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۷۵.

۴-۴. کافی ج ۴، ص ۴-۲۱۳، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۱.

ص: ۳۲

سخن به میان آورده است. (۱)

۵- و نیز فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ده بار، مخفیانه حج انجام داد، و در روایت دیگری مجموع حج‌های آن حضرت را بیست بار شمرده است. (۲) مرحوم فیض کاشانی قدس سره برای جمع بین این دو روایت، ده مورد آن را (به اضافه یک حج پس از هجرت) مربوط به بعد از بعثت دانسته و الباقی را مربوط به قبل از بعثت (۳)، چنانکه فیض و علامه مجلسی، با توجه به اشاره قرآن (إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ...)، (۴)

علت آن را این جهت دانسته، که اعراب جاهلیت به خاطر گرمای هوا یا خستگی از پی‌درپی بودن سه ماه از ماه‌های حرام، آن‌ها را جابجا می‌کردند و انجام علنی حج در ماه‌های حرام از سوی آن حضرت با مخالفت و آزار آنان مواجه می‌شد و بدین جهت آن حضرت مخفیانه حج انجام می‌داد. (۵)

همچنین طبق روایت امام صادق علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت و ده سال اقامت در مدینه، که دستور وجوب حج برای مسلمانان رسید، آماده انجام «حج وداع» شد، به مؤذنان دستور داد به اهالی محل‌های بالا و پایین مدینه اعلام کنند، برای انجام حج آماده شوند و هیچ مسلمانی در مدینه نماند جز این که آماده حج گردید، آنگاه حضرت، روز ۲۴ ذی‌قعدة در حالی که همه مسلمانان همراه او بودند، به «ذو خلیفه» رسید، بعد از ظهر غسل کرد و احرام بست، همسران آن حضرت نیز همراه بودند و در حالی

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۲۱۳.

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۴۵-۲۴۴، بحارالانوار، ج ۲۱، ۳۹۸، بحارالانوار، ج ۹۶ ص ۴۰.

۳- ۳. همان.

۴- ۴. سوره توبه، آیه ۳۷.

۵- ۵. کافی، ج ۴، ص ۲۴۵، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۹۵.

ص: ۳۳

که احکام حج را به همگان می‌آموخت روانه مکه شدند. (۱)

۶- امام علی علیه السلام در سال دهم هجرت، که در سفر مأموریت تبلیغی در «یمن» به سر می‌برد، خود را به مکه رسانید و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله حج انجام داد (۲) و در مجموع آن حضرت همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله ده حج انجام داده است.

(۳)

۷- امام صادق علیه السلام فرموده است: امام حسن مجتبی علیه السلام ۲۵ بار حج، با پای پیاده و بدون مرکب انجام داد. (۴)

۸- امام حسین علیه السلام ۲۵ بار حج با پای پیاده انجام داده و افراد برگزیده‌ای هم آن حضرت را همراهی می‌کردند. (۵)

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت زین العابدین علیه السلام ۲۰ بار حج انجام داد و با مرکبی که سفر حج می‌کرد، حتی یک شلاق هم به آن حیوان نزد. (۶)

در روایت دیگری از آن حضرت وارد شده، امام زین العابدین علیه السلام بر آن شتری که سوار شده بود، چهل حج با آن انجام داده بود. (۷)

۱۰- حماد بن عیسی که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام است، از حضرت درخواست می‌کند تا برای وی دعا کند که دارای خانه و زن شایسته و فرزندان صالح و خدمتگزار گردد و نیز ۵۰ حج بتواند انجام دهد،

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۲۴۵، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۹۵.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۳۸۹.

۳- ۳. بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۷، المناقب، ج ۲، ص ۱۲۳.

۴- ۴. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۹، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۹.

۵- ۵. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۳.

۶- ۶. بحارالانوار، ج ۴۶، ۶۲ و ۷۱.

۷- ۷. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۹، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۹.

ص: ۳۴

امام علیه السلام برای او دعا می‌کند و حماد به خواسته‌های خود می‌رسد و به انجام ۵۰ مرتبه حج هم موفق می‌گردد. (۱)

سراسر قداست و شرافت

از بیان آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که سفری را آغاز می‌کنیم، و به سرزمینی قدم می‌گذاریم و به طواف و انجام مناسکی می‌پردازیم، که حداقل از ۶ هزار سال پیش تا کنون، حضرت آدم، ابراهیم خلیل، سلیمان بن داوود، موسی بن عمران، یونس، عیسی بن مریم علیهما السلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام، سایر امامان علیهم السلام و خلاصه، میلیون‌ها مؤمن و عابد و زاهد و صالح، بارها در آن مکان مقدّس به عبادت و اطاعت و راز و نیاز با خدا پرداخته‌اند و به مقام‌های بلندی از عبودیت و بندگی و سرانجام رشد و تکامل انسانی دست یافته‌اند.

اکنون برای این که، موقعیت خویش و قداست و شرافت سرزمینی را، که بدان وارد می‌شویم، به منظور بهره‌مندی معنوی بیشتر مورد توجه داشته باشیم، نام‌های پرمحتوا و معناداری را که، خداوند متعال برای خانه خویش و خانه ما انتخاب کرده مرور می‌کنیم و مورد دقت قرار می‌دهیم:

۱- مکه را خداوند «خانه مردم» (۲) یعنی، خانه خود ما قرار داده، تا بدون تشریفات و زرق و برق، به صورت خودمانی وارد آن شویم و بدون هرگونه تکلفی بیاساییم و حداکثر بهره‌برداری معنوی را از آن ببریم.

۱- ۱. بهجه الآمال فی شرح زبده المقال، ج ۳، ص ۳۶۴، سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۱۰.

۲- ۲. آل عمران، ۹۶.

ص: ۳۵

۲- آن جا، مسجد الحرام (۱) است و باید احکامی را که در مورد آن ذکر شده رعایت کنیم.

۳- آن جا، بلد الامین (۲)

و شهر دارای امتیت برای انسان‌ها و سایر مخلوقات است، تا در پرتو آن، بهتر بتوان اخلاق و رعایت حقوق اجتماعی را آموخت و برای معاشرت با دیگران خود را پرورش داد.

۴- شاید تاکنون، به بسیاری از شهرها و سرزمین‌ها مسافرت کرده باشیم، امّا این بار به «امّ القری (۳) یعنی، مادر شهرها سفر می‌کنیم، همچون فرزندان به آغوش مادر پناه می‌بریم، مادر شهرها، جایگاه مقدّس، صمیمی و گرم و مهربانی است، که توحید ناب، دلدادگی پاک، صفای عمیق، معرفت نورانی و خلاصه دانش و تمدنی را، که همه شهرها و همه انسان‌ها از آن آموخته‌اند، به ما می‌آموزد و ما با دریافت چشم‌انداز عالمانه و تمدّانه‌ای، به مرحله بلندی از ایمان و تعالی انسانی قرار می‌گیریم.

۵- خانه کعبه «بیت عتیق» است (۴) یعنی، خانه کهن و قدیمی، امّا با توجه به این که «عتیق» از مادّه «عتق» یعنی «آزاد» است، طبق بیان امام صادق علیه السلام این نامگذاری بدین جهت بوده، که خانه کعبه از غرق شدن مصون مانده است (۵) یا طبق بیان امام باقر علیه السلام کعبه بیت عتیق نامیده شده، چون کسی حقّ سکونت یا مالکیت آن را ندارد. (۶)

۱- ۱. انفال، ۳۴.

۲- ۲. تین، ۳.

۳- ۳. شوری، ۷.

۴- ۴. حج، ۳۳.

۵- ۵. علل الشرایع، ج ۱، باب ۱۴۰.

۶- ۶. همان.

ص: ۳۶

آری، حال که به «خانه آزاد» قدم می‌گذاریم، باید درس آزادی و آزادگی بیاموزیم و طبیعی است برای دست یافتن به آزادی واقعی، شرط نخست این است، که جان و روح خویش را از قید و بند گناهان ویرانگر و اوهام و خیالات و آلودگی‌های فکری و اخلاقی منحط آزاد گردانیم و به مرحله بالاتر از تعالی و انسانیت قرار گیریم، تا تأثیر سازندگی حج، در فکر و اندیشه و اخلاق و رفتار ما، تحقق عینی یابد.

به هر حال، اکنون که به سوی «خانه خدا» و خانه خود» رهسپار می‌شویم، باید دو موضوع مهم را نیز پیوسته مدنظر داشته باشیم. الف: به مکان مقدسی می‌رویم، که نقطه نقطه آن شاهد سیزده سال رنج‌ها و تلاش‌ها و سختی‌ها و تحمل شکنجه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب و یاران باوفایش از سوی دشمنان برای جلوگیری از گسترش آئین مقدس اسلام بوده و بالاخره، از ۱۱۴ سوره قرآن کریم، ۸۸ سوره آن در مکه نازل شده است.

ب: امام صادق علیه السلام فرموده: الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَقَدْ لَلَّهِ، اِنْ سَأَلُوهُ اَعْطَاهُمْ، وَاِنْ دَعَوْهُ اَجَابَهُمْ وَاِنْ سَفَعُوا شَفَعَهُمْ ... (۱)

حج و عمره کنندگان، میهمان خداوند هستند، اگر چیزی درخواست کنند خداوند به آنان عطا می‌نماید و اگر دعا کنند، دعای آنان را مستجاب می‌گرداند و اگر از ذات حق شفاعت جویند، خداوند شفاعت آنان را می‌نماید.

بنابراین، ما زائران خانه خدا باید توجه داشته باشیم، که به میهمانی خدا می‌رویم و میهمان ذات مقدس پروردگار عالم، درحرم او و در خانه

ص: ۳۷

او هستیم، آن جا، خانه خود ماست، چون بدون تشریفات معمول متظاهرانه بدان وارد می‌شویم. و خانه خداست، بدین لحاظ که باید ادب ورود و شرط رضای حق را فراهم آوریم.

حال، چقدر برای این میهمانی مهم خود را آماده کرده‌ایم؟ با چه قلبی، با چه نیتی، با چه حالی؟ با چه مالی؟ و با چه معرفتی؟ پیرامون آداب این میهمانی، در فصل‌های آتی توضیح خواهیم داد.

ص: ۳۸

۳ با کاروان نور

اشاره

ص: ۳۹
۳ با کاروان نور

ص: ۴۱

۱ با کاروان نور

آهنگ روح نواز لیبک زنان و مردان زائری که احرام بسته‌اند و در جای جای اطراف میقات به صورت گروه‌های متشکل، خود را آماده حرکت می‌کنند، فضا را عطر آگین ساخته و نغمه‌های پرطنین توحید، جلوه و حال و هوای ملکوتی‌ای به وجود آورده است. این سرزمین، همان مکانی است، که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آن احرام بست و برای آموزش زائران، لیبک را با صدای بلند بیان می‌کرد و انبوه مؤمنینی که آن حضرت را همراهی می‌کردند، با صدای بلند نغمه‌های دل‌نشین لیبک را دست‌جمعی و با لحن عربی هماهنگ و جذابی تکرار می‌نمودند. (۱)

کلمات لیبک، صرفاً الفاظی نیستند، که فقط با گفتن آن به صورت عادی کافی باشد، بلکه ادای این کلمات متابعت از ابراهیم و موسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام است، که توجه جدی به معنا و مفهوم و

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۲۴۵ و ۲۴۱.

ص: ۴۲

شرایط و لوازم آنها ضروری می‌باشد. لَبَّيْكَ، اقرار به توحید و اطاعت و عبادت و به صورت یک قرارداد و تعهد سپاری میان بنده و خداوند است، بدین جهت، به قصد و معنای آن توجه جدی لازم است.

ملاحظه کنید، امام صادق علیه السلام، که ما از پیروان آن حضرت هستیم، درباره احرام و لَبَّيْكَ، چگونه سخن گفته؟ و چه حال و هوا و برداشتی داشته است؟

مالک بن انس اصبحی مدنی (۹۵-۱۷۹ ه. ق) پیشوای مذهب «مالکی» و صاحب کتاب «الموطأ» (۱) که از شاگردان امام صادق علیه السلام بوده و فقیه مدینه نامیده می‌شده، می‌گوید: یک سال همراه جعفر بن محمد حج انجام می‌دادم، وقتی مرکب حضرت او را به میقات رسانید از هر سو فریاد لَبَّيْكَ بلند بود، چون آن حضرت خواست لَبَّيْكَ بگوید، سخت منقلب شد و هر چه تلاش کرد، صدایش از گلو برای ادای لَبَّيْكَ بیرون نمی‌آمد، تا جایی که بر اثر انقلاب روحی نزدیک بود از روی مرکب به زمین سقوط کند! مالک می‌گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله! ناچار باید تلبیه بگویی.

فرمود: یا ابنِ اَبیِ عامر! کَیْفَ أُجَسِّرُ أَنْ أَقُولَ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» وَأَخْشَى أَنْ يَقُولَ عَزَّ وَجَلَّ [لِي]: لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدَيْكَ. (۲)
ای پسر «ابی‌عامر» به کدام جرأت بگویم: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، در حالی که بیم دارم، خداوند متعال بگوید: لَبَّيْكَ (واقعی) نگفته‌ای و سعادت‌مند

۱-۱. سفینه البحار، ج ۴، ص ۴۰۴، ملک.

۲-۲. الخصال، ج ۱، ص ۱۶۷، علل الشرایع، ص ۲۳۵، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۹۷.

ص: ۴۳

نشده‌ای! زیرا شرط «لئیک» اطاعت پیوسته خداوند است، که به دنبال آن، سعادت جاویدان خواهد بود.

آزمون و زمینه سازی

نیت تقرب به ذات مقدس خداوند و اطاعت از پروردگار عالم هستی، برای انجام حج، که با احرام و لئیک شروع می‌شود، لوازم و تعهداتی را عملاً می‌طلبد، که برای ورود به مراحل بعدی اعمال و مناسک حج، می‌توان آن را «دوران آزمونی بزرگ» دانست و در نتیجه، برای سرفراز بیرون آمدن از این آزمون، هوشیاری، مراقبت، جهاد نفس و حتی ریاضت سختی را باید تحمل نمود.

غیر از جهاتی که در بالا بیان شد، استمداد و مددجویی از «ربّ البیت» ضروری خواهد بود، و اگر فاصله بین میقات «محلّ مُحرم شدن» تا مکه را شبانه طی کنند، می‌توانند با زمزمه‌های لئیک و راز و نیاز در تاریکی شب، و فکر و اندیشه، و محاسبه نفس، و انابه و توبه، زمینه روحی و فکری را در نهاد خویش، برای لقای دوست فراهم گردانند، و آمادگی «قرب» را تقویت نمایند.

هیچ کس نیست، که در کوی تو اش کاری نیست هر کس آن جا، به طریق هوسی می‌آید

کس ندانست، که منزلگه معشوق کجاست؟ این قدر هست، که بانگ جزسی می‌آید (۱)

لازم است همه خواهران و برادران و جوانان عزیز این نکات را مورد

ص: ۴۴

توجه قرار دهند و آمادگی لازم را در خود پدید آورند. این هدف متعالی و تربیتی از دو راه «زمینه‌سازی» و «خودداری از یک سلسله رفتارهایی» که به خاطر احرام ممنوع گردیده، به دست می‌آید. درباره این زمینه‌سازی، که آن را مراقبت و آزمون بزرگ گفته‌اند و پیوسته باید مورد توجه باشد، امام صادق علیه السلام فرموده است:

إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَزِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ كُلِّ شَاعِلٍ وَحِجَابٍ، وَفَوِّضْ امْرُورَكَ إِلَى خَالِقِهَا، وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ حَرَكَاتِكَ وَسَكِّنَاتِكَ. (۱)

هرگاه تصمیم به انجام حج گرفتی، دل خود را از هر چیز مشغول کننده و بازدارنده و از هر حجاب و پرده مانع شونده‌ای جدا و آزاد گردان و متوجه و تسلیم خداوند متعال باش و همه کارهای خود را به خالق خویشتن واگذار، و در همه حرکات و سکانات خود، به خداوند توکل و اعتماد داشته باش.

تو کز سرای طبیعت، نمی‌روی بیرون کجا به سوی حقیقت، گذر توانی کرد؟

جمال یار ندارد، نقاب و پرده ولی غبار ره‌نشان، تا نظر توانی کرد

دلا ز نور هدایت، گر آگهی یابی چو شمع خنده‌زنان، ترک سر توانی کرد (۲)

به هر حال، از فرصت شب، از چشمک ستارگان، از شعار لبیک گویان

۱-۱ مصباح الشریعه، ص ۱۴۲، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۲.

۲-۲ حافظ، دیوان، ص ۱۰۲.

ص: ۴۵

کاروان‌ها، از سکوت دیگران، از موقعیت به دست آمده، از فکر و اندیشه، از محاسبه نفس، از استمداد از خدا، از توسل به اولیای الهی و از دعا و تقاضا و خلاصه از هر وسیله ممکن صحیح برای تقویت ایمان و حالات معنوی، باید استفاده نمود و با بذر سالم «نیت خالصانه» باید درخت وجود را برای پرورش و دادن میوه‌های شیرین معنوی، به بار نشانید.

مراقبت سخت

زائر خانه خدا، احرام بسته است تا از بعضی از لذایذ مادی و دنیایی محروم شود و در پرتو آن بتواند با خدا مرتبط گردد و رعایت این جهت، که آن را «آزمون بزرگ» نامیدیم، مراقبت فراوانی را می‌طلبد، تا برای تربیت و خودسازی و درک حضور، گام‌های تازه برداریم.

با توجه به این که منشأ عمده گناهان و لغزش‌ها، به خصوص در حال احرام و حج، می‌تواند «شهوت جنسی» و گناهان از سوی «زبان» باشد، قرآن کریم فرموده است: *فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ*. (۱)

«کسانی که (با احرام و شروع به اعمال) حج را بر خود فرض و واجب کرده‌اند (باید توجه داشته باشند)، در حج، آمیزش جنسی با همسران، و گناه و جدال نباید صورت بگیرد.»

رفتارها و اعمالی را که زائران مُحْرِم باید از آن‌ها پرهیز کنند، عبارتند از:

ص: ۴۶

- ۱- شکار حیوان وحشی صحرائی.
- ۲- آمیزش جنسی و هرگونه لذت‌جویی در این رابطه.
- ۳- برقرار نمودن عقد ازدواج.
- ۴- استمناء.
- ۵- پوشیدن لباس دوخته برای مردها.
- ۶- استعمال عطر و بوی خوش.
- ۷- سرمه کشیدن.
- ۸- در آئینه نگاه کردن.
- ۹- پوشیدن کفش و جوراب برای مردها به گونه‌ای که روی پا را بگیرد.
- ۱۰- فسوق و فحش و فخرفروشی.
- ۱۱- جدال و سوگند خوردن.
- ۱۲- کشتن حیواناتی که در بدن ساکن می‌شوند.
- ۱۳- انگشتر به دست کردن به منظور زینت.
- ۱۴- پوشیدن زیور برای زن به جهت زینت.
- ۱۵- روغن مالیدن به بدن.
- ۱۶- زایل کردن موی بدن.
- ۱۷- خودداری مرد از پوشیدن سر خود.
- ۱۸- پرهیز زن از پوشانیدن صورت خود.
- ۱۹- سایه قرار دادن مرد بالای سر خود.
- ۲۰- بیرون آوردن خون از بدن.
- ۲۱- ناخن گرفتن.
- ۲۲- دندان کشیدن.

ص: ۴۷

۲۳- کندن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده است.

۲۴- حمل سلاح. (۱)

درباره رمز و راز و فلسفه رفتارهایی که مُحرم باید از آنها خودداری کند، این جهات را لازم است مورد توجه داشته باشیم:

۱- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فَمَنْ فَرَضَ ... فرموده: آن گاه که مُحرم شدی، باید پیوسته خدا را در نظر داشته، پرهیزگار باشی، یاد و ذکر خدا زیاد نموده، کم سخن بگویی مگر این که سخن خیری باشد، زیرا از شرایط تکمیل حج و عمره این است، که انسان زبان خویش را از هر ناروایی حفظ گرداند، چون خداوند متعال فرموده:

فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ. (۲)

منظور از «رَفَث» عمل جنسی است، و منظور از «فُسُوق» دروغ و دشنام است، و منظور از «جِدَالَ» این است، که کسی «لا والله» و «بلی والله» یعنی، نه به خدا، آری به خدا بگوید (و این گونه سوگند بخورد) همچنین از هر گونه فخرفروشی و سخن زشت و قبیح باید پرهیز داشته باشی ... (۳)

فتیومی و دیگران درباره «فسق» می نویسند: فسق خارج شدن از اطاعت است و اصل آن، خارج شدن چیزی از جای خود است، به گونه‌ای که موجب فساد آن چیز گردد. گفته می شود: فَسَقَتِ الرُّطْبَةُ عَنْ قِشْرِهَا، یعنی، رطب از غلاف خود بیرون آمد ... (۴)

۱-۱. برای توضیحات بیشتر، به مناسک حج مراجعه شود.

۲-۲. بقره، ۱۹۷.

۳-۳. کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴.

۴-۴. مصباح المنیر، ص ۴۶۷، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۷۶.

ص: ۴۸

بنابراین، هر چیزی از جایگاه خود خارج شود، آن چیز فاسق است و انسان هم، که از حوزه اطاعت خدا و محدوده انسانیت خویش تجاوز کند، فاسق و فاسد می‌گردد، و طبق فرموده قرآن: قول و ادّعی او مسموع نیست (۱). چنانکه با فسق و فساد، کیان شخصیت و انسانیت خویش را در هم شکسته است.

۲- داستانی را، که سعدی شیرازی درباره نکوهش زائران محرمی که گرفتار «فسوق و جدال» شده بودند، بیان می‌کند، هشدار دهنده و آموزنده است. وی می‌نویسد: سالی، نزاعی در پیادگان حجیج (حاجیان) افتاده بود و داعی (بنده) در آن سفر هم پیاده انصاف در سر و روی هم فتادیم و داد فسوق و جدال بدادیم، کجاوه‌نشینی را شنیدم، که با عدیل (هم‌کجاوه) خود می‌گفت: یاللعجب! پیاده عاج (دندان فیل ساخته نشده) چون عرصه شطرنج به سر می‌برد، فرزین می‌شود، یعنی به از آن می‌گردد که بود، و پیادگان حاج بادیه (که به خاطر پیاده بیابان پیمودن باید بهتر شوند) به سر بردند و بتر شدند!

از من بگوی، حاجی مردم گرای را کو پوستین خلق، به آزار می‌درد

حاجی تو نیستی، شتر است از برای آنک بیچاره خار می‌خورد و بار می‌برد (۲)

۳- درباره رفتارهایی که زائر خانه خدا در حال احرام، برای چند ساعت یا چند روز باید مراقبت کند و گاهی هم برای برخی سخت، دست

۱- ۱ حجرات، ۶.

۲- ۲ متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی، ص ۱۱۴.

ص: ۴۹

و پاگیر و رنج آور است و می‌خواهند زود از قید و بند آن آزاد گردند، باید توجه داشته باشیم، که در این پرهیزها و خودداری‌ها و مراقبت‌ها، ممکن است اسرار و فلسفه سازنده و تعالی‌بخشی نهفته باشد.

اگر از آمیزش جنسی و لذت‌جویی طبیعی و مُجاز نهی شده، بدین خاطر است، که با تمرین خویشتن‌داری از لذت حلال، به لذت معنوی و برتر عرفانی دست یابیم.

اگر از پوشیدن لباس دوخته، کفش و جوراب و در آئینه نگاه کردن و سرمه کشیدن و روغن مالیدن به بدن جلوگیری به عمل می‌آید، بدین جهت است، که تا حدّ زیادی «خود را» فراموش کنیم، سادگی و بی‌پیرایگی را پیش گیریم و به «سیرت زیبا» نایل گردیم.

اگر از شکار و کشتن حیوانات و حتّی کشتن جانوران و حشرات کوچک، منع شده‌ایم، باید این درس را بیاموزیم، که خشونت بی‌جا و حتّی ستم به حیوانات بی‌گناه و بی‌دفاع، نه تنها در آن زمان، بلکه در سایر مراحل زندگی هم کار نامناسبی است و بالاخره؛ به قول فردوسی:

میازار موری، که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

اگر از فسوق و دروغ و فحش و فخرفروشی و نارواگویی در حال احرام، نهی به عمل آمده، این کار یک دوران تمرینی است تا پس از آن هم در طول زندگی، مهار زبان و عفت کلام و پرهیز از سوگند ناروا و خودداری از لغزش‌های دیگر را شیوه گفتاری خویش قرار دهیم، با زبان، آتش‌افروز و نیش‌زن نبوده و به قول سعدی «مردم گزای» نباشیم.

ملاحظه کردیم، زائر مُحرم، حقّ‌کنند گیاهی را که در حرم روییده

ص: ۵۰

ندارد و حتی استمرار حیات گیاهان هم باید از طرف زائر خانه خدا مصونیت داشته و از این ناحیه مرتکب جفا و تجاوزی نگردد. بنابراین «تروک احرام» یک دوره تمرین‌های جدی است و برای پرهیز از خودآزاری با کشیدن دندان و زایل کردن موی از بدن، تمرین خودسازی برای مهار زبان از ستم در حق انسان‌ها، و خودداری از ستم در حق حیوانات و حشرات و رعایت حق حیات گیاهان و نباتات.

زائران احرام بسته، در آن حال چنان غرق در ایمان و عبادت و حالات معنوی و عرفانی و صعود به مراحل بلند ایمان و اطاعت می‌شوند که هم زنان مُحرم نباید «گردی صورت» خود را بپوشانند، و هم مردان وظیفه دارند، به زنان نگاه شهوت‌آلود نکنند و از این ناحیه نیز به تمرین ترک گناه، مهار شهوت و خودداری از چشم‌چرانی اقدام کنند.

۴- آیه: فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ (۱)

یعنی، پس به سوی خدا بگریزید، به انجام حج برای خدا تفسیر شده (۲) و زائرانی، که شهر و دیار و زندگی خویش را رها کرده و اکنون نیز با «احرام»، از انجام اموری محروم شده‌اند، با رهایی و فرار از گناهان و ناامنی‌ها، به وادی امن و آستان قرب الهی می‌گریزند، یعنی «فرار از همه» و «فرار به سوی خداوند» با آن همه فکر و اندیشه، تدارک دیدن، مُحرم شدن، تمرین، مراقبت دست و پا و چشم و گوش و زبان و قلب، همه به سوی خدا و تقرب به ذات حق. و این بود گوشه‌ای از اسرار «احرام» که باید سختی آن را تحمل نمود و آداب آن را به جای آورد و با همه حال و هوای معنوی و با همه اعضای

۱- ۱ الذاریات، ۵۰.

۲- ۲ محجة البیضاء، ج ۲، ص ۱۴۶.

ص: ۵۱

برون و درون، زمزمه نمود:

ما بدین در، نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم از بد حادثه، این جا به پناه آمده‌ایم
 رهرو منزل عشقیم وز سرحدّ عدم تا به اقلیم وجود، این همه راه آمده‌ایم
 خطّه سبز تو دیدیم وز بستان بهشت به طلب کاری این مهر گیاه آمده‌ایم
 با چنین گنج، که شد خازن او روح امین به گدایی به درِ خانه شاه آمده‌ایم
 لنگر حکم تو، ای کشتی توفیق کجاست؟ که در این بحرِ کرم، غرق گناه آمده‌ایم
 آبرو می‌رود، ای ابر خطا شوی بیار که به دیوان عمل، نامه سیاه آمده‌ایم (۱)

همچنین، با اشک چشم، توبه و انابه، دل شکسته و ناله مشتاقانه، در حالی که احرام به تن داریم و کاروان به سوی حرم راه می‌پیماید، زمزمه کنیم:

من بنده حضرت کریمم پرورده نعمت قدیمم
 گر بی هنرم و گر هنرمند لطف است امیدم، از خداوند
 با آنکه، بضاعتی ندارم سرمایه طاعتی ندارم

ص: ۵۲

او چاره کار بنده داند چون هیچ وسیلتش نماند
ای بار خدای عالم آرای! بر بنده پیر خود ببخشای
سعدی! ره کعبه رضا گیر ای مرد خدای! در خدا گیر
بدبخت کسی که، سر بتابد زین در، که دری دگر بیاید (۱)

۴ احرام در میقات

اشاره

۱-۱ متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی، ص ۶۲.

ص: ۵۳

۴ احرام در میقات

ص: ۵۵

۴ احرام در میقات

مژده رفتن به «میقات» در شجره یا جُحْفَه یا جاهای دیگر، و بستن «احرام» در آن، زائران دلداده خانه خدا را، به شوق و شیدایی وصف ناپذیری می‌رساند.

آرزوهای طلائی، به هدف نزدیک می‌شود و موج شادی چهره‌های پیر و جوان را به طراوت و شادابی معناداری تبدیل می‌کند. همه، به میقات می‌روند، آنان که از مدینه بار بسته‌اند، به «ذوالْحُلَيْفَه» در «مسجد شجره» و آنهایی که از «جَدّه» می‌آیند، در سرزمین «جُحْفَه» و مسجدی که در آن جا تأسیس شده و افرادی که از سایر جاها به مکه می‌شتابند، در میقات‌های دیگر، برای شروع اولین عمل، از اعمال پنج‌گانه عمره، که بخشی از حج تمتع است، یعنی «احرام» اقدام می‌کنند. (۱)

۱-۱. میقات‌های دیگر، طبق روایات، عقیق: برای اهل عراق و نجد، یَلْمَلَم: میقات اهل یمن، قَرْنُ الْمَنَازِل: میقات اهل طائف، مکه: میقات حج تمتع، دُوْبِرَةُ الْأَهْلِ: میقات کسانی که خانه‌های آنان از میقات‌های پنج‌گانه نزدیک‌تر است. محاذات میقات: میقات کسانی که از راهی عبور می‌کنند، که نمی‌توانند به یکی از میقات‌ها بروند. أدنی الحل: میقات عمره مفرده، که بعد از حج افراد و قران یا با وجود سایر شرایط، بعد از عمره مفرده یا حج تمتع انجام می‌شود، میقات فُخّ: که فی الجمله میقات کودکان می‌باشد. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۹۰-۱۶۶، و کافی، ج ۴، ص ۳۱۹.

ص: ۵۶

میقات، واژه قرآنی و حدیثی است، خداوند می فرماید: *يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ... (۱)*. درباره هلال‌های ماه از تو سؤال می کنند، بگو آن‌ها بیان اوقات برای نظام زندگی مردم و تعیین وقت حج است. وقت، بخشی از زمان است، اما در مورد مکانی، که عملی در آن انجام می شود، به کار گرفته شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: *وَمِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ تَحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَقَّتَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۲)*. از جمله شرایط تکمیل حج و عمره آن است، که از مکان‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین کرده، احرام ببندی. فیومی، می نویسد: وقت، مقداری از زمان می باشد، که برای کاری تعیین شده و میقات، که جمع آن «مواقیت» است، به معنای وقت، برای مکان استعاره گرفته شده است، مثل «مواقیت حج» برای مکانی که در آن احرام بسته می شود. (۳)

همچنین در قرآن کریم، محلّ وعده و قرارگاه حضرت موسی علیه السلام

۱-۱. سوره بقره آیه ۱۸۹.

۲-۲. کافی، ج ۴، ۳۱۸، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۴.

۳-۳. مصباح المنیر، ص ۹۲۰، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۳۳.

ص: ۵۷

با خدا میقاتِ رَبِّهِ ... (۱)

و روز ملاقات موسی علیه السلام با جادوگرانی که از سوی فرعون با آن حضرت به مناظره آمده بودند لِمِیقاتِ یَوْمِ مَعْلُومٍ (۲) یعنی، وعده گاه و وقت ملاقات یا «میعاد» مطرح شده است. علامه، مولی احمد نراقی، «متوفای ۱۲۴۵ هجری قمری» می نویسد:

مواقیت، جمع میقات است و منظور از میقات، مکان‌هایی است، که شرع مقدّس برای احرام تعیین کرده و احرام هم، اولین عمل از اعمال حج و عمره می‌باشد، که واجب است در مکان‌های معینی که شرع برای هر گروه و طایفه‌ای مقرر داشته، تا در آن جا محرم شوند انجام می‌گیرد و به اعتبار این که، طوایف و گروه‌ها مختلفند، این میقات‌ها هم متعدّد و مختلف است. (۳)

به هر حال، زائران، برای رسیدن به میقات لحظه‌شماری می‌کنند، گروه‌های مختلف، از نقاط مختلف جهان، با رنگ‌ها، چهره‌ها، زبان‌ها و لهجه‌های متفاوت، امواج چشم‌نواز و لذّت‌بخش انسان‌ها را به وجود آورده و لذّت و شیدایی غروب و شب میقات را، با حضور چشم و دل هم نمی‌توان توصیف نمود. اما به طور کلی، نسبت به آن موج عظیم انسانی، تقسیم‌بندی زیر را می‌توان در نظر گرفت:

- ۱- افرادی، که برای اولین بار به آن نقطه رسیده‌اند و آگاهی لازم ندارند و فقط از جلوه‌های ظاهری آن بهره‌مند می‌گردند؛
- ۲- اشخاصی که، سفر اول را تجربه می‌کنند، امّا در پرتو مطالعه و معلومات تاریخی و دینی و آمادگی‌های معرفتی قبلی، غیر از بهره‌مندی از

۱- ۱. اعراف، ۱۴۲

۲- ۲. شعراء، ۳۸

۳- ۳. مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱۱، ص ۱۶۵

ص: ۵۸

جلوه‌های دلنواز ظاهری، از لذت‌های معنوی نیز سیراب می‌شوند؛

۳- گروهی که، برای بار دوم و یا بیشتر شرف حضور یافته معارف مختلف اندوخته، آگاهی و دانایی لازم کسب نموده و غیر از درک لذت جلوه‌های ظاهری، به دور از هر گونه ریا و ظاهر سازی، با کمال خضوع و تعبد، در بحر عبودیت حق غوطه‌ور می‌شوند و بیش از پیش مورد عنایت پروردگار عالم قرار می‌گیرند.

ما از کدام گروه هستیم؟ در آستانه میهمانی حق چه احساسی داریم؟

چقدر خود را در پرتو عنایت معبود می‌دانیم؟

به هر حال، باید احرام ببندیم، پروانگان سپیدپوش، لباس‌های رنگارنگ را از تن بیرون می‌آورند تا رنگ‌ها را از تن بشویند و زنگ‌ها را از دل بزایند و چون تن پوش سفید، دل را به نورانیت بیاریند. سروصدا زیاد است و نوای زیبایی لبیک فضا را انباشته و عطر آگین ساخته است، آری با این همه نباید غافل باشیم، تانندای جان‌فزای هستی را به گوش جان بشنویم و ادب حضور معمول داریم که:

ما، برون را ننگریم و قال را ما، درون را بنگریم و حال را

ناظر قلبیم، اگر خاشع شود گرچه گفت لفظ، ناخاضع بود

زانکه دل جوهر بود، گفتن عَرَض پس طفیل آمد عَرَض، جوهر عَرَض

آتشی از عشق، در خود برفروز سر به سر، فکر و عبادت را بسوز (۱)

ص: ۵۹

آری، برای احرام بستن، که با پوشیدن دو قطعه لباس ساده برای مردها و لباس‌های سفید معمولی برای زن‌ها، نیت خالصانه و لیبیک گفتن صورت می‌گیرد، دو موضوع مهم را باید تدارک دید و پیوسته آن‌ها را مراعات نمود:

۱- عرفان احرام

گرچه عرفان میقات و احرام را تا حدّی توضیح دادیم و اهل دل، برای دستیابی و دریافت آن، دقت لازم را به کار می‌گیرند، اما به منظور اهمیت این جهت، که شالوده سایر اعمال و مناسک نیز بر آن استوار می‌گردد، اضافه می‌کنیم: تا حدّ زیادی از توجه به ظواهر، سروصداها عوامل حواس پرتی، و سوسه‌های غرورآمیز، خودآرایی، خودفریبی، تحکم، سرگرمی‌ها، متیت و ... باید کاست و خضوع و کوچکی در برابر ذات حق، با توبه و انابه، به زمزمه‌های عابدانه باید افزود.

این توصیه زیبا را ملاحظه کنید: «لباس نمایشگر، در میقات بریز، کفن بپوش، رنگ‌ها را همه بشوی، سپید بپوش، سپید کن، به رنگ همه شو، همه شو، همچو ماری که پوست بیندازد، از «من بودن» خویش به در آی، مردم شو. ذره‌ای شو، در آمیز با ذره‌ها، قطره‌ای گم، در دریا؛ نه کسی باش، که به میعاد آمده‌ای، خسی شو که به میقات آمده‌ای.» (۱)

اطراف «مسجد شجره» که به مناسبت درختی که آن روزها در آن مکان وجود داشته، بدین نام موسوم گشته، غوغایی است و پروانگان سپیدبال برای پرواز «گرد بام دوست» در هیجان هستند، داخل مسجد،

۱- ۱. دکتر علی شریعتی، حج، ص ۳۴، مهر ۱۳۵۰.

ص: ۶۰

زائران دل‌باخته‌ای که از قبل با وضو و غسل تن را تطهیر کرده‌اند، اکنون با نماز نیایش و استغفار و توبه و اشک شوق چشم، به شست و شوی جان می‌پردازند، تا با احرام، از همه کس و همه چیز محروم گردند و به خدا مربوط شوند. مردم دیده ما، جز به زُخت ناظر نیست دل سرگشته ما، غیر تو را ذاکر نیست اشکم، احرام طواف حرمت می‌بندد گرچه از خون دل ریش، دمی ظاهر نیست (۱)

۲- لَبَّيْكَ صَمِيح

اشاره

پس از پوشیدن لباس احرام، واجب است همه زائران، بدین گونه «لَبَّيْكَ» بگویند: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ (۲).
یعنی، آری، خدایا آری، آری برای تو شریکی وجود ندارد، آری این چنین است و به راستی، حمد و ستایش بندگان به تو اختصاص دارد و همه نعمت‌های عالم هستی و حاکمیت بر جهان، از آن توست و در آفرینش و حاکمیت بر هستی، هیچ گونه شریک و همتایی نداری، آری حقیقت چنین است و باز هم برای اقرار و اطاعت تو، آری می‌گویم.
درباره این جملات، که به آن «تلبیه» گفته می‌شود، چند چیز باید

۱- ۱ حافظ، دیوان، ص ۸۷.

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۳۳۵، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۲، محجة البیضاء، ج ۲، ص ۱۶۷، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۹۱، مناسک حج امام خمینی قدس سره، ص ۶۶.

ص: ۶۱

رعایت شود:

- ۱- همانطور که تکبیره الاحرام و سایر کلمات نماز باید به عربی و صحیح تلفظ شود، در «تلبیه» هم این جهت باید رعایت گردد.
 - ۲- توجه به ترجمه و معنای این جمله‌ها، برای بصیرت و معرفت نسبت به عبادت بزرگی که می‌خواهیم انجام دهیم، در ساماندهی فکر و اندیشه ما، نقش تعیین کننده و سازنده‌ای دارد.
 - ۳- اگرچه به هنگام احرام، گفتن یکبار تلبیه کافی می‌باشد، اما تکرار آن مطلوب و دارای پاداش بیشتری است، چنانکه طبق فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله:
- هر کس در حال احرام، از روی ایمان و برای اطاعت خداوند، بدون ریا و اغراض نفسانی هفتاد مرتبه لبیک بگوید، خداوند یک میلیون فرشته را بر او گواه می‌گیرد، که از نفاق و آتش دوزخ برائت جسته است. (۱)
- ۴- موضوع مهمی که طبق روایات فراوان و فتوای مجتهدان، رعایت آن برای صحیح واقع شدن عبادات و از جمله حج، و در نتیجه مقبول واقع گردیدن آنها، مورد تأکید جدی قرار گرفته «تهیه لباس با مال حلال» است.
- طبق حدیثی، که شیخ صدوق و دیگران نقل کرده‌اند، ائمه علیهم السلام فرموده‌اند:
- مَنْ حَجَّ بِمَالٍ حَرَامٍ، نُودِيَ عِنْدَ التَّلْبِيَةِ: لَا لَتَيْكَ عَبْدِي، وَلَا سَعْدِيكَ. (۲)
- هر کس با مال حرام حج انجام دهد، آنگاه که (به منظور اطاعت و

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۶، محجۀ البیضاء، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲- ۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۶، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۲.

ص: ۶۲

پاسخ گویی به دعوت حق) لیبیک می گوید، در پاسخ او از جانب خداوند ندا می‌رسد: نه، بنده من، تو لیبیک واقعی نگفته‌ای و کامیاب و سعادت‌مند نگردیده‌ای!

آری، انجام احرام و حج با مال حلال، که حدّ اقل طّیّ ده حدیث از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و فتاوی مراجع تقلید، مورد تأکید جدّی قرار گرفته، وظیفه واجب است، که زائر خانه خدا، قبل از آغاز سفر باید آن را مورد رسیدگی و اصلاح قرار دهد.

امام باقر علیه السلام فرموده: هر کس از چهار طریق مال و دارایی به دست آورد، در چهار عبادت، عمل او مقبول نخواهد شد: مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ غُلُولٍ، أَوْ رِبَاً، أَوْ خِيَانَةٍ، أَوْ سِرْقَةٍ، لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي زَكَاةٍ، وَلَا صَدَقَةٍ، وَلَا حَجٍّ، وَلَا عُمْرَةٍ. (۱)

هر کس از راه فریب کاری و اختلاس، یا رباخواری، یا خیانت در حقّ دیگران (و بیت‌المال) یا سرقت و دزدی، مال و دارایی‌ای به دست آورد (تا به اصلاح آن اقدام نکند) پرداخت زکات و صدقه و عمل حج و عمره او، مقبول درگاه خداوند نخواهد شد.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: ما خاندانی هستیم، که مخارج حج، مهریه زنان و پول کفن‌های خود را، از اموال پاک و پاکیزه خویش تأمین می‌کنیم. (۲)

با توجه به اهمیت حج، شرایط صحّت آن و آثار تحوّل‌آفرین این عبادت بزرگ در ارتباط با سایر اعمال و عبادات، موضوع «حج با مال حلال» روشن‌تر می‌گردد.

تلبیه و احرام انبیاء علیهم السلام

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۲- ۲. همان.

ص: ۶۳

امام صادق علیه السلام فرمود: لئیک، واجب است و شعار توحید می‌باشد، همه پیامبران الهی علیهم السلام هم لئیک گفته‌اند. اولین کسی که لئیک گفت، حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بود.

آنگاه که خداوند او را به انجام حج و اعلام آن به مردم، برای انجام حج مأمور نمود و آن حضرت این دعوت را انجام داد، هر کس در هر نقطه‌ای بود، در «صُلب مردان» و «در رحم زنان» این دعوت را پاسخ داد و «لئیک» گفت. (۱)

امام باقر و امام صادق علیهما السلام از لئیک گفتن حضرت موسی بن عمران علیه السلام که هفتاد پیامبر آن حضرت را همراهی می‌کردند در حالی که آن بزرگواران، لباس احرام بر تن نموده و دعوت حق را با لئیک پاسخ می‌داده‌اند، مطالب زیادی بیان داشته‌اند. (۲)

درباره تشریح احرام، امام صادق علیه السلام فرموده است: وقتی که بنی اسرائیل قربانی خود را آماده می‌کردند، آتشی پدیدار می‌شد و قربانی هر کسی را که مورد قبول واقع شده بود، می‌خورد، آن گاه خداوند متعال، احرام را به جای آن گونه قربانی نمودن قرار داد. (۳)

همچنین، امام صادق علیه السلام احرام پیامبر صلی الله علیه و آله را در «مسجد شجره» دلیل بر وجوب احرام و متابعت از آن حضرت معرفی کرده است. (۴)

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۳۳۶، تاریخ الامم والملوک، ج ۱، ص ۱۳۴، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۶.

۲-۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۱۹-۴۱۸، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۰ و ۱۱.

۳-۳. کافی، ج ۴، ص ۳۳۵.

۴-۴. علل الشرایع ج ۲ ص ۴۳۳.

ص: ۶۴

درباره «فلسفه تلبیه» غیر از این که روایاتی گفتن شعار توحیدی را متابعت از حضرت ابراهیم خلیل و موسای کلیم و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معرفی می‌کنند، (۱) سلیمان بن جعفر هم می‌گوید:

دلیل و علت «تلبیه» را از امام موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کردم، آن حضرت فرمود: إِنَّ النَّاسَ إِذَا أَحْرَمُوا، نَادَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ، فَقَالَ:

عِبَادِي وَإِمَائِي! لَأَحْرِمَنَّكُمْ مِنَ النَّارِ كَمَا أَحْرَمْتُمْ لِي، فَقَوْلِهِمْ: لَتَيْبِكَ اللَّهُمَّ لَتَيْبِكَ، إِجَابَةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نِدَائِهِ لَهُمْ. (۲)

وقتی مردم محرم می‌شوند، خداوند متعال آنان را ندا می‌کند و می‌فرماید: ای مردان و زنان از بندگان من! شما را از آتش دوزخ محفوظ داشتم، همانطور که شما برای من احرام بستید و آنگاه که آنان لَتَبِیک می‌گویند، پاسخ به ندای خداوند متعال از سوی آنان صورت می‌گیرد.

به هر حال، آن طور که امام صادق علیه السلام درباره بیرون آوردن لباس‌ها و راز پوشیدن لباس احرام فرموده: وَالْبِسْ كَشِيوَةَ الصَّدَقِ، وَالصَّفَا، وَالْخُضُوعِ، وَالْخُشُوعِ ... (۳)

زائر، با پوشیدن لباس احرام، باید لباس صداقت و درستی، صفا و پاکی، خضوع و کرنش و خشوع و دلدادگی و سرانجام لباس اطاعت آگاهانه و مخلصانه را در سراسر زندگی خویش، به تن نماید، تا حج وی، همه زوایای زندگی او را نورانی و مصفا گرداند.

۵ در طواف یار

اشاره

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۳۳۵.

۲-۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۷، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۶.

۳-۳. مصباح الشریعه، ص ۱۴۲، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۲.

ص: ۶۵
۵ در طواف یار

ص: ۶۷

۵ در طواف یار

کاروان‌هایی، که از نقاط مختلف جهان با رنگ‌ها و شکل‌ها و زبان‌های مختلف آهنگ حج کرده‌اند، به مکه نزدیک می‌شوند. عموماً مردان و زنان زائر فرسنگ‌ها راه را پشت سر گذاشته و سختی سفر آنان را خسته کرده است، اما وقتی به شهر مکه نزدیک می‌شوند، با اوج دادن آهنگ ملکوتی **لَيْتِيكَ اللَّهُمَّ لَيْتِيكَ**، فضا را از زمزمه‌های دل‌نشین و شیفتگی محبوب، که با اشک شوق در هم آمیخته، انباشته می‌سازند و خستگی راه را فراموش می‌کنند.

یک عمر آرزو، سال‌ها انتظار، اکنون به میهمانی خدا، در جوار حرم امن الهی، به سرزمین وحی، جایی که به قول یعقوبی: ۸۲ سوره قرآن بر قلب نازنین رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردیده (۱) چون کبوتران سبک‌بال و پروانگان عاشق، با لباس‌های ساده و سفید، که قلب را نورانیت و آرامش می‌بخشد و آراستگی را به اوج رسانده، به جوار رحمت، قرب، توحید،

۱-۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۳.

ص: ۶۸

معبد آدم، نوح، ابراهیم، محمد صلی الله علیه و آله، ائمه علیهم السلام و اوصیا و اولیای الهی می‌شتابند. آهنگ‌ها اوج گرفته و اشک‌ها از گوشه چشم‌ها سرازیر است و دلدادگی موجب می‌شود، که در حالی که از میان تخته‌سنگ‌های در هم ریخته عبور می‌کنند، پیوسته سر برکشند و در تکاپو باشند تا شهر و کعبه را مشاهده کنند و به آرزوی دیرینه برسند و کوی معشوق و خانه محبوب را در آغوش گیرند، که فرمان سکوت فرامی‌رسد!

فرمان سکوت و آرامش

در میقات، آهنگ دنواز لَبَّيْكَ همراه با ناله و نغمه شیدایی توحید، در طئی مسیر، همیشه و همه جا ادامه داشت، امّا حال که میهمانان به بارگاه قدس میزبان نزدیک می‌شوند، به خاطر ادب میهمانی، در فکر و اندیشه فرو رفتن، به درون برگشتن، خویشتن را یافتن، به محاسبه پرداختن و خلاصه برای درک نزول و فیض حضور، به سکوت همراه با ذکر و زمزمه آرام و جست‌وجوگر، تبدیل می‌شود.

معاویه بن عمّار می‌گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: إِذَا دَخَلْتَ مَكَّةَ وَأَنْتَ مُتَمَتِّعٌ، فَانْظُرْ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ، فَاقْطَعْ التَّلْبِيَةَ... (۱) هر گاه خواستی برای حج تمتع وارد مکه شوی و نگاه تو به خانه‌های مکه افتاد، لبیک خود را قطع کن و تا می‌توانی (آهسته) تکبیر و تهلیل بگو و ستایش خداوند متعال را به جای آور. ضرورت قطع تلبیه و رعایت آرامش و اطاعت در این رابطه و نیز به

ص: ۶۹

هنگامی که زائران وارد مسجدالحرام می‌شوند به حدی است، که ابان بن تغلب می‌گوید:
با امام باقر علیه السلام در گوشه‌ای از مسجدالحرام قرار گرفته بودیم، که گروهی با صدای بلند در اطراف خانه کعبه لَبَّیک می‌گفتند، امام علیه السلام فرمود:

آیا اینان را که بلند لَبَّیک می‌گویند می‌بینی؟ وَاللَّهِ لَأَصْوَاتُهُمْ أَبْغَضُ إِلَيَّ مِنَ صَوْتِ الْحَمِيرِ. (۱)

به هر حال، اطاعت از دستورات پیشوایان عالی‌مقام اسلام و ادب میهمانی رفتن، این اقتضا را دارد، که میهمانان - چنانکه بعد توضیح خواهیم داد - توصیه‌های دینی را آگاهانه و با دقت مورد توجه قرار دهند و عنایت داشته باشند، که بندگان نسبت به ذات مقدس خداوند، یک «زمان میهمانی» دارند، که ماه مبارک رمضان است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ ... (۲)

و یک «مکان میهمانی» در روایات مطرح شده، که مکه است و امام علی علیه السلام فرموده: الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ، وَفَدُ اللَّهِ (۳)
کسانی که حج و عمره انجام می‌دهند، میهمانانی هستند، که در مکه به پیشگاه خداوند وارد می‌شوند.

ورود به مسجدالحرام

میهمانان سفیدپوش، همچون کبوتران سبک‌بال، احساس سبکی و آرامش می‌کنند و در حالی که اشک شوق بر گونه‌ها سرازیر است، می‌خواهند با شتاب خود را به کعبه برسانند، اما غیر از غسل‌های ورود به

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۵۴۱، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۷.

۲-۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳، آل‌البیت.

۳-۳. الخصال لشیخ الصدوق، ج ۲، ص ۶۳۵، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۸.

ص: ۷۰

حرم و به مسجدالحرام، در عین حالی که با افتادن چشم آنان به «کعبه» انقلاب بزرگ روحی و شیدایی و زمزمه مؤمنانه به آنان دست می‌دهد، می‌بایست چون امامان علیهم السلام و اولیای الهی، برای دریافت لذت معنوی بیشتر و معرفت عمیق‌تر، آداب دیگری را رعایت کنند، و طبق روایت امام صادق علیه السلام از در «بنی شیبه» که بت‌ها عبادت می‌شدند و سنگی که «هَبَل» از آن تراشیده شده بود و پس از سرنگونی آن از بالای کعبه به وسیله علی علیه السلام به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا مدفون شد (۱) و اکنون مقابل «باب السلام» است وارد شوند، (۲) و همچنین پاها را برهنه کنند، قدم‌ها را کوچک و کوتاه و با فاصله کم بردارند، سکینه، وقار، خضوع، خشوع، اظهار کوچکی، ناله، انابه، زمزمه، سپاس، قطره شدن در دریای انسان‌های رنگارنگ، که همگان به «میعاد» آمده‌اند، تا عمق عبودیت و اوج بندگی خویش را به نمایش گذارند.

این خانه مکعب‌شکل ساده، قبله است، جایی که از ولادت تا وفات به سوی آن روی می‌آوریم، در شبانه‌روز پنج بار به سوی آن نماز می‌خوانیم، حرکات و سکنات عبادی و دعا‌های همه ما به سوی آن صورت می‌گیرد و اکنون در چند قدمی آن قرار داریم و اگر ازدحام جمعیت اجازه دهد، می‌توانیم حجرالاسود، مقام ابراهیم، حجر اسماعیل و ... را مشاهده کنیم. ابان بن تغلب، که از یاران دانشمند و بزرگ امام صادق علیه السلام است، می‌گوید: در سفر حج، من از مدینه تا مکه همراه امام صادق علیه السلام بودم، وقتی آن حضرت به حرم رسید، از مرکب خود پیاده شد و غسل کرد و

۱-۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۳، ابواب مقدمات ...

۲-۲. مناسک حج امام خمینی قدس سره، با حواشی، ج ۱، ص ۱۰۲.

ص: ۷۱

کفش خود را به دست گرفت و با پای برهنه وارد حرم شد و من هم مثل آن حضرت رفتار کردم، وی با دیدن وضع من فرمود: هر کس این گونه که تو رفتار کردی، به منظور تواضع و کوچکی در برابر خداوند رفتار کند، خداوند صد هزار گناه او را محو می‌کند و برای او صد هزار حسنه می‌نویسد، به او صد هزار رتبه می‌دهد و صد هزار حاجت او را برآورده می‌سازد. (۱)

این سخن و رفتار، مربوط به ورود به «حرم» یعنی سرزمین مکه بود، امّا با ورود به مسجدالحرام، رحمت و عنایت و نور الهی بر بندگان می‌بارد و همگان در دریای رحمت خداوندی شناور می‌گردند، این‌جا، همه سپیدپوشند و سراسر فضا، زیبا و نورانی است و همه احساسات و نیروهای انسانی در چشم‌ها متمرکز می‌شود، تا کعبه امیدها و آرزوها را تماشا کنند، امّا موج اشک امان نمی‌دهد، ولی بی‌اختیار چشم به کعبه نشانه می‌رود و باید نگاه کرد.

نگاه به کعبه

به خانه خدا آمده‌ایم، نگاه کن، به خانه خود آمده‌ایم (۲)، آرام بگیر و احساس غربتی مکن، جایی که همه پیامبران به عبادت پرداخته‌اند (۳)، جایی که، همه امامان ما، ناله سر داده و راز و نیاز عابدانه و عاشقانه داشته‌اند، بوسه زده‌اند و چهره بندگی و عبودیت به زمین سائیده‌اند، و به قول امام باقر علیه السلام:

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۳۹۸، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۱۵.

۲-۲. آل عمران، ۱۹۶.

۳-۳. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۵۸، ح ۲۱، سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۷-۱۶.

ص: ۷۲

خداوند روی کره زمین، مکانی را محبوب‌تر و مقدس‌تر از آن نیافریده است. (۱)

درباره «نگاه به کعبه» روایات زیادی وارد شده، امام صادق علیه السلام فرموده:

مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ، لَمْ يَزَلْ تَكْتُبُ لَهُ حَسَنَةً، وَ تَمْحَى عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى يَنْصَرِفَ بِبَصَرِهِ عَنْهَا. (۲)

هر کس به کعبه نگاه کند، پیوسته برای او پاداش نوشته می‌شود و گناه او محو می‌گردد، تا مادامی که نگاه خود را از کعبه برگیرد.

این نگاه، غیر از این که لذت معنوی و پاداش دارد و به معرفت و روح توحید می‌افزاید، باید عمیق و معنادار باشد و پیوند توحید با امامت را برقرار سازد و مکتب امامت و اطاعت از آن را تداعی و تبلور بخشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ عَارِفًا، فَعَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَحُرْمَتِهَا، مِثْلَ الَّذِي عَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَحُرْمَتِهَا، عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ، وَكَفَاهُ هَمَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۳)

هر کس با معرفت به کعبه نگاه کند، و حق ما و حرمت ما را بشناسد، مثل کسی است، که حق و حرمت کعبه را شناخته است و خداوند گناهان او را می‌آمرزد و عهده‌دار رفع گرفتاری دنیا و آخرت او می‌گردد.

نگاه به کعبه، غیر از پاداش معنوی و برقراری ارتباط توحید با امامت، تداعی یک سلسله نگاه‌های دیگر انسانی و مردمی را می‌کند و پیوند عواطف انسانی، برای ادای حقوق خانوادگی، گسترش علم و دانش،

۱-۱ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۵۳، ح ۵.

۲-۲ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳۲، وسائل الشيعه، ج ۹، ص ۳۶۴.

۳-۳ همان.

ص: ۷۳

تکریم علم و دانش و پیوند با قرآن و کعبه و امامت، به عنوان عبادت بزرگ، که جنبه الهی و پیوند مردمی دارد، قلمداد شده است. امام باقر علیه السلام فرموده است: النَّظَرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْمُصْحَفِ مِنْ غَيْرِ قِرَائَتِهِ عِبَادَةٌ، وَالنَّظَرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالَمِ عِبَادَةٌ، وَالنَّظَرُ إِلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِبَادَةٌ. (۱)

نگاه به کعبه عبادت است، و نگاه به پدر و مادر عبادت است، و نگاه به قرآن بدون قرائت عبادت است، و نگاه به صورت عالم عبادت است، و نگاه به آل محمد صلی الله علیه و آله عبادت است.

با نگاه به کعبه، ارتباط توحید و امامت و سایر حقوق اجتماعی در ذهن تداعی می‌کند، اما کعبه و مسجدالحرام، و عبادت در آن، میراث پیامبران است و ارتباط این حرکت مقدس با بنیان‌گزار کعبه و پاک‌کننده آن از بت‌ها و احیاگر مناسک سالم آن نیز باید برقرار گردد، بدین لحاظ امام باقر علیه السلام فرموده است: وقتی وارد مسجدالحرام شدی، پس از خضوع و خشوع در برابر حق تعالی، بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۲)

بدین ترتیب، خلاصه آداب ورود به مسجدالحرام تحقق یافته و با ارتباط معنوی با خدای کعبه، بنیان‌گزار آن، مناسک پرداز آن، با قرآن، با پیامبران و امامان علیهم السلام با عالمان و با همه کسانی که ما را بدان مکان

۱-۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳۳، وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۶۴.

۲-۲ کافی، ج ۴، ص ۴۰۱.

ص: ۷۴

فراخوانده، آموزش داده، راهنمایی کرده، و یاری رسانده‌اند، ارتباط برقرار نموده و تشکر و سپاسگزاری می‌نمائیم.

طواف کعبه

اشاره

نوبت به طواف رسیده است، رکن عمره و حج، دوّمین عمل عمره و اوّلین عمل در مسجدالحرام، جایی که خداوند به ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام دستور داده: آن را از شرک و آلودگی‌ها برای طواف کنندگان و معتکفین و قیام کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه گردانند (۱) و نیز فرمان داده:

وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲)

این جا، مسجدالحرام است، جایی که خداوند فرموده: آن را برای مردم، مساوی قرار دادیم، چه آن‌هایی که در آن جا زندگی می‌کنند و چه آن‌هایی که از نقاط دور و اطراف، وارد می‌شوند (۳)، همه در آن مکان مساوی هستند، هیچ کس امتیازی بر دیگری ندارد و هیچ کس نباید برای دیگری مزاحمت و ممانعت ایجاد کند، همه سفیدپوشان مؤمن، که با رنگ یک‌سان لباس خویش، مساوات و یک‌رنگی و یگانگی دینی را به نمایش گذاشته‌اند، همراه و هم‌رنگ باید دور کعبه طواف کنند، به یک طرف، به یک جهت، با یک هدف، اطاعت و عبودیت، آن هم در اوج خضوع و نهایت فداکاری، یعنی خدایا! به گرد کویت، به دور خانه‌ات می‌گردم و فدایی‌ات هستم، پروانه شمع وجودت شده‌ام.

۱- ۱ بقره، ۱۲۵، حج ۲۶.

۲- ۲ حج ۲۶ و ۲۹.

۳- ۳ حج، ۲۵.

ص: ۷۵

از آن پروانه بر فانوس، هر دم می‌زند خود را که خواهد با عزیز خویش در یک پیرهن باشد به هر حال، باید طواف انجام داد، اما برای توجه بیشتر به این رکن مهم و بهره‌برداری بهتر از آن، توجه به این جهات لازم است:

۱- طواف قبل از اسلام

قبل از اسلام کفار و مشرکین به دور خانه کعبه، به روش خاصی طواف می‌کردند، امام صادق علیه السلام فرموده است: قبیله قریش، بت‌هایی را که دور کعبه قرار داشتند، با مشک و عنبر تزیین و خوشبو کرده بودند، «یَعُوْث» مقابل در کعبه قرار داشت، «یَعُوْق» در جانب راست و «نَسْر» در طرف چپ، هرگاه افراد وارد می‌شدند، در برابر «یَعُوْث» به سجده می‌افتادند، سپس در حالی که نیم‌خیز بودند، دور «یَعُوْق» می‌گردیدند و آنگاه، دور «نَسْر» می‌چرخیدند و لَبِیک می‌گفتند ... (۱)

هم‌چنین امام باقر علیه السلام فرموده: آنان با بدن عریان و برهنه طواف می‌کردند. (۲) و به بیان قرآن کریم، نماز مشرکان زمان جاهلیت صوت کشیدن و کف زدن بود. (۳) و برخی هم گاهی برای این که نماز رسول‌خدا صلی الله علیه و آله را به هم بزنند، به صوت کشیدن و کف زدن اقدام می‌کردند. (۴)

هشام بن محمد بن سائب، معروف به ابن کلبی «متوفای ۲۰۴ هجری» می‌نویسد:

۱- ۱ کافی، ج ۴، ص ۵۴۲.

۲- ۲ بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۹۴.

۳- ۳ سوره انفال، آیه ۳۵.

۴- ۴ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۴۰.

ص: ۷۶

علت رواج بت پرستی در میان «اولاد اسماعیل» و تمایل آن‌ها به بت پرستی این بوده است، که هر مسافری که از مکه به اطراف سفر می‌کرد، از سنگ‌هایی که در اطراف کعبه بود، به عنوان تبرک به همراه خود برمی‌داشت، تا آن‌ها را به خاطر انتساب و مجاورت با کعبه، در سفر تعظیم و تقدیس کند.

آن مسافران، در هر منزلگاه که فرود می‌آمدند، سنگ‌هایی را که همراه داشتند، به زمین می‌نهادند و برای این که به وسیله تقدیس آن‌ها، خانه کعبه را تعظیم کرده باشند، آن سنگ‌ها را مانند کعبه می‌پرستیدند و به دور آن‌ها طواف می‌کردند و دست و صورت خود را به آن‌ها می‌مالیدند! (۱)

استاد، علامه شیخ محمود شلتوت، «متولد ۲۳ آوریل ۱۸۹۳ و متوفای ۱۲ دسامبر ۱۹۶۳ میلادی مطابق ۲۶ رجب ۱۳۸۳ هجری و رئیس دانشگاه الأزهر مصر در سال ۱۹۵۸ میلادی» می‌نویسد: عرب، به شرک و بت پرستی گرایید، بت‌ها را بر فراز خانه توحید افراشتند، آنگاه از هر سو بدانجا روی آورده و به عنوان میانجی خداوند به پرستش آن‌ها پرداختند، از آن‌ها یاری می‌طلبیدند و به نام آن‌ها قربانی می‌کردند.

مراسم حج، این گونه دستخوش بدعت‌های آشکار گردید، اعراب به پیروی از امیال خویش، گاهی لخت به طواف کعبه می‌رفتند، گاهی بر خویشتن چربی و خوراکی‌ها را تحریم می‌کردند، برخی از رفتن به عرفات با سایر مردم خودداری می‌کردند، زیرا خویشتن را برتر دانسته، برای خود سزاوار نمی‌دیدند، که با آنان در یک جایگاه مشترک قرار بگیرند! (۲)

۲- هفت دور طواف

۱- ۱. بت‌های عرب، ترجمه الاصنام، ص ۴۸.

۲- ۲. سیری در تعالیم اسلام، ص ۳۱۰.

ص: ۷۷

دستور انجام طواف را خداوند، با عبارت: وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۱) یعنی، حتماً باید دور خانه کهن (یا آزاد، یا آزاد کننده) طواف کنید، داده است. اما جزئیات آن در روایات معتبر بیان گردیده است.

امام صادق علیه السلام روایت کرده، که رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن وصیتی به علی علیه السلام فرمود: ای علی! عبدالمطلب، در زمان جاهلیت پنج سنت برقرار کرد و خداوند متعال هم آن‌ها را در اسلام استمرار بخشید... لَمْ يَكُنْ لِلطَّوْفِ عَدَدٌ عِنْدَ قُرَيْشٍ، فَسَنَّ لَهُمْ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، فَأَجْرَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ. (۲)

طواف، نزد قریش تعداد مشخصی نداشت، اما عبدالمطلب تعداد طواف را هفت دور قرار داد و خداوند متعال هم، این تعداد دور زدن را در اسلام به اجرا درآورد.

درباره این که، هفت دور باید دور خانه کعبه طواف کرد، روایات معتبر فراوانی در کتاب‌های حدیثی و فقهی وارد شده، از جمله امام صادق علیه السلام به معاویه بن عمار فرمود: طُفَّ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ... (۳)

اما، نکته‌ای که غیر از دلیل و دستور، باید بدان بیندیشیم و برای آن جوابی پیدا کنیم، راز و رمز «عدد هفت» است، زیرا طواف هفت دور

۱- ۱. حج، ۲۹

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۴

۳- ۳. کافی، ج ۴، ص ۴۰۶، وسائل الشیعه، ج ۹ ص ۴۱۵

ص: ۷۸

است، هفت دور میان صفا و مروه باید سعی نمود، به هر جمراه‌ای هفت سنگ باید زد، اگر کسی گرفتار اخلال در حج شود، پس از بازگشت به وطن، هفت روز باید، روزه بگیرد. (۱)

اضافه بر این، آسمان‌ها، هفت گانه هستند (۲) زمین هم هفت طبقه است (۳) دوزخ نیز هفت در دارد (۴) ارکان حج هم هفت چیز معرفی شده و نیز تروک و چیزهای ممنوع برای محرم هم، به طور کلی هفت مورد شمرده شده است. (۵)

ولی، درباره تعداد دورهای هفتگانه طواف، اگرچه تعداد دیگری هم بود، باز جای این سؤال باقی می‌ماند، که مثلاً چرا شش یا هشت دور طواف؟ در عین حال، این سؤال طبق روایاتی که وارد شده، در قرن اول تاریخ اسلام هم مطرح بوده و به آن جواب همراه با حکمتی هم داده شده است.

در روایتی می‌خوانیم: ابو حمزه ثمالی از امام زین العابدین علیه السلام سؤال می‌کند، علت این که طواف هفت دور تعیین شده چیست؟

امام علیه السلام فرمود: خداوند به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد، آنان گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی، که فساد و خون‌ریزی می‌کند؟ پروردگار فرمود: من حقایقی را می‌دانم. که شما نمی‌دانید (۶) آنگاه خداوند که هیچ‌گاه فرشتگان را از نور خود محروم نمی‌کرد، هفت هزار سال از نور خویش محروم کرد، فرشتگان هفت هزار

۱- ۱. بقره، ۱۹۶

۲- ۲. بقره، ۲۹؛ اسراء، ۴۴؛ مؤمنون، ۸۶

۳- ۳. طلاق، ۱۲، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۱۲۶

۴- ۴. حجر، ۴۴

۵- ۵. محجة البیضاء، ج ۲، ص ۱۶۲-۱۶۱

۶- ۶. بقره، ۳۰ و ۳۱

ص: ۷۹

سال به عرش خداوند پناه بردند و خداوند آنان را مورد رحمت قرار داد و توبه آنان را پذیرفت و برای آنان در آسمان چهارم «بیت المعمور» را برای عبادت و پاداش تعیین کرد و «بیت الحرام» را زیر «بیت المعمور» قرار داد، تا محل امن و عبادت و پاداش فرزندان آدم باشد، فَصَارَ الطَّوْفُ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَاجِبًا عَلَى الْعِبَادِ، لِكُلِّ أَلْفِ سَنَةٍ شَوْطًا وَاحِدًا. (۱)

آنگاه هفت دور طواف برای بندگان واجب گردید و برای هر هزار سال، یک دور طواف تعیین شد.

شاید اسرار دیگری هم در این «اعداد» وجود داشته باشد، که ما نمی‌دانیم، باید آن‌ها را به کار گیریم و در صدد کشف اسرار و رموز آن نیز تلاش مبذول داریم.

۳- طواف دل

هفت دور طواف، قربةً إِلَى اللَّهِ، در حالی که با طهارت و پاکی لباس و بدن از مقابل حجرالاسود شروع می‌شود و در همه حال، سمت چپ بدن به طرف کعبه قرار دارد و حجر اسماعیل، آن دیواره به شکل نیم‌دایره، داخل طواف واقع می‌شود و سرانجام طواف، هفت مرتبه دور زدن بیضی شکل در مقابل حجرالاسود، به پایان می‌رسد.

این طواف است، که اگر ازدحام انسان‌ها اجازه دهد، خیلی ساده و طبیعی انجام می‌گیرد، امّا ازدحام جمعیت، ناآگاهی‌ها، راهنمایی‌های نامناسب، ذوق‌زدگی‌ها، خستگی‌ها، اضطراب کاذب، وسواس، افراط‌کاری، و

۱- ۱ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۷، کافی، ج ۴، ص ۱۸۸، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۴.

ص: ۸۰

ترس از ناقص شدن طواف، موجب می‌گردد، که زائران برای خود تردید و دلهره و برای دیگران آزار و اذیت فراهم کنند و بیشتر گرفتار «قالب» و صورت عمل گردند، در حالی که علاوه بر تصحیح صورت طواف، که لازم است و «رکن» عمره و حج می‌باشد، معنا و معرفت و عرفان طواف را باید مورد توجه قرار داد.

در طواف، حتی الامکان باید چشم سر را فروپوشاند و چشم دل را گشود، از توجه به سروصداها و مناظر و صحنه‌ها و رویدادها وارهید و به درون خزید و موقعیت خویش و قداست مکان را ادراک نمود.

منگر اندر نقش او و رنگ او بنگر اندر عزم و در آهنگ او

گر سیاه است و هم آهنگ تو است تو سپیدش دان، که هم‌رنگ تو است (۱)

آری، آنگاه که ابراهیم علیه السلام همسر و کودک خویش اسماعیل علیه السلام را در کنار این سنگ می‌گذاشت، از خداوند تقاضا می‌کرد که: دل‌های برخی از مردم را متوجه آنان گرداند (۲) و اکنون «دل‌ها» ی انسان‌های انبوهی را به این مکان کشانده است و طبق بیان پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند، دل‌ها را در زمین ظرف‌های محبت و معرفت خویش قرار داده (۳) تا جایی که: قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَانِ، معرفی شده است. (۴)

۱- ۱ مثنوی معنوی، ص ۵۷۷

۲- ۲ ابراهیم، ۳۷

۳- ۳ النوادر للراوندی، ص ۴۶، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۶۰

۴- ۴ بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۹

ص: ۸۱

به هر حال، دل را باید از وابستگی‌ها، سرگرمی‌ها و بازدارندگی‌ها رها کنید و توجه داشت، که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اَبی ذر فرموده است: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ.** (۱)

خداوند متعال، به صورت‌ها و اموال (یا گفتار) شما نگاه نمی‌کند، بلکه به دل‌ها و اعمال شما نگاه می‌کند.

همچنین، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده، **لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ، لَنَظَرُوا إِلَى الْمَلَكَوَتِ.** (۲)

اگر این جهت نبود، که شیطان‌ها به دل‌های فرزندان آدم، وسوسه و الهام‌های ناروا می‌کردند، انسان‌ها می‌توانستند به ملکوت بنگرند.

قبله عارف بود، نور وصال قبله عقل مُفَلِّفُ شد خیال

قبله زاهد بود، یزدان بَرّ قبله طامع، بود همیان زر

قبله معنّاوران، صبر و درنگ قبله صورت پرستان، نقش سنگ

قبله عاشق، حق آمد ای پسر قبله باطن، بلیس است ای پدر (۳)

خلاصه، در طواف باید به درون رفت، کوچک شد، قطره شد، تا بتوان به دریای بزرگ بندگی پیوست.

به چشم کسان، در نیاید کسی که از خود بزرگی نماید بسی

۱-۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۸

۲-۲. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۵۹

۳-۳. مثنوی معنوی، ص ۵۷۷

ص: ۸۲

مگو، تا بگویند شکر هزار چو خود گفتمی، از کس توقع مدار
بزرگان نکردند در خود، نگاه خدا بینی از خویشان بین، مخواه
پیاز آمد آن بی هنر، جمله پوست که پیداست چون پسته، مغزی در اوست (۱)

این چنین باید بود**اشاره**

۱-۱ بوستان سعدی، باب چهارم در تواضع، ۱۷۶، ۱۴۴-۱۴۸، سفینه البحار، ج ۳، ص ۴۰۹.

ص: ۸۳

۶ این چنین باید بود

ص: ۸۵

۶ این چنین باید بود

ابراهیم خلیل و فرزندش، در حالی که پایه‌های خانه کعبه را به عنوان اولین خانه به منظور پرستش خداوند برای مردم بالا می‌بردند،

عرضه داشتند: پروردگارا! از ما بپذیر، توشنواو دانایی. (۱)

آنگاه، پنج تقاضای مهم و سرنوشت ساز کردند:

۱- پروردگارا! ما را تسلیم دستورهای خود قرار بده؛

۲- از دودمان ما نیز، امتی مسلمان و تسلیم در برابر فرمان خویش قرار بده؛

۳- وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا، شیوه پرستش و عبادت خود را به ما نشان بده؛

۴- توبه ما را بپذیر و رحمت خود را متوجه ما گردان؛

۵- پروردگارا! از میان فرزندان ما، پیامبری مبعوث گردان، تا آیات ترا بر آنها بخواند و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه گرداند،

زیرا توتوانایی و بر همه این امور قدرت داری. (۲)

۱- ۱. بقره، ۱۲۷.

۲- ۲. بقره، ۱۲۸ و ۱۲۹.

ص: ۸۶

در میان عبادات، فقط درباره حج، از عنوان «مناسک» استفاده شده و این، واژه قرآنی است که به صورت‌های: نُسُك (۱) مَنَسَك (۲) و مَناسك (۳) در هفت جای قرآن آمده است.

آیا، معنای این واژه چیست؟ پرستش، پارسایی و زهد ورزیدن، رضایت، خشوع در برابر خدا، شستن و پاک کردن جامه «غَسَلَهُ بِالْمَاءِ وَطَهَّرَهُ»، آنچه انسان را به خدا نزدیک می‌کند، رسیدن به خانه، به راه درست و مذهب زیبا گراییدن، جَعَلْنَا لِكُلِّ أُمَّةٍ مِّنْسَكًا،

(۴)

ذبح گوسفند برای خدا، هر حَقِّی که از آن خداست، آنچه به خدا تقدیم می‌شود، أَرْضُ النَّاسِكِ. زمین سرسبز و خرمی که باران تازه بر آن باریده، سرزمین آشنا و مأنوس، دیاری که دل به آن انس و پیوند دارد، مذهب و راه درستی که خداوند پیش پای هر امتی نهاده است، تا در مقام جست‌وجوی حق بر آن راه قدم گذارد و یا کلیه اعمال و رفتار حج (۵)، که در آن، سه نقطه مشترک، حرکت، قصد قربت و صرف مال و جان قرار دارد.

عنوان «مناسک حج» که شامل مجموعه احکام و اعمال حج می‌گردد، در احادیث فراوانی آمده، که یک مورد از آن را مطرح می‌کنیم:

۱-۱. بقره، ۱۹۶ و انعام، ۱۶۲

۲-۲. حج، ۳۴ و ۶۷

۳-۳. بقره، ۱۲۸ و ۲۰۰

۴-۴. حج، ۳۴ و ۶۷

۵-۵. مجمع البحرین، ص ۴۲۱، اقرب الموارد، ج ۲، ص ۱۲۹۷، فرهنگ معین، ج ۴، ص ۴۷۳۲، حج، دکتر شریعتی، ص ۱۳ و ۱۴.

ص: ۸۷

امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی، که پایه‌ها و اساس اسلام را می‌شمارد، درباره موقعیت و خدمات پدر خود، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: **فَفَتَحَ لَهُمْ وَبَيَّنَّ لَهُمْ مَنَاسِكَ حَجِّهِمْ، وَحَلَالِهِمْ وَحَرَامِهِمْ. (۱)**

امام باقر علیه السلام راه شناخت را برای آنان بازگشود و مناسک حج و احکام حلال و حرام را برای آنان تبیین نمود. نکته مهم دیگر، درباره عبادات به خصوص نماز و حج، به منظور پرهیز از افراط و تفریط، خودسرانه عمل کردن، دنبال هوای نفس رفتن، اسیر وسواس و انحراف شدن و احیاناً کم و زیاد کردن احکام و اعمال، این است، که پیامبر صلی الله علیه و آله راهنمایی لازم را به صورت دستور بیان فرموده است.

درباره نماز فرمود: **صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي. (۲)**

همانگونه که من نماز می‌خوانم، شما هم همانگونه نماز بخوانید.

درباره رمی جمره، جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: روز عید قربان مشاهده کردم، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که بر مرکب خویش سوار بود، سنگ به جمره می‌انداخت و فرمود: **وَلِتَأْخُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ ... (۳)**

این گونه من رفتار کردم، تا شما هم مناسک خود را از من بیاموزید، چون من نمی‌دانم پس از این، حجی انجام خواهیم داد یا نه؟ که این ارائه طریق، شامل سایر مناسک نیز می‌شود و لازم خواهد بود، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر پیشوایان معصوم، متابعت شود.

در برابر عظمت خدا

اشاره

۱-۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۳۷

۲-۲. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۴۲

۳-۳. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۶، محجّة البيضاء، ج ۲، ص ۱۹۳

ص: ۸۸

آنچه را در بالا، تحت عنوان «این چنین باید بود» آوردیم، در زمینه مناسک و اعمال ظاهری حج است، که رعایت دقیق آن واجب می‌باشد، اما آنچه را به منظور دریافت اسرار و فلسفه عملی حج باید بیشتر مورد توجه قرار دهیم و این فصل هم بدین خاطر نوشته شده، به کارگیری سفارشات ائمه علیهم السلام و اموری است، که آن بزرگواران، در سیره عملی خود، آن را به ما آموزش داده‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: **وَادْخُلْ فِي أَمَانِ اللَّهِ وَكَنْفِهِ وَسِتْرِهِ وَكَلَاءَتِهِ مِنْ مُتَابَعَةِ مُرَادِكَ بِدُخُولِ الْحَرَمِ ...**

وقتی داخل حرم (مسجدالحرام) می‌شوی، خود را در سایه امان خدا، پناه حق، پوشش الهی و آمرزش خداوند قرار بده، از هوای نفس بپرهیز و راه اطاعت خدا را پیوسته پیش گیر و به هنگام داخل شدن به بیت، عظمت و جلال و قدرت و حاکمیت او را بر جهان هستی، مدنظر داشته باش.

وَطُفُّ بِقَلْبِكَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ، لِطَوَافِكَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ بِنَفْسِكَ حَوْلَ الْبَيْتِ. (۱)

قلب خود را به همراه فرشتگان اطراف عرش الهی طواف بده، همانطور که جسم خود را به همراه مسلمانان به گرد خانه کعبه طواف می‌دهی.

آینه ات دانی چرا غماز (۲) نیست؟ زان که، زنگار از رخس ممتاز نیست

۱- ۱ مصباح الشریعه، ص ۱۴۲، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳-۱۷۲.

۲- ۲ نشان‌دهنده.

ص: ۸۹

آینه، کز زنگ آرایش جداست پرشعاع نور خورشید خداست
 رو تو زنگار از رخ او پاک کن بعد از آن، آن نور را ادراک کن
 این حقیقت را، شنو از گوش دل تا برون آیی، به کلی ز آب و گل
 فهم اگر دارید، جان را ره دهید بعد از آن، از شوق، پا در ره نهید (۱)

اکنون که سفارشات را به گوش جان شنیدیم، ببینیم زائران واقعی، یعنی ائمه علیهم السلام و اولیا و افرادی که به روح و معنای عرفانی حج توجه داشته‌اند، خود آن را چگونه به کار می‌گرفته‌اند و آثار عملی آن را به منظور دریافت مقام بلند انسانی و نیز آموزش به دیگران، چگونه به نمایش می‌گذاشته‌اند؟

۱- راز و نیاز امام حسن علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام، در حالی که محمل‌ها و افراد پیاده دیگر همراه او بودند، بیست بار با پای پیاده (از مدینه به مکه رفته و برای درک ثواب بیشتر و جهات دیگر) حج انجام داده است. (۲)
 در روایتی هم می‌خوانیم: آن حضرت در کنار خانه کعبه در حالی که خود را به رکن یمانی چسبانیده بود، با خدا این گونه راز و نیاز می‌کرد:

۱- ۱. مثنوی معنوی، ص ۲.

۲- ۲. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۰۳، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۹.

ص: ۹۰

خدایا! به من نعمت زیاد عطا فرمودی و مرا شکرگزار آن نیافتی، مرا مبتلا کردی و صابر و شکیبا نیافتی، اما به خاطر ناسپاسی، از من سلب نعمت نکردی و چون شکیبایی لازم را نکردم، به شدت مبتلا و گرفتاری من نینمودی، خدایا! از کریم جز کرامت و بزرگواری سزاوار نیست. (۱)

۲- گریه امام سجّاد علیه السلام

داستان مناجات و گریه و زاری امام زین‌العابدین علیه السلام در کنار کعبه و در «حجر اسماعیل» تکان‌دهنده و آموزنده است. طاووس یمانی می‌گوید: امام زین‌العابدین علیه السلام را دیدم، که از اواخر شب تا سحر طواف و نماز انجام می‌داد و در حالی که همه به خواب رفته بودند، او با خدا راز و نیاز دردمندانه‌ای و گریه و ناله سوزناکی داشت و به سجده می‌رفت، طوری که من گمان کردم بی‌هوش شده است، کنارش رفتم و آهسته سرش را از زمین بلند کردم و روی دامن خود گذاشتم و آن قدر گریه کردم که اشک‌های من به صورت آن حضرت ریخته شد، بلند شد و نشست و گفت: کیست که مرا از یاد پروردگارم باز داشته است؟ گفتم: من طاووس هستم، ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، این همه ضجّه و بی‌تابی برای چیست؟ سزاوار است ما که گناه کاریم، این گونه گریه و زاری کنیم، آخر پدر تو حسین بن علی علیهما السلام، مادرت فاطمه زهرا علیها السلام و جدّ تو رسول خدا صلی الله علیه و آله است. یاوران برای شفاعت داری.

امام علیه السلام متوجّه من شد و گفت: ای وای، ای وای، ای طاووس (درباره حساب و کتاب روز قیامت) سخن از پدر و مادر و جدّ من به میان نیاور،

ص: ۹۱

خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ لِمَنْ أَطَاعَهُ وَأَحْسَنَ وَلَوْ كَانَ عَبْدًا حَبَشِيًّا، وَخَلَقَ النَّارَ لِمَنْ عَصَاهُ وَلَوْ كَانَ وَلَدًا قُرَشِيًّا ...

خداوند، بهشت را آفریده، برای هر کسی که او را اطاعت کند و نیکویی نماید، اگرچه برده سیاه‌پوست حبشی باشد و دوزخ را آفریده، برای هر کسی که نافرمانی و عصیان خدا را کند، اگرچه فرزند قریشی (رسول خدا صلی الله علیه و آله) باشد. ای طاووس! مگر سخن خدا را نشنیده‌ای که فرموده: وقتی در «صور» دمیده شود، هیچ‌گونه نسبی میان آن‌ها نخواهد بود، و از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند. (۱)

ای طاووس! به خدا سوگند، فردای قیامت فقط عمل صالحی که پیش فرستاده‌ای به حال تو نفع خواهد داشت. (۲)

۳- اشک امام باقر علیه السلام

افلح، خدمتگزار امام باقر علیه السلام می‌گوید: برای انجام حج همراه آن حضرت حضور داشتم، وقتی وارد مسجدالحرام شد و چشم او به خانه کعبه افتاد، با صدای بلند شروع به گریه نمود.

عرض کردم: ای مولای من! پدر و مادرم به قربانت، مردم دارند به شما نگاه می‌کنند، آهسته‌تر گریه کن.

امام علیه السلام فرمود: وای به حال تو، چرا بلند گریه نکنم؟ شاید خداوند بدین وسیله، به من نظر رحمت کند و فردای قیامت نزد او رستگار گردم.

۱- ۱. مؤمنون، ۱۰۱.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۸۲.

ص: ۹۲

سپس امام علیه السلام طواف کعبه را انجام داد، آن گاه نزد مقام ابراهیم علیه السلام آمد و نماز خواند، چون سر از سجده برداشت، مشاهده کردم جای سجده از اشک‌های چشمش خیس و مرطوب شده است. (۱)

۴- نیایش امام جواد علیه السلام

علی بن مهزیار، می گوید: امام جواد علیه السلام (سال ۲۱۵ هجری)، برای انجام حج به مکه آمد، صبحگاهان پس از بالا آمدن آفتاب طواف کرد، و در هر طوافی رکن یمانی را لمس نمود، وقتی دور هفتم طواف تمام شد، حجرالاسود را لمس نمود و دست خود را به صورت کشید، آنگاه نزد مقام ابراهیم علیه السلام آمد و دو رکعت نماز خواند، سپس نزد کعبه رفت و در حالی که لباس خود را کنار زده بود، شکمش را به دیوار کعبه چسبانید و مدت طولانی ایستاده بود و به دعا و نیایش ادامه می داد ... (۲)

آری، زیارت آگاهانه و مؤمنانه، از حج و طواف و حضور در خانه خدا و درک موقعیت بندگی خالصانه و معنوی و بهره گیری عرفانی تعالی بخش، فقط به امامان علیهم السلام اختصاص نداشته، بلکه افراد زیادی در این رهگذر به مدارج عالی و نتیجه معنوی تأثیر گزار رسیده‌اند، که دو نمونه از آن را ذکر می کنیم:

الف: زیارت محبوب

ابوالقاسم، بشر بن محمد بن یاسر می گوید: در حال طواف پیرمردی را دیدم در نهایت ضعف و ناتوانی، که آثار خستگی و رنج سفر، در چهره

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۰

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۵۳۲

ص: ۹۳

او نمایان بود و عصا به دست، طواف می کرد، نزدیک او رفتم و پرسیدم:
از کجا آمده‌ای؟

گفت: از نقطه‌ای بسیار دوردست، پنج سال است که راه پیموده‌ام تا به این جا رسیده‌ام! از رنج سفر پیر و ناتوان شده‌ام!
گفتم: به خدا سوگند، مشقت زیادی را تحمل کرده‌ای، ولی اطاعتی بزرگ و زیبا، محبتی صادقانه در پیشگاه خدا انجام داده‌ای.
پیرمرد، از شنیدن این سخن خیلی شاد و خرم شد، لبخندی به روی من زد و این دو بیت را قرائت کرد:

زُرُّ مَنْ هَوَيْتَ وَإِنْ شَطَطَ بِكَ الدَّارَ وَحَالَ مِنْ دُونِهِ حُجْبٌ وَأَشْقَارٌ

لَا يَمْنَعُكَ بَعْدُ مِنْ زِيَارَتِهِ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يَهْوَاهُ زَوَّارٌ (۱)

«آن کس را، که دل به او بسته‌ای، زیارت کن، هر چند میان خانه تو و او، حجاب‌ها و پرده‌ها، فاصله دور انداخته باشد».

«دوری راه، هرگز نباید مانع زیارت تو و محبوب گردد، زیرا دوست و عاشق به هر حال، باید به زیارت محبوب خود برود».
آری، عظمت و جاذبه خانه خدا آن قدر زیاد است، که دل‌های انباشته از ایمان را از تمام نقاط دور و نزدیک به سوی خود جذب می‌کند، پیر و جوان و بزرگ و کوچک، از هر نژاد و قبیله از راه دور و نزدیک، لثیک گویان، عاشقانه به سوی آن می‌شتابند، تا جلوه‌ها و جاذبه‌های مقام

۱- ۱ تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی، ج ۱۳، ص ۳۲۰، چاپ آستان قدس رضوی.

ص: ۹۴

ذات خداوند را در آن مکان مقدّس با چشم دل تماشا کنند و رحمت بی‌دریغ حق را در جان و روح خویش لمس نمایند.

ب: هر کس از دل به کعبه رود

داستان آموزنده و تأثیرگذاری را هم از «رسائل سعدی» بدین ترتیب آورده‌اند:

ابراهیم خواص (ابواسحاق بغدادی و متوفای ۲۹۱ ه. ق) می‌گوید:

در سفر بازگشت از مکه، در دیار کفر گذرم بر قصری افتاد، که سرهای بریده زیب کنگره قصر بود، پرسیدم: این قصر از آن

کیست؟ و این‌ها بهر چیست؟

دربان گفت: پادشاه، صاحب این قصر دختر بیماری دارد و هر کس به معالجه او آید و نتواند علاج کند، سر او را زیب کنگره قصر

قرار می‌دهند، و تاکنون بیش از سیصد کس به عیادت و معالجه او آمده‌اند و نتوانسته‌اند او را علاج نمایند، مُلهم شدم، که از این

عیادتی کنم، داخل باغ شدم، در ایوان قصر، کسی بر من نهیب زد:

ای مرد! نگاه به کنگره قصر کردی و وارد شدی؟ گفتم: آری.

گفت: داخل شو، که به زودی سر تو هم زیب کنگره قصر خواهد شد، وارد عمارت قصر شدم، گفتم: آمده‌ام از دختر پادشاه

عیادتی کنم، مرا به اتاق مریض راه دادند، چون وارد شدم سلام کردم، گفت: وعلیک السّلام، ای پسر خواص، و صدا کرد برای او

معجز و چادر بیاورند، پدرش گفت:

ای نور دیده! تاکنون سیصد طیب برای علاج تو آمده‌اند، برای هیچ کدام روسری و چادر نخواستی، گفت: آن‌ها مرد نبودند و این

مردی است از مردان خدا!

ص: ۹۵

من گفتم: ای دختر! اسم مرا از کجا دانستی؟ گفت: آن کس که تو را به عیادت ما فرستاد، نام تو را به ما آموخت.

گفت: آیا دارویی داری که درد مرا دوا کنی؟ گفتم: أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. (۱)

این آیه را شنید و صیحه زده غش کرد، پس از مدتی او را به هوش آوردند، گفتم: به دین اسلام مشرف شو، گفت: در اسلام چه دارید؟ گفتم:

کعبه، که آمال همه مسلمانان است.

گفت: اگر کعبه را ببینی می‌شناسی؟ گفتم: آری، از سوی آن بر می‌گردم، گفت: گرد سر من نگاه کن، آنگاه دیدم، کعبه گرد سر آن دختر دور می‌زند و طواف می‌کند. سپس گفتم: هر کس از پای به کعبه رود، او کعبه را طواف کرده و هر کس از دل به کعبه رود، کعبه او را طواف می‌کند، آری؛

قومی به گرد کعبه بنازند در طواف نازم من آن سری، که بود کعبه را مَطَاف (۲)

۱- ۱ رعد، ۲۸.

۲- ۲ مکتب اسلام، ج ۲، ص ۲۸۶، حسین عمادزاده.

ص: ۹۶

۷ اماکن مقدّس مسجدالحرام

اشاره

ص: ۹۷

۷ اماکن مقدّس مسجدالحرام

ص: ۹۹

۷ اماکن مقدّس مسجدالحرام

به دریای نور، وارد می‌شویم، علامت‌هایی، که برای هر شخص و گروهی چشم‌گیر باشد و او را به مقصد زیارت ناب توحیدی و قیام و حرکت الهی رهنمون گرداند، مختلف و متعدّد است. خانه کعبه با وضع ساده و بی‌آلایش، ارکان کعبه، حجرالاسود، حجر اسماعیل و مقام ابراهیم و... این علامت‌ها و حتی خود کعبه، با آداب و احکامی که برای آن بیان شده، غیر از قداست ذاتی و ارزش و عظمت خاصّ خود، ابزارهای هدایت و راهنمایی به هدف‌های متعالی، راه‌یابی و پیام‌گیری و تعالی‌پذیری برای لیاقت بیشتر از مزایای میهمانی و ظرفیت بالاتر، جهت لقای معبود و درک حضور عابدانه آگاهانه نیز خواهد بود. این شعر ساده، امّا پرمعنا را ملاحظه کنید:

کعبه، یک‌سنگ‌نشان است، که ره گم نشود حاجی! احرام‌دگر بند، بین یار کجاست؟
این بخش از غزل معروف خیالی بخارایی «متوفّای ۸۵۰ هجری» را،

ص: ۱۰۰

که «شیخ بهاء‌الدین عاملی» معروف به شیخ بهایی (۹۵۳-۱۰۳۱ ه.ق) تضمین و تخمیس کرده، دقت کنید: آن روز، که رفتند حریفان پی هر کار زاهد به سوی مسجد و من جانب خمار حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار «من یار طلب کردم و او، جلوه گه یار» «او خانه همی جوید و من، صاحب خانه» (۱)

ضمن این که در این فصل، این آثار را تا حدی معرفی می‌کنیم و آداب و احکام آن‌ها را بیان می‌داریم، هرگز نباید از «مقصد عالی» و هدف بلند زیارت و توبه و انابه غفلت داشته باشیم.

برای هنگام ورود به مسجدالحرام در مرحله نخست، یا پس از انجام «اعمال منا» امام صادق علیه السلام فرموده است: *وَادْخُلْ فِي أَمَانِ اللَّهِ وَكَنْفِهِ وَسِتْرِهِ وَكَلَاءَتِهِ، مِنْ مُتَابَعَةِ مُرَادِكَ بِدُخُولِ الْحَرَمِ، وَدُخُولِ الْبَيْتِ مُتَحَقِّقًا لِصَاحِبِهِ، وَمَعْرِفَةً جَلَالِهِ وَسُلْطَانِهِ.* (۲)

چون داخل حرم الهی شدی، خود را در امان و پناه و پرتو لطف و عنایت خداوند قرار ده، و از پیروی هرگونه قصد و خیال‌های باطل و بی‌اساس خود را پیراسته گردان و در برابر صاحب خانه و شناخت جلال و عظمت او، توجه زیاد همراه با معرفت معبودانه داشته باش.

هم‌چنین امام زین‌العابدین علیه السلام برای توفیق رسیدن به این مکان

۱-۱. اشک شفق، ج ۱، ص ۱۸.

۲-۲. محجّة البیضاء، ج ۲، ص ۲۰۸، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳.

ص: ۱۰۱

مقدّس، در دعای عرفه، از درگاه خداوند متعال تقاضا می‌کند: اللَّهُمَّ وَاْمُنُّنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ... (۱) وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً وَجِهَةً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. (۲)

خدایا! بر من مَنّت گذار، تا حج و عمره انجام دهم، و بقیه عمر مرا در حج و عمره و در راه رضای خود قرار بده (تا آن را خوب به سامان رسانم) ای پروردگار جهانیان.

در کنار کعبه

در وسط مسجدالحرام، خانه مکعب شکلی با ارتفاع حدود ۱۵ متر قرار دارد، که با سنگ‌های سیاه مربع و مستطیل شکل و بندکشی گچ مخصوص ساخته شده و کعبه نام دارد.

این خانه مقدّس، در ۱۲ آیه قرآن با واژه «بیت» یعنی؛ «خانه»، و در دو آیه با واژه «کعبه» آمده، که در یک مورد آن می‌خوانیم:

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ. (۳)

یعنی خداوند، کعبه، بیت الحرام را وسیله‌ای برای اقامه امر (و سامان بخشیدن کار دنیا و آخرت) مردم قرار داده است.

درباره «طواف کعبه» که دوّمین واجب عمره است، در فصل پنجم سخن گفتیم، اما باید توجه داشته باشیم، فضای طبیعی شهر و آب و هوای آن دل‌پذیر و چشم‌نواز نیست، بلکه خانه کعبه در سرزمینی خشک و سوزان و در دژه‌ای که سنگ‌ها و کوه‌های خشن آن را احاطه کرده قرار گرفته است،

۱- ۱ صحیفه سجّادیه، دعای ۲۳، ص ۱۱۲.

۲- ۲ صحیفه سجّادیه، دعای ۴۷، ص ۲۳۲، دفتر نشر الهادی.

۳- ۳ سوره مائده، آیه ۹۷.

ص: ۱۰۲

فقط جنبه‌های معنوی و عرفانی و ادای یک تکلیف بزرگ و سازنده است که هر ساله، میلیون‌ها انسان مؤمن و مشتاق را به سوی خود می‌کشاند.

امام علی علیه السلام فرموده است: آیا نمی‌بینید خداوند بیت الحرام خود را، که برای قیام امور مردم قرار داده (۱) در سخت‌ترین نقطه زمین و بر دامنه کوتاه‌ترین کوه‌ها و میان تنگ‌ترین و خشک‌ترین درّه‌ها قرار داد و بر روی شن‌های نرم، که کشت و زرع در آن‌ها دشوار است و از آب و چشمه‌ها بی‌بهره است برافراشت، شن‌زاری که (به خاطر بی‌آب و علفی) در آن، نه شتر، نه اسب، نه گاو و نه گوسفند پرورش می‌یابد، و نه جاندار دیگری برای زندگی بهتر بدانجا می‌شتابد، بنا نهاده است، و به آدم علیه السلام و فرزندان او دستور داده است، که به سوی آن روی آورند. (۲)

به هر حال، در مکانی قرار می‌گیریم، که خداوند دستور داده:

مشرکان به آن نزدیک نشوند. (۳)

هم‌چنین، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: الصَّلَاةُ فِيهِ تَغْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ. (۴)

یک نماز در مسجد الحرام، ارزش صد هزار نماز را دارد.

از سوی دیگر، امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی داخل مسجد الحرام شدی، رو به خانه کعبه قرار گرفته، دست‌های خویش را به دعا بردار و بگو: خدایا! از همین جا و در همین حال، که مناسک حج خود را شروع می‌کنم، از تو می‌خواهم، که توبه‌ام را بپذیری، از گناهانم در گذری و وزر و بالم را برطرف گردانی.

۱- ۱. مائده، ۹۶.

۲- ۲. نهج البلاغه فیض، خ ۲۳۴، ص ۷۹۴.

۳- ۳. توبه، ۲۸.

۴- ۴. ثواب الاعمال، ص ۵۰، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۱.

ص: ۱۰۳

حمد و ستایش می‌کنم خدایی را، که مرا به خانه محترم خویش رسانید، خدایا! من شهادت می‌دهم که این، خانه محترم توست، که آن را برای پاداش دادن به مردم، و مایه امتیّت و برکت و هدایت جهانیان قرار دادی. (۱)

در روایت دیگری آمده: وقتی چشم تو به خانه کعبه افتاد، بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ، وَشَرَّفَكَ، وَكَرَّمَكَ، وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ، وَأَمَّنَّا مُبَارَكًا، وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ. (۲)

ستایش می‌کنم خدایی را، که تو را عظمت و شرافت و کرامت بخشید، و تو را موجب پاداش و امتیّت و برکت برای مردم و مایه هدایت جهانیان قرار داد.

ارکان کعبه

اشاره

شناخت ارکان و اماکن مقدّس داخل مسجدالحرام و آداب و ادعیه مربوط به آنها، همراه با نحوه ورود به حرم و انجام اعمال آن در احادیث و کتاب‌ها مطرح شده است و پیغمبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام هم به آن عمل نموده‌اند. به منظور پیشگیری از اخلاص در اعمال واجب، بحث «ارکان» و مقام ابراهیم علیه السلام و سایر اماکن مقدّس و آداب و دعاهاى مربوط به آنها را در فصل جداگانه‌ای قرار دادیم، تا پس از انجام اعمال واجب، در ضمن اعمال و طواف‌های مستحب و یا در فرصت‌های مناسب، این آداب و

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۴۰۱.

۲-۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۵، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۹۳.

ص: ۱۰۴

دعاها انجام شود و از ثواب آن بهره‌مند گردیم.

رُکن به معنای پایه و ستون است و چون در داخل خانه کعبه در هریک از گوشه‌های چهارگانه، چهار ستون، سقف بیت را نگهداری می‌کند و اصولاً دسترسی به آن‌ها لازم نیست، قسمت بیرون هریک از ستون‌ها «رکن» نامیده شده، که هر کدام دارای اسمی جداگانه و آداب مخصوصی برای آن‌ها مقرر شده است.

البته «رکن» از نظر لغت، به معنای: جانب، طرف (۱) و اطراف هم آمده (۲) اما آن طور که از لحن احادیث (۳) و سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به دست می‌آید «ارکان کعبه» همان نبش گوشه‌های چهارگانه بیت هستند، که خصوصیات و آداب آن‌ها را بیان می‌کنیم:

۱- رکن حجرالاسود

اشاره

رکن حجرالاسود، همان گوشه پایه‌ای است، که «حجرالاسود» در آن نصب شده، طواف از مقابل آن شروع و به آن ختم می‌گردد. طرف جنوب شرقی بیت قرار دارد، و نیز روبه‌روی بخشی از جنوب سرزمین حجاز تا عدن، استرالیا، و جنوب هند و چین قرار دارد. (۴)

حجرالاسود که اکنون به رنگ قرمز است و بر اثر سائیدگی و فرسودگی کوچک شده و بازسازی گردیده و در کف یک قاب نقره‌ای

۱-۱. مجمع البحرین، ص ۵۰۷

۲-۲. اقرب الموارد، ج ۱، ص ۴۲۹

۳-۳. طبق روایت امام صادق علیه السلام: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در طواف به رکن غربی رسید و آن را لمس نکرد، کسی گفت: یا رسول الله! أَلَسْتَ قَعِيداً مِنْ قَوَاعِدِ بَيْتِ رَبِّكَ؟ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۱

۴-۴. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۶۴

ص: ۱۰۵

در نبش «رکن» قرار دارد، طبق بیان امام صادق علیه السلام، ابتدا از شیر سفیدتر بوده، اما بر اثر تماس‌های مردم زمان جاهلیت بدین گونه درآمده و اگر چنین نشده بود، هیچ دردمندی آن را لمس نمی‌کرد، جز این که شفا می‌یافت. (۱)

یا گناهان آدمی زادگان آن را سیاه کرده، (۲) یا بر اثر دو آتش سوزی، که یکی در زمان جاهلیت و دیگری در روزگار اسلام واقع شده، سیاه و تار شده (۳)، طبق بیان امام علی علیه السلام «نخست یک سنگ بهشتی بوده است.» (۴)

نصب حجرالاسود

این سنگ مقدّس در طول زمان تغییرها و تحولاتی را پشت سر گذاشته، که از جمله آن‌ها طبق روایت امام صادق علیه السلام خراب کردن خانه کعبه به وسیله قریش در روزگار جاهلیت (که شاید پس از خراب شدن به وسیله سیل در مرحله نخست بوده) است. در آن سال قریش تصمیم به تجدید بنا و توسعه کعبه گرفتند، ولی بین آنها اختلاف نظر به وجود آمد چون بعضی از آن‌ها معتقد بودند که باید پاکترین و حلال‌ترین اموال آنها صرف تعمیر و بازسازی بنای کعبه شود، بالاخره دیوارهای کعبه را بالا آوردند تا به محلّ نصب «حجرالاسود» رسید، درباره این که، چه کسی و از کدام قبیله‌ای به نصب حجرالاسود اقدام کند، اختلاف شدید به میان آمد، قرار گذاشتند، همه از اقدام به این کار صرف نظر کنند، تا اولین کسی

۱- ۱. علل الشرایع، ص ۴۲۸، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۶، بحارالانوار، ج ۹۶ ص ۲۲۱.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۴، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۲۱

۳- ۳. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۲۱

۴- ۴. علل الشرایع، ص ۴۲۶، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۱۹

ص: ۱۰۶

که از «باب بنی شَیْبَه» وارد می‌شود، در این باره حکم کند، در آن حال پیامبر صلی الله علیه و آله که در آن زمان او را به عنوان جوانی امین و درستکار می‌شناختند و هنوز به پیامبری مبعوث نشده بود وارد شد، از او راهنمایی و کمک خواستند، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد: پارچه‌ای آوردند، حجرالاسود را میان آن گذاشتند و فرمود: رؤسای هریک از قبایل گوشه آن را بگیرند و بلند کنند، وقتی حجرالاسود مقابل محلّ نصب رسید، خود حضرت آن را برداشت و در محلّی که خداوند متعال تعیین کرده بود، نصب نمود. (۱)

تاریخ این تجدید بنای کعبه و نصب حجرالاسود را، برخلاف آن چه «کلینی» سی سال قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده، سخن مسعودی، که آن را پنج سال قبل از بعثت ذکر کرده (۲) صحیح تر به نظر می‌رسد. هم‌چنین در روایت آمده، وقتی حجاج بن یوسف ثقفی (متوفای ۹۵ هـ) تجدیدبنای کعبه را به پایان رسانید، از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام تقاضا کرد، حجرالاسود را در محلّ خود نصب کند و آن حضرت این عمل را انجام داد. (۳)

استلام حجرالاسود

نسبت به حجرالاسود، که سنگ بیضی شکل بهشتی معرفی شده (۴) غیر از این که طبق روایت، نگاه کردن به آن مورد سفارش قرار گرفته (۵) زائرین،

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۲۱۷، من لا یحضره الفقیه، ج ۲

۲- ۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۳

۳- ۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵ / ۱۶۱.

۴- ۴. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۱۷

۵- ۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۵

ص: ۱۰۷

استلام، بوسیدن و اشاره به آن را نباید مورد غفلت قرار دهند. درباره وظایف سه گانه در برابر «حجرالاسود» که در این زمان هم زائران مؤمن عاشق، کوشش‌های فراوانی به خرج می‌دهند، روایات مختلف و متعددی وارد شده، که یکی از آن‌ها را ملاحظه می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام فرموده: وقتی به حجرالاسود نزدیک شدی، دست خود را به دعا بردار، حمد و ثنای الهی را انجام بده، درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله بگو و از خدا بخواه عبادت و اعمال تو را قبول گردانند، آن گاه به حجرالاسود دست بکش و آن را ببوس، و اگر نتوانستی ببوسی فقط آن را با دست لمس کن، و اگر نتوانستی با دست هم لمس کنی، با دست به آن اشاره نما و بگو: **اللَّهُمَّ أمانتی أَدَيْتُهَا، وَمِيثاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ .. (۱)**

خدایا! امانت خود را ادا کردم (تکلیفی را که برای من قرار داده بودی انجام دادم) پیمان (بندگی) خود را واری و تجدید نمودم، تا تو شاهد وفای به عهد و انجام آن باشی.

خدایا! کتاب تو را (که در آن دستور حج داده بودی) عملاً تصدیق کردم و بر سنت پیامبرت رفتار می‌کنم، شهادت می‌دهم، که خدایی جز خدای یکتا نیست، او یکی است و شریکی ندارد، و محمد بنده و رسول خداست، به خداوند ایمان آوردم و از عبادت شیطان و طاغوت و بت و هر شریکی برای تو، روی گردانم.

درباره استلام حجرالاسود، همان‌طور که بیان کردیم، در این زمان به خاطر ازدحام جمعیت، عملاً کار مشکلی است و گاهی می‌توان، از این عمل مقدس مستحب، به خاطر اذیت نشدن و آزار نرساندن به دیگران،

ص: ۱۰۸

صرف نظر نمود.

حمّاد بن عثمان می گوید: مردی از مأموران «بنی امیه» که در مکه حضور داشت و ناظر اعمال امام صادق علیه السلام بود نزد امام علیه السلام آمد و با لحن اعتراض آمیزی عرض کرد: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله استلام حجر می کرد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: آری. مرد گفت: من ندیدم، تو حجر را استلام کنی!

امام علیه السلام فرمود: أَكْرَهُ أَنْ أُؤَدِّيَ ضَعِيفًا، أَوْ أَتَأَدِّي.

کراهت داشتم از این که، ضعیفی را اذیت کنم، یا خود اذیت شوم.

مرد ادامه داد: بالاخره، پیامبر صلی الله علیه و آله استلام انجام می داد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: آری، ولی چون پیغمبر صلی الله علیه و آله را می شناختند، حقّ او را ادا می کردند و به او راه می دادند، اما مرا نمی شناختند و حقّم را ادا نمی کردند! (۱)

دست بیعت

با رعایت جهات مختلف و با توجه به ارزش استلام حجر و فلسفه آن، در صورت امکان استلام، فرصت را باید غنیمت شمرد و استلام نمود.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده، إِشِيْتَلِمُوا الرُّكْنَ، فَإِنَّهُ يَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، يُصَافِحُ بِهَا خَلْقَهُ، مُصَافِحَةَ الْعَبْدِ أَوْ الرَّجُلِ، وَيَشْهَدُ لِمَنْ وَاوَاهُ. (۲)

رکن حجرالاسود را لمس کنید، زیرا دست راست خدا در روی زمین

۱- ۱. کافی، ج ۴، ۴۰۶ و ۴۰۹، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۱.

۲- ۲. المحاسن للبرقی، ص ۶۵، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۸، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۲۵.

ص: ۱۰۹

میان بندگان است، که به وسیله آن با بندگان خویش مصافحه می‌کند، همانطور که کسی با بنده یا مردی مصافحه می‌کند و خداوند بر ادای این تکلیف، گواه است.

در قرآن کریم هم درباره بیعت مؤمنان با پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: إِنَّ الدِّينَ يُبَايِعُكَ، إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. (۱)

آنان که با تو بیعت می‌کنند، در حقیقت با خدا بیعت می‌کنند و دست خدا، بالای دست آنهاست.

آیا منظور از «دست خدا» قدرت و نصرت و یاری اوست؟ یا همانطور که این گونه کنایه‌ها در ادبیات عرب و فارسی هم معمول است، که برای قرارداد هر معامله‌ای افراد به هم دست می‌دهند، تا اعلام وفاداری و تعهد کنند، این جا هم از این تمثیل استفاده شده، که این تفسیر هم مطلوب به نظر می‌رسد.

به هر حال، بوسیدن حجرالاسود، یا اشاره کردن به سوی آن و گفتن:

بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، که در بیان امام باقر علیه السلام آمده (۲) و یا عبارت: بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ که اهل سنت طبق روایت، آن را معمول می‌دارند. (۳) هر کدام ادای تکلیف، اظهار ارادت و بندگی و دارای پاداش است. اما استلام حجر، که وقتی از امام رضا علیه السلام از فلسفه آن سؤال می‌شود، می‌فرماید: وقتی خداوند متعال از فرزندان آدم پیمان بندگی گرفت، حجرالاسود را فرستاد و بدین خاطر، مردم را مکلف ساخت با آن تجدید بیعت و عهد کنند و بدین

۱-۱. سوره فتح، آیه ۱۰

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۴۰۴

۳-۳. التحقيق والايضاح، ص ۴۴

ص: ۱۱۰

جهت است، که وقتی استلام حجر می‌کنند می‌گویند: أَمَانَتِي أَدِيْتُهَا ... (۱)

امانت خود را ادا کردم، تکلیف خود را انجام دادم، و پیمان بندگی خویش را تجدید نمودم، تا خداوند گواه آن باشد.

وقتی ابن ابی عمیر علت بوسیدن حجرالاسود را از امام باقر و یا امام صادق علیهما السلام سؤال می‌کند، در جواب می‌فرماید: حجرالاسود، نخست سنگ سفید و روشنی در بهشت بود، آدم علیه السلام آن را می‌دید، وقتی خداوند آن را به زمین فرستاد، آدم

علیه السلام آن را بوسید، آنگاه خداوند متعال، بوسیدن حجرالاسود را، برای بندگان سنت قرار داد. (۲)

خلاصه، لمس یا بوسیدن حجرالاسود، برای زائر خانه خدا، دست بیعت به خدا دادن برای تجدید بیعت بندگی خداست، تا بعد از آن، اطاعت و بندگی خدا را در اجرای همه دستورات الهی استمرار بخشد، و از همه نافرمانی‌ها، گناهان، لغزش‌ها، تجاوزکاری‌ها و زشتی‌ها خودداری نماید.

راستی، دستی که به دست خدا رسید و پاک و متبرک شد، آیا ممکن است بعد از آن، به بدن نامحرم، به تجاوز به حریم ناموس دیگران، به داد و ستد رباخواری، به ظلم و ستم در حق بندگان و مظلومان و محرومان و ضعیفان و یتیمان آلوده گردد و پیمان‌شکنی کند؟

لی‌که حجرالاسود را بوسیده، و به محل بوسیدن آدم علیه السلام و پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین و زین العابدین و دیگر ائمه علیهم السلام گذاشته شده، آیا به فحش و ناسزاگویی، مشروب‌خواری و انحراف و گناهانی که مربوط به زبان و دهان است مبتلا می‌گردد؟

۲- ارکان چهارگانه

۱- ۱. علل الشرایع، ص ۴۲۴، بحارالانوار ج ۹۶ ص ۲۲۰، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۴.

۲- ۲. المحاسن للبرقی، ص ۳۳۷، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۲۵.

ص: ۱۱۱

- ۱- غیر از «رکن حجرالاسود» که در جنوب شرقی کعبه قرار دارد و به تفصیل پیرامون آن سخن گفتیم، رکن‌های دیگر عبارتند از:
- ۲- رکن شمال شرقی، که رکن شامی و عراقی هم نامیده می‌شود و پس از گذشتن از در کعبه و نزدیک نبش دیوار «حجر اسماعیل علیه السلام» به آن می‌رسیم. این رکن، روبه‌روی بخش اعظم بلاد حجاز، سرزمین عجم، ترکستان، عراق، شام، شمال هند، سند، چین و سبیری قرار دارد.
- ۳- رکن شمال غربی، که پس گذشتن از «حجر اسماعیل علیه السلام» و حدود نبش دیوار نیم‌دایره‌ای آن قرار گرفته، رکن غربی نامیده می‌شود و رو به روی سرزمین‌های غرب، از جمله غرب روسیه، همه اروپا، مصر و سرزمین‌های مغرب قرار دارد.
- ۴- رکن غربی جنوبی، که رکن یمانی نامیده می‌شود و قبل از رسیدن به رکن «حجرالاسود» قرار دارد، روبه‌روی بخشی از جنوب آفریقا و سواحل دریای سرخ قرار گرفته است. (۱)
- این ارکان مقدّس، هر کدام آدابی دارد که به منظور تقویت جنبه تربیتی و عرفانی حج، و اوج عظمت خانه کعبه، اندکی پیرامون آن‌ها شرح می‌دهیم.
- درباره این که، غیر از استلام رکن حجرالاسود و رکن یمانی، استلام دو رکن دیگر نیز مورد ستایش و استحباب است، بسیاری از عالمان و فقیهان نظریه موافق دارند. (۲) و برای این جهت هم به دو روایت استدلال

۱- ۱. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۶۴، الحج والعمرة ومعرفة الحرمین الشریفین، ص ۷۸.

۲- ۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۲۳.

ص: ۱۱۲

کرده‌اند. در یک روایت می‌خوانیم:

جمیل بن صالح گفته است: من می‌دیدم، که امام صادق علیه السلام همه ارکان کعبه را استلام می‌کرد. (۱)
 در روایت دیگری، احمد بن محمود می‌گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: آیا رکن یمانی و شامی و غربی هم باید استلام شود؟ آن حضرت فرمود: آری. (۲)

۳- رکن یمانی

در مقابل «رکن یمانی» که در جنوب غربی کعبه، بعد از «مستجار» و قبل از رسیدن به «رکن حجرالاسود» قرار دارد، استلام و دعا و نیایش زائران، حال و هوای عابدانه و مخلصانه‌ای دارد.
 درباره عظمت این رکن و اعمالی که برای آن بیان گردیده، روایات فراوانی وارد شده، که به امید انجام آن و بهره‌گیری معنوی، چند مورد را بیان می‌کنیم:

- ۱- امام صادق علیه السلام ضمن روایتی، رکن یمانی را «باب توبه» نامیده است. (۳)
 - ۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: مَا أَتَيْتُ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ، إِلَّا وَجَدْتُ جِبْرِيْلَ قَدْ سَبَقَنِي إِلَيْهِ يَلْتَزِمُهُ. (۴)
- هرگاه نزد «رکن یمانی» می‌رفتم، می‌دیدم جبرئیل علیه السلام از من جلوتر آن

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۴۰۸، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۲۳، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۲

۲- ۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۲۳، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۳

۳- ۳. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۶۳

۴- ۴. کافی، ج ۴، ص ۴۰۸

ص: ۱۱۳

جا رفته و ملتزم آن و مشغول دعا شده است.

۳- ابوالفرج سندی می گوید: همراه امام صادق علیه السلام طواف می کردم، آن حضرت فرمود: کدام نقطه از این مکان عظمت بیشتری دارد؟

گفتم: قربانت کردم، تو به این موضوع از من داناتر هستی.

آن حضرت، باز سؤال خود را تکرار کرد.

من پاسخ دادم: داخل بیت حرمت بیشتری دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، مَفْتُوحٌ لِشَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... (۱)

رکن یمانی، بر دری از درهای بهشت است، که برای شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله باز است و برای دیگران بسته است و هر مؤمنی نزد آن دعا کند، دعای او بالا می رود و به عرش می رسد و میان عرش و خداوند، حجاب و پرده ای نیست. (دعا مستجاب می گردد).

۴- همچنین، امام صادق علیه السلام فرموده: الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابٌ الَّذِي نَدْخُلُ مِنْهُ الْجَنَّةَ. (۲)

رکن یمانی، دری است، که ما از آن داخل بهشت می شویم.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه به در کعبه رسیدی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و در فاصله میان رکن یمانی و حجرالاسود، بگو: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. (۳)

و در حال طواف هم بگو:

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۴۰۶، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۲۳

۲- ۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳۴، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۹، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۲۰

۳- ۳. سوره بقره، آیه ۲۰۱

ص: ۱۱۴

خدایا! من فقیر در گاه تو هستم، از گناهان خود بیمناکم و به تو پناه آورده‌ام، جسم مرا تغییر مده و اسم مرا (که مسلمان و بنده‌ام به نام دیگری) تبدیل مگردان. (۱)

۴- مُسْتَجَار

مُستجار، محلّ پناه‌جویی و الحاح و التماس برای آمرزش گناهان است و مکان آن، فاصله میان در کعبه (که قبلاً مقابل در کنونی بوده و بسته شده) و رکن یمانی می‌باشد، در این مکان دعا مستجاب می‌گردد و مشاهده می‌شود افراد خود را به آن جا می‌چسبانند و برای آمرزش گناهان گریه و ناله می‌کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی طواف خود را به پایان رساندی و به آخر کعبه، روبه‌روی مستجار، که فاصله کمی با رکن یمانی دارد رسیدی، دست‌های خود را به کعبه بازگشای و شکم و گونه صورت خود را به کعبه بچسبان و بگو: «اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ»

خدایا! این خانه، خانه توست و این بنده، بنده توست و این است وضع کسی که، از آتش دوزخ، به تو پناه آورده است، آن گاه به گناهان خود در پیشگاه پروردگار اعتراف کن، زیرا هر بنده مؤمنی در این مکان به گناهی، که انجام داده اعتراف کند و تقاضای عفو از خدا نماید، به خواست خدا، گناهان او آمرزیده می‌شود. (۲)

۵- مُلْتَزِم

۱- ۱ کافی، ص ۴۰۷ و ۴۰۸، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۵.

۲- ۲ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۲۱ و ۱۲۵، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۴ و ۴۲۵.

ص: ۱۱۵

مُلْتَزِم، فاصله میان حجرالاسود و در خانه کعبه است، که افراد برای توجّه و طلب حاجت، بی محابا و با ازدحام زیادی بدانجا روی می آورند و خود را به دیوار خانه کعبه می چسبانند.

مُلْتَزِم، جایگاه فوق العاده مهم و مقدّسی است و از آدم علیه السلام تا بسیاری از عابدان و حتّی امامانی چون حضرت علی علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، و امام موسی بن جعفر علیه السلام، برای آن ارزش ویژه‌ای قائل بودند، سفارش به دعا می کردند و خود نیز در آن مکان مقدس به دعا و انابه می پرداختند.

امام صادق علیه السلام فرموده: وقتی حضرت آدم علیه السلام طواف می کرد و به «ملتزم» رسید، جبرئیل به او گفت: در این مکان، در برابر پروردگار، به گناهان خود اقرار کن، آدم علیه السلام ایستاد و ناله برداشت: ای پروردگار من! هر کارگری مزدی دارد، من هم کار کرده‌ام مزد من چیست؟ آنگاه خداوند متعال وحی فرستاد: ای آدم! هرکس از فرزندان تو به این مکان بیاید و به گناهان خویش اعتراف کند و توبه و درخواست آمرزش نماید، هم‌چنان که تو توبه و تقاضای آمرزش کردی، گناهان او را مورد آمرزش قرار می‌دهم. (۱)

امام علی علیه السلام فرموده: أَقْرَبُوا عِنْدَ الْمُلتَزِمِ مَنْ ذُنُوبِكُمْ ... (۲)

۱- ۱ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۵.

۲- ۲ الخصال، ص ۴۱۷، وسائل الشیعه، ج ۹ ص ۴۲۵، و رجوع کنید به: چهارصد درس زندگی از امام علی علیه السلام، ص ۶۰، اثر دیگر این مؤلف.

ص: ۱۱۶

نزد ملتزم، به گناهانی که به خاطر دارید اعتراف کنید و برای گناهانی هم که به یاد ندارید، بگویید: خدایا! آن گناهانی را هم که مراقبین و موکلین تو از ما ثبت کرده‌اند و ما آن‌ها را فراموش کردیم، مورد غفران و آمرزش قرار بده، زیرا هر کس در این مکان به گناهان خویش اعتراف و یادآوری نماید و تقاضای آمرزش کند، بر خداوند لازم می‌شود، که او را بیامرزد.

در روایت، معاویه بن عمّار هم می‌خوانیم: امام صادق علیه السلام وقتی به «ملتزم» رسید، به غلامان و همراهان خویش فرمود: از من فاصله بگیرید و مرا به حال خود واگذارید، تا در این مکان به گناهان خویش در برابر پروردگارم اعتراف کنم، چون این مکانی است، که هر کس به گناهان خود اعتراف و طلب آمرزش کند، خداوند گناهان او را می‌آمرزد. (۱)

۶- حطیم

حطیم نیز جایگاه بسیار مقدّس و محلّ دعا و توبه و استغفار و درخواست حاجت‌های دنیوی و اخروی است، که به هیچ وجه نباید از آن غفلت نمود.

امّیا، حطیم کجاست؟، عموم روایاتی که حطیم را معرفی کرده‌اند، همان خصوصیتی را که برای «ملتزم» ذکر کرده‌اند، برای این مکان مقدّس هم بیان نموده‌اند.

معاویه بن عمّار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره حطیم سؤال کردم، آن حضرت فرمود: هُوَ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَبَابِ الْبَيْتِ، قَالَ: وَسَأَلْتُهُ لِمَ سُمِّيَ الْحَطِيمُ؟ قَالَ: لِأَنَّ النَّاسَ يَحْطِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا هُنَاكَ. (۲)

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۴۱۱، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۴.

۲- ۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۹۸، علل الشرایع، ص ۴۰۰، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۰.

ص: ۱۱۷

حطیم، مابین حجرالاسود و در کعبه واقع است، سؤال کردم: چرا بدین اسم نامیده شده؟ فرمود: چون در این مکان مردم زیاد ازدحام می‌کنند و تلاش دارند و در نتیجه، همدیگر را در این جا فشار می‌دهند و دفع می‌کنند.

همچنین، امام صادق علیه السلام حطیم را، مقدس‌ترین نقطه زمین و میان در کعبه و حجرالاسود نامیده است. (۱)

و باید از این مکان مقدس، حدّا کثر استفاده را نمود. روایات متعددی هم، محلّ آن را بین حجرالاسود و در کعبه معرفی کرده‌اند. (۲) و شاید هم، اصلاً حطیم، روبه‌روی در کعبه باشد، که در آن جا ازدحام زیادی برای دعا و راز و نیاز صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر «حلبی» می‌گوید، از امام صادق علیه السلام درباره «حجر اسماعیل علیه السلام» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: شما آن جا را حطیم می‌نامید، در صورتی که وی گوسفندان خود را در آن جا می‌گردانید، مادر خود را در آن جا دفن نمود و کراهت داشت پای روی آن گذاشته شود، بدین جهت دور آن دیوار کشید و در آن، قبرهای پیامبران علیهم السلام قرار دارد. (۳)

از لحن اعتراض آمیز امام صادق علیه السلام در این بیان و با استفاده از پنج روایت دیگر، استفاده می‌شود، که «حجر اسماعیل علیه السلام» را نمی‌توان حطیم دانست و از طرف دیگر، روایاتی که، حطیم را بین حجرالاسود و در کعبه معرفی می‌کند، همان خصوصیات «ملتزم» را دارد، می‌توان نتیجه گرفت،

۱-۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵، بحارالانوار، ج ۹۶ ص ۲۳۰

۲-۲. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۲۹-۲۳۱

۳-۳. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۱ و ۳۵۲، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۹۶

ص: ۱۱۸

ملترم و حطیم، یک مکان است با دو نام، یا قسمت دیوار آن ملترم است و قسمت روی زمین حطیم است. در نتیجه از بجا آوردن دعا و نماز و طلب توبه و درخواست حاجت‌ها، با تمام توان در این مکان نباید غفلت نمود.

۷- حجر اسماعیل علیه السلام

حجر اسماعیل علیه السلام نیم‌دایره‌ای است، که دیوار آن حدود یک متر و نیم ارتفاع دارد، در جانب شمال غربی کعبه قرار گرفته و به هنگام طواف به اتفاق نظر فقها و مراجع، باید داخل طواف واقع شود و طواف به دور آن هم صورت گیرد. (۱)

حجر، به معنای اتاق، پناهگاه، دیوار خانه و قسمت جلو لباس و بالاخره، به معنای دامان است (۲) قرآن کریم، درباره یکی از گروه‌هایی که با آن‌ها نمی‌توان ازدواج کرد، می‌فرماید: **وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ** (۳)

یعنی، با دختران همسران خود (که از پدر دیگری هستند) و در دامان شما قرار دارند، به شرط این که با آن همسر آمیزش جنسی کرده باشید، حق ازدواج ندارید.

بنابراین، حجر اسماعیل علیه السلام را باید خانه و محل زندگی او دانست و به اعتبار این که، دامان مادر او «هاجر» وی را نخست در آن مکان پرورش داده و اکنون این دامان پرورش‌دهنده «هاجر» چون دامانی برای کعبه و خانه خدا درآمده، ارتباط خانه توحید، دامان پرورش‌دهنده منادی توحید و مکتب توحید و بت‌شکنی و شرک‌زدایی را بهتر می‌توان مورد

۱- ۱. جواهر الکلام، ۱۹، ص ۲۹۳، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۰۹، باب الطواف، مسأله ۱۱.

۲- ۲. مجمع البحرین، ص ۲۴۰.

۳- ۳. سوره نساء، آیه ۲۳.

ص: ۱۱۹

توجه قرار داد و به نمایش گذاشت.

آن روز، که ابراهیم علیه السلام همسر خویش «هاجر» را، با اسماعیل علیه السلام که کودک شیرخواری بود، با اراده الهی به تعبیر قرآن: در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه محترم خدا (۱) یعنی کعبه، که هنوز به طور کامل ساخته نشده بود، قرار داد، اگر چه آنان را به خدا سپرد و درخواست کمک هم نمود، در عین حال، هاجر که با داشتن کودکی شیرخوار در یک بیابان بی آب و علف سخت ناراحت بود، وقتی ابراهیم علیه السلام می‌خواست از آنان جدا شود، هاجر ناله برداشت: وَلَمَنْ تَتْرُكْنَا بِهَذَا الْوَادِي الْمَوْجِسِ الْمَقْفَرِ؟ (۲)

در این بیابان وحشتناک بی آب و علف ما را به که می‌سپاری؟

امّا، امروز «این دامان هاجر است، دامانی که اسماعیل را پرورش داده است، این جا «خانه هاجر» است، هاجر، در همین جا، نزدیک پایه سوم کعبه، دفن است. شگفتا! هیچ کس را، حتی پیامبران را، نباید در مسجد دفن کرد، و این جا، خانه خدا، دیوار به دیوار خانه یک کنیز، و خانه خدا، مدفن یک مادر، و چه می‌گوییم، بی‌جهتی خدا، تنها در دامن او جهت گرفته است! کعبه، به سوی او، دامن کشیده است! میان این هلالی، با خانه، امروز کمی فاصله است.

می‌توان در چرخیدن بر گرد خانه، از فاصله گذشت، امّا بی‌دامن هاجر، چرخیدن بر گرد کعبه، رمز توحید! طواف نیست، طواف قبول نیست! حج نیست! فرمان خداست، فرمان خدا، تمامی بشریت، همیشه

۱-۱. سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

۲-۲. مع الانبیاء فی القرآن الکریم، ص ۱۲۳.

ص: ۱۲۰

روزگار، همه کسانی که به «توحید» ایمان دارند، همه کسانی که دعوت خداوند را لبیک می‌گویند، باید، در طواف عشق بر گرد کعبه، دامن پیراهن او را نیز طواف کنند! که خانه او، مدفن او، دامن او نیز مطاف است، جزئی پیوسته از کعبه است، که کعبه، این «بی‌جهتی مطلق» تنها در جهت این دامن، جهت گرفته است، در جهت دامن یک کنیز آفریقایی، یک مادر خوب، دامن کعبه، مطاف ابدی او بشریت است!» (۱)

آری، حجر اسماعیل علیه السلام چنین جایگاه والایی دارد، امام صادق علیه السلام آن را از جمله نقاط پرفضیلت زمین دانسته و نماز خواندن در آن را بسیار پراهمیت شمرده (۲) و طبق احادیث فراوانی، حضرت اسماعیل علیه السلام مادر خویش «هاجر» را پای رکن سوم (غربی) دفن نموده، آن جا را دیوار کشی کرده تا به هنگام طواف قبر مادر او زیر پای طواف کنندگان قرار نگیرد، قبور بعضی از پیامبران در آن جا قرار دارد و حضرت اسماعیل علیه السلام که در ۱۳۰ سالگی بدرود حیات گفت، نزدیک قبر مادرش، در حجر اسماعیل به خاک سپرده شده است. (۳)

امام رضا علیه السلام فرمود: در حجر اسماعیل، به خصوص زیر ناودان (رحمت) با فاصله یک متر با خانه کعبه، زیاد نماز بخوان و دعا کن، زیرا قبر «شُبَّیر» و «شَبْر» پسران هارون برادر حضرت موسی کلیم‌الله علیه السلام در آن مکان قرار دارد ... (۴)

۱-۱. حج، دکتر علی شریعتی، ص ۵۸، ج ۱۳۵۱.

۲-۲. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۱.

۳-۳. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۱-۴۲۹، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۹۶، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۰۴ و ۲۳۱ و ۳۵۲.

۴-۴. فقه الرضا، ص ۲۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۰.

ص: ۱۲۱

امام صادق علیه السلام می‌گوید: همراه پدرم امام باقر علیه السلام در حجر اسماعیل بودم و می‌دیدم، که پیوسته در آن جا نماز می‌خواند. (۱)

۸- ناودان رحمت

ناودان، که در روایات به «میزاب» نام برده شده، بالای ضلع شمالی خانه کعبه قرار دارد و آب باران را از بام کعبه به پایین و داخل حجر اسماعیل علیه السلام منتقل می‌کند و سال‌ها است، روکش طلا دارد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: پیوسته روش امام زین‌العابدین علیه السلام این بود که هرگاه وارد حجر اسماعیل می‌شد، قبل از آن که زیر ناودان برسد، در حالی که سر خود را بلند کرده و به ناودان نگاه می‌کرد، می‌گفت: خدایا! با رحمت خویش مرا وارد بهشت گردان و با رحمت خود مرا از آتش دوزخ مصون بدار و از بیماری حفظ کن و روزی حلال را بر من گسترش بده و مرا از شر فاسقان جنّ و انس عرب و غیر عرب محفوظ گردان. (۲)

امام رضا علیه السلام فرمود: هر وقت زیر ناودان رسیدی بگو: اللَّهُمَّ أَظْلِنِي تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِكَ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ، آمِنِّي رَوْعَةَ الْقِيَامَةِ، وَأَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ رِزْقِي مِنَ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فِتْنَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَأَغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (۳)

امام صادق علیه السلام نیز وقتی زیر ناودان می‌رسید، در حالی که به آن نگاه

۱-۱. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۰۵.

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۴۰۷.

۳-۳. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۸۷.

ص: ۱۲۲

می کرد، دست خود را به بالا- می گشود و عرض می کرد: اللَّهُمَّ اِزْحَمْ ضَعْفِي وَقَلِّهِ حِيلَتِي، اللَّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيَّ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَذِرْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ، وَأَذِرْ عَنِّي شَرَّ فِتْنَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ ... (۱)

خدایا! بر ناتوانی و بیچارگی من رحم کن، خدایا! رحمت خویش را دوبرابر بر من نازل گردان و روزی وسیع خود را بر من فروباران، و شرّ فتنه جنّ و انس و عرب و عجم را از من دور گردان، خدایا! روزی مرا وسعت بخش و بر من تنگ مگردان، خدایا! بر من رحمت آر و مرا عذاب مگردان، از من راضی باش و هرگز خشم مگیر، تو دعا را می شنوی و زود مستجاب می گردانی. به هر حال، امامان علیهم السلام در زیر ناودان، نماز و نیایش مخلصانه داشته‌اند، ابونعیم انصاری می گوید: حضرت صاحب الامر (عج) در حجر اسماعیل و زیر ناودان به نماز می ایستاد و پیوسته در سجده خود می گفت: عَيْدُكَ بِفِنَائِكَ، سَأَلْتُكَ بِفِنَائِكَ، يَسْأَلُكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ. (۲)

خدایا! بنده کوچک تو، به تو پناه آورده، نیازمند در گاهت، به تو روی آورده و چیزی را از تو درخواست می کند، که جز تو، کسی توانایی انجام آن را ندارد.

درباره شفا بخشی آب ناودان هم، عبدالله بن جبّله، از مردی به نام «صارم» روایت می کند که وی گفته است: یکی از همراهان ما، در مکه بیمار شد و در آستانه مرگ قرار گرفت، در حال عبور با امام صادق علیه السلام که از وضع آن بیمار اطلاع داشت، برخورد کردم، آن حضرت فرمود: ای

۱-۱. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۹۹.

۲-۲. کمال الدین صدوق، ج ۱، ص ۲۶۰، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۹۵.

ص: ۱۲۳

صارم! آن بیمار در چه حالی است؟

گفتم: ای مولای من! وضع او خطرناک است، از زنده ماندن او ناامید شده‌ایم!

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر برای شما امکان داشته باشد، مقداری آب ناودان به او بدهید. ولی ما هر جا گشتیم، آب ناودان نزد کسی نیافتیم، اما در همان حال، ابری پدیدار شد، رعد و برق زد و باران بارید، من زود به مسجدالحرام آمدم، کاسه‌ای خریدم و آب ناودان را به آن بیمار رساندم و آشامید، من هنوز نزد بیمار نشسته بودم، که بهبودی یافت، مشغول غذا خوردن شد و از مرگ نجات یافت. (۱)

۹- مقام ابراهیم علیه السلام

مقام ابراهیم علیه السلام را قرآن کریم، در دو جا مطرح کرده، یک جا می‌فرماید: از مقام ابراهیم برای خود نمازگاهی و عبادتگاهی انتخاب کنید (۲) و در جای دیگر می‌فرماید: در مقام ابراهیم، آیات و نشانه‌هایی قرار دارد. (۳)

درباره مقام ابراهیم علیه السلام که اکنون در محفظه‌ای شش ضلعی با روکش طلایی رنگ و با فاصله‌ای حدود سیزده متر، رو به روی حدود در کعبه قرار دارد، چند موضوع قابل توجه و دقت است:

۱- سومین عمل از اعمال عمره، که نماز طواف است و نیز نماز سایر

۱- ۱. المحاسن للبرقی، ص ۵۷۴، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۵

۲- ۲. سوره بقره، آیه ۱۲۵

۳- ۳. سوره آل عمران، آیه ۹۷

ص: ۱۲۴

طواف‌ها باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام یا نزد آن خوانده شود.

این نماز طبق روایت امام صادق علیه السلام دو رکعت است، مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره «توحید» و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره قل یا ایها الکافرون خوانده شود. (۱) و می‌تواند در هر دو رکعت، بعد از حمد سوره توحید بخواند.

۲- مقام، جای ایستادن است و چون حضرت ابراهیم علیه السلام برای ساختن خانه کعبه روی سنگی می‌ایستاده و دیوار کعبه را بالا می‌برده، این سنگ «مقام ابراهیم علیه السلام» نامیده شده است، یا حضرت ابراهیم علیه السلام روی این سنگ می‌ایستاده و پای خود را می‌شسته، یا این که روی این سنگ ایستاده و طبق دستور الهی، اعلام حج نموده و مردم را برای انجام حج دعوت کرده است. (۲) یا روی این سنگ، همه این امور را انجام داده بدین جهت به «مقام ابراهیم» موسوم گردیده است.

۳- مقام ابراهیم علیه السلام در طول سالیان گذشته جابه‌جایی‌هایی داشته است.

روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که: خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام وحی فرستاد دعوت به حج را در بین مردم اعلام کند، ابراهیم سنگی را «که جای دو پای او بر آن وجود دارد»، برداشت و مقابل کعبه در حالی که به کعبه چسبیده بود قرار داد و روی آن ایستاد و همانطور که خدا دستور داده بود، با صدای بلند اعلام حج نمود، وقتی ابراهیم فریاد برمی‌داشت، سنگ تحمّل نیاورد و پاهای او در آن فرو رفت، ابراهیم پاهای خود را

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۴۲۳، جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۶۳، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۳.

۲- ۲. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۵.

ص: ۱۲۵

بیرون کشید و افراد زیادی به ندای او پاسخ دادند، به طوری ازدحام جمعیت به وجود آمد که مردم برای طواف گرفتار مشکل شدند، بدین جهت و برای این که طواف آسان‌تر صورت گیرد، سنگ را در مکانی که هم‌اکنون قرار دارد منتقل کردند، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به نبوت مبعوث شد، دستور داد: سنگ را در همان جایی که ابراهیم علیه السلام قرار داده بود منتقل کنند و سنگ از آن تاریخ تا رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، و دوران خلافت ابوبکر و اول خلافت عمر، در آن جا قرار داشت، وقتی عمر به خلافت رسید و ازدحام مردم را نزد مقام دید، به فکر چاره و جست‌وجوی کسی افتاد، که جای قبلی سنگ را می‌دانست «مطلب بن وداعه سَلَمی» را، که جای دقیق سنگ را می‌دانست حاضر کردند و مقام ابراهیم علیه السلام را به همین نقطه‌ای، که اکنون قرار دارد، منتقل نمودند. (۱)

۴- غیر از این که طبق سیره امامان علیهم السلام و فتوای فقیهان، و روایات (۲)، طواف در مطاف کنونی صحیح است و نماز طواف را هم نزد مقام ابراهیم علیه السلام باید خواند و دعا و نیایش هم نزد مقام سفارش شده، در رابطه با خواندن نماز مستحبی، داوود حضرمی می‌گوید:

از امام موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کردم: نماز خواندن در کدام نقطه از مکه پرفضیلت‌تر است؟ آن حضرت فرمود: نزد مقام اول ابراهیم علیه السلام که در آن جا مقام ابراهیم و اسماعیل و رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است. (۳)
پشت مقام ابراهیم علیه السلام غیر از خواندن دو رکعت نماز واجب طواف،

- ۱- ۱. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۰۱، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۸، علل الشرایع، ص ۴۲۳، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۲، جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۳-۲۹۲.
- ۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۴۱۳.
- ۳- ۳. السرائر، ص ۴۸۱، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۱.

ص: ۱۲۶

صلوات بر محمّد و آل محمّد و تقاضای قبولی عبادات و درخواست بازگشت به آنجا از سوی خداوند، پس از خواندن دو رکعت نماز سفارش شده، و نیز حمد و ثنای الهی به خاطر نعمت‌هایی که عطا کرده، باید انجام شود و از خداوند، پاک شدن دل از آلودگی‌ها و نیت‌های ناسالم و زدودن گناهان و گرفتاری‌ها، درخواست گردد، و پس از آن بوسیدن حجرالاسود، یا استلام آن و یا اشاره به آن صورت گیرد. (۱)

۱۰- بین رکن و مقام

مکان دیگری، که طبق روایات فراوان «برترین نقطه زمین» معرفی شده و در آن از دعا و نیایش و توبه و انابه و تقاضای حاجت از آستان کبریایی خداوند، به هیچ وجه نباید غفلت داشت، فاصله میان حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام است. ابو حمزه ثمالی، می گوید: امام زین العابدین علیه السلام از ما سؤال کرد:

پرفضیلت‌ترین نقطه زمین کجاست؟

گفتیم: خدا و رسول صلی الله علیه و آله و فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله به آن داناترند.

آن حضرت فرمود: أَفْضَلُ الْبِقَاعِ، مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ... (۲)

پرفضیلت‌ترین نقطه زمین، فاصله میان حجرالاسود و مقام ابراهیم است.

امام باقر علیه السلام فرموده: وَإِنَّ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ لَمَشْحُونٌ مِنْ قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ، وَإِنَّ آدَمَ لَفِي حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۳)

۱- ۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۱۸.

۲- ۲ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۵۹.

۳- ۳ کافی، ج ۴، ص ۲۱۴، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۰ و ج ۱۴، ص ۴۶۴.

ص: ۱۲۷

فاصله میان حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام قبرهای پیامبران علیهم السلام را در بردارد، و حضرت آدم علیه السلام در حرم خداوند متعال است.

۱۱- پیراهن کعبه

پیراهنی که اکنون رویه آن به رنگ سیاه، ابریشم، طلا و نقره‌بافت و آستر آن از پنبه است، کعبه را پوشانده، خصوصیت ابتدایی آن، تاریخ طولانی و کهنی دارد. طبق روایات، اول کسی که پیراهن موئین برای کعبه تهیه کرد، حضرت آدم علیه السلام و بعد حضرت ابراهیم علیه السلام و سپس حضرت سلیمان علیه السلام بوده‌اند. (۱)

قبل از اسلام هم، اول زن عربی که از ابریشم و دیباج و چیزهای دیگر برای کعبه پیراهن تهیه کرد، نُثیله، دختر خَیاب بن حبیب و مادر عباس بن عبدالمطلب بود، چون وقتی عباس کودک بود، گم شد، مادرش نذر کرد، اگر فرزندش را بیابد، برای کعبه پیراهن تهیه کند و آنگاه که عباس پیدا شد «نُثیله» هم به نذر خویش عمل نمود و پیراهن برای کعبه تهیه کرد. (۲)

طبق بیان امام باقر علیه السلام، امام امیر المؤمنین علی علیه السلام در دوران خلافت خویش هر سال از عراق، برای کعبه پیراهن می‌فرستاد. (۳)

امّا، موضوعی که در ارتباط با «پیراهن کعبه» قابل توجه است، از طرفی عدم تعرّض و تصرّف خودسرانه در آن است و از طرف دیگر، به عنوان یک عمل مستحبّ و متابعت از پیشوایان دین همچون امام

۱- ۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲ ص ۱۴۹، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۴

۲- ۲. الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۴

۳- ۳. قرب الاسناد، ص ۱۲۵، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۴

ص: ۱۲۸

زین العابدین علیه السلام (۱) و سایر عارفان و اولیا، که سفارش شده، انسان پیراهن کعبه را بگیرد و دعا و توسل و التماس به پیشگاه خداوند نماید.

در روایتی می‌خوانیم که، از «محمد بن عثمان عمروی»، (یکی از نایبان خاص امام زمان علیه السلام) سؤال شد: آیا حضرت صاحب الأمر (عج) را دیده‌ای؟

وی پاسخ داد: بارها آن حضرت را دیده‌ام و یک بار هم آن حضرت را در «مُستجار» دیدم که دامن پیراهن کعبه را به دست گرفته بود و به درگاه خداوند ناله و استغاثه می‌کرد: خدایا! به آنچه به من وعده دادی، لباس عمل بپوشان تا از دشمنانت انتقام بگیرم. (۲) همانطور که هر زائر مؤمن و دردمندی، خودآگاه و ناخودآگاه، دامن پیراهن کعبه را به دست می‌گیرد و به طلب مغفرت و پناهجویی می‌پردازد و «غم دل به دوست می‌گوید» با این عمل مطلوب، اسراری را با خالق خویش در میان می‌گذارد.

فیض کاشانی می‌نویسد: وقتی دست به دامان پیراهن کعبه می‌زنی، در واقع تصمیم به الحاح و التماس داری، التماس برای تقاضای آمرزش و درخواست آرزوها، مثل گناه کاری که به دامن کسی که نسبت به او خطا کرده چنگ می‌زند و در حالی که می‌داند کسی جز او پناهگاه او نیست، التماس می‌کند تا از خطا و لغزش وی صرف‌نظر کند و او را مورد آمرزش قرار دهد. (۳)

۱۲- جرعه زَمَرَه

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۹۸-۱۹۷

۲- ۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۷، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۶۰

۳- ۳. محجۀ البیضاء، ج ۲، ص ۲۰۳

ص: ۱۲۹

پس از انجام دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام زائری که در میان انبوه جمعیت، خسته و فرسوده شده و در عین حال با دریافت لذت عبادت و بندگی، به نشاط و آرامش دل‌نشینی دست یافته، باید لبی هم از جرعه آب زمزم، تر کند و نیز با ریختن آب، بر سر و صورت و شکم و کمر، دعا و نیایش، کام خویش را سیراب و جسم و بدن خویش را نظیف و تر و تازه و سر حال گرداند.

امام صادق علیه السلام فرموده است: وقتی دو رکعت نماز طواف را انجام دادی، نزد حجرالاسود رفته آن را ببوس، به آن دست بکش یا (اگر نتوانستی) به آن اشاره کن، این کار لازمی است و اگر توانستی، قبل از آن که به «کوه صفا» بروی، از آب زمزم بنوش و بگو: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرموده: ما شنیده‌ایم، هرگاه چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله به زمزم می‌افتاد، می‌فرمود: اگر برای این جهت نبود، که برای امت من مشقت و سختی ایجاد می‌شد، یک دلو بزرگ یا دو دلو از آب زمزم را بر می‌داشتم (۲) و برای افراد هدیه می‌بردم، تا افراد امت، این کار را به عنوان یک عمل مستحب انجام دهند. در عین حال، امام صادق علیه السلام فرموده: رسول خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که در مدینه می‌زیست، پیوسته از افراد تقاضا

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۴۳۰.

۲-۲. همان.

ص: ۱۳۰

می‌کرد، آب زمزم را برای او هدیه بیاورند. (۱)

امام رضا علیه السلام فرموده است: ماء زمزم شفاء من كل داء وسقم، وأمان من كل خوف وحزن. (۲)

آب زمزم، برای هر درد و بیماری شفاست و موجب مصون ماندن، از هر ترس و غم و اندوهی می‌گردد.

در روایتی می‌خوانیم: امام حسن و امام حسین علیهما السلام بعد از ظهر طواف انجام می‌دادند و سپس نزد زمزم می‌رفتند در حالت

ایستاده از آب زمزم می‌نوشیدند. (۳)

علی بن مهزیار می‌گوید: مشاهده کردم امام جواد علیه السلام شب، زیارت و طواف نساء را انجام داد، پشت مقام ابراهیم نماز

خواند و سپس داخل زمزم شد، با دست خود از آب زمزم نوشید، مقداری از آب را روی بدن خود ریخت و دو بار به داخل چاه

زمزم نگاه کرد. (۴)

خلاصه، امام علی علیه السلام آب زمزم را بهترین آب روی زمین نامیده (۵) و سفارش کرده: حتی سرکشیدن و در چاه زمزم نگاه

کردن هم، دردها را برطرف می‌کند، از آب زمزم که از طرف «حجرالاسود» جاری است بنوشید، چون زیر حجرالاسود، چهار نهر

بهشتی: فرات، نیل، سیحون و جیحون قرار دارند. (۶)

۸ سعی صفا و مروه

اشاره

۱- ۱ من لا یحضره الفقیه، ج ۲ ص ۱۳۵

۲- ۲ فقه الرضا، ص ۴۶، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۵

۳- ۳ معالم الاسلام، ج ۱، ص ۳۱۵

۴- ۴ کافی، ج ۴، ص ۴۳۱

۵- ۵ المحاسن للبرقی، ص ۵۷۳ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۴

۶- ۶ الخصال، ص ۶۲۵، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۳، چهارصد درس زندگی از امام علی علیه السلام ص ۹۰، اثر دیگر این مؤلف.

ص: ۱۳۱

۸ سعی صفا و مروه

ص: ۱۳۳

۸ سعی صفا و مروه

برای احرام پوشان سپیدبالی، که طواف کعبه را به پایان رسانده و سپس نزد مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز خوانده‌اند، نوبت به عمل چهارم و پراهمیت «سعی بین صفا و مروه» می‌رسد، تا از حرکت و تلاش در دایره کوچکی، در مکان تقریباً بیضی شکل بزرگ‌تری، به کوشش و تلاش بیشتری بپردازند.

حرکت از «کوه صفا» و راه‌پیمایی مخلصانه، متواضعانه، جست‌وجوگرانه و عابدانه تا «کوه مروه»، آن هم هفت دور، به تعداد هفت دور طواف دور خانه کعبه.

اما فلسفه و راز و رمز این اماکن، نامگذاری آن‌ها و این عمل به ظاهر تکراری و یک‌نواخت چیست؟ چگونه آن را باید انجام داد؟ و از آن، چه بهره‌برداری تربیتی و عرفانی باید نمود؟ این جهات را با دقت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دو کوه صفا و مروه

پس از پایان نماز طواف و دعای بعد از آن، از مسجدالحرام، روانه

ص: ۱۳۴

کوه صفا می‌شویم. کوه صفا، در قسمت پایین کوه بزرگ «ابوقبیس» قرار دارد و فاصله آن تا «کوه مروه» که در دامنه «کوه قینقاع» قرار گرفته، حدود ۴۲۰ متر است.

صفا، به معنای سنگ صاف و خالص است و مروه، سنگ ظریف و نرم (۱). درباره علت نامگذاری این دو کوه، امام صادق علیه السلام فرموده است:

صفا، بدین خاطر به این نام موسوم گردید، که مصطفی یعنی حضرت آدم علیه السلام بر آن فرود آمد و نام وی بر آن کوه نهاده شد، چون خداوند فرمود: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا (۲)

بنابراین، نام کوه برگزیده از مصطفی، لقب آدم است، و چون «حوّا» بر کوه مروه فرود آمد، اسم این کوه هم از نام وی و واژه «مرثه» یعنی زن آمده است. (۳)

درباره نامگذاری این دو کوه و سعی بین آنها، باید توجه داشته باشیم، گاهی اسلام در برابر نمادهای منحط و قالبهای نامناسب، با محتواهای انحرافی، قالب‌ها و نمادهای سالم، با محتواهای مثبت توحیدی و سازنده جایگزین کرده، که یک مورد آن، همین دو کوه و شیوه سعی و عبادت در آنهاست.

طبق روایتی از ابن عباس «قبل از اسلام و در زمان جاهلیت، اساف بن یغلی و نائله، دختر زید، در «یمن» با هم معاشقه می‌کردند، آنان به عنوان زیارت حج، به مکه آمدند و داخل خانه کعبه شدند، وقتی آن‌جا را از بیگانه خلوت یافتند، به معاشقه پرداختند و مرتکب فساد شدند، اما مسخ شدند و به دو سنگ تبدیل گردیدند، وقتی مردم به داخل کعبه وارد شدند

۱-۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۳۹

۲-۲. سوره آل عمران، آیه ۳۳

۳-۳. علل الشرایع، ص ۴۳۲، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۳؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۴۰

ص: ۱۳۵

و آن دو را مسخ شده و به صورت سنگ یافتند، مجسمه آنان را بیرون آوردند و چون سایر بت‌ها در جایی قرار دادند و پس از گذشت زمان، طایفه خُزاعه قریش و حاجیانی که، از اطراف به زیارت حج می‌آمدند، آن‌ها را نیز عبادت می‌کردند.» (۱)

عمر شعبی، روایت می‌کند: در زمان جاهلیت، بتی به نام «اساف» بر کوه «صفا» قرار داشت و بت دیگری، به نام «نائله» بر کوه «مروه» و مردم آن روزگار، وقتی طواف خانه خدا می‌کردند، و در میان صفا و مروه سعی می‌نمودند، خود را به آن دو بت می‌مالیدند (و بدین سان احترام می‌کردند) اما وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه مسلمانان برای انجام سعی آمدند، همراهان عرض کردند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! سعی را که مردم میان صفا و مروه می‌کنند، به خاطر این دو بت است و این طواف وسیعی نمی‌تواند از شعائر و نشانه دین داری باشد، در این موقع خداوند این آیه را نازل کرد: إِنَّ الصَّفاَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ... (۲)

صفا و مروه، از شعائر و نشانه‌های (اطاعت و عبادت) خداست، بنابراین، کسانی که حج خانه خدا یا عمره انجام می‌دهند، مانعی ندارد، بر آن دو (صفا و مروه) سعی و طواف کنند (و هرگز اعمال ناروای مشرکان، که بت‌ها را بر این دو کوه نصب کرده‌اند، از قداست و اهمیت این دو مکان نمی‌کاهد) بنابراین، معرفی صفا، به خاطر بتی بوده که بر آن قرار داشته و مروه نیز از جهت بتی بوده که، بر آن نصب بوده است. (۳)

وَجُوبُ سَعْيٍ

۱- ۱. بت‌های عرب، ترجمه الاصنام، ص ۵۲

۲- ۲. سوره بقره، آیه ۱۵۸

۳- ۳. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، ص ۱۶۰، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۹۳، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۰۰

ص: ۱۳۶

سعی میان صفا و مروه، مثل طواف، از احکام واجب و از ارکان عمره و حج است، اما از تعبیر آیه: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ...

(۱)

یعنی، مانعی ندارد بر آن دو کوه طواف (و سعی) انجام شود، این معنا به ذهن می‌آید، که چرا یک وظیفه واجب و اجتناب‌ناپذیر، با تعبیر «مانعی ندارد» آمده است؟

اتفاقاً، چنین برداشتی در مرحله نخست، در صدر اسلام هم، از آیه قرآن می‌شده و به همین دلیل، شخصی به حضور امام صادق علیه السلام رسیده و پرسیده است: آیا سعی بین صفا و مروه، واجب است یا مستحب؟

امام علیه السلام می‌فرماید: سعی واجب است.

آن شخص می‌پرسد: پس چرا خداوند متعال فرموده: مانعی ندارد، بر آن دو کوه طواف کنند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: این آیه مربوط به «عمره قضا» است، که پیامبر صلی الله علیه و آله - در سال هفتم هجرت - با مشرکان شرط کرد وقتی برای «عمره قضا» می‌آید، آنان آن دو بت را از روی صفا و مروه بردارند و آنان هم به این شرط عمل کردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله سعی خود را انجام داد، اما یکی از مسلمانان بر اثر گرفتاری نتوانست آن روز سعی خود را انجام دهد، ولی روز دیگری که برای انجام سعی آمد، مشاهده کرد باز بت‌ها را بر کوه صفا و مروه نصب کرده‌اند، این جا بود که از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند: فلانی سعی خود را انجام نداده و اکنون بت‌ها را نصب کرده‌اند، تکلیف او چیست؟ بدین مناسبت، آیه نازل شد، مانعی ندارد طواف (سعی) میان

ص: ۱۳۷

صفا و مروه را انجام دهد، در حالی که بت‌ها نیز بر آن دو کوه، نصب شده است. (۱)

بنابراین، تعبیر آیه (مانعی ندارد یا گناه نیست) با توجه به این واقعه است و درباره وجوب «سعی صفا و مروه» و احکام آن، روایات فراوانی وارد شده، که تعدادی از آن‌ها را می‌آوریم.

بر کوه صفا

باید مسجدالحرام را برای مدتی ترک گفت و به سوی «سعی» با عشق و امید و متانت و آرامش حرکت نمود.

عبدالحمید ازدی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

از دری که روبه‌روی حجرالاسود قرار دارد خارج شوید و بر کوه صفا قرار گیرید. (۲)

هم‌چنین، آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی طواف و نماز طواف را انجام داد فرمود: دنباله اعمال را از همان‌جا که خداوند متعال فرموده شروع کنید، خداوند فرموده: *إِنَّ الصَّفاَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ ...* به یقین، صفا و مروه از شعائر خدا (و اطاعت و عبادت) است.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: تو نیز از همان دری که روبه‌روی حجرالاسود قرار دارد و رسول خدا صلی الله علیه و آله خارج شد، خارج شو تا فاصله در و محوطه بیابانی را که (در آن روز بوده) پشت سر گذاری و به صفا برسی،

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۴۳۵، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۷۲، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۱، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ص ۵۴، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۵.

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۴۳۲، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۸، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۶۷، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۶.

ص: ۱۳۸

امریا با حالت وقار و آرامش حرکت کن، طوری که بر کوه صفا قرار گیری و بتوانی کعبه را مشاهده کنی، آن گاه روی خود را به طرف رکنی که در آن حجرالاسود نصب است بگردان، حمد و ثنای خداوند متعال را انجام بده، آن گاه نعمت‌های خدا و امتحانات (همراه با گرفتاری) را به یاد آور و توجه داشته باش خداوند به تو چه کمک خوبی کرده، که توانسته‌ای به آن مکان مقدس بیایی و به یاد او باشی، سپس (در حالی که به رکن حجرالاسود نگاه می‌کنی) هفت مرتبه تکبیر (عابدانه و متواضعانه) بگو، هفت مرتبه الْحَمْدُ لِلَّهِ، هفت مرتبه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و سه مرتبه: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

سپس سه بار بگو: اشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ ...

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه خواندن سوره بقره، به صورت ترتیل و شمرده توقف می‌کرد. (۱)

در روایتی هم می‌خوانیم: روش همیشگی امیرمؤمنان علیه السلام این بود، که هرگاه روی کوه صفا قرار می‌گرفت، صورت خود را به طرف کعبه می‌گردانید و دست‌های خود را به دعا بلند می‌کرد و عرضه می‌داشت:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْتُ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ ...

خدایا! هر گناهی را که من مرتکب شده‌ام، که مرتکب نشده‌ام، مورد آمرزش خویش قرار بده، و اگر من به گناه بازگشت کردم، تو نیز مغفرت

ص: ۱۳۹

خویش را بر من بازگردان، چون تو آمرزنده مهربان هستی، خدایا! با من آن رحم را انجام بده، که خود اهل آن هستی، زیرا اگر مرا عذاب کنی، از عذاب کردن من بی‌نیازی و من محتاج رحمت تو هستم، ای کسی که من محتاج رحمت او هستم! به من رحم کن. خدایا! با من، آن گونه که شایستگی دارم رفتار مکن، چون اگر به خاطر شایستگی من با من رفتار کنی، مرا عذاب خواهی نمود، و هرگز در حق من ستم روا نخواهی داشت، اما من، از عدل تو بیمناکم، نه این که از ستم تو خوفی داشته باشم، ای خدایی که کانون عدل بدون ستم هستی! بر من رحم و شفقت بباران. (۱)

آری، توقّف زیاد بر بالای کوه صفا و دعا و نیایش و توبه و انابه، راز و نیاز و درخواست رشد و ترقّی از درگاه خداوند، مورد سفارش قرار گرفته، امّا امام موسی بن جعفر علیهما السلام شاید به خاطر شرایط سخت زمان خودش، توقّف کم همراه با دعایی کوتاه بر کوه صفا و مروه انجام می‌داده (۲)، ولی همانطور که ملاحظه شد، امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام توقّف طولانی همراه با دعاهای فراوان در صفا و مروه داشته‌اند.

درباره دعا و نیایش برای آمرزش گناهان، رفع گرفتاری از همگان و بالاخره رشد جنبه‌های معنوی، رفع فقر و نیازمندی و دست‌یابی به مال و ثروت از راه حلال، در آن مکان مقدّس نباید غفلت کرد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْثُرَ مَالَهُ، فَلْيُطِلِ الْوُقُوفَ عَلَى الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ. (۳)

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۴۳۳، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۶۹، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۸.

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۴۳۳، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۲۰.

۳-۳. کافی، ج ۴، ص ۴۳۳، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۵.

ص: ۱۴۰

هر کس می‌خواهد مال و ثروت او افزون و فراوان گردد، توقف خود را بر کوه صفا و مروه، طولانی گرداند.

فلسفه سعی

مردان و زنان مؤمن، در حالی که لباس سفید احرام به تن دارند، باید هفت مرتبه سعی و پیاده‌روی از کوه صفا تا مروه را انجام دهند، این سعی و تلاش همراه با ذکر و دعا و نیایش، از صفا شروع می‌شود و در مرتبه هفتم، در مروه پایان می‌پذیرد. شروع سعی از صفا، صفا را می‌طلبد و در این عبادت بزرگ، که از ارکان است، باید نیت صاف و خالص به منظور اطاعت و عبادت خدا، شالوده حرکت و تلاش و رفت‌وآمد را استوار گرداند، سعی صفا و مروه، قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ. صفا، سنگ صاف و خالص است، تا صافی و خلوص را بیاموزاند و ارتباط «مصطفایی» ابراهیم علیه السلام را، که برگزیدگی و امتیاز و نام نیک، قهرمانی، بت‌شکنی و کفرستیزی و مبارزه با هوای نفس و خلاصه، جاویدانی و ماندگاری است، تداعی گرداند. سعی، پیروی از یک حرکت مادرانه، دردمندانه، مخلصانه و مؤمنانه یک زن قهرمان است، که حدود چهار هزار سال پیش رخ داده است.

هاجر، کنیز ساره همسر ابراهیم خلیل، از طایفه قُبط مصر قدیم و سیاه‌پوست، در حالی که ابراهیم علیه السلام ۸۶ سال دارد، ساره او را به ابراهیم می‌بخشد و چون خود کهن‌سال و عقیم بوده به ابراهیم پیشنهاد ازدواج با هاجر را می‌دهد تا از طریق او دارای اولاد گردد و آن‌گاه که هاجر اسماعیل علیه السلام را می‌زاید، ساره تحمل زندگی با آن مادر و فرزند را ندارد

ص: ۱۴۱

ولذا به ابراهیم علیه السلام پیشنهاد می‌کند: آنان را از او دور گرداند و به سرزمین دیگری ببرد! (۱)

طبق بیانی که از امام صادق علیه السلام وارد شده، خلاصه داستان از این قرار است: خداوند متعال، به ابراهیم وحی فرستاد، اسماعیل و مادر او هاجر را به سرزمین مکه و حرم امن الهی ببرد، ابراهیم هم این فرمان را عملی کرد و آن گاه که می‌خواست از آنان جدا شود، در جواب هاجر، که می‌گفت، در این مکانی، که آب و آبادانی و کسی وجود ندارد، ما را به که می‌سپاری؟ ابراهیم علیه السلام پاسخ داد: خدا به من چنین دستور داده و او شما را کفایت می‌کند.

ابراهیم خلیل علیه السلام زن و فرزند شیرخوار خویش را، کنار خانه خدا- که پس از طوفان نوح، جز اثر کمی از آن باقی نمانده بود- گذاشت و راه بازگشت را پیش گرفت، اما وقتی به «کُدی» که کوهی در «ذی طوی است رسید، به یاد زن و فرزند و شرایط نامناسب آنان افتاد و گفت: رَبَّنَا إِنِّي أَشْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ ... (۲).

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را، در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپای دارند، تو قلب‌های گروهی از مردم را متوجه آن‌ها گردان و از ثمرات به آنان روزی ده، شاید آنان شکر تو را به جای آورند.

ابراهیم خلیل علیه السلام آن جا را ترک گفت و هاجر تنها ماند، آفتاب بالا آمد و اسماعیل کوچک را تشنگی فراگرفت و هاجر برای یافتن آب، سر

۱-۱. المعارف، لابن قتیبة الدینوری، ص ۱۶، مع الأنبياء فی القرآن الکریم، ص ۱۲۲.

۲-۲. سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

ص: ۱۴۲

به صحرا گذاشت، بالای تپه‌ای که مُشرف به درّه بود آمد و با صدای بلند فریاد زد: آیا در این درّه کسی نیست؟ جوابی نشنید، اما هاجر به سرعت داخل درّه شد و بالای کوه صفا رفت تا به درّه و اطراف اشراف پیدا کند، از همان بالای صفا در تهِ درّه سرابی توجّه او را جلب کرد، پنداشت آب است، با شتاب خود را به کف درّه رسانید و سراب محو شد، برای اسماعیل، که دیگر او را نمی‌دید سخت نگران بود، برای این که از وضع کودک مطلع شود و نیز به نقاط دیگر بیابان برای یافتن آب اشراف پیدا کند، از کف درّه به سوی کوه مروه، که در مقابل کوه صفا بود شتاب گرفت، امّا وقتی از بالای کوه مروه هم در کف درّه به طرف صفا سرابی توجّه او را جلب نمود با عجله خود را به آن رسانید، باز هم از آب خبری نبود و این رفت و آمد سراسیمه هفت بار تکرار شد، تا این که از بالای کوه مروه متوجّه شد آبی از پایین پای اسماعیل ظاهر شده! با شتاب خود را نزدیک کودک رسانید، مشاهده کرد، آب جریان دارد، با مقداری شن و خاک آن را مهار کرد و نگذاشت به هدر برود و این حالت بستن و «مهار کردن آب» زَمَزَم نامیده شده است (۱)

در بیان دیگری که از امام صادق علیه السلام روایت شده، آن حضرت در پایان می‌فرماید: صَنَعْتُ ذَلِكَ سَبْعًا، فَأَجْرِي اللَّهُ ذَلِكَ سُنَّةً ... (۲)

هاجر، این سعی و رفت‌وآمد را میان کوه صفا و مروه، هفت مرتبه انجام داد و از آن زمان خداوند متعال، این عمل را یک سنت و یک وظیفه اجتناب‌ناپذیر، برای همگان قرار داد.

۱-۱. علل الشرایع، ص ۴۳۲.

۲-۲. علل الشرایع، ص ۴۳۲، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۲.

ص: ۱۴۳

بنابراین، اصل فلسفه سعی صفا و مروه، به عنوان یک رکن عمره و حج، متابعت از عمل صالح یک زن مؤمن و مجاهد و فداکار است، که از طرفی همسر ابوالانبیاء، ابراهیم مؤخِّد و بت‌شکن بوده و از طرف دیگر، مادر اسماعیل پیغمبر است، که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از نسل او می‌باشد.

هَرَوَلَه

کسی که از دامنه تپه به سرایشی می‌رود، قهراً شتاب و سرعت می‌گیرد، به خصوص اگر زنی مثل هاجر، سرابی دیده و در جست و جوی آب باشد.

در کف درّه آن روز، که اکنون با دو ستون به رنگ سبز و چراغ‌های مهتابی سبز رنگ مشخص شده و مقابل کعبه نیز قرار دارد، هَرَوَلَه برای مردها مستحبّ است.

هَرَوَلَه، یعنی سینه را جلودادن، قدم‌ها را کوتاه و تند برداشتن و با شتاب حرکت کردن، این نوع راه رفتن را هَرَوَلَه می‌گویند. در بیان امام صادق علیه السلام آمده است: در این مکان، ابلیس بر ابراهیم علیه السلام ظاهر شد و جبرئیل به آن حضرت دستور داد: ابلیس را از خود براند، ابراهیم علیه السلام هم با شتاب حرکت کرد و ابلیس را طرد نمود و او فرار کرد و این دویدن ابراهیم علیه السلام به عنوان سنّت هَرَوَلَه مقرر گردید. (۱)

هم‌چنین، درباره اصل این عمل، امام رضا علیه السلام فرموده است: از کوه صفا به طرف کوه مروه سرازیر شو، و آن گاه که به حدّ سعی که میان دو ستون سبزرنگ قرار دارد رسیدی، هَرَوَلَه انجام بده و با شتاب حرکت کن

۱- ۱. علل الشرایع، ص ۴۳۳، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۴.

ص: ۱۴۴

و بگو: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

خدایا! مرا ببامرز و مورد رحمت خویش قرار بده، و از لغزش‌هایی، که از من نسبت به آن آگاهی داری در گذر، زیرا تو، توانای مقتدر و صاحب کرامت هستی.

و آن گاه که از حدّ سعی (ستون سبز رنگ) گذشتی، هروله را قطع کن و با آرامش و وقار به راه ادامه بده و تا می‌توانی، تسییح و تکبیر و تهلیل و تمجید و ستایش خداوند و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله را تکرار کن تا به مروه برسی، بر مروه هم همان دعایی را که بر صفا می‌خواندی، در حالی که روی خود را به سوی کعبه نموده‌ای بخوان و سپس سرازیر شو تا به صفا برسی و این عمل را هفت بار انجام بده، در این صورت، چهار بار بر صفا و چهار مرتبه بر مروه وقوف داشته‌ای و سعی را، که از صفا شروع کرده و در مروه پایان داده‌ای، هفت دور می‌شود. (۱)

برای سعی، دعاهای فراوانی وارد شده، که به خاطر اختصار از آن‌ها صرف نظر می‌کنیم، اما برای بالای کوه مروه هم سفارش شده، طوری قرار بگیرد، که خانه کعبه را ببیند، حاجت‌های خود را از خدا بخواهد و در دعای خویش بگوید: یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ يُجْزِي عَلَى الْعَفْوِ، یا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ، یا مَنْ زَيَّنَ الْعَفْوِ، یا مَنْ يُشِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، یا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوِ، یا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، یا مَنْ يَغْفُو عَلَى الْعَفْوِ، یا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ، الْعَفْوِ، الْعَفْوِ.

آن گاه، به درگاه خداوند متعال، تضرّع و گریه کند و اگر گریه‌اش

۱-۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۲۰، فقه الرضا عليه السلام، ص ۲۷، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۴۴، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۶.

ص: ۱۴۵

نمی‌آید، تباکی کند و سعی نماید از چشمش، اگرچه به اندازه بال مگسی هم شده اشک بیرون بیاید و تا می‌تواند دعا و نیایش انجام بدهد. (۱)

هم‌چنین، در دعای دیگری که به هنگام سعی مورد سفارش قرار گرفته، می‌خوانیم: **اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنَا بِطَاعَتِكَ، وَاحِينَا عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ، وَأَعِزَّنَا مِنْ مُعْضَلَاتِ الْفِتَنِ.** (۲)

خدایا! ما را در راه اطاعت خویش و ادب ساز، و بر سنت پیامبرت زنده بدار، و بر شریعت و آیین رسولت بمیران، و ما را از مشکلات و دشواری‌های آشوب‌ها و گمراهی‌ها محفوظ بدار.

تواضع و تربیت

توجه به مضمون دعاها و ذکرها و شعارها و فضای معنوی و نورانی «مسعی روح تربیت را در انسان زنده می‌گرداند و همسانی و همراهی و همگامی با انسان‌های سفید و سیاه، مرد و زن، با ملیت‌ها و نژادهای مختلف از شرق و غرب عالم، که همچون سیلی خروشان موج می‌آفرینند، انسان را به تواضع و کوچکی و قطره بودن، در دریای گسترده اهل ایمان وا می‌دارد. هیچ فکر کرده‌ای، رفت و آمد میان دو کوه ساده، بدون هیچ بقعه و بارگاهی، گلدسته و علامتی، نقش و نوشته‌ای و پیرایه و زینتی، چه معنا و پیامی دارد؟

از صفا حرکت کن، وسط راه هروله کن، آن جا آرام و متین، آن جا

۱-۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۰، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۴۶

۲-۲. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۴۵

ص: ۱۴۶

تند و هروله‌کنان، بالای مروه برو، به صفا بازگشت کن، باز برگرد، کمی تند حرکت کن، آرام بگیر، آن جا بنشین، از آن جا برخیز، دست به دعا بردار، گریه کن، حاجت بخواه، توفیق راه خوب زندگی و مرگ، دین و آیین، و مصون ماندن از بحران‌های خطرناک.

البته، در همه این حرکات و سکنتات، زنان با مردان شریکند، جز این که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هروله، فقط بر مردان مستحب است. (۱)

آیا این امر و نهی‌ها، و همسانی‌ها و همراهی‌ها، برای این نیست که روح غرور و تکبر، متیّت و خودخواهی، خودمحوری و تن‌پرستی، نخوت و خودبرتربینی، خودبینی و دیگر فراموشی و بالاخره خودفریفتن را، به روح تواضع و تعبّد، بندگی و تسلیم و انقیاد و اطاعت در برابر دستوره‌های خداوند و فرامین دین تبدیل گردانیم، و همانطور که به بلندای صفا و مروه قدم می‌گذاریم، به سوی مرحله عالی انسانیت و معنویت، گام برداریم، و خلاصه، آن طور که، امام زین‌العابدین علیه السلام فرموده با انجام «سعی» تصمیم بگیریم خدای آگاه به غیب‌ها و اسرار نهانی را بشناسیم و از هر گونه بدی و زشتی و ناصالحی و ناروایی، به سوی خدا فرار کنیم و به او پناه بجویم؟ (۲)

اکنون، ارزش سعی و فلسفه توحیدی و اخلاقی آن را، در بیان روایات پرمعنا ملاحظه کنید.

امام صادق علیه السلام فرمود: ما مِنْ بُقْعَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمَسْعَى لِأَنَّهُ يُدَلُّ فِيهَا كُلُّ جَبَّارٍ. (۳)

۱-۱. الخصال، ص ۲۸۷، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۳.

۲-۲. محجّة البيضاء، ج ۲، ص ۳۲۰، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۷.

۳-۳. کافی، ج ۴، ص ۴۳۴، علل الشرایع، ص ۴۳۳.

ص: ۱۴۷

هیچ بقعه و نقطه‌ای از زمین، در پیشگاه خداوند متعال از «سعی یعنی محلّ انجام سعی» محبوب‌تر نیست، زیرا در آن جا هر شخص جبار و گردن‌کشی، به ذلت و زبونی (در برابر دستور الهی) می‌رسد.

هم‌چنین، از آن حضرت روایت شده، لَيْسَ لِلَّهِ مَنْسُكٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ السَّعْيِ، وَذَلِكَ أَنَّهُ يُدَلُّ فِيهِ الْجَبَّارِينَ. (۱)
هیچ عبادتی در پیشگاه خداوند، محبوب‌تر از «سعی» نیست و علت این است، که در «سعی» جباران و سرکشان، سر تسلیم و تذلل فرود می‌آورند.

و باز فرموده: جُعِلَ السَّعْيُ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ، مَدْلَةً لِلْجَبَّارِينَ. (۲)

خداوند، سعی میان صفا و مروه را بدین خاطر قرار داده، تا سرکشان و جباران را به تسلیم و تمرین تواضع وادارد.

تقصیر

زائران احرام به تن، پس از طواف و نماز آن و پس از انجام «سعی صفا و مروه» برای انجام عمل پنجم عمره حج، در حالی که با هفت دور سعی و رفت و آمد، بالای کوه مروه قرار می‌گیرند تا دمی بیاسایند، باید آخرین مرحله عمل، یعنی «تقصیر» را انجام دهند. امام صادق علیه السلام فرمود: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ سَعْيِكَ وَأَنْتَ مُتَمَتِّعٌ، فَقَصِّرْ مِنْ شَعْرِكَ مِنْ جَوَانِبِهِ وَلِحْيَتِكَ، وَخُذْ مِنْ شَارِبِكَ، وَقَلِّمْ أَظْفَارَكَ، وَأَبْقِ مِنْهَا لِحْجَكَ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ، فَقَدْ أَحَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَحِلُّ مِنْهُ الْمُحْرِمِ

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۴۳۴، علل الشرایع، ص ۴۳۳.

۲-۲. همان.

ص: ۱۴۸

وَأَحْرَمَتْ مِنْهُ، وَطُفَّ بِالْبَيْتِ تَطَوُّعًا مَا شِئْتَ. (۱)

وقتی، از سعی خود فارغ شدی، در حالی که در عمره تمتع به سر می‌بری، از اطراف موی سر و ریش کوتاه کن، و از شارب (سبیل) خود مقداری بگیر، و ناخن‌های خود را بچین و مقداری از آنها را برای حج باقی بگذار، اگر چنین کردی، هر چیزی بر محرم حرام و از آن محروم بودی، بر تو حلال می‌شود، آن وقت طواف مستحب خانه خدا را هر چه می‌خواهی انجام بده. آن‌طور که این روایت بیان می‌دارد، برای تحقق «تقصیر»، زن و مرد محرم باید مقداری از موهای سر و ریش و شارب را چیده و نیز مقداری از ناخن هم گرفته شود، اما از نظر فتاوا، کوتاه کردن ناخن یا موی سر یا ریش یا شارب واجب می‌باشد. (۲)

به هر حال، با «تقصیر کردن» همه ۲۴ چیزی که به خاطر محرم بودن حرام شده بود (به جز تراشیدن سر که باید برای حج بماند و شکار کردن و کندن گیاه و درخت حرم، که برای همگان ممنوع است) بقیه چیزها برای زن و مرد حلال می‌شود. (۳)

علت این که این عمره «عمره تمتع» نامیده شده، آن‌طور که در بالا هم اشاره شد، این است که با پایان «عمره» آن‌چه بر افراد حرام شده بود (از جمله کامجویی زن و مرد از یکدیگر) حلال می‌گردد و آن‌ها می‌توانند «تمتع» گردند. از این پس موضوع «متععه حج» که به همراه «متععه

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۴۳۹، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۸۳، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۳۹.

۲-۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۷-۴۱۶.

۳-۳. همان.

ص: ۱۴۹

زنان» از سوی خلیفه دوم ممنوع اعلام گردیده (۱)، مجاز و آزاد می‌گردد.

چه این که طبق روایت، جبرئیل پس از پایان سعی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَأْمُرَ النَّاسَ أَنْ يَحِلُّوا ... (۲)**

خداوند دستور داده، که به افراد محرم دستور بدهی از احرام بیرون آیند.

درباره فلسفه این تمتع و بیرون آمدن از حالت احرام و کامجویی هم در بیان امام رضا علیه السلام می‌خوانیم: **إِنَّمَا أَمُرُوا بِالْتَمَتِّعِ إِلَى الْحَجِّ لِأَنَّهُ تَضْعِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ، لِأَنَّ تَسْلِيمَ النَّاسِ فِي إِحْرَامِهِمْ، وَلَا يَطُولَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فَيَدْخُلَ عَلَيْهِمُ الْفِسَادُ ... (۳)**

علت این که خداوند پس از پایان اعمال عمره، دستور داده افراد از احرام بیرون آیند این است، که زائران برای مدت طولانی تا پایان احرام حج (که خلیفه دوم بر آن اصرار داشت) در احرام نمانند و مرتکب فساد (به خصوص جنسی) نشوند.

خلاصه، اگرچه تقصیر یک عمل ساده‌ای است، که ممکن است فلسفه آن، نظافت و بهداشت ظاهری تلقی شود، اما باید توجه داشت، که در مرحله اول عبادتی است، که قصد تقرب می‌خواهد و در مرحله بعد، این عمل یک نمادی است، که بر اساس آن محرم باید غیر از زدودن موی و ناخن ظاهری، تصمیم بگیرد از آن پس، هر گونه آلودگی و پلیدی باطنی را نیز از خویش دور ساخته و خود را مصفا و نورانی گرداند و خصلت‌های آلوده نداشته باشد.

۱-۱ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۶۵، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۹۴ ح ۶۱.

۲-۲ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۲ و ۱۶۵.

۳-۳ همان.

ص: ۱۵۰

۹ عرفات

اشاره

ص: ۱۵۱

۹ عرفات

ص: ۱۵۳

۹ عرفات

قسمت اول حَجَّةُ الاسلام، که «عمره تمتع» نام دارد به پایان رسید و قسمت دوم، که «حج تمتع» نامیده می‌شود، آغاز می‌گردد. معاویه بن عمار می‌گوید، از امام صادق علیه السلام از روز حج اکبر سؤال کردم، آن حضرت فرمود: روز عید قربان روز حج اکبر، و عمره، حج اصغر است. (۱)

بنابراین، برای انجام «حج اکبر»؛ توجه به اسرار و آثار آن و بهره‌برداری بهتر از اعمال و احکام و مزایای فراوان و فوق‌العاده آن، باید دقت و هوشیاری، مراقبت و مواظبت و تلاش و کوشش بیشتری مبذول داشت و به هیچ وجه فرصت طلایی آن را از دست نداد. حج تمتع، مجموعه‌ای از سیزده عمل است، که آن را در سه فصل: عرفات، مشعر الحرام و منا، بررسی می‌کنیم.

یوم ترویبه

زائرنانی که از جرعه زمزم نوشیده‌اند، از طواف و نماز، درس

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۲۹۰، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۸۶.

ص: ۱۵۴

دلدادگی و بندگی آموخته‌اند و از سعی صفا، به سرچشمه صفا و به قلّه عبودیت دست یافته‌اند، اکنون باید از دیار یار، به صحرای عشق و عرفان محبوب روند و مقدمات آن، باید در «یوم تروییه» فراهم شود.

یوم تروییه، در بیان امام صادق علیه السلام روز آب دادن و آب خوردن و آب برداشتن است.

آن حضرت فرموده: یوم تروییه، بدین مناسبت به این نام نامیده شده، که وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام می‌خواست به «عرفات» برود، جبرئیل نازل شد و گفت: ای ابراهیم، برای خود و خانواده‌ات آب بردار، زیرا در میان مکه و عرفات، آبی یافت نمی‌شود. (۱) هم‌چنین، امام صادق علیه السلام درباره علت این نامگذاری، در زمان پس از حضرت ابراهیم علیه السلام، در جواب «حلبی» که سؤال کرد: لِمَ سُمِّيتُ التَّرْوِيَةُ؟

فرمود: چون در عرفات آب وجود نداشت و مردم از مکه آب تهیه می‌کردند و بعضی به بعضی دیگر سفارش می‌کردند تَرَوَيْتُمْ مِنَ الْمَاءِ، فَسُمِّيتُ التَّرْوِيَةُ لِذَلِكَ. (۲)

آب بردارید و بدین جهت، این روز «یوم تروییه» نامیده شد.

غیر از تهیه آب (در شرایط آن روزگار) زائران مؤمن و شیدا، که عموماً راهی عرفات می‌شوند، اعمال واجب و مستحبی دارند که انجام می‌دهند.

امام صادق علیه السلام فرموده: اگر تصمیم گرفتی «یوم تروییه» محرم شوی، همان اعمالی را که قبلاً برای محرم شدن (عمره) انجام دادی، انجام بده،

۱-۱. المحاسن للبرقی، ص ۳۳۶.

۲-۲. قرب الاسناد، ص ۱۹۴، ح ۹۱۷، المحاسن، ص ۳۳۶.

ص: ۱۵۵

شارب و ناخن خود را کوتاه کن، غسل کن، دو لباس احرام خود را بپوش، سپس وارد مسجدالحرام (نزد مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل) شو، قبل از احرام شش رکعت «سه تا دو رکعتی» نماز بخوان، دعا کن، از خدا کمک بخواه و بگو: خدایا! من تصمیم انجام حج دارم، اعمال را بر من آسان گردان و همان گونه، که با احرام ممنوع از انجام بعضی از کارها می گردانی، با قدرت خود مُجَلِّ و آزادم گردان.

خدایا! من، برای تو موی خود، پوست خود، گوشت خود، و خون خود را، از زنان و بوی خوش و لباس دوخته، محرم می کنم و از این کار، جز رضای تو و پاداش آخرت منظور دیگری ندارم، آن گاه از مسجدالحرام لَبِیک بگو و اگر بتوانی بعد از طلوع آفتاب وارد «مِنَا» شو، و اگر نه در هر وقتی از «یوم ترویبه» توانستی محرم شو. (۱)

البته، طبق روایات، سیره پیشوایان چنین بوده، که پس از احرام نخست به «مِنَا» می رفته اند و اعمال مستحبی انجام داده و سپس به عرفات می رفته اند، اما این زمان این سیره عموماً معمول نمی گردد و شاید شیعیان به خاطر مبتلا نشدن به حرج و سختی در ازدحام جمعیت، به این سیره مستحب عمل نمی کنند.

صحرای عرفات

دیده دریا کنم و صبر، به صحرا فکنم و اندر این کار، دل خویش به دریا فکنم
از دل تنگ گنه کار، بر آرم آهی کاتش اندر گنه، آدم و حوّا فکنم

ص: ۱۵۶

مایه خوشدلی آن جاست، که دلدار آن جاست می‌کنم جَهد، که خود را مگر آن جا فکنم (۱). کاروانیان حج، که در مکه احرام بسته‌اند و سپیدپوش شده‌اند، از روز هشتم ذی‌حجه، که «یوم ترویبه» نام دارد، گروه گروه و به طور متناوب، هیاهوی شهر مکه و خانه خود را ترک می‌گویند و سر به صحرای عرفات می‌گذارند. پشت به شهر مکه و سردر بیابان، مگر چه خبر است؟ و در آن جا چه یافت می‌شود؟ و در این مکان، چه راز و سری نهفته است؟ و چرا این سرزمین بدین نام نامیده شده است؟

قرآن کریم، با همین عنوان «عرفات» از آن نام برده است (۲)، و درباره علت نامگذاری آن، در روایت آمده: آدم علیه السلام و حوّا (که به خاطر خطا) از هم جدا می‌زیستند، در این مکان همدیگر را یافتند و همدیگر را شناختند و در حق یکدیگر معرفت و عرفان پیدا کردند و به مناسبت این معرفت و شناخت، این مکان «عرفات» یعنی محلّ معرفت و شناخت، نامیده شد. (۳) تا آنان پس از تلخی هجران و جدایی، با شیرینی وصل و ملاقات، شادکام گردند.

اما، در روایتی که معاویه بن عمّار آورده، می‌گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: چرا این سرزمین، به عرفات نام گذاری شده؟ آن حضرت فرمود: روز عرفه، جبرئیل حضرت آدم علیه السلام را به این سرزمین آورد و چون

۱-۱ دیوان حافظ، ص ۲۱۲

۲-۲ سوره بقره، آیه ۱۹۸

۳-۳ مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۹۵

ص: ۱۵۷

ظهر شد، به آدم دستور داد: به گناه خویش اعتراف کن و مناسک و اعمال حج را بیاموز، و چون جبرئیل گفت: **إِعْتَرِفْ بِذَنْبِكَ، فَاعْتَرَفَ، سُمِّيَتْ عَرَفَاتُ.** (۱)

چون، طبق دستور جبرئیل، آدم علیه السلام به گناه خویش اعتراف کرد، این سرزمین عرفات نامیده شد. اما، آن طور که از سیره پیشوایان دین استفاده می‌شود، و در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد، این معرفت و شناخت باید فراتر رود و به شناخت عمومی، تغییر بینش انسان و حتی شناخت همه تکالیف و شناخت خدای عالم منتهی گردد. به هر حال، طبق بیان امام صادق علیه السلام: جبرئیل به دستور خداوند، حضرت آدم علیه السلام را به این سرزمین آورده، او را در آن جا قرار داده و گفته است: وقتی آفتاب غروب کرد، هفت بار به گناهان خود اعتراف کن و هفت مرتبه از درگاه الهی تقاضای آمرزش و پذیرش توبه کن، بدین مناسبت، آن جا «مُعَرَف» یا عرفات نامیده شد و این عمل برای فرزندان او هم یک سنت گردید، تا آنان هم در عرفات، توبه و استغفار نمایند. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر صبح روز عرفه روانه عرفات می‌شوی، این گونه شروع به دعا کن: **اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَيَّمْتُ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَيْتُ، وَوَجَّهَكَ أَرَدْتُ، فَاسْئَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ فِي رَحَلَتِي، وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تَبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.** (۳)

۱-۱. علل الشرایع، ص ۴۳۶، بحارالانوار، ج ۹۶ ص ۲۵۳

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۱۹۲

۳-۳. کافی، ج ۴، ص ۴۶۲

ص: ۱۵۸

خدایا! قصد تو را کرده‌ام، فقط به تو اعتماد دارم، و خواست و رضای تو را می‌طلبم، از تو می‌خواهم، که این سفر و آمدن مرا مبارک گردانی، حاجتم را برآورده سازی، و این روز را برای من، از روزهایی قرار دهی، تا آن گونه بدان مباحات کنم، که کسی که از من برتر بود (پیامبر صلی الله علیه و آله) بدان مباحات می‌کرد.

وقوف در عرفات

پس از احرام، وقوف در عرفات، واجب دوم از اعمال سیزده گانه «حج تمتع» است، که باید با نیت اطاعت خداوند و تقرب به ذات مقدس پروردگار عالم، از ظهر روز نهم ذی حجه، که روز عرفه نیز نامیده می‌شود، تا غروب آن روز، در محدوده عرفات، صورت گیرد.

درباره «وقوف عرفات» دو نکته مهم را باید مد نظر داشته باشیم:

الف: برخلاف سایر اعمال مثل: طواف و سعی و رمی جمرات، که از اعمال حج هستند و آمیخته با تحرک و تلاش و فعالیت، در عرفات، وقوف و ماندن در آن مکان عبادت واجب محسوب می‌شود.

ب: اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کردم:

آیا برای وقوف در عرفات، وقوف بالای کوه را دوست می‌داری، یا روی زمین را؟ آن حضرت فرمود: وقوف روی زمین. (۱)

بر اساس این روایت و با استفاده از فحوای روایت دیگر، (۲) فقهای

۱-۱. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۰۵، وسائل الشیعه، ج ۱۰ ص ۱۱.

۲-۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۳، ح ۴ باب ۱۱، ابواب احرام.

ص: ۱۵۹

بزرگی مثل: مولا احمد نراقی (۱۲۴۵ ه.ق) و شیخ محمد حسن نجفی، صاحب جواهر الکلام (۱۲۶۶ ه.ق) وقوف بالای کوه را مکروه دانسته‌اند. (۱)

از این «وجوب وقوف» و نیز از «کراهت بالای کوه وقوف نمودن» و بالای کوه ماندن، می‌توان نتیجه گرفت، که وقوف، برای دعا و مناجات، راز و نیاز، اندیشیدن، به خود فرورفتن، معرفت حق، شناخت زمان و مکان و خالق آن‌ها، تفکر در اسرار آفرینش، توجه به قدرت و عظمت خدا و آئینی، که این همه انسان‌های متفاوت را آن‌جا گردآورده، توبه و انابه، تضرع و زاری، بازگشت به خویشتن، به سرنوشت امت اندیشیدن و در مقابل آن احساس مسؤولیت نمودن، خود را برای ادای چنین مسؤولیتی آماده کردن، و در آرامش، زندگی مسالمت‌آمیز داشتن، می‌باشد.

و از طرف دیگر، کراهت بالای کوه قرار گرفتن، غیر از دست دادن فرصت مناسب برای عبادت و دعا، احتمالاً پرهیز از سرگرمی و به هدر دادن فرصت طلایی عرفات، داشتن حالت خضوع و خشوع، حفظ قدرت و توانایی برای راز و نیاز و مناجات و پرهیز از صعود و اوج گرفتن حتی بر کوهی، به منظور پیشگیری از روح غرور و متیت و عملی که بوی بلندگرایی و کبر و تفرعن ممکن است داشته باشد، خواهد بود.

آری، در آن سرزمین مقدس و به یاد ماندنی، شیفتگان و عارفان، غیر از شرکت در مجامع عمومی دعا و نیایش، از فرصت‌های مناسب تنهایی روز و شب و نیمه شب استفاده می‌کنند و در مکان‌های مناسب، بر خاک سجده می‌کنند و با اشک‌های خویش بر رمل‌ها و خاک‌ها، بذر ایمان در دل می‌افشانند و میوه اطاعت و عشق به ذات مقدس خالق خویش را بر می‌گیرند.

۱- ۱. مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۱، جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۵۹.

ص: ۱۶۰

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: گروهی از یهودیان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و دانشمندترین آن‌ها مسایلی را پرسید، از جمله:

چرا خداوند وقوف بعد از ظهر عرفات را دستور داده است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عصر، وقتی است که آدم در آن مرتکب عصیان شد، بدین مناسبت خداوند متعال بر امت من، وقوف و تضرع و دعا را در محبوب‌ترین مکانی که خود دوست می‌داشت، مقرر داشت و در مقابل آن، بهشت را بر آنان ضمانت نمود و ساعتی که وقوف آنان پایان می‌پذیرد، ساعتی است که آدم علیه السلام کلمات و جملاتی را از جانب خداوند دریافت داشت و بیان نمود و خداوند توبه او را پذیرفت، زیرا خدا توبه‌پذیر و مهربان است. (۱)

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدایی که مرا بر اساس حق؛ برای بشارت و انداز مبعوث داشت، خداوند درهای آسمانی ای دارد، که باب رحمت، باب توبه، باب حاجات، باب تفضل، باب احسان، باب جود، باب کرم، و باب عفو نامیده می‌شود و هر کس در این ساعات، در عرفات حضور داشته باشد، از جانب خداوند، از مزایای این درها و منافع آن‌ها بهره‌مند خواهد شد، خداوند متعال صد هزار فرشته، که هر یکی صد و بیست هزار فرشته همراه دارد، به عرفات می‌فرستد، و رحمت خویش را بر اهل عرفات نازل می‌گرداند و آن گاه که آنان عرفات را ترک می‌گویند، فرشتگان الهی گواهی می‌دهند، که آنان از آتش دوزخ آزاد گردیده‌اند و خدا بهشت را بر آنان واجب نموده است، و سروش آسمانی از سوی خدا صدا می‌زند، بروید، شما مورد مغفرت قرار گرفته‌اید، مرا

۱-۱. اشاره به: فتلّی آدم من ربّه کلمات ... سوره بقره، آیه ۳۷.

ص: ۱۶۱

خشنود کردید من هم از شما راضی هستم.

وقتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله این توضیحات را بیان نمود، آن مرد یهودی عرض کرد: درست گفתי ای محمد صلی الله علیه و آله (۱).

به هر حال، روز عرفه و صحرای عرفات، طبق روایات فراوان و بر اساس سیره و شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، وقت دعا و ثنای الهی است، در این روز عزیز، و در این مکان مقدس، باید تقویت روح عبادت و بندگی، و عزت و عظمت برای همه مسلمین جهان، و نابودی کفار و منافقین از پیشگاه خداوند متعال درخواست گردد.

اعمال عرفه

برای تقرب به خداوند و بهره‌برداری معنوی بیشتر در عرفات، و افرادی که این روز، در جاهای دیگری به سر می‌برند، طبق روایات دستوراتی رسیده است، که به طور خلاصه مرور می‌کنیم.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: روز عرفه وقتی ظهر شد، غسل کن و نماز ظهر و عصر را با یک اذان و اقامه به جا بیاور و بلافاصله مشغول دعا شو، چون عرفه روز دعا و درخواست حاجت است ... (۲)

۲- طبق بیان امام باقر علیه السلام روزه مستحب روز عرفه توصیه شده، تا اگر کسی توانایی دارد و روزه، مانع حال دعای او نمی‌شود، روزه بگیرد. (۳) و امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرموده: صَوْمُ يَوْمِ عَرَفَةَ، يَغْدِلُ السَّنَةَ. (۴)

۱- ۱. المحاسن، ص ۱۱۷، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۹.

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۴۶۲.

۳- ۳. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۴.

۴- ۴. همان.

ص: ۱۶۲

روزه گرفتن روز عرفه، مساوی با یک سال روزه گرفتن است.

۳- زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برای کسانی که در «کربلا» و یا در «عرفات» حضور دارند، مورد تأکید قرار گرفته (۱) و کسانی هم، که از حضور در آن دو مکان مقدّس محرومند، امامان علیهم السلام سفارش کرده‌اند: هر کس در هر سرزمینی به سر می‌برد، از خواندن «دعای عرفه حضرت امام حسین علیه السلام» غفلت نداشته باشد. (۲)

۴- دعا و سلام و صلوات، بر امامان و طلایه‌داران مکتب حق، وظیفه دیگر اهل ایمان در روز عرفه می‌باشد.

امام صادق علیه السلام ضمن دعای روز عرفه می‌خواند: اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلَاةِ الْأَمْرِ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَتَرَاجِمِيهِ وَحِيكَ، وَخُزَّانِ عِلْمِكَ، وَأُمَّتَيْكَ فِي بِلَادِكَ، الَّتِي أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ عَلَيَّ بَرِيَّتِكَ. (۳)

خدایا! بر والیان امر بعد از پیامبرت، بیان‌کنندگان وحی خویش، گنجینه‌داران علم خود، امینان خویش در سرزمین‌هایت، آنان که به مودت آن‌ها دستور داده‌ای و اطاعت آنان را بر مخلوق خود واجب کرده‌ای، صلوات و درود فرست.

۵- دعا برای دیگران از اهل ایمان، که نراقی «والدین را نیز از آنان شمرده»، (۴) وظیفه مهم دیگری است، که در عرفات باید مورد توجه قرار بگیرد.

۱-۱. مفاتیح الجنان، ص ۸۰۴

۲-۲. کامل‌الزیارات، ص ۱۷۳-۱۶۹

۳-۳. بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۳

۴-۴. مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۱

ص: ۱۶۳

ابراهیم بن هاشم قمی، پدر علی بن ابراهیم، مفسّر و محدّث معروف، (۱) می‌گوید: عبدالله بن جُنْدَب را در موقف عرفات مشاهده کردم، با حال خوشی دست به آسمان بلند کرده و پیوسته مشغول دعا بود، اشک از روی گونه‌هایش به زمین می‌ریخت و با خدا راز و نیاز خالصانه‌ای داشت، وقتی دعای خود را به پایان رسانید و روی خود را برگرداند، گفتم:

ای ابو محمد! حال خوشی داشتی، تا به حال چنین حالی در عرفات از کسی ندیده بودم.

وی گفت: به خدا سوگند، فقط برای برادران ایمانی خویش دعا می‌کردم، چون امام موسی بن جعفر علیهما السلام، به من فرمود: هر کس عقب سر برادر مؤمن خود برای او دعا کند، از عرش الهی خطاب می‌شود: صد هزار برابر این دعا، در حقّ خودت خواهد بود، من هم روانداشتم از صد هزار دعای تضمین شده، در برابر دعای برای خود، که نمی‌دانم مستجاب می‌شود یا نه، صرف نظر کنم. (۲)

در روایت دیگری می‌خوانیم: محمد بن زیاد بن عیسی، معروف به ابن اُبی عمیر، که امام موسی بن جعفر علیهما السلام و دو امام بعد از آن حضرت را در ک کرده (۳) می‌گوید: عیسی بن اُعین، وقتی به حج رفت، در عرفات آن قدر به دعا پرداخت، که دعای او سراسر شامل حال همه مردم می‌شد، به او گفتم: دارایی خود را خرج کرده‌ای و با زحمت و مشقّت بر جسم و جان خود به این مکان مقدّس، که حاجت‌ها در پیشگاه خداوند متعال مستجاب می‌شود آمده‌ای، برای برادران خویش دعا می‌کنی در حقّ خود

۱- ۱. بهجّة الآمال، ج ۵، ص ۳۵۴.

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۴۶۵، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۰.

۳- ۳. الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۱۹۵.

ص: ۱۶۴

دعایی نداری؟

عیسی بن اَین، گفت: اِنِّی عَلَی ثِقَهٍ مِّنْ دَعْوَةِ الْمَلِکِ لِی، وَفِی شَکِّ مِّنَ الدُّعَاءِ لِنَفْسِی (۱)

من اطمینان دارم، که فرشته الهی در حقّ من دعا می‌کند و مستجاب می‌شود، اما درباره دعای برای خود، تردید دارم. در روایت دیگری، ابراهیم بن اَبی بلاد، می‌گوید: در عرفات حضور داشتم، وقتی می‌خواستم کوچ کنم، با ابراهیم بن شُعَیب برخورد نمودم، به او سلام کردم، او یکی از چشم‌های خود را از دست داده بود، مشاهده کردم چشم دیگر او هم به قدری قرمز شده، که گویی لخته خون است، گفتم: تو که یک چشم خود را از دست داده‌ای، به خدا سوگند، من برای چشم دیگر تو نگرانم، کمتر گریه کن.

ابراهیم بن شُعَیب گفت: ای ابو محمد! به خدا سوگند، امروز برای خود هیچ دعا نکردم!

گفتم: پس برای چه کسی دعا می‌کردی؟

گفت: من فقط برای برادران دینی خود دعا کردم، چون از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَقُولُ: وَلَكَ مِثْلَاهُ.

هر کس عقب سر برادر مؤمن خود، در حقّ او دعا کند، خداوند فرشته‌ای را بر او موکّل می‌گرداند و به آن دعاکننده می‌گوید: این دعاها در حقّ خودت هم خواهد بود. من هم تصمیم گرفتم در حقّ برادرانم دعا کنم، تا دعای آن فرشته شامل حال من هم گردد، چون یقین ندارم دعای

ص: ۱۶۵

خودم در حقّ خودم مستجاب شود، ولی درباره دعای مستجابی، که آن فرشته در حقّ من می‌نماید، تردیدی ندارم. (۱)

فقط خدا

مکان مقدّس عرفات، زمان نورانی عرفه، احرام و طواف و نماز و سعی صفا و مروه، چنان بنده را مقرب نموده و به قلّه رفیع انسانی عروج داده است، که در آن سرزمین فاصله او با خدا چنان کم شده و حجاب کنار رفته، که هر چیزی را جز از خدا خواستن، باید نامطلوب بداند و جز از خدا چیزی نخواهد.

در روایت می‌خوانیم: امام زین‌العابدین علیه السلام روز عرفه صدای کسی را شنید، که دست نیاز پیش مردم دراز کرده و تقاضای کمک می‌کند، فرمود:

وای به حال تو، در مثل چنین روزی دست نیاز پیش غیر خدا دراز می‌کنی؟ امروز، روزی است که، امید می‌رود حتی کودکان هم که در رحم مادر قرار دارند (مورد عنایت خدا قرار گیرند و) سعادت‌مند گردند. (۲)

با توجه به قداست و عظمت فوق‌العاده آن سرزمین، محمد بن مسلم زُهری، درباره امام زین‌العابدین علیه السلام که او را پارساترین افراد دانسته، می‌گوید: به آن حضرت گفته شد، اکنون ولید بن عبدالملک، در مکه به سر می‌برد، اگر نزد او بروی و درباره صدقات علی بن ابی‌طالب علیه السلام که با محمد بن حنفیه اختلاف داری صحبت کنی، وی به نفع تو و علیه محمد بن حنفیه حکم می‌کند!

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۴۶۶، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۰

۲- ۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۷، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۸

ص: ۱۶۶

آن حضرت فرمود: وای به حال تو! آیا در حرم خدا از غیر خداوند متعال چیزی بخواهم؟ من کراهت دارم همه دنیا را از خالق آن بخواهم، چگونه از مخلوقی که مثل خود من است چیزی درخواست کنم؟
 زهری، می‌گوید: طولی نکشید، که خداوند وحشتی در دل «ولید» انداخت و آن‌گاه به نفع امام علیه السلام و علیه محمد بن حنفیه حکم کرد. (۱)

بزرگ‌ترین گناه!

صفای جوشیده از ایمان و عشق و دلدادگی و روح خدائینی از یک طرف و مقام قرب و منزلت و بنده نوازی خالق کرم و رحمانیت از طرف دیگر، چنان خوان غفران و بخششی می‌گستراند و دریای موج رحمت حق چنان می‌خروشد، که خار و خس گناه و آلودگی‌ها را محو و نابود می‌گرداند.

آری، عرفان عرفات چنان شعله می‌کشد، که اگر کسی در دریای نور آن، کم‌ترین تردید را برای آموزش به خود دهد، بزرگ‌ترین جرم و گناه را مرتکب شده است!
 اعتراف عارفان عرفات را ملاحظه کنید:

امام علی علیه السلام فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: أَيُّ أَهْلِ عَرَفَاتٍ أَعْظَمُ جُرْمًا؟ قَالَ: الَّذِي يُنْصَرَفُ مِنْ عَرَفَاتٍ وَهُوَ يُظَنُّ أَنَّهُ لَمْ يُعْفَرْ لَهُ ... (۲)

مجرم‌ترین و گناه‌کارترین اهل عرفات کیست؟ فرمود: آن که از

۱- ۱. علل الشرایع، ص ۲۲۰، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۹

۲- ۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۷، الجعفریات، ص ۱۱۳، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰

ص: ۱۶۷

عرفات برگردد و گمان کند، مورد آمرزش خداوند متعال قرار نگرفته است.

امام باقر علیه السلام در توضیح این سخن می‌فرماید: یعنی، کسی که از رحمت خداوند متعال مأیوس و ناامید باشد.

هم‌چنین، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبٌ، لَا تُغْفَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ. (۱)

بخشی از گناهان، گناهانی هستند، که جز در عرفات بخشیده نمی‌شوند.

امام رضا علیه السلام روایت می‌کند، که امام باقر علیه السلام بارها می‌فرمود: مَا مِنْ بَرٍّ وَلَا فَاجِرٍ يَقِفُ بِجِبَالِ عَرَفَاتٍ فَيَدْعُو اللَّهَ إِلَّا

اسْتَجَابَ لَهُ، أَمَا الْبَرِّ فَفِي حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَمَا الْفَاجِرِ فَفِي أَمْرِ دُنْيَاهُ. (۲)

هیچ کس از افراد نیکوکار و فاجر، در دامنه کوه‌های عرفات وقوف و دعا نمی‌کند، مگر این که خداوند دعای او را مستجاب

می‌گرداند، درباره شخص نیکوکار، خداوند حاجت‌های دنیا و آخرت او را برآورده می‌سازد، اما درباره فاجر و گناه‌کار، خداوند

حاجت‌های دنیای او را روا می‌گرداند.

در روایت بسیار مهمی می‌خوانیم، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی شب (یا شام) عرفه فرامی‌رسد، خداوند به فرشتگان

می‌گوید: بندگان مرا از مرد و زن مشاهده کنید، که ژولیده و غبارآلود، از هر نقطه دوردستی به این جا برای اطاعت و عبادت من

آمده‌اند، در حالی که هنوز رحمت و عذاب من، یعنی بهشت و دوزخ را ندیده‌اند (این گونه راز و نیاز دارند) ای

۱-۱. الجعفریات، ص ۱۱۳، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰

۲-۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳۶، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۱، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۶

ص: ۱۶۸

فرشتگان! شما را به گواهی می‌گیرم، که همه آنان، چه آنها که در این سرزمین حاضر شده‌اند و چه آنها که به این سرزمین نیامده‌اند را مورد آمرزش و مغفرت قرار دادم.

پیامبر صلی الله علیه و آله اضافه می‌کند: هیچ وقتی غیر از روز عرفه و شام آن، این قدر افراد آمرزیده و آزاد شده از آتش دوزخ مشاهده نمی‌شوند. (۱)

بالاخره، موقعیت زمانی و مکانی عرفات، به خاطر تعالی ایمان و معنویت عرفاتیان و فیض رحمت و عنایت خداوندی تا آن جا گسترش می‌یابد، که در روایت می‌خوانیم: *كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا كَانَ يَوْمُ عَرَفَةَ، لَمْ يَرَدَّ سَائِلًا.* (۲)
امام باقر علیه السلام بارها می‌فرمود: آن گاه که روز عرفه فرا می‌رسد، هیچ دعاکننده و سؤال‌کننده‌ای، محروم بر نمی‌گردد.

هدف‌های بزرگ

در آن صحرای نورانی و در آن فضای انباشته از ایمان و اخلاص و زمزمه‌های ملکوتی، که طبق بیان پیامبر صلی الله علیه و آله: *الْحَجُّ عَرَفَةَ* (۳)

نامیده شده و همه حج در عرفه خلاصه گردیده است، چگونه دعا کنیم؟ و چه بخواهیم تا در آن موقف عظیم، از حالت فردگرایی و کوچک‌خواهی، به آرمان‌های متعالی، در جهت اصلاح فرد و جامعه و رشد و تعالی ائمت اسلامی بیندیشیم و در نتیجه به حاجت‌های فردی و شخصی هم دست بیاییم؟

۱-۱. المحاسن، ص ۶۵، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۲.

۲-۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۷، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۱، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۴.

۳-۳. محجۀ البیضاء، ج ۲، ص ۲۰۴.

ص: ۱۶۹

خوش‌بختانه، سیره پیامبران علیهم السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و راهنمایی‌های امامان معصوم علیهم السلام، در این زمینه میراث والایی است که به یادگار مانده است.

در مرحله نخست، برای توفیق حال دعا، دو نکته بسیار مهمی را، که امام صادق علیه السلام توصیه نموده، باید به آن توجه داشته باشیم.

۱- روز عرفه، روز دعا و درخواست حاجت از خداوند و پناه بردن به خدا از شرّ شیطان است، زیرا شیطان هیچ مکانی را بیش از عرفات دوست نمی‌دارد، که افراد را مشغول و غافل از بهره‌برداری در آن مکان مقدّس گرداند.

۲- از نگاه کردن به مردم و جلب توجه آنها شدن به شدت باید پرهیز کرد و متوجه خویش بود. (۱)

علاوه بر این که دعا برای «ولاء امر» را از امام صادق علیه السلام ذکر کردیم، همچنین دعایی را که پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام برای خواندن در روز عرفه تعلیم وی داده و آن را دعای پیامبران قبل از خویش نیز معرفی کرده خوانده شود.

این دعا حاوی مضامین بلند توحیدی، عرفانی، اخلاقی، سیاسی، دنیوی و اخروی است، که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَ خَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْفَائِلُونَ؛

ص: ۱۷۰

اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَ لَكَ بَرَاءَتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي؛
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ السَّوْسِ الصُّدُورِ وَمِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ؛
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ؛
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرْوِقِي وَ مَقْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا وَ
 أَعْظَمَ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْفَاكَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

این دعا را شیخ صدوق، دعای کامل و تمام برای روز عرفه دانسته است. (۲)

دعای دیگری از امام صادق علیه السلام وارد شده که توجه شما را به ترجمه فرازهایی از آن جلب می‌کنیم:

خدایا! من بنده و میهمان تو هستم، از راه دور آمده‌ام، به من رحم کن و مرا از زیان‌دیده‌ترین میهمانان خود قرار مده.

ای خدای همه مشاعر و معابد! مرا از آتش دوزخ آزاد گردان، روزی حلال را بر من وسعت بخش و شر فاسقان جنّ و انس را از من

دور گردان.

خدایا! من بنده و مملوک توام، پیشانی و سر و مغزم در اختیار توست و زمان مرگ مرا تو می‌دانی، از تو درخواست می‌کنم در

حالی که از من

۱-۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۴، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۰۹، محجّة البیضاء، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲-۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۲۶.

ص: ۱۷۱

خشنود هستی، مرگم را فرارسان.

خدایا! مناسک و عبادت مرا آن گونه که ابراهیم علیه السلام خلیل تو به نمایش گذاشت و محمد صلی الله علیه و آله مرا بدان راهنمایی نمود، قرار ده و از من بپذیر.

پروردگارا! مرا از زائران و حاجیانی قرار ده، که از عمل آنان خشنود هستی و عمر طولانی عطا می‌کنی و پس از مرگ با حیات و زندگی پاکیزه محشور می‌نمایی. (۱)

خدایا! درباره وقوف و عبادتم بر من رحم و شفقت آور، علم و دانایی‌ام را افزون گردان، دین و آیینم را برایم حفظ کن و مناسک و عبادتم را مقبول در گاهت قرار بده. (۲)

هارون بن خارجه می‌گوید: وقتی امام صادق علیه السلام می‌خواست از عرفات کوچ کند، شنیدم که دعا می‌کرد: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَقْطَعَ رَحِمًا، أَوْ أُوْذِيَ جَارًا. (۳)

خدایا! من به تو پناه می‌برم، از این که در حق کسی ظلم کنم یا مورد ظلم کسی واقع شوم، یا پیوند خویشاوندی‌ای را قطع نمایم، یا در حق همسایه‌ای آزار و ستم روا دارم.

هم‌نوا با حسین علیه السلام

برای «روز عرفه» و در صحرای عرفات، همه پیامبران علیهم السلام دعا و راز و نیاز و مناجات داشته‌اند (۴) صحیفه سجّادیه دعایی را مخصوص روز عرفه

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۴۶۴، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۰۸

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۴۶۷

۳-۳. همان.

۴-۴. وسائل الشیعه ۹، ج ۱۰، ص ۱۶، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۱۵

ص: ۱۷۲

از امام زین‌العابدین علیه السلام نقل کرده است. (۱) دیگر ائمه معصومین علیهم السلام هم دعاهایی را می‌خوانده‌اند، اما معروف‌ترین دعای روز عرفه برای سرزمین عرفات، که در نقاط دیگر هم می‌توان آن را خواند، دعای عرفه حضرت سیدالشهداء علیه السلام است.

بشر، و بشیر، فرزندان غالب اسدی می‌گویند: روز عرفه در کنار حسین بن علی علیه السلام بودیم، چون عصر فرارسید، آن حضرت با اعضای خانواده و گروهی از یاران و فرزندان و شیعیان خود از خیمه‌ها بیرون آمدند و با نهایت وقار و اظهار کوچکی در مقابل خدای متعال، در قسمت راست دامنه کوه (جبل‌الرحمه) قرار گرفتند، در حالی که روی خود را به سوی کعبه و دست‌ها را به‌جانب آسمان، در برابر صورت بلند کرده‌بودند و مانند گرسنگانی، که جویای غذا باشند، با اشک و آه و گریه و ناله، به خواندن دعای عرفه پرداختند. (۲)

در دعای عرفه حضرت امام حسین علیه السلام که با جمله: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ...» شروع می‌شود، مطالب و معانی و مضامین توحیدی و عرفانی فراوان بلندی آمده است، که با توجه به فرصت اندک این نوشتار، فقط چند فراز از آن را مورد دقت قرار می‌دهیم.

حضرت امام حسین علیه السلام در صحرای عرفات، با چشمی گریان و قلبی انباشته از ایمان و اخلاص، به آستان کبریایی خداوند، این گونه ناله بر می‌آورد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَاسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ، وَلَا تُشْقِنِي

۱-۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۷

۲-۲. بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۲۱۴، مستدرک الوسائل، ج ۱۰ ص ۲۲ و ۲۶

ص: ۱۷۳

بِمَعْصِيَتِكَ ...

خدایا! مرا آن چنان فروتن و فرمان‌بردار قرار ده، که گویی تو را می‌بینم، و در پرتو تقوای خودت مرا سعادت‌مند گردان و به خاطر نافرمانیت، مرا بدبخت و شقاوت‌پیشه مگردان.

وَفِي نَفْسِي فَذَلَّلْنِي، وَفِي أُعْيُنِ النَّاسِ فَعَظَّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلَّمْنِي ...

بارخدایا! مرا نزد خودم خوار و کوچک جلوه بده و در چشم مردم، بزرگ و محترم شمار و از شر جن و انس مصون بدار.

مَتَى غِبَّتْ حَتَّى تَخْتَاَجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تُكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ؟

کی رفته‌ای ز دل، که تمنا کنم تو را؟ کی بوده‌ای نهفته، که پیدا کنم تو را؟

غیبت نکرده‌ای، که شوم طالب حضور پنهان نگشته‌ای، که هویدا کنم تو را (۱).

عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَخَسِرَتْ صَفْقَةً عِنْدَ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا ...

کور است آن چشمی، که تو را بر خود ناظر و مراقب نمی‌داند و سرمایه انسانی کسی که، جز محبت تو را برگزیده، خسارت و زیان بزرگی دیده است.

مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ؟ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟ لَقَدْ خَابَ مَنْ

ص: ۱۷۴

رَضِيَ دُونَكَ ... (۱)

کسی که تو را از دست داده، چه چیزی به دست آورده؟ و کسی که تو را یافته، چه چیزی را از دست داده است؟ به راستی کسی که به جای تو، دیگری را برگزیده، به یأس و خسران مبتلا شده است. ای لقای تو، جواب هر سؤال مشکل از تو حل شود، بی قیل و قال ترجمان هرچه را، ما درد دل است دست گیر هر که، پایش در گِل است (۲).

۱۰ مشعرالحرام

اشاره

۱-۱. اقبال سید بن طاووس، ص ۳۵-۳۳۹، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۲۲۷-۲۱۶.

۲-۲. مثنوی معنوی، ص ۴.

ص: ۱۷۵

۱۰ مشعرالحرام

ص: ۱۷۷

۱۰ مشعرالحرام

خورشید، از پهنه سرزمین عرفات در حال غروب است، اما مشعل معرفتی که دل‌های عرفاتیان را نورانی ساخته، کمبود روشنائی بیابان را جبران می‌کند.

از گرمای هوا کاسته می‌شود و نسیم مرطوب هوا، تن‌ها را نوازش می‌دهد، مردان و زنان سپیدپوش، وسایل و اثاث خویش را جمع‌آوری می‌کنند تا از آن موقف کوچ کنند، هیجان افراد را فراگرفته است، اشک در چشم‌ها حلقه می‌زند، اشک حسرت، که چرا وقوف پایان یافت و باید از آن مکان مقدس کوچ کنند، تازه به مکان و زمان معرفت انس گرفته بودند و جدایی از این انس و الفت تأثیر بار است.

ولی، چاره‌ای نیست، حج حرکت و تلاش و جوشش است، در یک جا ماندن و در جازدن و همان بودن، معنا ندارد، باید قدم برداشت و از «بودن» به «شدن» رسید.

این دستور قرآن است: **ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ ... (۱)**.

۱-۱. سوره بقره، آیه ۱۹۹ و ۱۹۸.

ص: ۱۷۸

وقتی وقوف در عرفات را انجام دادید، سپس از همان جایی که مردم کوچ می‌کنند، شما هم حرکت و کوچ را از همان جا آغاز کنید. در آیه دیگری آمده: فَإِذَا أَفْضُتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ... (۱) هنگامی که از عرفات کوچ کردید، خدا را در نزد مشعر الحرام یاد کنید.

دقت در این دستور و واژه‌هایی که برای آن انتخاب شده، ما را به فضای لذت‌بخشی مرتبط می‌کند. برای این حرکت و کوچ دادن، واژه‌های: أَفِضُوا، أَفَاضَ و أَفْضَيْتُمْ، به کار گرفته شده، این واژه‌ها از ماده «افاض» است و در آن‌ها، فراوانی و کثرت، جوشش و تحرک، پر شدن و لبریز گردیدن و فوران و سرریز شدن نهفته است.

در لغت عرب، وقتی ظرفی از آب پر می‌شود و آب از هر طرف آن می‌ریزد «فاض الإناء» گفته می‌شود، هم‌چنین آن‌گاه که رودخانه‌ای از آب فراوان و فوق‌العاده انباشته می‌شود و از لب دیواره آن، آب اضافی به بیابان و اطراف سرازیر می‌گردد «فاض السَّيْلُ» به کار می‌رود. (۲)

اکنون هزاران انسان احرام سپیدپوشیده غروب عرفات را در نظر بگیرید. آنان، شب و روز نهم ذی‌حجه را در چادرهایی سکونت داشته‌اند. به منظور جمع‌آوری چادرها، بندهای آن‌ها را باز می‌کنند و روی

۱-۱. سوره بقره، آیه ۱۹۹ و ۱۹۸.

۲-۲. مصباح المنیر؛ ص ۶۶۶-۶۶۵.

ص: ۱۷۹

زمین قرار می‌گیرند.

همه باید به ناچار، اگرچه چادرها در حال سقوط است، آن‌ها را ترک کنند و چون پروانگانی که از هجوم می‌گریزند، از چادرها خارج شوند.

گروه‌های انبوه مرد و زن، هیجان‌زده، در نقطه معینی گرد هم جمع می‌شوند تا چون گروه پروانگان، با جوشش و تلاش به پرواز درآیند؛

دل‌ها انباشته از معرفت و عرفان، چشم‌ها لبریز از اشک تأثر و شوق، تأثر به خاطر جدایی از عرفات و شوق برای دست‌یابی به شعور مشعر، همه چون آب زلال معرفت عرفه، چون سیل خروشان به فیضان و جریان در می‌آیند و این است راز به کارگیری تعبیر «افاضه از عرفات» به جای واژه‌های دیگری، که این ظرافت زیبایی و عرفانی را ندارد.

به هر حال، همه باید با فیضان و جوشش، پس از تقریباً یک شبانه‌روز وقوف در عرفات، همراه با دعا و نیایش و خاطرات شیرین و دل‌نشین، و به یاد ماندنی کوچ کنند.

پیام‌رسانی امام صادق علیه السلام

باید با کوله‌بار معرفت بار سفر بست، دعاها و راز و نیازها و نمازها و سجده‌ها و اشک‌های خوف و خشیت، در دل‌ها معنویت و معرفت آفریده است و این معرفت، که به درگاه ذات مقدس خدای عالم تبلور یافته، باید با معرفت اولیای حق، که بیانگران و هادیان راه توحیدند تکمیل گردد. و پیام آنان دریافت و منتقل شود، تا رسالت پیام‌گیری و پیام‌رسانی عرفاتیان شایسته، تحقق عینی یابد. همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نیز چنین می‌کردند.

عمر بن ابی‌مقدم می‌گوید: امام صادق علیه السلام را در روز عرفه در

ص: ۱۸۰

صحرای عرفات مشاهده کردم، که هر چه توان داشت با صدای بلند می‌فرمود: ای مردم! رسول خدا صلی الله علیه و آله امام و پیشوا بود، سپس علی بن ابی طالب علیه السلام امام و پیشوا بود، سپس حسن بن علی، بعد از او حسین بن علی علیه السلام، بعد از آن حضرت علی بن الحسین، آن گاه محمد بن علی و اکنون، من امام و پیشوای شما هستم.

عمر بن ابی مقدم، اضافه می‌کند، امام صادق علیه السلام این مطالب را خطاب به افرادی که روبه‌روی او بودند، سه بار، و برای افراد سمت راست سه بار، و برای افراد سمت چپ سه بار، و برای افرادی هم که پشت سر آن حضرت قرار گرفته بودند سه مرتبه و جمعاً مطالب خود را دوازده بار برای افراد حاضر در عرفات بیان کرد. (۱)

به هر حال، امام صادق علیه السلام در عرفات برای تکمیل معرفت الهی، که لازمه آن معرفت رسول الله صلی الله علیه و آله و ولی الله، یعنی «معرفت امامت» و رهبری و پیشوایی دینی است، در روزگار منصور دوانیقی (۹۵-۱۵۸ ه.ق) با حدود ۲۲ سال خلافت سخت و وحشتناک (۲) با صدای بلند اقدام نمود و مبارزه و موضعگیری خویش را اعلام کرد تا پیام پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز ابلاغ کرده باشد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. (۳)

هر کس بمیرد، در حالی که امام و پیشوایی نداشته باشد، به مرگ زمان جاهلیت از دنیا رفته است.

هم‌چنین امام صادق علیه السلام مردم را به بیان رسول گرامی اسلام توجه داده، که فرموده بود: لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيعًا إِلَىٰ إِثْنَى خَلِيفَةٍ ...

۱-۱ کافی، ج ۴، ص ۴۶۶

۲-۲ تَمَمَةُ الْمُنْتَهَى، ص ۱۱۳

۳-۳. کنز العمال، ج ۱، ص ۱۰۰

ص: ۱۸۱

كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. (۱)

پیوسته این دین (اسلام) با عزّت و قدرت و بلندمقام و استوار خواهد بود، تا مادامی که دوازده خلیفه داشته باشد، که همه آنان از قریش هستند.

خلاصه، امام صادق علیه السلام در عرفات، با تمام توان سعی و تلاش داشت تا عرفان و شناخت زائران را به کمال رساند و حیات کامل بخشد و با دستمایه این معرفت، عرفات را ترک گویند و در پرتو شعور مشعر، همه مشاعر را به کار گیرند تا راه معرفت خدا و امامت را استمرار بخشند.

حرکت کنیم

نماز مغرب و عشا را خوانده‌ایم و باید با حال و هوای خاضعانه، امّیا در حالی که اشک شوق در چشم دوران می‌زند، آرام و امیدوارانه و با فهم و توجه قلبی حرکت کرد.

این حقیقت را شنو، از گوش دل تا برون آیی به کلی، ز آب و گل

فهم گرد آرید و جان را دل دهید بعد از آن از شوق، پا در ره نهید (۲)

برای حرکت و کوچ کردن از عرفات به مشعرالحرام، چند نکته را باید مورد توجه قرار داد:

۱- حرکت بعد از غروب آفتاب صورت گیرد، تا ضمن رسوب زدایی آثار شرک و جاهلیت، سنت توحیدی پیامبر صلی الله علیه و آله را حیات و جلوه تازه بخشیده باشیم.

۱- ۱ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۱.

۲- ۲ مثنوی معنوی، ص ۲.

ص: ۱۸۲

امام صادق علیه السلام فرموده است: مشرکان، قبل از غروب آفتاب از عرفات کوچ می‌کردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله با این روش آنان مخالفت نمود و خود بعد از غروب آفتاب کوچ کرد. (۱)

۲- از نظر مکانی، حرکت و کوچ باید از عرفات صورت گیرد، زیرا قریش، که خود را «حُمس» می‌خواندند و فرزندان ابراهیم علیه السلام و سرپرستان خانه کعبه می‌شمردند، برای هیچ‌یک از اعراب مقام و منزلتی قائل نبودند، می‌گفتند: نباید برای مکانی که از حرم بیرون است احترامی در نظر بگیریم و آن چه از مکه خارج است احترامی ندارد، اگر چنین کنیم اعراب برای ما ارزشی در نظر نمی‌گیرند، بدین جهت «وقوف در عرفات» را که از محیط حرم بیرون است ترک می‌کردند، با این که می‌دانستند این وقوف، جزو وظایف حج و آئین حضرت ابراهیم علیه السلام است (۲) بدین جهت قرآن کریم محل وقوف را عرفات تعیین کرد و درباره کوچ کردن هم فرمود: **ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ**. (۳)

تا بدین وسیله، امتیازات عصر جاهلی و قبیله‌ای را ملغی کند و در مورد وقوف در عرفات و کوچ کردن هم، وحدت رویه و هماهنگی به وجود آورد.

۳- معمولاً افراد به هنگام کوچ کردن از عرفات ذوق زده می‌شوند و برای حرکت گرفتار عجله و تند رفتاری می‌گردند و از این ناحیه گاهی موجب بی‌مبالاتی در راه رفتن و مردم‌آزاری می‌شوند و از طرفی هم باید تأثیر سازندگی وقوف و دعاها در عرفات، در حرکات و سکنتات آنان نمودار باشد، لذا امام صادق علیه السلام حرکت با سکینه و وقار و خودداری از آن

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۴۶۷، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۱۲

۲- ۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۱

۳- ۳. سوره بقره، آیه ۱۹۹

ص: ۱۸۳

گونه راه رفتن بی‌باکانه، را که موجب آزار دیگران می‌شود، توصیه نموده و فرموده:

اتَّقُوا اللَّهَ وَسِيرُوا سَيْرًا جَمِيلًا، وَلَا تُوَطِّئُوا ضَعِيفًا، وَلَا تُوَطِّئُوا مُسْلِمًا، وَتَوَدُّوا وَاقْتَصِدُوا فِي السَّيْرِ ... (۱)

خدا را در نظر داشته باشید، راه رفتن شما زیبا و نیکو باشد، مبدا افراد ضعیف و ناتوان مسلمان را لگدمال و مورد آزار قرار دهید، بلکه در راه رفتن، حوصله و آرامش و میانه‌روی و متانت را برگزینید.

۴- با توجه به این که هنگام کوچ از عرفات، انقلاب روحی و حالت خوشی به انسان دست می‌دهد، بسیار مناسب است، در آن سرزمین مقدس و با آن حال و هوای معنوی، راز و نیاز و دعای خالصانه‌ای انجام شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی آفتاب غروب کرد بگو: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمُوقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ أَيْدًا مَا أَبْقَيْتَنِي ... (۲)

خدایا! آمدن مرا در این جایگاه، برای آخرین بار قرار مده و برای سال آینده و تا زنده‌ام می‌داری، چنین وقوفی را نصیبم گردان و امروز، مرا سعادت‌مند و نجات یافته از آتش دوزخ و با دعای مستجاب قرار بده، مرا مورد رحمت و مغفرت خویش قرار ده و بهترین توجهی را، که بر میهمانان خود می‌کنی، متوجه من نیز بگردان و برترین خیر و برکت و رحمت و خشنودی و آمرزش را به من عطا کن و مال و جان مرا تا نزد خانواده‌ام بر می‌گردم، برای خودم و آنان مایه خیر و برکت گردان.

با نوای کاروان

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۴۶۷، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۱۳.

۲- ۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۱۳.

ص: ۱۸۴

کاروان‌های سفیدپوش، چون امواج خروشان دریا به سوی مشعرالحرام شتاب می‌گیرند، پیاده و سواره، باید حدود ۲ فرسنگ راه پیمایند تا رحل اقامت موقت افکنند و رکن دیگری از ارکان حج را در قالب «وقوف» پیا دارند. مکانی که کاروان انسان‌ها بدانجا می‌شتابد، در قرآن «مشعرالحرام» (۱) و در روایات «مُزْدَلَفَه» و «جَمْع» نامیده شده، که در تابلویی که آنجا نصب گردیده، «مزدلفه» نوشته شده است.

درباره علت نامگذاری به این سه اسم، در احادیث و اقوال اهل لغت جهاتی بیان گردیده، که به طور خلاصه بیان می‌شود:

- ۱- درباره جهت نامگذاری «مشعرالحرام» که در قرآن آمده، نوشته‌اند: چون آن مکان نشانه و علامت حج و نماز و محل بیتوته و دعاست «مشعر» نامیده شده و صفت «حرام» به خاطر احترام آن سرزمین، یا این که جزو «حرم» است می‌باشد، یا این که هر جایگاه انجام عبادت «مشعر» نامیده می‌شود، چنانکه در احادیث هم آمده است. (۲)
- ۲- مُزْدَلَفَه، این نام در احادیث وارد شده و امام صادق علیه السلام فرموده: وقتی جبرئیل علیه السلام حضرت آدم علیه السلام را آن گاه که وقوف عرفات را انجام داد و آفتاب غروب کرد به کنار عرفات آورد و گفت: یا ابراهیم! إِزْدَلِفْ إِلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فَسَمِيَتْ مُزْدَلَفَةً. (۳)

۱-۱. سوره بقره، آیه ۱۹۸

۲-۲. مجمع البحرین، ص ۲۵۸، الحج والعمرة ومعرفة الحرمین الشریفین، ص ۱۳۹

۳-۳. علل الشرایع، ص ۴۳۶، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۶

ص: ۱۸۵

ای ابراهیم! به سوی مشعرالحرام نزدیک شو، و از آن پس این سرزمین «مزدلفه» نامیده شد.

در بیان دیگری امام صادق علیه السلام فرموده: **أَمَّا سُمِّيَتْ مُزْدَلِفَةً، لِأَنَّهُمْ إِزْدَلَفُوا إِلَيْهَا مِنْ عَرَافَاتٍ**. (۱)

مشعرالحرام، مزدلفه نامیده شده، چون مردم برای رفتن به آن جا از عرفات بر یک‌دیگر پیشی می‌گیرند و ازدحام و اجتماع به وجود می‌آورند.

بالآخره، مزدلفه، اسم فاعل از «ازدلاف» به معنای به یک‌دیگر نزدیک شونده، دست‌جمعی و با شتاب حرکت کننده یا از «زُلف» به

معنای بخش و جلو است «پیش در آینده»، چون زائران سر شب و بخشی از آن را در آن سرزمین می‌مانند. (۲)

۳- نام دیگر مشعرالحرام، طبق احادیث «جمع» است، چون طبق بیان امام صادق علیه السلام: **سُمِّيَتْ الْمُزْدَلِفَةُ جَمْعًا، لِأَنَّ آدَمَ عَلَيْهِ**

السَّلَامَ جَمَعَ فِيهَا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ. (۳)

مزدلفه، بدین جهت «جمع» نامیده شده، که حضرت آدم علیه السلام در آن جا، میان نماز مغرب و عشا جمع کرد و هر دو را با هم خواند.

در بیانی هم از امام رضا علیه السلام آمده، مزدلفه، جمع نامیده شده، چون در آن جا نماز مغرب و عشا با هم و با یک اذان و دو

اقامه خوانده می‌شود. (۴)

به هر حال، مشعرالحرام یا مزدلفه، یا جمع، محلّ ازدحام و اجتماع و حرکت شتابان و دعا و نیایش و به کارگیری فکر و شعور است.

وظایف مشعرالحرام

۱- ۱. علل الشرایع، ص ۴۳۶، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۶

۲- ۲. مجمع البحرین، ص ۲۵۸

۳- ۳. علل الشرایع، ص ۴۳۷، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۶

۴- ۴. فقه الرضا علیه السلام ص ۲۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۷

ص: ۱۸۶

سومین عمل که از ارکان حج می‌باشد، وقوف در مشعرالحرام است، شب مشعر که شب عید قربان یا عید اضحی است، شب پرغوغایی است، موج صدها هزار نفر انسان‌های سفیدپوش، در یک دامنه محدود که قسمتی از آن ناهموار است همه در حال حرکت در جاده‌های مختلف، که باید از یک درّه تقریباً تنگ عبور کنند و به هر نحو شده، خود را در وقت معین به مشعرالحرام برسانند.

قرآن کریم فرموده: خدا را در مشعرالحرام یاد کنید، او را یاد کنید همانطور که شما را هدایت نمود، اگرچه پیش از آن از گمراهان بودید ...

هم‌چنین، از خدا طلب آمرزش نمایید، که خدا آمرزنده و مهربان است. (۱)

علاوه بر این دستور کلی قرآنی، زائران خانه خدا، در سرزمین مقدس مشعرالحرام، یک سلسله وظایف واجب و مستحب دیگری بر عهده دارند، که به طور خلاصه مورد اشاره قرار می‌دهیم:

۱- وقوف یا بیتوته شب دهم، با نیت اطاعت و تقرب به خداوند متعال.

۲- نیت وقوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب.

۳- جمع کردن ریگ‌ها برای «رمی جمرات» در روز عید قربان.

اگرچه طبق روایات، ریگ‌ها را از غیر مسجدالحرام و مسجد خیف و «منا» (۲)، از هر نقطه‌ای که حرم محسوب شود، مثل کوه‌های مکه و منا، می‌توان جمع‌آوری نمود، ولی سفارش شده، ریگ‌ها از

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۹۹-۱۹۸

۲- ۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۲۳

ص: ۱۸۷

مشعرالحرام باشد. (۱)

برای «رمی جمرات» دهم تا دوازدهم ذی‌حجه تعداد ۴۹ ریگ بیشتر لازم نیست، ولی طبق روایت امام صادق علیه السلام (با توجه به این که ممکن است برخی از ریگ‌ها موقع پرتاب به طرف جمره خطا رود و به هدف نخورد یا کسی ناچار شود روز سیزدهم نیز در «منا» بماند، سفارش شده) هفتاد ریگ جمع‌آوری شود، هر کدام از ریگ‌ها به اندازه «بند انگشت» (۲) یعنی به اندازه یک «فندق» باشد.

جمع‌آوری ریگ‌ها، تهیه سلاح‌هایی است، که عابدان شب‌زنده‌دار، خویشتن را مجهز و مسلح کنند و چون شیران روز به نبرد با شیطان و مظاهر اغواگر و مزاحم راه دین اقدام کنند.

درباره راز جمع‌آوری ریگ‌ها و وقوف در مشعرالحرام و بهره‌مندی و عرفانی و تربیتی‌ای که، از آن‌ها باید به دست آورد، امام زین‌العابدین علیه السلام در گفت‌وگوی خویش با «شبلی» می‌فرماید: وقتی به مشعرالحرام رفتی و ریگ‌ها را جمع کردی، نَوَيْتَ اِنَّكَ رَفَعْتَ عَنْكَ كُلَّ مَعْصِيَةٍ وَجَهْلٍ، وَتَبَّتْ كُلُّ عِلْمٍ وَعَمَلٍ؟

آیا نیت کردی، که هر گونه گناه و نادانی را از خویش برطرف کنی و هر گونه علم و دانش و عمل و رفتار صحیحی را در وجود خود استوار سازی؟

آیا آن گاه که به مشعرالحرام رفتی، توجه داشتی، که قلب تو محلّ شعور تقوای الهی است و همچون اهل تقوا، وقوف خدای متعال در دل تو

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۴۷۷، مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۲، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲-۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۲۴، مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۷-۲۷۳، محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۱۷۸.

ص: ۱۸۸

برقرار گردد؟

وقتی «شبلی» جواب منفی می‌دهد، امام علیه السلام می‌فرماید: پس در واقع درست به مشعر نرفته و درست ریگ‌ها را جمع نکرده‌ای. (۱)

بنابراین، در اعمال مشعرالحرام، نباید غفلت داشت و فقط سرگرم اعمال ظاهری بود، بلکه در همه آن حالات، توجه قلبی و این که چه می‌کنیم؟ خداوند بر اعمال و کردار ما ناظر است و باید فلسفه این اعمال را دریابیم و در رشد تربیتی و اخلاقی و تکامل انسانی در خود و جامعه کوشا باشیم.

احیا و شب‌زنده‌داری

اگرچه در شرایط کنونی، به خاطر ازدحام جمعیت و مشکلات وسایل حمل و نقل، در شب عید قربان و در مشعرالحرام، کسی درست به خواب و استراحت نمی‌رسد و احیای قهری صورت می‌گیرد، در عین حال، امام صادق علیه السلام ضمن سفارشات فرموده: *إِنْ اسْتِطَعْتَ أَنْ تُحْيِيَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فَافْعَلْ، فَإِنَّهُ بَلَّغَنَا أَنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَا تُعْلَقُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ لِأَصْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، لَهُمْ دُورٌ كَدُورِ النَّحْلِ ...* (۲)

اگر بتوانی، این شب را احیا بداری، انجام بده، زیرا خبردار شده‌ایم در این شب درهای آسمان بسته نمی‌شود، چون ناله‌ها و زمزمه‌های اهل ایمان مثل زمزمه زنبوران عسل فضا را پر کرده و خداوند هم می‌فرماید:

من پروردگار شما هستم، و شما بندگان من هستید، شما حق عبادت مرا ادا

۱- ۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۰.

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۴۶۹، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۱۵.

ص: ۱۸۹

کردید و حال برعهده من است، که دعا و خواسته‌های شما را اجابت کنم.

آری، به یاد داشته باشیم، که فرصت شب مشعر سریع می‌گذرد و نمی‌توان آن را بازگردانید و به دست آورد، بدین جهت به درون خویش فرو رویم، نغمه درون را با راز و نیاز خدای عالم هماهنگ گردانیم و به یاد آوریم دعای هر شب ماه مبارک رمضان را:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ ... (۱)

هم‌چنین، دعایی را که امام صادق علیه السلام سفارش فرموده، با توجه به مضامین آن با نیت خالصانه و حال ملتسمانه، این گونه بخوانیم: اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، ثُمَّ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ. (۲)

خدایا! این مکان «جمع» نام دارد و محل اجتماع بندگان توست؛ خدایا! از تو می‌خواهم که در این «جمع» برای من همه خیرها را جمع گردانی؛ خدایا! مرا از خیر و فضیلتی، که از تو درخواست کردم در قلبم قرار دهی ناامید مگردان؛ سپس از تو تقاضا می‌کنم، آنچه را به اولیای خود شناساندی، در این سرزمین به من شناسان و مرا از وجود همه شرور و بدی‌ها محفوظ بدار.

۱-۱ مفاتیح الجنان، ص ۱۷۶

۲-۲ کافی، ج ۴، ص ۴۶۹، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۱۵

ص: ۱۹۰

۱۱ مینا

اشاره

ص: ۱۹۱

۱۱ مینا

ص: ۱۹۳

۱۱ منا

شب مشعر، با همه پیاده و سواره روی‌ها و شب‌زنده‌داری‌های لذت‌بخش و روحانی و به یاد ماندنی، سپری می‌شود، تا حرکت دیگری برای «اعمال منی آغاز گردد.

آنان که در لباس سفید احرام، با دوست خلوت کرده‌اند و ره‌توشه معرفت عرفات خویش را با «شعور مشعر» بارور ساخته‌اند، با توانایی بیشتری می‌توانند از مزایای «عید قربان» بهره‌گیرند و در نبرد با موانع راه، پیروز برآیند.

اکنون، زاهدان شب، شیران روزند (۱) که در تاریکی شب، علاوه بر عاشقانه‌ترین راز و نیازهای خالصانه با معبود، و تهذیب و تعالی جان، ریگ‌هایی را برای نبرد و نابودی دشمن آماده کرده‌اند.

در واقع، شب‌هنگام دوره تمرین و خودسازی و کمین‌گذاری و سنگربندی، برای تجهیز و هجوم عمومی و ناگهانی روز با دشمنی است

۱- ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله از صفات مؤمنان: رهبان باللیل، اسد بالنه‌ار. کافی، ج ۲، ص ۲۳۲.

ص: ۱۹۴

که پیوسته بر صف‌های عظیمی از انسان‌ها یورش برده است و اکنون باید او را برای همیشه قلع و قمع نمود. با طلوع صبح و پس از نماز، برای هماهنگی همه زنان و مردان با رنگ‌ها و ملیت‌های مختلف و زبان‌ها و لهجه‌های متفاوت، با توجه به این که خداوند دستور داده: **وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ**. (۱) جهت انباشته ساختن جبهه توحیدیان از معنویت و قدرت، شعار توحید و ستایش، سراسر امواج انسان‌هایی که صحرا را به حرکت درآورده‌اند، فراگرفته است.

همه، با لحن‌های شیرین و معنادار عربی، سرود رهایی و شیدایی را با عالی‌ترین واژه‌ها و کلمات، این گونه سر می‌دهند: **اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ**. (۲) خدا بزرگ‌تر است، خدا بزرگ‌تر است، معبود حقیقی جز خدا نیست و خدا بزرگ‌تر است، خدا بزرگ‌تر است و حمد و ستایش از آن خداست، حمد خدای را بر آن چه ما را بدان هدایت نمود، خدا بزرگ‌تر است بدین خاطر که ما را به گوشت حیوان «قربانی» روزی عنایت فرمود.

این سرود توحید و رهایی و ضد شرک و ریا، دل‌ها را صفا و نورانیت خاصی می‌بخشد و عطر دل‌آویز ایمان و معنویت و عبودیت و شیدایی، مشام جان‌ها را از طراوت و لذت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌سازد.

۱-۱. سوره بقره، آیه ۲۰۳

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۵۱۶، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۵

ص: ۱۹۵

آفتاب نزدیک است طلوع کند، نسیم ملایم صبح گاهان، بدن‌های احرام‌دارانی را که شب‌زنده‌داری کرده‌اند، نوازش می‌دهد، همه عجله دارند، که به سوی «منا» شتاب گیرند و اعمال آن سرزمین را انجام دهند.

همه باید تابع فرمان الهی باشند، این جا توقف کن و از مرز خارج مشو، تا آفتاب طلوع نکند، حق نداری از مرز «وادی مُحَسَّر» عبور کنی. همه این‌ها برای این است که درس اطاعت برای همه زندگی باشد و عبودیت واقعی و عینی را تحقق و تبلور بخشد و سوغات حج را دریافت دارند و به دیگران ارمغان دهند.

زائران خانه خدا، که شب را در مشعرالحرام بیتوته و وقوف و راز و نیاز داشته‌اند، تا آفتاب نزنند، نباید از «وادی مُحَسَّر» به سوی «منا» عبور کنند، وادی «محسّر» قسمت بیابان باریکی است، که بین سرزمین مشعرالحرام و سرزمین «منا» واقع شده است.

امام صادق علیه السلام فرموده است: وقتی از «وادی محسّر» عبور می‌کنید، «بیابان بزرگی میان مشعر و «منا» ست و به «منا» نزدیک‌تر می‌باشد» (۱) سعی انجام دهید (تند حرکت کنید) زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که بر شتری سوار بود، با شتر از آن جا به تندی و شتاب حرکت می‌کرد و زمزمه دعا بر لب داشت که: **اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبِلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَأَخْلُفْنِي بِخَيْرٍ** **فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي.** (۲)

خدایا! ادای عهد و پیمانی را که با تو داشتم، برای من سالم و صحیح قرار بده، توبه‌ام را بپذیر، دعایم را مستجاب گردان و آن چه را از من به

۱-۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۲۷، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۵۵

۲-۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۲۷، تهذيب الاحكام، ج ۵، ص ۲۱۸

ص: ۱۹۶

جای می ماند، برایم خیر و صلاح مقزّر بدار.

آفتاب طلایی، دامن صحرا را زرّین کرده است، روز عید فرارسیده، روزی که اعمال سنگین و فشرده‌ای دارد و طبق روایات، عید قربان، عید اضحی و یوم نحر نامیده شده است.

اگر آن روز، «عید قربان» نامیده شده، بدین خاطر است که، حضرت ابراهیم علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان علیهم السلام و زائران خانه خدا در آن روز، حیوان قربانی می کرده‌اند.

اگر «عید اضحی موسوم گردیده، بدین جهت است، که در روایت آمده، پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روز بارها دو گوسفند، یکی برای خود و دیگری را برای کسی که توانایی نداشت، قربانی می کرد. (۱) و در زندگی او و کسان دیگری که تهی دست بودند، به خاطر گوشت قربانی، روشنایی و شادمانی پیدا می شد.

اگر «روز نحر» خوانده شده، بدین لحاظ است، که امام باقر علیه السلام فرموده: مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلُ يَوْمِ النَّحْرِ مِنْ دَمٍ مَسْفُوكٍ، أَوْ مَشِيٍّ فِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ ... (۲)

هیچ عملی در روز «ذبح» از ریختن خون قربانی، یا رفتن برای نیکی به پدر و مادر، یا پیوند با قوم و خویشی که قطع رابطه کرده با شروع سلام و کمک به او، یا این که کسی مقداری از گوشت قربانی را خود بخورد و بقیه آن را به همسایگان یتیم و نیازمند خویش بدهد، یا از اسیران دلجویی به عمل آورد، بالاتر نیست.

چرا «منا» نامیده شده؟

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۴۹۵

۲- ۲. الخصال، لشیخ الصدوق، ج ۱، ص ۲۹۸

ص: ۱۹۷

منا، به معنای آرزو، اشتیاق، اراده و امید است. ریشه این واژه، به صورت اسم و فعل و جمع «تَمَنَّى»، «امانی» و «أُمْنِيَّة» در قرآن کریم ۱۹ بار آمده است. (۱)

منا، از نظر جغرافیایی، بیابان وسیعی است که در دره‌ای به طول ۳۵۲۵ متر، از وادی «مُحَسِّر» تا «عقبه» و در یک فرسنگی جانب شرقی مکه قدیم قرار گرفته است. (۲) ولی «منا» اکنون تقریباً به شهر «مکه» وصل شده است.

اما، چرا این سرزمین «منا» نامیده شده. جهاتی را ذکر کرده‌اند، که بیان می‌کنیم:

۱- این سرزمین «منا» نامیده شده، چون هر کسی آرزو دارد، خون قربانی او ریخته شود. (۳)

۲- ابن عباس روایت کرده: وقتی آدم علیه السلام تصمیم گرفت از «حوا» جدا شود، جبرئیل به او گفت: هر چه می‌خواهی آرزو کن، آدم علیه السلام گفت:

آرزوی بهشت دارم. (۴)

۳- از امام رضا علیه السلام علت نامگذاری این سرزمین به «منا» سؤال شد، آن حضرت در جواب فرمود: جبرئیل به حضرت ابراهیم

علیه السلام گفت: تَمَنَّ عَلَى رَبِّكَ مَا شِئْتَ، فَتَمَنَّى أَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ مَكَانَ وَلَدِهِ إِسْمَاعِيلَ كَبْشًا ... (۵)

هر چه را می‌خواهی از درگاه پروردگار خویش درخواست و آرزو

۱- ۱. سوره حج، آیه ۵۲، بقره، ۷۸، نساء، ۱۲۳.

۲- ۲. مجمع البحرين، ص ۸۱، سفینه البحار، ج ۴، ص ۴۰۷.

۳- ۳. همان.

۴- ۴. همان.

۵- ۵. علل الشرایع، ص ۴۳۶.

ص: ۱۹۸

کن، حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا درخواست نمود، به جای قربانی فرزند خود اسماعیل، خداوند قوچی بفرستد تا آن را قربانی کند و خداوند هم این کار را انجام داد و ابراهیم به آرزوی خود رسید.

۴- در همه موارد یادشده «منّا» به معنای «آرزو» مطرح گردیده و برای علت این نامگذاری هم جهات متعددی آورده شده، چنان که امام صادق علیه السلام نیز علاوه بر «آرزوهای» قبلی، آرزوهای سازنده و تعالی بخش دیگری را سفارش کرده و فرموده: **وَاخْرُجْ مِنْ غَفْلَتِكَ وَزَلَّاتِكَ بِخُرُوجِكَ إِلَىٰ مِنِّي وَلَا تَتَمَنَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ، وَلَا تَسْتَحِقَّهُ. (۱)**

آن گاه که به «منّا» رسیدی، باید خود را از عالم غفلت و لغزش‌ها بیرون آوری و آرزوی آن چه را بر تو حلال نیست (گناهان) که شایستگی آن را نداری، نداشته باشی.

فضیلتِ منّا

اگرچه پیاده‌روی‌ها همراه با ازدحام جمعیت، و عدم آشنایی لازم به اماکن و نقاط بیابان با چادرهای سفید، زائران احرام پوشیده را خسته می‌سازد، اما با مشاهده صحنه‌های معنوی و عرفانی آن، هرگز نباید فکر و اندیشه خود را متوقف سازیم، بلکه توجه داشته باشیم، با وجود تن و جسم خسته و در عین حالی که در احرام به سر می‌بریم، با اندیشه و تفکر، بر محتوای عبادت خویش بیفزاییم. قرآن کریم، طی آیات متعددی دستور به کارگیری فکر و اندیشه را می‌دهد و امام صادق علیه السلام فرموده:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ، إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ. (۲)

۱- ۱. محجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۰۷، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۲.

۲- ۲. کافی، ج ۲، ص ۵۵، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۱.

ص: ۱۹۹

برترین عبادت، پیوسته فکر کردن در مورد خدا و قدرت اوست.

علاوه بر آن حالات خاص معنوی و تفکر در قدرت و عظمت خداوندی، که آن همه انسان‌های مؤمن را به آن سرزمین خشک و سخت به اطاعت و عبادت کشانده و به مقام مؤمنانه بلندی دست یافته‌اند، به منظور بهره‌برداری از معرفت و تعالی بیشتر، باید به فضیلت و قداست آن سرزمین، توجه بهتری داشته باشیم.

امام صادق علیه السلام فرموده: وقتی که زائران در «منا» منزل گیرند، منادی الهی ندا می‌دهد: ای سرزمین منا! اهل تو وارد شدند، وسعت یاب و زائران خود را جای ده و منادی دیگری ندا می‌دهد: اگر می‌دانستید به چه مکانی و به پیشگاه چه مقام کریمی وارد شده‌اید، یقین پیدا می‌کردید که در مقابل رنج‌هایی که متحمل شدید و مالی که خرج کردید، خداوند رحمت و آمرزش خویش را به شما عطا می‌نماید. (۱)

در بیان دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم، آن گاه که به «منا» منزل گیرید، از جانب خداوند متعال منادی فریاد بر می‌آورد، اگر می‌خواهید بدانید که آیا از شما راضی و خرسند هستم؟، بدانید که از شما راضی هستم. (۲)

همچنین، امام صادق علیه السلام فرموده است: وقتی که زائر می‌خواهد از «منا» برگردد، فرشته الهی دست خود را میان دو کتف او می‌گذارد و می‌گوید: از گناهان پاک شده‌ای، مثل روزی که از مادر متولد شدی، اکنون با پاکی و درستی، اعمال و عبادات خود را آغاز کن. (۳)

اعمال «منا»

اشاره

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۲۵۶ و ۲۶۲.

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۲۶۲.

۳- ۳. المحاسن للبرقی، ج ۱، ص ۶۶.

ص: ۲۰۰

در «منا» روز عید قربان، سه عمل: رمی جمره عقبه، قربانی و حلق، یعنی چهارمین و پنجمین و ششمین عمل از اعمال سیزده گانه حج، که با احرام بستن در مکه، وقوف در عرفات و وقوف در مشعرالحرام شروع شده بود، انجام می‌شود و هفتمین عمل، یعنی «بیتوته» نیز در این سرزمین مقدّس باید صورت گیرد.

فراموش نکنیم که هر یک از این اعمال و مناسک مهم، باید با نیت اطاعت و تقرب به مقام خداوند و خالصانه و متواضعانه، بدون ریا و غرور و نخوت، در کمال انقیاد و کوچکی انجام شود و در همه حرکات و سکانات، روح اطاعت و تعبد حاکم باشد. در مورد اهمیت و ضرورت نیت پاک، و خالص از هر گونه آلودگی، در عبادات بزرگ و خلاصه، در همه حرکات و سکانات عبادانه و عارفانه، جنبه تربیتی و سازندگی آنها را باید توجه داشته باشیم، که این جهت، سخت مورد عنایت پیشوایان عالی مقام اسلام بوده و هرگز نباید در هیچ زمانی از آن غفلت داشت.

درباره ضرورت نیت خالصانه، به منظور دریافت پاداش معنوی بیشتر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به ابوذر غفاری فرموده: **لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ، حَتَّى فِي النُّومِ وَالْأَكْلِ. (۱)**

باید حتماً در هر کاری نیت (خالصانه) داشته باشی، حتی در خوابیدن و غذا خوردن «به منظور تجدید قوا و توانایی بهتر برای عبادت و خدمت

ص: ۲۰۱

بیشتر به خلق».

امام صادق علیه السلام به منظور توجه بیشتر به روح اطاعت و بندگی خدا، جهت تکامل معنوی و تعالی نفسانی، فرموده است: لا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النَّيَّةِ، فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَسُكُونٍ، لِأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ هَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا ... بنده حتماً باید در هر حرکت و سکونی، نیت خالصانه داشته باشد، زیرا اگر چنین نباشد، او غافل خواهد بود و غافلان را خداوند مانند حیوانات توصیف نموده است. (۱)

این را هم باید بدانیم، که نیت قلبی از صفا و نورانیت معرفت سرچشمه می‌گیرد ... (۲)

چنین نیتی را در همه اعمال عبادی و از جمله اعمال «منا» که اولین مرحله آن، با «رمی جمره عقبه» شروع می‌شود، باید پیوسته مد نظر داشته و به کار گیریم. اینک اعمال چهارگانه «منا» و اسرار و شرح آن را پی می‌گیریم:

۱- رمی جمره عقبه

با طلوع آفتاب، زائران سپیدپوش که در شب برای نبرد با شیطان، عزم خویش را جزم، و سلاح‌های خود را آماده کرده‌اند، برای حمله به پایگاه شیطان، گروه گروه، چون سیل خروشان هجوم می‌آورند. مردان و زنان احرام‌پوش، در روز «عید قربان» برای دریافت یک عیدی بزرگ، با یک نبرد تمام‌عیار تصمیم گرفته‌اند، که با سنگباران شیطان و پیروزی بر او، برای همیشه این عنصر اغواگر و فریبکار را از خویش برانند و از جلو راه بردارند تا انسانیت خود را به کمال رسانند.

۱- ۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۹

۲- ۲. مصباح الشریعه، ص ۵، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۰

ص: ۲۰۲

باز عدد هفت تکرار می‌شود، هفت دور طواف کعبه، هفت دور سعی صفا و مروه و هفت ریگ به اندازه «بند انگشت دست» باید به «جرمه» (که اکنون «نماد» آن، ستونی است، و چون آن روز در پای گردنه‌ای قرار داشته «جرمه عقبه» نامیده شده، و اکنون نیز در پایان «حدّ منا» به سوی مکه قرار دارد)، پرتاب شود.

طبق احادیث، این جمره «جرمه قصوی دورتر» و «جرمه عظمی بزرگ‌تر» نیز نامیده شده (۱)، معاویه بن عمار می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

ریگ‌های خود را بردار، سپس نزد «جرمه دورتر» که نزد «عقبه» و گردنه قرار دارد بیا و در حالی که در مقابل آن ایستاده‌ای و ریگ‌های خود را در دست داری بگو: خدایا! این‌ها ریگ‌های من است، آن‌ها را برای من حفظ کن «تا همه به هدف اصابت کند و مقبول واقع شود»، و در اعمال متعالی من نزد تو قرار گیرد، و آن گاه که ریگ‌ها را پرتاب می‌کنی، برای هر ریگی بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ ... (۲)

خدا برتر و بالاتر از هر چیزی است، خدایا! شیطان را از من دور گردان. خدایا! کتاب تو را تصدیق می‌کنم و بر سنت پیامبرت رفتار می‌نمایم.

درباره تاریخ شروع این عمل نمادین، امام صادق علیه السلام فرموده: اوّل کسی که «رمی جمرات» کرد حضرت آدم علیه السلام بود و همچنین جبرئیل نزد

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۴۷۹-۴۷۸.

۲-۲. همان.

ص: ۲۰۳

ابراهیم علیه السلام آمد و دستور داد «جرمه عقبه» را رمی کند، و علت آن این بود که، شیطان برای وسوسه و اغواگری ابراهیم علیه السلام ظاهر شد. (۱)

هم‌چنین علی بن جعفر علیه السلام درباره فلسفه «رمی جمرات» می‌گوید: این جهت را از برادرم موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کردم، آن حضرت فرمود:

چون شیطان برای وسوسه حضرت ابراهیم علیه السلام در این مکان ظاهر شد و آن حضرت او را رمی نمود، این عمل به عنوان یک سنت و یک رویه همیشگی در این مکان رایج گردید و استمرار یافت. (۲)

علاوه بر این که «رمی جمره» یکی از وظایف زائران و از احکام مهم حج است و به خاطر کثرت جمعیت زائران، این عمل گاهی با سختی و دشواری صورت می‌گیرد، پاداش زیادی برای آن مقرر گردیده است.

امام باقر علیه السلام می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از انصار فرمود: إِذَا رَمَيْتَ كَانْ لَكَ بِكُلِّ حِصَاةٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ تَكْتُبُ لَكَ لِمَا تَسْتَقْبِلُ مِنْ عُمْرِكَ. (۳)

وقتی ریگ‌ها را به جمره می‌زنی، برای زدن هر ریگ، هر سال ده پاداش تا زنده هستی برای تو نوشته می‌شود.

۲- قربانی

اشاره

ذبح قربانی، دومین عمل روز عید در «منا» و پنجمین عمل حج تمتع است، که با آداب و شرایط لازم باید در «منا» صورت گیرد. قربانی برای خدایان در طول تاریخ، که به صورت سنگ‌ها و چوب‌ها

۱- ۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۷، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۷۳.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. کافی، ج ۴، ص ۴۸۰.

ص: ۲۰۴

و آب و نهر و نمادهای دیگر نمودار می‌گردیده‌اند، از رسوم کهن و هوس‌آلود و بی‌خاصیت افراد بوده است. این عمل را ابراهیم خلیل علیه السلام رنگ و بوی خدایی داده و آن را به عنوان یک عمل معقول و مشروع به فرمان الهی صورت می‌دهد و اسلام با فلسفه روشن‌تری آن را تبیین و تکمیل می‌گرداند.

قرآن کریم، موضوع قربانی، انگیزه آن، هدف آن و احکام و شرایط آن را در سه سوره و طی هفت آیه بیان فرموده، که مهم‌ترین شاخصه آن عبارتند از:

۱- این عمل باید برای خدا، جهت اجرای دستور پروردگار عالم و هنگام «ذبح» با نام خدا صورت گیرد، **وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ**. (۱)

در روزهای معینی بر دامها و چهارپایان که به آنان روزی داده شده (به هنگام ذبح) نام خدا را ببرند، تا ایده روزگار جاهلیت، که برای «بت‌ها» قربانی می‌کردند منسوخ گردد.

۲- غیر از جنبه اعتقادی قربانی، این عمل به عنوان بخشی از منافع حج که قرآن در همان آیه، آن را مطرح کرده و با توجه به این که این عمل اصولاً در بیابان و بدون امکانات زندگی شهری (به خصوص در آن روزگار) صورت می‌گرفته، قربانی به عنوان یک منفعت مادی و اقتصادی مطرح است و قرآن در این باره می‌فرماید: **فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ**. (۲)

۱- ۱. سوره حج، آیه ۲۸.

۲- ۲. همان.

ص: ۲۰۵

از گوشت حیوانات قربانی، هم خودتان بخورید و هم بی‌نویان فقیر را اطعام نمایید.

۳- علاوه بر این که، خود حج به عنوان «شعائر الله» (۱) و نمایش اطاعت و قدرت الهی مطرح گردیده، شترهای چاق و فربه (و حیواناتی را که آن روز افراد گروه گروه به همراه خود به مکه و منا می‌آوردند و نمایش زیبا و جذّابی داشت) شعائر الهی معرفی شده، موجب خیر و برکت مطرح گردیده و قرآن می‌فرماید: از گوشت آن‌ها بخورید و مستمندان قانع و فقیران معترض را نیز از آن اطعام کنید. (۲)

۴- خداوند نیازمند نیست که برای او خون ریخته شود و حیوانات قربانی گردند، یا مانند زمان جاهلیت، که هرگاه حیوانی را قربانی می‌کردند، خون آن را بر سرب‌ها و گاهی بر در و دیوار کعبه می‌پاشیدند (۳) بلکه قربانی و صرف مال برای آن، غیر از این که منافع اقتصادی و سیر کردن گرسنگان را دارد، روح خدا آگاهی و تقوای الهی را متبلور می‌سازد و گاهی چون با مضیقه مالی همراه است، فداکاری با مال را به نمایش می‌گذارد.

قرآن می‌فرماید: لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَائُهَا، وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ. (۴)

گوشت‌ها و خون‌های این قربانی‌ها هرگز به خدا نمی‌رسد، (بلکه آن

۱-۱. سوره حج، آیه ۳۲

۲-۲. سوره حج، آیه ۳۶

۳-۳. کنز العرفان، ج ۱، ص ۳۱۴

۴-۴. سوره حج، آیه ۳۷

ص: ۲۰۶

چه به خدا می‌رسد، تقوا و پرهیزگاری و روح خدایینی و تعبد خالصانه و پاک) شما بندگان است. به هر حال، آن طور که از لحن قرآن و روایات فراوان استفاده می‌شود، ابراهیم علیه السلام کار قربانی را در «منا» صورت داد، پیامبر صلی الله علیه و آله قربانی خود را در «منا» انجام داد و به افراد نیز دستور داد قربانی‌های خود را در «منا» ذبح نمایند. (۱) و امام صادق علیه السلام نیز فرموده: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ، وَإِرَاقَةَ الدَّمَاءِ بِمَنَى (۲) خداوند غذاخوراندن و ریختن خون‌های قربانی‌ها در «منا» را دوست می‌دارد.

فلسفه رمی و قربانی

اگرچه از لابلائی مطالب بالا تا حدّ زیادی فلسفه رمی و قربانی، روشن گردید و راز معنوی و مادی آن را دانستیم، در عین حال، به منظور این که اسرار عبادی و تربیتی و عرفانی این دو عبادت بزرگ و هدف بنیان‌گذاران آن‌ها مورد توجه باشد، تاریخچه آن‌ها را مرور می‌کنیم:

قرآن کریم می‌فرماید: ما ابراهیم را به (ولادت) نوجوان بردباری مژده دادیم، هنگامی که با او به مقام سعی و توانایی رسید گفت: فرزندم! من در خواب دیدم که باید تو را ذبح کنم! نظر تو چیست؟ گفت: پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن! به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت، وقتی هر دو آماده و تسلیم شدند و ابراهیم جبین «پیشانی» او را بر خاک گذاشت، او را ندادادیم که ای ابراهیم! آن چه را در خواب مأموریت

۱-۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۴، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۸۰

۲-۲. المحاسن للبرقی، ص ۳۸۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۸۹

ص: ۲۰۷

یافتی انجام دادی ... به طور مسلّم این امتحان بزرگ و روشنی است، ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم و نام نیک او را در امت‌های بعد باقی گذاشتیم ... (۱)

بر این اساس، وقتی ابراهیم خلیل علیه السلام در خواب می‌بیند، که فرزند خویش اسماعیل را ذبح می‌کند و این خواب سه شب (شب هشتم و نهم و دهم) برای او تکرار می‌شود، آن رؤیای صادقه را یک دستور الهی می‌داند، آن را با فرزند در میان می‌گذارد و اسماعیل ۱۳ ساله هم این خواب را یک فرمان الهی می‌داند و با یاری جستن از خدا، تن به تسلیم می‌سپارد. به هر حال، ابراهیم علیه السلام، اسماعیل نوجوان را با تدبیر، از مادری که یک فرزند بیش ندارد، جدا می‌کند، از شهر او را به درّه «منا» می‌آورد، طرف راست صورت او را برای ذبح روی خاک می‌گذارد و یا جبین به صورت او نمی‌نهد و پدر و پسر آماده ذبح می‌شوند، که ندا می‌رسد: *قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا ...* (۲)

و آن گاه طبق بیان امام باقر علیه السلام، «قوچی» از آسمان به زمین می‌آید (۳) و طبق بیان امام رضا علیه السلام ابراهیم آن قوچ را فدای اسماعیل می‌گرداند و این قربانی در «منا» برای همگان تا روز قیامت، یک سنّت و تکلیف می‌گردد. (۴)
اما باید توجه داشت، که قربانی کردن فرزند نوجوان در «منا» کار

۱-۱. سوره صافات، آیه ۱۰۸-۱۰۱

۲-۲. سوره صافات، آیه ۱۰۵

۳-۳. کافی، ج ۴، ص ۲۰۹، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۷، مع الانبیاء فی القرآن الکریم، ص ۱۲۵

۴-۴. الخصال، ج ۱، ص ۵۶، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۳

ص: ۲۰۸

ساده‌ای نیست، عوامل بازدارنده مختلف و طبق روایات، شیطان، برای انجام این ذبح عظیم و سوسه‌های زیادی به کار می‌گیرد و ابراهیم هم حداقل سه بار باید با پرتاب یک مشت سنگ‌ریزه او را از خود براند و فراری دهد تا بتواند به وظیفه سخت و سنگین خود عمل کند.

علی علیه السلام می‌فرماید:

رمی جمرات بدین خاطر است، که وقتی جبرئیل، ابراهیم را برای انجام مناسک حج به «منا» آورد، شیطان برای سوسه ظاهر شد، جبرئیل به ابراهیم گفت: او را سنگ‌باران کن، ابراهیم تعداد هفت ریگ (یک مشت ریگ) به طرف شیطان پرتاب کرد و او در «جرمه اول» پنهان شد، سپس در «جرمه دوم» ظاهر شد و باز هم ابراهیم یک مشت (هفت ریگ) به او پاشید و شیطان در «جرمه دوم» پنهان شد و بعد نیز شیطان برای بار سوم برای سوسه و مزاحمت ظاهر گردید، که ابراهیم هفت ریگ به سوی او پرتاب نمود و شیطان در «جرمه سوم» پنهان شد. (۱)

بدین ترتیب «رمی جمرات» به طوری که در بالا بیان شد، یا به هنگام ذبح برای ابراهیم در سه مرحله، و سوسه شیطان رخ داد، و به بیان امام موسی بن جعفر علیهما السلام یک سنت ابراهیمی رایج برای همگان گردید و گویا به خاطر تحمل رنج این عمل، یا جنبه تعبیدی آن، و بالاخره به عنوان یک خشم و قهر و نبرد همیشگی، از سوی هر مؤمن زائر با شیطان و شیطان صفت‌ها و خصلت‌های شیطانی است، که امام صادق علیه السلام فرموده است: لَهْ

۱-۱. قرب الاسناد، ص ۱۳۱، ح ۵۱۹، تصحیح مؤلف این اثر، طبع کوشانپور، تهران، ۱۴۱۷ ه.، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۲، تفسیر منهج الصادقین، ج ۸، ص ۵، این داستان را مربوط به سوسه شیطان، در مورد ذبح دانسته و به طور مشروح بیان کرده است.

ص: ۲۰۹

بُكَلِّ حَصَاةٍ يَرْمِي بِهَا تَحُطُّ عَنْهُ كَبِيرَةٌ مُؤَبَّقَةٌ. (۱)

به شماره هر ریگی که زائر به جمره پرتاب می‌کند، گناه هلاک‌کننده‌ای از او ریخته می‌شود و از گناه پاک می‌گردد. درباره قربانی و فلسفه آن هم، علاوه بر آن چه در بالا بیان شد و ملاحظه کردیم، قرآن در هفت آیه مطرح نموده، باید توجه داشته باشیم، قرآن قربانی را در ۳ آیه با تعبیر «هَدْيٌ» یعنی «هدیه به پیشگاه دوست» و یک تمرین اقتصادی معبودانه آن را واجب شمرده، تا بدین وسیله «عیدی توان‌مندان» برای تهی‌دستان و گرسنگان، سیر کردن و تأمین زندگی مادی و معنوی آنان باشد. البته، توجه داریم که، قربانی عبادت است، باید با نیت خالص صورت گیرد، با مال حلال تهیه شده باشد و چون اطاعت حق و هدیه به پیشگاه خداوند است، از سلامت و شرایط لازم که در کتب مناسک حج آمده برخوردار باشد. (۲) در حال حاضر بخش اعظم گوشت‌های قربانی در سرزمین منی به صورت بهداشتی بسته‌بندی شده و در اختیار افراد فقیر و نیازمند در کشورهای مختلف قرار داده می‌شود، امید است که در آینده شاهد استفاده بهینه از تمام گوشت‌های قربانی سرزمین مقدس منی و در اختیار قرار دادن جهت گرسنگان و نیازمندان جهان و جلوگیری از تلف شدن آنها باشیم.

در مورد قربانی روز عید در «منا» غیر از جنبه تکلیفی، درباره اثر وضعی آن، امام زین‌العابدین علیه السلام فرموده: إِذَا ذَبَحَ الْحَاجُّ، كَانَتْ فِدَاةً

۱- ۱. المحاسن، ص ۶۷، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۷۳.

۲- ۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۳.

ص: ۲۱۰

مِنَ النَّارِ. (۱)

آن گاه که حاجی قربانی خود را ذبح کرد، این عمل «فدا» و موجب نگهداری او از آتش دوزخ خواهد بود.

۳- حلق یا تقصیر

اعمال «منا» در روز عید، به پایان رسیده و اندکی می‌توان در میان سیل جمعیت سپیدپوش، آرامش خاطر یافت. نبرد با شیطان و عوامل بازدارنده عبادت و تکامل، قربانی و مال خرج نمودن به منظور اطاعت خدا و تمرین برای دل‌کندن از علایق مادی در راه دین، آن هم در ازدحام فرساینده سپیدپوشان، سامان یافته و اکنون باید به قصد عبادت، مقداری هم به ظاهر پرداخت و موهای ژولیده و غبار گرفته را از سر زدود.

حلق «سرتراشیدن از ته» برای مردانی که برای اولین بار به حج آمده‌اند و «تقصیر»، مقداری از مو یا ناخن را چیدن، برای زنان و افرادی که برای بار دوم و یا بیشتر به حج آمده‌اند، می‌باشد.

این دستور قرآن است، که فرموده: وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ... (۲)

سرهای خود را نتراشید تا قربانی به محلّ خود برسد (در قربانگاه ذبح شود) ...

بنابراین، حلق بعد از قربانی باید صورت گیرد و این اطاعت و عبادت بهداشتی، که همچون سایر مناسک حج و نیز سایر عبادات، با نیت قربت و

۱- ۱. المحاسن، ص ۶۷، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۷۳

۲- ۲. سوره بقره، آیه ۱۹۶

ص: ۲۱۱

اخلاص و انقیاد، در برابر دستور پروردگار عالم به خود لباس عمل می‌پوشد، سخت باید مورد توجه و دقت قرار گیرد و به نحو کامل و صحیح انجام شود.

به هر حال، در «منا» پس از قربانی باید سر را تراشید. روح اطاعت و عبادت، این اقتضا را دارد، که حتی اگر برخلاف میل باطنی و به هم خوردن قیافه ظاهری هم شده این اطاعت و عبادت، که انسان را به تواضع و می‌دارد، با روح تعیّد و فرمان‌برداری از فرمان الهی صورت گیرد.

چنانکه گاهی مشاهده شده برخی برای فرار از سر تراشیدن، در صدد حتی تغییر حکم مسئله در این مورد نیز برمی‌آیند! آری، اگر در «منا» که آرزوگاه بندگی و خودسازی است، نتوان آثار «رمی جمرات» و قربانی را که، طرد شیطان و مبارزه با هوای نفس و از خود گذشتگی و بذل مال و فداکاری است، در خویشتن مشاهده نمود و همچون گذشته، دل را به هوی سپرد و راه خودخواهی و تن‌پروری و ظاهرپرستی و درج‌زدن و انحطاط را پیمود پس؛ از طواف و سعی و عرفات و مشعر و رمی و قربانی، چه نتیجه‌ای حاصل شده است؟!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: حج و عمره را به دنبال هم انجام دهید، زیرا این عمل، فقر و پریشانی را برطرف می‌کند و گناهان را می‌زداید، «كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خُبَثَ الْحَدِيدِ». (۱)

همانگونه که کوره آهن‌گران آلودگی و زنگ و رنک و چرک و پلیدی را از آهن برطرف می‌کند و آن را خالص و بی‌پیرایه می‌گرداند.

بنابراین، از همین جا، به جنبه هواسوزی و گناه‌سوزی حج توجه

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۲۵۵، محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۱۴۷، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۳.

ص: ۲۱۲

داشته باشیم و فراموش نکنیم، که در کوره گرم و بوته آزمایش قرار گرفته‌ایم، تحمّل و خودشکنی و مبارزه با نفس لازم است، تا از آن مرحله‌ای که بودیم، به قله رفیع انسانی که باید صعود کنیم، با اراده‌ای محکم، گام‌هایی جدید و استوار برداریم و نتیجه عملی جدیدی به دست آوریم.

به هر حال، سرتراشیدن، علاوه بر جنبه عبادی، یک نشانه شناسایی و تشخیص زائر از دیگران، یک احساس هویت و شخصیت، و بالاخره یک نشانه موفقیت و پیروزی در مناسک حج نیز محسوب می‌شود، چنانکه قرآن کریم سرتراشیدن مسلمانان در عمره آن روزگار را با عنوان:

به خواست خداوند، در حالی که سرهای خود را تراشیده‌اید مُحَلَّقِينَ (۱) وارد مسجدالحرام می‌شوید و امنیت می‌یابید. در ماجرای «صلح حدیبیه» در سال ششم هجری، نشانه همراه با پیروزی بیان کرده است. (۲)

نکته‌های پایانی این بحث این است، که با حلق همه محرّمات احرام به جز زن و بوی خوش حلال می‌شود، که آن‌ها نیز با طواف حج و طواف نساء و نماز آن‌ها حلال می‌شود و همانطور، که زائر با حلق، به عبادت و نظافت دست می‌یابد و سبک می‌شود، به هنگام عبادت و نظافت، از آلوده کردن محیط زیست پرهیز داشته و حتّی با آن مبارزه کند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده:

إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَانَا يَأْمُرَانِ بِدَفْنِ شُعُورِهِمَا بِمِنَى (۳)

۱- ۱. سوره فتح، آیه ۲۷

۲- ۲. تاریخ پیامبر اسلام، دکتر محمد ابراهیم آیتی، ص ۴۷۳

۳- ۳. قرب الاسناد، ص ۱۲۶، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۰۲

ص: ۲۱۳

امام حسن و امام حسین علیهما السلام پیوسته دستور می‌دادند که موهای تراشیده شده آنان را در «منا» زیر خاک دفن کنند، تا حداقل بخشی از زباله، کاسته شود و محیط زیست آلوده نگردد.

۴- بیتوته در «منا»

اشاره

بیتوته، شب‌زنده‌داری، بیدار بودن شب، که اصولاً تا نیمه شب حساب می‌شود، نخوابیدن، و بالاخره ماندن در جایی و یا نشستن و محل را ترک نگفتن، تکلیف چهارم «منا» است.

روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه، ایام تشریق نامیده شده، وقتی از امام صادق علیه السلام تفسیر آیه: **وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ ... (۱)**

یعنی در روزهای شمرده شده ذکر خدا داشته باشید، سؤال می‌شود، آن حضرت می‌فرماید: منظور از «ذکر» تکبیر گفتن بعد از ظهر روز عید تا وقت نماز صبح روز سوم است ... **(۲)**

اما، چرا این سه روز «ایام تشریق» نامیده شده، امام صادق علیه السلام درباره فلسفه این نام‌گذاری فرموده است: **لِأَنَّ النَّاسَ يُشْرِقُونَ فِيهَا قَدِيدَ الْأَضَاحِ، أَيْ يُنَشِّرُونَهُ لِلشَّمْسِ لِيَجِفَّ ...**

بدین جهت، این سه روز «ایام تشریق» نامیده شده، که افراد گوشت‌های باقی‌مانده قربانی‌ها را که ذخیره کرده‌اند، (روی سنگ‌ها و کوه‌ها) پخش و پهن می‌کنند تا خشک شود و بعد از آن استفاده کنند.

۱-۱. سوره بقره، آیه ۲۰۳

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۵۱۶

ص: ۲۱۴

روز «نحر» عید اضحی است، و روز بعد از آن، روز اول تشریق است، که روز «قَرَّ» نامیده شده، چون مردم در «منا» استقرار می‌یابند و «عامّه» آن روز را «رؤوس» می‌نامند، چون در آن روز، گوشت‌های قربانی را می‌خورند، و روز بعد از آن یعنی روز دوازدهم روز «نَفَر» و کوچ کردن اول است، و روز سیزدهم، روز کوچ کردن آخر، (برای بعضی) است، که روز آخر «ایام تشریق» می‌باشد. (۱)

بیتوته، عمل واجبی است، که برای تحقّق آن زائر باید شب‌های یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه را با نیت اطاعت و تقرب به خدا، به عنوان جزئی از حج تمتّع، از غروب آفتاب تا نیمه شب در «منا» بماند.

غیر از بیتوته در این دو شب، که با ماندن و حضور تحقّق پیدا می‌کند، مناسب است زائران از فرصت استفاده کرده، از سه مسجد تاریخی زیر دیدن و در آن عبادت نمایند.

۱- مسجد بیعت، که نزدیک گردنه آخر «منا» به طرف مکه قرار دارد و در محلّ آن دو قبیله «اوس» و «خزرج» اهل مدینه، در «شب عقبه» با پیامبر صلی الله علیه و آله در حضور عمومی او «عباس بن عبدالمطلب» بیعت کردند. (۲) این مسجد، خارج از حدّ نهایی «منا» به طرف مکه در درّه‌ای دست‌چپ قرار دارد.

۲- مسجد کبش یا «نحر» که بین جمره اول و دوم قرار داشته و گفته شده: رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در محلّ آن قربانی خود را انجام می‌داده و این نقطه همان مکانی بوده، که ابراهیم علیه السلام «قوج» را به جای اسماعیل قربانی

۱- ۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۸۴.

۲- ۲. الحج والعمرة ومعرفه الحرمین الشریفین، ص ۱۸۵، البته از مسجد کبش، در حال حاضر به خاطر توسعه عمرانی اثری نیست و در حج ۱۳۹۹ ه. ق ۱۳۵۶ ه. ش هم اثری از آن نبود. «مؤلف».

ص: ۲۱۵

کرده است.

۳- مسجد خَیْف، این مسجد هم‌اکنون در جهت جنوبی «منا» قرار دارد، تجدید بنا و توسعه فراوانی یافته، در حَجَّة الوداع رسول خدا صلی الله علیه و آله خیمه خود را در آن محل نصب کرده و نمازهای پنج‌گانه خود را در آن می‌خوانده (۱) و در عظمت و فضیلت آن هم روایاتی وارد شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: صَلَّى فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَهُوَ مَسْجِدُ مَنِي وَكَانَ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى عَهْدِهِ ... در مسجد «خَیْف» نماز بخوان، این همان «مسجد منی» است، که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مسجد آن حضرت بود، و نزد «مناره» ای که وسط مسجد بود قرار داشت ... اگر بتوانی آن جا را محلّ خواندن نمازهای خود قرار دهی، این کار را انجام بده، زیرا در این مسجد هزار و یا هفتصد پیامبر (۲) نماز خوانده‌اند، و بدین خاطر این مسجد «خَیْف» نامیده شده، که روی تپه بلندی در آن محوطه قرار داشته، و آن قسمتی که در نقطه مرتفع بیابان قرار دارد (تپه) خَیْف نامیده می‌شود. (۳)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرموده: صَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ فِي مَسْجِدِ مَنِي فِي أَضَلِّ الصُّومِعَةِ. (۴)

در مکان اصلی مسجد «منا»- که اکنون نزدیک محراب موجود

۱-۱. الحج والعمرة ...، ص ۱۸۵

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۲۱۴

۳-۳. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۳۴، در سال ۱۳۵۶ ش که این جانب به حج مشرف شدم، مسجد مخروبه‌ای که قبل از مسجد کنونی در حال تجدید بنا و تأسیس بود، روی تپه قرار داشت. «مؤلف»

۴-۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۶، ووسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۳۵

ص: ۲۱۶

می‌باشد- شش رکعت (سه دور کعتی) نماز بخوان.

همچنین دعاهایی در رابطه با اعمال این مسجد وارد شده است. (۱)

سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله در منا

مناسب است، علاوه بر نمازهایی که وارد شده، یاد رسول عالی‌قدر اسلام را، که آموزگار حج واقعی است گرامی بداریم و خطابه تاریخی و پرمحتوای آن حضرت را برای همیشه در زندگی آویزه گوش قرار دهیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سرزمین «منا» در حَجَّة الوداع و در مسجد «خیف» خطاب به مردم، پس از حمد و ثنای الهی، فرمود:

نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها، وَحَفِظَهَا وَبَلَّغَهَا إِلَى مَنْ لَمْ يَسْمَعْها، فَرُبَّ حَامِلٍ فِيهِ غَيْرُ فِقِيهِ، وَرُبَّ حَامِلٍ فِيهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ، ثَلَاثٌ لَا- يُعْمَلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَالنَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ، وَاللُّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مُحِيطَةٌ مِنْ وَرَائِهِمْ، الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ، وَيَسْعَى بِدِمَتِهِمْ أَذْنَاهُمْ. (۲)

خداوند، یاری و خرسندی رساند بنده‌ای را، که سخن مرا بشنود و به گوش جان گیرد و حفظ نماید و به کسانی، که حضور ندارند و نشنیده‌اند برساند، چه بسا حامل علم و دانشی، که خود دانائست و چه بسا حامل و پیام‌رسانی، که پیام را به داناتر می‌رساند. سه خصلت است، که قلب هیچ

۱- ۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳۶، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۳۵.

۲- ۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۳، الخصال، ج ۱، ص ۱۵۰، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۶۳، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۲- خطب.

ص: ۲۱۷

مسلمانی به آن خیانت و حيله گری نمی کند: ۱- اخلاص عمل عبادی برای خدا؛ ۲- خیرخواهی و نصیحت پیشوایان مسلمان؛ ۳- همراه بودن با جماعت مسلمانان و پرهیز از تفرقه، زیرا دعوت مسلمین، افراد پشت سر و غایب آنان را نیز شامل می شود، مسلمانان با هم برادرند، خون (و جان آنان محترم) و برابر است و پایین ترین شخص آنان، برای برقراری عهد و پیمان‌ها تلاش (و کوشش مسؤولانه دارد).

۵- رمی جمرات

اگرچه «روز عید قربان» جمره عقبه، یعنی نماد شیطان بزرگ مورد هجوم و سنگباران حاجیان قرار گرفت و منکوب و مغلوب گردید و به حسب ظاهر باید دست از سر انسان‌ها برداشته باشد، اما برای این که شیطان نیمه جان، جان تازه‌ای نگیرد و نیز زائران خانه خدا فراموش نکنند، که در روز عید و شادمانی، در یک نبرد خشم‌آلود و قهرآمیز و باطل‌ستیز، شیطان را از خود رانده و راه آشتی و نفوذ آن را بسته‌اند، روز یازدهم و دوازدهم نیز، از طلوع آفتاب، یک نبرد همه‌گیر و همه‌جانبه‌ای را برای در هم شکستن همه پایگاه‌های شیطان آغاز می کنند.

روز یازدهم ذی‌حجه، سنگباران جمره اول، بعد جمره دوم (وسطی) و سپس جمره سوم «عقبه» و باز روز دوازدهم این عمل نبرد و سنگباران تکرار می شود، تا برای همیشه اردوگاه شیطان و خصلت‌های شیطانی و عوامل شیطانی اغواگر انسان ویران گردد و سر شیطان از راه مستقیم اهل ایمان رفع شود.

این رمی جمرات سه‌گانه در هر روز، که در ۲ روز شش مرتبه می شود و با «رمی جمره عقبه» روز عید، عدد هفت را تکمیل می گرداند، از طرفی

ص: ۲۱۸

تلاش و زحمت زیادی در ازدحام جمعیت می‌طلبد و از طرف دیگر به نیرو و توانایی احتیاج دارد، و شاید بدین جهت است، که در برابر کسانی که می‌خواستند این روز را روزه هم بگیرند، پیامبر صلی الله علیه و آله بُدیل بن وَرْقَاء خُزائی را مأمور کرد، سوار شتر خود شود و جلو چادرهای حاجیان برود و با صدای بلند از جانب آن حضرت اعلام کند: امروز، روزه نگیرید:

إِنَّهَا أَيَّامٌ أَكَلٍ وَشُرْبٍ ... (۱)

امروز، روز خوردن و آشامیدن است، نه روزه گرفتن.

وقتی هم «ذوالنون مصری» علت کراهت روزه گرفتن ایام تشریق را از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند، آن حضرت می‌فرماید:

لِأَنَّ الْقَوْمَ زُورُوا اللَّهَ، وَهُمْ فِي ضِيافَتِهِ، وَلَا يَتَّبِعِي لِلضَّيْفِ أَنْ يَصُومَ عِنْدَ مَنْ زَارَهُ وَأَضَافَهُ. (۲)

امروز، این جمعیت، زائران خدا و میهمان ذات مقدس حق تعالی هستند و برای میهمان شایسته نیست، نزد کسی که به زیارت او رفته و میهمان اوست، روزه بگیرد.

به هر حال، ایام تشریق در «منا» روز رهبانیت، روزه گرفتن و فاصله گرفتن از مردم و جماعت نیست، باید علاوه بر «رمی جمرات» که حرکت جمعی و مردمی است، به منظور مردم‌شناسی و ارتباط جمعی، به میان مردم رفت و در عین توجه به خودشناسی و سیر عرفانی و خودآگاهی و توجه به موقعیت جدید خویشتن، که در پرتو مناسک حج تکامل یافته است، از معاشرت و گفت‌وگو با مردم و ملیت‌های متعدد با رنگ‌های مختلف، غفلت نداشت.

۱-۱. معانی الاخبار، ص ۳۵۰، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۰۸

۲-۲. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۰۸

ص: ۲۱۹

امام علی علیه السلام فرموده: خَالَطُوا النَّاسَ بِالسَّتِيكُم وَأَجْسَادِكُمْ، وَزَايَلُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ. (۱)

با مردم، با زبان و بدن‌های خویش، معاشرت و ارتباط داشته باشید، اما در دل‌ها و اعمال خویش، از آن‌ها کناره‌گیری (تنهایی و سیر انفسی) داشته باشید.

آری، به جمع پیوستن و با مردم بودن، به طور قهری در «منا» برای افراد پیش می‌آید و گاهی در فراغت بال و فرصت مناسب، افراد در چادرها و محل‌های دیگر دور هم جمع می‌شوند و به گفت‌وگو و گاهی هم شوخی‌های نامناسب و زیان‌آور می‌پردازند، اتفاقاً آن طور که روایت بیان کرده، قبل از اسلام هم پس از پایان اعمال «منا» افراد به گفت‌وگوهای بیهوده و تشکیل جلسات غیرسودمند، که حاکی از غفلت و عدم بهره‌گیری سازنده و تعالی معنوی حج بود و یا نتیجه اعمال را به باد می‌داد، می‌پرداختند که قرآن با این رفتار به مبارزه برخاست.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ، فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا.... (۲)

یعنی، آن گاه که مناسک (حج) خود را انجام دادید، ذکر خدا کنید، همانطور که (آباء و اجداد خویش را یاد می‌کنید) بلکه بیشتر از آن هم ذکر خدا داشته باشید... فرموده است: مشرکان و مردم عصر جاهلیت، در ایام تشریق، وقتی با قربانی، اعمال منای خود را به پایان می‌رساندند، انجمن‌ها و جلساتی برقرار می‌کردند، با فخرفروشی سخن از شرافت و

۱-۱. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۹۷.

۲-۲. سوره بقره، آیه ۲۰۰.

ص: ۲۲۰

شخصیت پدران و اجداد خویش به میان می‌آوردند و خداوند به جای آن یادبودهای (پوچ و غفلت آور) به مسلمانان دستور داد، ذکر خدا (و عظمت پروردگار عالم و تکالیف خود را در برابر او) انجام دهند.

بدین ترتیب، هفت عمل از اعمال سیزده گانه حج تمتع، که با شروع احرام در مکه، وقوف در عرفات، وقوف در مشعرالحرام، رمی جمره عقبه در منا، قربانی، حلق یا تقصیر، رمی سه جمره و بیتوته در «منا» ادامه یافته بود، پایان می‌پذیرد، و باید به ارزیابی نتایج و آثار تربیتی و عرفانی و سازنده آنها، روی گفتار و رفتار خویش پردازیم.

۱۲ بازگشت به مکه**اشاره**

ص: ۲۲۱
۱۲ بازگشت به مکه

ص: ۲۲۳

۱۲ بازگشت به مکه

شهرنشینانی که برای توشه برگرفتن، عموماً در شب تاریک سر به صحرا گذاشته بودند، اکنون در روز روشن، راه شهر را پیش می‌گیرند، آنان که از خانه خود وَضِعَ لِلنَّاسِ (۱)

و از کوی دوست، به صحرای دوست رفته بودند، اکنون به «میهمانی خدا»، «وَفَدُّ اللّٰه» (۲) باز می‌گردند.

چهار روز، در عرفان عرفات، با شعور مشعرالحرام، در آرزوهای منا، پیاده‌روی، تلاش و کوشش، آن هم در یک نبرد سرنوشت‌ساز با شیطان در «رمی جمرات»، با پیروزی و سرفرازی بیرون آمدن، در قربانگاه، تمرین قربانی و فدای حق شدن، و با بیتوته و راز و نیاز، به آستان قرب حق شتافتن، و مقام عالی بندگی یافتن و ره توشه فراوان برگرفتن، راستی، این‌ها کم سرمایه‌ای است؟ در کدام بیابان به این همه نعمت می‌توان دست یافت؟!

حال که این همه نعمت و عظمت به کف آمده، برای قدردانی و شکر

۱-۱. سوره آل عمران، آیه ۹۶

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۲۵۵

ص: ۲۲۴

نعمت، به خانه میزبان باید بازگشت و تجدید عهد و وفا نمود و عظمت حق را با معرفت بیشتری ستود.

آیات معلومات (۱)

که طبق بیان امام علی علیه السلام دهه اول ذی‌حجه و آیات مغدوات (۲)

که به بیان آن حضرت «آیات تشریق» یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه تفسیر شده (۳). سپری گردیده و حاجیان تا حد زیادی از اعمال حج فراغت یافته‌اند، ولی «ذکر خدا» ادامه دارد و بخش دیگری از اعمال حج آغاز می‌گردد.

قرآن کریم، در این باره می‌فرماید: **ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ ... (۴)**

بعد از آن باید آلودگی‌ها را از خود برطرف سازند و به نذرهای خویش وفا کنند و برگردند به خانه گرامی (کهن و آزادشده) کعبه و طواف نمایند.

بهداشت تن و روان

درباره پس از «اعمال منا» که بخش عمده اعمال حج به پایان رسیده، این آیه سه موضوع مهم بهداشت تن و روان را، که نتیجه عرفانی و تربیتی اعمال پیشین و استمرار کمال حج است، بیان می‌کند:

۱- سپس باید آلودگی‌ها را برطرف کنند. اما منظور از آلودگی‌ها چیست؟

علاوه بر این که، به طور طبیعی وقتی افراد، به خصوص در یک

۱- ۱. سوره حج، آیه ۲۸

۲- ۲. سوره بقره، آیه ۲۰۳

۳- ۳. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۰۳، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۰۷ و ۳۰۹

۴- ۴. سوره حج، آیه ۲۹

ص: ۲۲۵

ازدحام فوق‌العاده، از بیابان و مسیره‌های آن به شهر باز می‌گردند، باید به «نظافت تن» اقدام کنند، روایاتی در این باره رسیده که منظور از «نَفْتٌ» را، چرک و آلودگی‌های ظاهری، مثل: ناخن، موهای زاید، شارب، چرک‌های زیر ناخن و به هم ریختگی و ژولیدگی، که از ناحیه (لباس موقت و ساده احرام) بر بدن وارد می‌شود، تفسیر کرده‌اند. (۱) که زائران باید برای ورود به حرم، با گرفتن ناخن و زدودن موهای زاید و غسل و تعویض لباس احرام، بدان اقدام کنند.

۲- به نذرهای خود عمل کنند. با توجه به این که برخی نذر می‌کردند، که اگر حج نصیب آنان شود، یا این که اگر بتوانند اعمال حج خویش را (به خصوص در فصل گرما و ازدحام جمعیت در عرفات و مشعر و منا) با موفقیت و به طور کامل و بدون حادثه، به سامان برسانند (۲) اعمالی را مثل صدقه و قربانی انجام دهند، قرآن کریم این مطلب را به عنوان یک تکلیف و رعایت یک تعهد حقوقی و در نهایت عبادی و الهی یادآور می‌شود، تا مبادا مورد غفلت و یا بی‌توجهی قرار گیرد!

۳- طواف «بیت عتیق»، واجب دیگری است، که با توجه به توضیحات بالا، هم بهداشت تن را می‌طلبد و هم به خاطر درک لذت عبادت و تقرب به ذات مقدس پروردگار عالم، بهداشت جان و روان را سامان می‌بخشد.

صاحب تفسیر مجمع‌البیان، با استفاده از بیان امام علی علیه السلام، منظور از این طواف را «طواف زیارت» دانسته (۳) ولی امام صادق و امام رضا علیهما السلام آن

۱-۱. مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۸۱، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۹۳-۴۹۲

۲-۲. مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۸۱

۳-۳. مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۸۱، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۴۴

ص: ۲۲۶

را «طواف نساء» تفسیر کرده‌اند (۱) که می‌توان طوافی را که آیه بیان داشته، آن را اعم از «طواف زیارت» و «طواف نساء» دانست، چنان که این طواف «طواف عمره» را نیز می‌تواند شامل شود. (۲)

موضوع دیگری که در تفسیر این آیه و در ارتباط با این طواف از امام باقر علیه السلام بیان شده، این است که، از طرفی ارتباط حج و امامت را به عنوان یک ارتباط استوار اعتقادی و از طرف دیگر به عنوان عالی‌ترین تبلور «بهداشت روانی» بیان می‌دارد.

ابوعبیده می‌گوید: وقتی امام باقر علیه السلام در مکه و به هنگام طواف مشاهده کرد، افراد طواف ناقص (و بدون روح و عرفان و عقیده) انجام می‌دهند، فرمود: كَفَعَالِ الْجَاهِلِيَّةِ، أَمَا وَاللَّهِ مَا أَمَرُوا بِهَذَا، وَمَا أَمَرُوا إِلَّا أَنْ يَقْضُوا تَفْتَهُمَ وَيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ، فَيَمْرُوا بِنَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نُصْرَتَهُمْ. (۳)

این گونه طواف انجام دادن، کارهایی است مثل کارهای زمان جاهلیت، نه به خدا سوگند، چنین دستوری ندارند (و چنین طوافی کامل نیست) بلکه آن چه دستور دارند این است، که طواف خود را با پاکیزگی (و نظافت) انجام دهند، به نذرهای (صحیح) خود وفا کنند و آن گاه نزد ما آیند و ولایت و اطاعت خویش را خبر دهند و نصرت (و حمایت) خود را به ما عرضه کنند و اعلام دارند. تا پیوند عملی حج و امامت تبلور عینی یابد.

۱-۱. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۸۵، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۹۳

۲-۲. تفسیر کنز العرفان، ج ۱، ص ۲۷۱

۳-۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۲، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۹۱

ص: ۲۲۷

به همین مناسبت نیز از امام باقر علیه السلام به منظور تکمیل حج و تحکیم پیوند این عبادت توحیدی با اصل امامت، به عنوان تبلور عینی عقیده و دیانت، روایت شده، که آن حضرت فرمود: **تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ**. (۱)

تکمیل حج، به آن است، که افراد امام علیه السلام را هم ملاقات کنند و با او ارتباط ولایت و اطاعت برقرار سازند. بنابراین، آن طور که از آیه مورد بحث و روایت مربوطه و تفسیر آن به دست آمد، حاجیان پس بازگشت از «منا» و برای اعمال مکه، به منظور نتیجه‌گیری تربیتی و عرفانی از اعمال گذشته و نیز بهره‌گیری از «اعمال مکه» و تکمیل آن، با گرفتن ناخن و کوتاه کردن شارب و کنار گذاشتن لباس احرام، به نظافت و «بهداشت تن» و با ادای نذرها و ملاقات با امام علیه السلام و زدودن آرایش‌های روحی و تقویت روح تعبد و اطاعت ولایت و معنویت، به عالی‌ترین مرحله «بهداشت روان» دست می‌یابند.

تحوّل اخلاقی

حاجیانی که از «منا» به مکه بازگشته‌اند و آماده انجام اعمال پنج‌گانه مکه به عنوان آخرین بخش از اعمال و مناسک می‌شوند، باید اندکی بیندیشند، اعمال گذشته و پرزحمت خویش را در ذهن مرور کنند و زمزمه عرفانی داشته باشند، که چه اعمالی انجام دادیم و راز و رمز عرفانی و تربیتی آن به عنوان یک «تحوّل اخلاقی» و ارمغان «اعمال منا» چه بود؟ و خلاصه آثار اخلاقی و عملی آن را باید در رفتارهای خویش مشاهده کنیم.

راستی، داستان قربانی چه بود؟ چرا حیوان زبان‌بسته‌ای را کشتیم و

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۵، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۹۲.

ص: ۲۲۸

طبق دستور قرآن، آن را به گرسنگان و تهی‌دستان می‌دهیم. (۱)

این عمل، غیر از این که یک دستور قرآنی و یک تکلیف است، یک راز بسیار مهم اخلاقی و عرفانی و تعالی‌بخش را در بر دارد و باید مورد توجه جدی باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: *وَأَذْبَحْ حَنْجَرَةَ الْهَوَى وَالطَّمَعِ عَنكَ عِنْدَ الذَّبِيحَةِ*. (۲)

آن‌گاه، که قربانی خود را ذبح می‌کنی، باید «حنجره هوای نفس» و خصلت طمع‌کاری (در امور دنیوی) را نیز از وجود خویش قطع کنی و خویشتن را پیراسته از «هوای نفس» و طمع‌کاری و آزمندی، که دو خصلت خطرناک و مهلک است بگردانی. اگر توجه داشته باشیم، با «انجام قربانی در منا» و انجام سایر عبادات، باید به یک «تغییر جهت در زندگی» و به یک «تحول اخلاقی» و یک «بینش عرفانی» دست یافته باشیم، برای استمرار مبارزه با «هوای نفس» تلاش بیشتری به خرج می‌دهیم و لحظه‌ای از این مهم غفلت نخواهیم داشت.

مگر نه این است، که «هوای نفس و پیروی از آن» طبق روایات و به حسب تجربه، چراغ عقل را خاموش می‌کند؟ چشمه دل بیدار را می‌خشکاند؟ نورانیت باطن را به سیاهی تبدیل می‌سازد؟ و بالاخره گاهی هویت و هستی و حیات انسانی را تباہ و ویران می‌گرداند؟ آیا پس از «سربردن قربانی» که امام صادق علیه السلام فرمود: «حلقوم هوای

۱-۱. سوره حج، آیه ۲۸.

۲-۲. مصباح الشریعة، ص ۱۴۲، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳.

ص: ۲۲۹

نفس» را هم باید قطع نمود، نباید به منظور نتیجه‌گیری اخلاقی و عرفانی از اعمال عبادی خود، برای همیشه به یاد داشته باشیم که:

امام علی علیه السلام فرمود: مَنْ أَحَبَّ نَيْلَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فَلْيَغْلِبِ الْهَوَى (۱)

هرکس می‌خواهد به مراحل بلند انسانی دست یابد، باید بر هوای نفس خویش غلبه کند.

مبادا فراموش کنیم، که عبادات و به خصوص حج و مناسک آن، باید این نتیجه سازنده را عاید ما گرداند، که از آن پس، همیشه در کشاکش عقل و دین با هوای نفس، باید پیروز و سرفراز بیرون آییم. و شجاعت و قهرمانی و مردانگی و دین‌داری هم‌در چنین مواردی نمودار می‌شود.

چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. (۲)

شجاع‌ترین و دل‌اورترین افراد کسی است، که بر هوای نفس خویش پیروز گردد.

همچنین، امام‌زین‌العابدین علیه السلام درباره فلسفه «رمی جمرات» به «شِبلِی» فرمود: آیا هنگام «رمی جمرات» تصمیم داشتی دشمن خود «ابلیس را با تمام وجود سنگ‌باران» کنی و به خشم و جدایی از خویشان بکشانی؟ (۳)

۱-۱. فهرست غرر و درر آمدی، ص ۴۲۸.

۲-۲. معانی الاخبار ص ۱۹۵، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۶.

۳-۳. مصباح الشریعة، ص ۱۴۲، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۱، اگر منظور از «شِبلِی» ابوبکر، دُلف بن جحدر، ۲۴۷-۳۳۴ ه. ق زاهد معروف، منسوب به «شِبله» از توابع ماوراءالنهر و وفات در «بغداد» باشد، با توجه به این که «امام زین‌العابدین علیه السلام به سال ۹۵ ه. ق شهید شده، شِبلِی ۱۵۲ سال پس از آن حضرت به دنیا آمده و قهراً می‌بایست حدیث با حذف سلسله روایت نقل شده باشد. رجوع کنید: الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۳۲۴؛ هدیة الاحباب، ص ۱۸۰، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳۰، ص ۲۲۶؛ فرهنگ معین، اعلام، ج ۵، ص ۸۸۶.

ص: ۲۳۰

اگر چنین تصمیمی گرفته باشیم، و اگر بر این باور باشیم و اگر بخواهیم این مبارزه و قهر و جدایی و دوری و کناره‌گیری و پرهیز از شیطان را ادامه دهیم، آثار آن از همان جا و در همان روزها باید در گفتار و رفتار و کردار و حرکات و سکنتات و برخوردهای اخلاقی و اجتماعی ما، نمودار عینی داشته باشد و یک «تغییر رویه» و یک «تحول چشم‌گیر» در خود مشاهده کنیم.

اگر فراموش کنیم، که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا. (۱)

یعنی، برترین اعمال عبادی، سخت‌ترین و پرزحمت‌ترین آنهاست، که آن را در مناسک حج و به خصوص وقوف در عرفات و مشعرالحرام و منا تجربه کرده‌ایم و آن گاه برای رهاشدن از قید و بند احرام، عجله کنیم و اعمال مکه را خسته و خواب‌آلود و با شتاب و سرسری بدون دقت و توجه به اطاعت و عبادت و تقرب و حال و هوای معنوی انجام دهیم، معلوم می‌شود وسوسه و سلطه شیطان هنوز از وجود و درون ما، رخت برنسته و خصلت رحمانی خداجویی و خشوع و تسلیم، حاکم نگردیده است!

آری، گاهی متأسفانه انسان خصلت شیطانی عجله و شتاب را در بعضی از افراد، بدون این که عذر موجهی در کار باشد مشاهده می‌کند و متأثر می‌گردد و افسوس می‌خورد، که مگر فراموش کرده‌ایم، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: الْأَنَاةُ مِنَ اللَّهِ، وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ. (۲)

صبر و حوصله به خرج دادن، از موهبت و خصلت خدایی است و عجله و شتاب (نامعقول) ویژگی و صفت شیطانی است. بنابراین، برای این که بدانیم اعمال گذشته حج در وجود ما چه تأثیری

۱-۱. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱.

۲-۲. المحاسن، ص ۲۱۵، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۴۰.

ص: ۲۳۱

گذاشته، و به منظور این که بتوانیم از اعمال پنج‌گانه مکه و مسجدالحرام، بهره‌برداری بیشتر و لذت بهتری داشته باشیم، لازم است خویشتن را به محاسبه و ارزیابی گذاریم، و احساس کنیم با انجام «قربانی در منا» حلقوم نفس اماره را هم بریده‌ایم؟ و با «رمی جمرات» شیطان را هم از خود رانده‌ایم؟ تا همان طور، که امام صادق علیه السلام فرمود: تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ (۱). یعنی، به اخلاق و خصلت‌های خدایی آراسته شوید. خصلت خدایی پاکی و صداقت، آراستگی ظاهر و باطن، حق‌دوستی، وظیفه‌شناسی، احساس مسؤولیت، نورانیت قلب و تعالی انسانی و معنوی در ما پدیدار شده است؟

اعمال پنج‌گانه

حال که دانایی‌های لازم را کسب کرده‌ایم و تجربه‌های مفید را آموخته‌ایم و ظرفیت‌های مناسب اخلاقی و روانی و عرفانی نورانی را در وجود خویش پدیدار ساخته‌ایم، باید اعمال پنج‌گانه مکه را، مطلوب‌تر، ظریف‌تر، پربارتر، و با دقت و لذت بیشتر به سامان رسانیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی به مسجدالحرام رسیدی توقف کن و بگو: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِي، وَسَيِّئَاتِي وَسَيِّئَاتِي مِنْهُ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ ... (۲)

۱-۱. بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۲۹.

۲-۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۳۰، کافی، ج ۴، ص ۵۱۲، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۴۴۵.

ص: ۲۳۲

خدایا! برای انجام اعمالم، مرا یاری رسان و آن را برای من تسلیم و آسان گردان و مرا نیز از خستگی و لغزش در آن به سلامت بدار، تا با شوق و نشاط آن را به سامان رسانم.

از تو درخواست می‌کنم، همچون تقاضای علیل و دردمندی که به گناه خویش اعتراف می‌کند، این که گناهان مرا ببخشایی و با حاجت برآورده شده بازگشت کنم.

خدایا! من بنده توام و این شهر، شهر توست و این خانه، خانه تو، و من برای طلب رحمت تو و جلب رضایت و خشنودی تو آمده‌ام، تسلیم امر تو هستم، راضی به عدالتت، همچون درمانده‌ای از تو درخواست می‌کنم، مطیع دستور تو هستم، از عذابت به تو پناه آورده‌ام و از مجازات تو، سخت بیمناکم، از تو می‌خواهم، که عفو خود را شامل حال من گردانی و در پرتو رحمت خویش مرا از عذاب دوزخ مصون داری.

آن‌گاه اعمال پنج‌گانه مکه، به عنوان آخرین بخش از «اعمال حج تمتع» بدین ترتیب صورت می‌گیرد:

۱- همانطور که قرآن فرمود: **وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۱)**

باید «بیت عتیق» یعنی کعبه را، «که به خاطر کهن بودن، و اولین خانه‌ای که برای انسان‌ها برپا شده، (۲) یا چون پرارزش و گران‌سنگ است، زیرا همه باید دور آن بگردند، یا چون از مالکیت افراد آزاد است، یا چون از سلطه جباران و ستمگران و متجاوزان، مثل «ابرهه» آزاد و مصون مانده و بدین جهت «عتیق» نامیده شده»، هفت دور طواف نمود.

۱-۱. سوره حج، آیه ۲۹

۲-۲. سوره آل عمران، آیه ۹۶

ص: ۲۳۳

این طواف، که طواف حج یا طواف زیارت نامیده شده، از نظر شرایط، همچون طواف پیشین است، با این تفاوت، که از لحاظ اعمال ظاهری باید «تیت»، «طواف حج تمتع» مد نظر باشد و از لحاظ معنوی، نسبت به طواف قبل لازم است، از معرفت و توجه بهتری برخوردار گردد.

۲ و ۳- پس از طواف، نماز طواف و آن گاه «سعی صفا و مروه» بدان ترتیب و شرایط و خصوصیات، که در «عمره تمتع» صورت گرفت، انجام می‌گیرد و پس از انجام این مناسک سه‌گانه، آن طور که امام صادق علیه السلام فرمود: *فَإِذَا قَضَى مَنْسِكَهُ حَلَّ لَهُ الطَّيِّبُ*. (۱)

از محرمات ۲۴ گانه احرام، که با پایان «اعمال مینا» ۲۱ مورد آن حلال شده بود، اکنون بیست و دومین آن، یعنی استفاده از «بوی خوش» نیز مجاز و حلال می‌گردد.

۴ و ۵- طواف نساء و نماز آن، که دو رکعت است، با همین تیت مانند طواف‌ها و نماز طواف‌های قبلی انجام می‌شود، منتها با حال و هوای معنوی و عرفانی بیشتر، که با پایان این دو عمل هم، کامجویی زن و شوهر از یکدیگر به عنوان بیست و سومین مورد از محرمات احرام حلال و مجاز می‌گردد.

اما، صید و شکار در حرم، که به عنوان بیست و چهارمین عمل ممنوع برای اشخاص محرم حرام بود، چه برای افرادی که محرم شده بودند و چه برای افرادی که در حرم زندگی می‌کنند، همچنان حرام و ممنوع باقی می‌ماند. (۲) ولی «صید» در خارج حرم، از ناحیه غیرمحرم کفاره ندارد. تا

۱- ۱. معانی الاخبار، ص ۳۳۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۱۷

۲- ۲. مناسک حج، امام خمینی، ص ۲۲۳

ص: ۲۳۴

فرمان رَبِّ بَلَدِ امین (۱)

به منظور احترام آن سرزمین و نیز به منظور یک آموزش همیشگی به خصوص برای حاجیان با خدا عهد و پیمان بسته، رعایت گردد و از آن پس توجه داشته باشیم، که حج باید آن چنان ما را ساخته و پرداخته کرده باشد، که دیگر به هیچ وجه در مقام آزار و اذیت دیگران و حتی «حیوانات» هم برنیاییم، انسان‌های صالح و بی‌آزاری باشیم و سخن آموزنده حکیم ابوالقاسم فردوسی را نیز به خاطر داشته باشیم، که سروده است:

میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

۱۳ آموزه‌های حج

اشاره

۱-۱. سوره تین، آیه ۳.

ص: ۲۳۵

۱۳ آموزه‌های حج

ص: ۲۳۷

۱۳ آموزه‌های حج

عقیده آگاهانه و دانایی لازم به «حج» و اسرار و احکام و معارف آن، تأثیرگذاری و بازدهی این عبادت بزرگ را بسیار افزون می‌گرداند، تا از «رنج خویش» گنج بی‌پایانی به دست آوریم.

بدین لحاظ، آگاهی، مطالعه و آمادگی و چشم و گوش بسته وارد عمل نشدن را، می‌توان شرط اساسی موفقیت و بهره‌وری لازم از این عبادت بزرگ سیاسی اجتماعی دانست و برای تحقق آن سرمایه‌گذاری کرد.

اگرچه فصل «آموزه‌های حج» را در اواخر کتاب می‌آوریم، ولی انتظار می‌رود زائران عزیز، کتاب را قبل از سفر، در اثنای سفر و در فرصت‌های مناسب و نیز بعد از سفر، که اماکن و مشاهد را از نزدیک دیده‌اند، با دقت مورد مطالعه قرار دهند و به منظور نتیجه‌گیری از اعمال و زحمات، آن را به کنکاش گذارند.

آری، در موسم حج به عنوان یک موقعیت حساس و یک پایگاه عظیم پیام‌رسانی، و در مواقع دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، از

ص: ۲۳۸

هر فرصت مناسب استفاده می‌کردند و با وجود عدم امکانات لازم، از عالی‌ترین معارف توحیدی و عبادی و سیاسی، تا ظریف‌ترین و دقیق‌ترین مسایل اخلاقی و حقوقی را در سطح وسیع به منظور تحکیم مناسبات اجتماعی، جهت تقویت یک امت رشید و سرفراز و به وجود آوردن یک جامعه عدل و متعالی بیان می‌فرمودند، که عمده‌ترین آن‌ها را به طور خلاصه، بیان می‌کنیم:

اما قبل از آن که وارد این «آموزه‌ها» شویم، توجه به سه نکته ضروری خواهد بود:

الف: ارزش حج

حج، برای مستطیع، یک عمل واجب اجتناب‌ناپذیر است. همه پیامبران و امامان علیهم السلام آن را انجام داده‌اند، هیچ چیز جای آن را نمی‌گیرد و اگر کسی با وجود داشتن شرایط از روی عصیان و عناد، از انجام آن خودداری کند، از حوزه اسلام خارج شده و به وادی نوعی الحاد و کفر فروغلتیده است.

قرآن کریم در این باره فرموده: برای خدا برعهده مردم است، که آهنک خانه (او) کنند، آن‌ها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند) خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است. (۱)

امام صادق علیه السلام فرموده: هر کس بمیرد و حج واجب را انجام نداده باشد و عذر موجهی نداشته باشد، یا بیماری‌ای توان او را نگرفته باشد، یا حکومت مانع حج او نشده باشد، در این صورت، یهودی یا نصرانی از دنیا

۱- ۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

ص: ۲۳۹

رفته است. (۱) نه در حال اسلام.

در حدیث دیگری می‌خوانیم: مردی در «ابطح» به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: من مرد ثروتمندی هستم و در شهر خود کسی را که به کارهایم رسیدگی کند ندارم و گرفتار مشغله کاری می‌باشم، اکنون با پول خود چه عملی را انجام دهم، که پاداش حج را داشته باشم؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انْظُرْ هَذَا الْجَبِيلَ، لَوْ أَنْفَقْتَ مِثْلَ هَذَا ذَهَبًا تَنْصِدَّقَ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، مَا أُذْرِكْتَ أُجْرَ الْحَاجِّ. (۲)

به این کوه «أبی قُبیس» بنگر، اگر به اندازه آن طلا در راه خداوند متعال خرج کنی و انفاق نمایی، پاداش حج را نخواهی داشت. البته معلوم است، کسی که در «ابطح» بوده قهراً حج واجب را انجام داده و این سؤال برای حج‌های بعدی است که مستحب بوده است.

ب: نیت پاک

داشتن نیت خالص و پاک، به این معنا، که انسان عبادتی را صرفاً به منظور اطاعت خدا، ادای تکلیف، تقرب به ذات مقدس خداوند، بدون خودنمایی، چشم و هم‌چشمی، رقابت و متابعت از هوای نفس انجام دهد، آموزه‌ای است، که علاوه بر این که عبادت را پرارزش می‌کند، آن را مقبول در گاه الهی نیز می‌گرداند و اصولاً در سایر مسائل عبادی فراگیر خواهد بود و به عنوان یک ایده مقدس و ساختار درونی، همه مراحل زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۱-۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۳، روضه المتقین، ج ۵، ص ۶۷، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۱۲.

۲-۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴۵، کافی، ج ۴، ص ۲۵۸، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۸۱.

ص: ۲۴۰

در این باره امام صادق علیه السلام فرموده: إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَزِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ، مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَحِجَابٍ كُلِّ حَاجِبٍ، وَفَوِّضْ أُمُورَكَ كُلَّهَا إِلَى خَالِقِكَ ... (۱)

آن گاه که تصمیم به حج گرفتی، قبل از حرکت قلب خود را برای خداوند متعال از هر گونه اشتغال فکری و هر گونه حجاب و مانع بازدارنده (خلوص) پاک و منزّه گردان و همه امور خود را به خالق خویش واگذار کن، و در همه حرکات و سکنتاتی که از تو بروز می کند بر خدا توکل داشته باش، تسلیم قضا و حکمت الهی شو و منافع دنیا و راحتی و خلق را رها کن و از حقوقی که بندگان بر گردن تو دارند (با ادای دین خویش و یا طلب حلالیت از آنان) خود را خارج و آزاد گردان.

موضوع لزوم نیت خالصانه و غیر آن، که حاجیان را به دو گروه تقسیم می کند، مورد توجه امام صادق علیه السلام بوده و اعلام داشته: الْحَجُّ حَجَانٍ: حَجٌّ لِلَّهِ وَحَجٌّ لِلنَّاسِ، فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ، كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

حج، دو گونه است: حجّ برای خدا و حجّ برای (جلب نظر) مردم، پس هر کس برای خدا حج انجام دهد، پاداش او از جانب خدا بهشت است و هر کس برای مردم حج گزارد، روز قیامت باید پاداش خود را از مردم دریافت کند! با توجه به نیت خالصانه و پاداش معنوی دنیایی آن است، که امام صادق علیه السلام فرموده: مَنْ حَجَّ يُرِيدُ بِهِ اللَّهَ، وَلَا يُرِيدُ بِهِ رِبَاءً وَسُمْعَةً، غَفَرَ اللَّهُ

۱-۱. مصباح الشریعة، ص ۱۴۲، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۴، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۲

۲-۲. ثواب الاعمال، ص ۷۴

ص: ۲۴۱

لَهُ الْبَتَّةَ. (۱)

هر کس حج بجا آورد و فقط منظور او اطاعت خدا باشد و نیت ریا و به گوش دیگران رساندن نداشته باشد، البته خداوند مهربان گناهان او را می‌آمرزد.

آری، از این که زائران خانه خدا با تحمّل این همه زحمات و مخارج سنگین «نیت ناخالص» و غیرخدایی داشته باشند، جای بسی تأسف است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان نشانه‌های مردم آخر زمان فرموده: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ نُزْهَةً، وَحَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً، وَحَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً. (۲)

روزگاری بر مردم فرا می‌رسد، که حج پادشاهان و قدرت‌مداران، گردش و تفریح و حج ثروت‌مندان و توان‌مندان تجارت و مال‌اندوزی و حج مساکین، سؤال و رفع حوائج مادی خواهد بود!

بنابراین، خلوص نیت، پاکی قلب و جان از ریا و خودنمایی و مردم‌زدگی و رقابت و چشم و هم‌چشمی و پیروی هوا و هوس نفسانی و آلودگی به سودای امور مادی، شرط مهم معنوی حج، می‌باشد.

ج: مال پاک

اشاره

علاوه بر این که هر مسلمانی باید از تصرف نامشروع در مال و دارایی دیگران و حرام‌خوری خودداری کند، این جهت برای صحیح بودن عبادات مثل نماز و روزه و حج، مورد تأکید بیشتری قرار گرفته تا با رعایت

۱- ۱. ثواب الاعمال، ص ۷۰، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۴۱

۲- ۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۱۲

ص: ۲۴۲

این موضوع مهم، هم عبادت به طور صحیح انجام شود و هم پرهیز از خوردن مال حرام، به طور کلی یک درس همیشگی برای هر مسلمانی در سراسر زندگی و در همه جا قرار گیرد.

مال حرام، ممکن است مال دیگران و به اصطلاح «حَقَّ النَّاسِ» باشد و «حَقَّ النَّاسِ» شامل حق مادی و معنوی نیز می‌گردد، که امام صادق علیه السلام در این باره فرموده: وَإِخْرُجَ مِنْ حُقُوقٍ تَلْزِمُكَ مِنْ جِهَةِ الْمَخْلُوقِينَ ... (۱)

آن گاه، که تصمیم به حج گرفت، از حقوق (و دیون مادی و غیر آن) از مردم، که بر عهده توست، خود را پاک و پیراسته گردان و با نیت پاک و مال حلال حج انجام بده.

امام باقر علیه السلام درباره آثار وضعی سوء مال حرام و صرف آن در راه عبادت و خیر و تعهدات اجتماعی فرموده است: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَصَابَ مَالًا مِنْ حَرَامٍ، لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ حَجٌّ، وَلَا عُمْرَةٌ، وَلَا صَلَةٌ رَحِمٍ، حَتَّىٰ أَنَّهُ يُفْسِدُ فِيهِ الْفَرْجَ. (۲)

کسی اگر به مال حرامی دست یابد و آن را در راه حج و عمره و صله رحم خرج کند، این اعمال او قبول نخواهد شد و حتی اگر کابین ازدواج قرار دهد (موجب فساد نکاح می‌شود) و آن زن نیز بر او حلال نخواهد بود. البته، از لحاظ فتوایی، فقط «مهر» باطل است و ضمان دارد. (۳)

سخن امام موسی بن جعفر علیهما السلام که فرمود: ما خاندانی هستیم، که حج و مهریه زنان و کفن خود را از پاک‌ترین و خالص‌ترین اموال خود قرار

۱-۱. مصباح الشریعة، ص ۱۶، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۲، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۴

۲-۲. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۹۳، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۵ و ج ۱۰۰ ص ۳۵۳

۳-۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۲، فی المهر، مسأله ۲

ص: ۲۴۳

می‌دهیم (۱) مضامین حدیث بالا را تأیید می‌کند.

در مقابل، طبق بیان امام صادق علیه السلام بر اساس سؤالی که حضرت موسی پیامبر علیه السلام از جبرئیل بعد از انجام مراسم حج نمود و جبرئیل جواب آن را از جانب خداوند متعال برای حضرت موسی علیه السلام آورد، خداوند فرموده: مَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتِ بِنَيْتِهِ صَادِقَةً وَنَفَقَهُ طَيِّبَةً، أَجْعَلُهُ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ ... (۲)

هر کس حج این خانه را با نیت صادقانه و خالص و با پول حلال و پاک انجام دهد، او را در ملکوت اعلا قرار می‌دهم (و روز قیامت) او را با پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین، که رفیق‌های خوبی هستند، رفیق و هم‌نشین می‌گردانم. (۳)

پس از توجه جدی به موضوعات سه‌گانه فوق، که هر کدام به نوعی درسی است و نیز زمینه را برای درک لذت و معرفت حج فراهم می‌کند، اکنون عمده پیام‌هایی را، که از حج برای بینش عمیق‌تر و چشم‌انداز وسیع‌تر و تحوّل گسترده‌تر، در سراسر زندگی باید ملاک قرار دهیم، مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- دعای مستجاب

حدود ۴ هزار سال پیش، که ابراهیم علیه السلام همسر خود «هاجر» و فرزند خویش «اسماعیل» را در سرزمین بی‌آب و علف کنار کعبه قرار داد، تا نماز را به پا دارند، از خدا درخواست نمود، دل‌های گروهی از مردم را

۱-۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۰

۲-۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۳، وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۱۰۲

۳-۳. سوره آل عمران، آیه ۶۹

ص: ۲۴۴

متوجه آنان گرداند. (۱) این دعا را خدای «دل‌ها» مستجاب نموده و از آن تاریخ تاکنون، صدها میلیون انسان مؤمن و موحد به آن سرزمین و جایگاه آنان ره سپرده‌اند و به عبادت و نیایش با خداوند و تعظیم و تکریم کعبه و اسماعیل و هاجر پرداخته‌اند. آری، مگه آن روز سرزمین بی آب و علف و خشک بود و امام علی علیه السلام هم وقتی می‌خواهد وضع آب و هوا و شرایط جغرافیایی آن را بیان کند می‌فرماید:

خداوند، خانه محترم خویش را که وسیله قیام و نهضت مردم است، در جایی قرار داده، که سنگ‌های آن از همه جا سخت‌تر است، و در آن از خاک و کلوخ خبری نیست، در درّه تنگ دو کوه انباشته از شن‌ها و رمل قرار دارد، حیوانات چیزی برای خوردن پیدا نمی‌کنند، اَمَا: تَهْوِي إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَفْئِدَةِ. (۲)

عشق دل‌ها و روح انسان‌ها (که میوه دل آن‌هاست) برای آن پَر می‌زند.

باری، برای مگه آن روز، که آب و هوایی نداشت، ابراهیم از خدا می‌خواست، که «دل‌ها» را متوجه آن گرداند، امام علی علیه السلام هم، عشق و هوای دل‌های مؤمنان را برای آن سرزمین مقدّس مطرح می‌کند، و این آموزه بزرگی است، که اگر انگیزه حق باشد و خواسته، بر اساس مکتب توحید و اعتلای انسانیت، هم دعا مستجاب می‌گردد و هم آثار ماندگار آن برای همیشه راه‌نما و راه‌گشا و هدایت‌گر خواهد بود.

۲- امنیت عمومی

۱- ۱. سوره ابراهیم، آیه ۲۷

۲- ۲. نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۱۹۲ قاصعه، ص ۲۹۳، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۴۵

ص: ۲۴۵

ابراهیم علیه السلام از خدا درخواست نمود: رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا (۱)، این دعا در دو جای قرآن آمده در دو جا هم تحت عنوان حَرَمًا آمِنًا (۲)

مطرح شده و در یک مورد هم «مکه» بَلَدُ الْأَمِينِ (۳) معرفی گردیده.

و خداوند هم این خواسته را تحقق بخشید و فرمود: وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا. (۴)

هر کس به مکه و حرم خدا وارد شود، برای او مایه آرامش است و امنیت خواهد داشت.

موضوع آرامش بخشی و درک لذت حضور به مقام «رب بیت» برای همگان روشن و محسوس است، از لحاظ احکام فقهی هم هر کس گناه و جنایتی مرتکب شده باشد، تا مادامی که در آن جا پناه گرفته، از تعرّص و دستگیری مصون است، چنانکه غیر از امنیت انسان‌ها اگرچه مجرم باشند، حیوانات و نباتات آن سرزمین هم مصونیت و حق حیات دارند و کسی حق ندارد، آزادی و حیات آن‌ها را سلب نماید.

درباره حرمت صید و شکار در حرم (۵)، جنگ و درگیری، کندن درختان و گیاهان (۶) کشتن حیوانات و حشرات (۷) که هر کدام عملی حرام و

۱-۱. ابراهیم، ۳۵ و بقره، ۱۲۶

۲-۲. سوره قصص، آیه ۷۱، سوره عنکبوت، آیه ۶۷

۳-۳. سوره یس، آیه ۳

۴-۴. سوره آل عمران، آیه ۹۷

۵-۵. وسائل الشیعه ج ۹، ص ۱۷۵ و ۱۷۹

۶-۶. کافی، ج ۴، ص ۲۳۱

۷-۷. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۱۷۷ و ۱۶۶

ص: ۲۴۶

گناهی بزرگ است، همچنین، خودداری از برداشتن «لقطه حرم» یعنی تصرف مال گم شده افراد (۱)، و نیز «وجوب بازبودن صورت زنان در حال احرام» (۲) و پرهیز مردان از نگاه به آنان، روایات و دستورات فراوانی رسیده است، که همه این‌ها، احترام و امتیّت جان و مال و عرض و آبروی مسلمانان و حتّی، جان و حیات حیوانات و نباتات را محترم و مصون اعلام می‌کند و هر کدام به نوعی درس بزرگی برای هر مسلمانی در سراسر زندگی می‌باشد و هر زائری از آن پس، در همه مراحل زندگی اجتماعی، این درس‌ها را باید معیار اخلاقی و حقوقی رفتار خویش قرار دهد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه، مطلبی بیان داشته، که قابل توجّه است.

بر اساس این روایت، وقتی «عبدالخالق صیقل» تفسیر: وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا را سؤال می‌کند، آن حضرت می‌فرماید: سؤال از چیزی کردی، که تاکنون کسی آن را از من نپرسیده بود، مگر این که خواست خدا باشد، سپس ادامه داد: مَنْ أُمَّ هَذَا الْبَيْتِ، وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ هُوَ الْبَيْتُ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ، وَعَرَفْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَقَّ مَعْرِفَتِنَا، كَانَ آمِنًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۳)

هر کس این خانه را زیارت کند و توجّه داشته باشد، این همان خانه‌ای است، که خداوند متعال دستور زیارت آن را داده است و ما اهل بیت علیهم السلام را که حقّ ماست بشناسد، پیوسته در دنیا و آخرت در آرامش و امتیّت به

۱-۱. مناسک حج امام خمینی قدس سره، ص ۲۵۹

۲-۲. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۱۲۹، تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۴۰۲

۳-۳. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۰۰

ص: ۲۴۷

سر خواهد برد.

۳- عرفان و معناگرایی

اگرچه در روایات می‌خوانیم: يُزُورُ الْبَيْتِ كُلَّ يَوْمٍ إِنْ شَاءَ، وَيَطُوفُ تَطَوُّعًا مَا بَدَأَهُ. (۱)

مؤمن در هر روز، هر چه بخواهد کعبه را زیارت کند، و تا می‌تواند طواف مستحبی انجام دهد. اما به این راز مهم نیز باید توجه داشته باشد، که ذکر و توجه و معرفت به طواف و معنا و مفهوم و حالات معنوی و عرفانی به ذات حق تعالی، اعمال را، در سطح قابل قبول، تأثیرگذار، تعالی بخش قرار خواهد داد، کمیت و هیاهو و تظاهر ریاکارانه و غرور انگیز، کیفیت و قابلیت را تحت الشعاع قرار می‌دهد، و اگر معنا و عرفان حج برای کسی حاصل شود، تأثیر آن در همان روزها، در مناسبات و روابط حقوقی نمایان می‌گردد و نیز چنین عملی مورد توجه الهی خواهد بود.

این که سروصدا و هیاهوهای بی‌محتوا را مورد نکوهش قرار دادیم، باید توجه داشته باشیم، که وقتی امام زین العابدین علیه السلام در عرفات از «زهری» سؤال می‌کند، امسال چقدر افراد به حج آمده‌اند؟ وی پاسخ می‌دهد: چهارصد پانصد هزار نفر می‌شوند، که به منظور اطاعت خدا این جا آمده، اموالی خرج کرده و با صدای بلند خدا را می‌خوانند. امام علیه السلام می‌فرماید: مَا أَكْثَرَ الضَّحِيجِ وَأَقْلَّ الْحَجِيجِ ... (۲)

ضجه و سروصدا خیلی زیاد است، ولی حاجی (واقعی) خیلی اندک است!

آری، توجه به جنبه عرفانی حج و این که متوجه به این معنا باشیم، که

۱- ۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۹، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۸.

۲- ۲. همان.

ص: ۲۴۸

کجا آمده‌ایم؟ چه اشخاص مؤمن پاکبخته و دلداده‌ای به راز و نیاز می‌پردازند؟ و حتی مولایمان حضرت صاحب‌الزمان در مراسم حج حضور دارد و ناظر نیت و اعمال ماست، از صحت و صفای آن خرسند می‌گردد و از انگیزه‌های باطل و اعمال معیوب نگران می‌شود، جنبه دیگر آموزشی و سازنده حج است.

زیرا براساس روایات آن بزرگوار در مراسم حج حضور می‌یابد و «محمد بن عثمان عمروی» که از نایبان چهارگانه خاص آن حضرت است می‌گوید: وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيُخَضِّرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ، يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ، وَيَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. (۱)

به خدا سوگند، صاحب‌الامر همه‌ساله در موسم حج حاضر می‌شود، مردم را می‌بیند و می‌شناسد، و مردم او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.

در بیان دیگری آمده: عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: از محمد بن عثمان عمروی سؤال کردم: آیا حضرت صاحب را دیده‌ای؟ گفت: آری و آخرین باری که آن حضرت را ملاقات کردم، کنار بیت‌الله الحرام حضور داشت و می‌فرمود:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي. (۲)

خدایا! به آن چه به من وعده دادی جامه عمل بپوشان (ظهورم را فراهم گردان).

همچنین وی می‌گوید: حضرت صاحب‌الامر (عج) را دیدم، که در «مستجار» در حالی که پرده کعبه را گرفته بود عرضه می‌داشت:

۱- ۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۰۷، وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۹۶.

۲- ۲. همان.

ص: ۲۴۹

اللَّهُمَّ أَنْتَقِمَ لِي مِنْ أَعْدَائِكَ. (۱)

آموزه درک این حضور آگاهانه بر زائران این است، که وقتی آنان خویشتن را در محضر مولای خویش احساس کنند و توجه داشته باشند آن بزرگوار بر نیات و اعمال و حرکات آنان نظارت دارد، این احساس در آنان موجب مراقبت، مواظبت و معرفت می‌گردد و آثار این معرفت و آگاهی از همان جا از لحاظ تحوّل اخلاقی و رفتاری و بالاخره سازندگی انسانی نمودار می‌گردد و حجّ آنان موجب تأسف حضرت امام باقر علیه السلام قرار نمی‌گیرد، زیرا آن حضرت فرموده است: مَا يُعْبَأُ بِمَنْ يَوْمَ هَذَا الْبَيْتِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ، وَحُسْنُ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ. (۲)

کسی که به زیارت این خانه می‌رود، اگر سه خصلت در او نباشد، مورد توجه الهی واقع نمی‌شود:

- ۱- ورع و پارسایی‌ای که او را از گناه و نافرمانی خدا باز دارد؛
- ۲- حلم و بردباری‌ای، که بتواند بر خشم و غضب خویش مسلط گردد؛
- ۳- و خوش رفتاری با همراهان و هم‌سفران خویش.

۴- مساوات و برادری

کتاب آسمانی ما، قرآن کریم درباره «مسجدالحرام» می‌فرماید:

سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ ... (۳)

آن را برای همه مردم، چه آن‌ها که در

۱- ۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۰۷

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۲۸۵، الخصال، ج ۱، ص ۱۴۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۱

۳- ۳. سوره حج، آیه ۲۵

ص: ۲۵۰

آن جا (مکه) زندگی می‌کنند و چه برای آنان، که از نقاط دوردست وارد می‌شوند، مساوی قرار دادیم (و هیچ کس امتیازی بر دیگری ندارد).

در این مرکز عظیم عبادی، همه در کنار هم قرار می‌گیرند و همه امتیازات و عناوین اعتباری و قومی و نژادی و جغرافیایی لغو می‌گردد تا مؤمنان و موخّیدان همه در برابر ذات مقدس «خدای احد» و حول یک خانه، که قبله همه مسلمانان است، به طواف و عبادت و اطاعت پردازند.

امام علی علیه السلام به «قُثم بن عباس» فرماندار مکه می‌نویسد: به مردم مکه دستور بده تا از کسانی، که در این شهر مسکن می‌کنند اجاره‌خانه نگیرند.

زیرا خداوند سبحان فرموده: *سَوَاءُ الْعَاكِفُ فِيهِ ... عَاكِفٌ*، افراد مقیم هستند و «بادی» کسانی هستند، که از نقاط دیگر جهان برای حج می‌آیند. (۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده است: شایسته نیست که برای خانه‌ها و منازل مکه در نصب کنند، برای اینکه حاجیان بتوانند در منازل و خانه‌ها کنار صاحبان آن‌ها وارد شوند و استراحت کنند تا زمانی که اعمال خویش را به پایان رسانند، نخستین کسی که برای خانه‌های مکه در قرار داد «معاویة بن ابی سفیان» بود! (۲)

به هر حال، زائران خانه خدا، مساوات و برابری و برادری اسلامی را به چشم خود می‌بینند و با وجود خویش لمس می‌کنند و ندای آسمانی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله قرن‌ها پیش در «حجّة الوداع» خطاب به همه حاجیان به عنوان یک منشور اعتقادی و اخلاقی و سازنده اعلام داشت، در گوش جان خویش زمزمه می‌کنند.

۱- ۱. نهج البلاغه دکتر صبحی صالح، نامه ۶۷، ص ۴۵۸

۲- ۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۲۶

ص: ۲۵۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن خطابه طولانی خویش، در حضور هزاران زائر خانه خدا فریاد برداشت: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَبُّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ آبَاءَكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَآدَمٌ مِنْ تُرَابٍ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَقِيكُمْ، وَلَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى ... (۱)

ای مردم! پروردگار شما یکی است، و پدر شما یکی است، همه شما فرزندان آدم علیه السلام هستید و آدم علیه السلام هم از خاک آفریده شده، بزرگوارترین شما در پیشگاه خداوند، پرهیزگارترین شماست، و هیچ عربی بر غیر عربی امتیاز و برتری ندارد، مگر این که از دیگران پرهیزگارتر باشد.

۵- حقوق انسانی

اشاره

درس بسیار مهم دیگر حج، یادگیری عملی رعایت حقوق انسانی به منظور یک تحوّل اعتقادی و رفتاری است، که آن را در چهار محور عمده می‌توان تقسیم نمود و با دقت مورد توجه قرار داد، و به عنوان سلسله وظایف حقوقی در همه ابعاد زندگی به کار گرفت.

این آموزه‌های عمیق انسانی جهان‌شمول، عبارتند از:

الف: حقوق خانوادگی

غیر از این که حاجیان، در مراحل احرام و طواف و سعی و عرفات و مشعر و منا، رعایت این روابط را عملاً مشاهده می‌کنند و به کار می‌گیرند، باید اعلام عمومی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آورند، که به منظور ریشه کن ساختن بی‌بندوباری‌ها و روابط ظالمانه روزگار جاهلیت و جایگزین

ص: ۲۵۲

نمودن وظایف و حقوق اسلامی اعلام فرمود: **أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا ... (۱)** ای مردم! شما بر عهده زنان خود حقی دارید (آنان در مقابل شما وظایفی دارند) و زنان هم بر عهده شما حقی دارند (و شما در برابر آنان مسئول می‌باشید) امّا حقّ شما بر عهده زنان آن است، که اجازه ندهید کسانی را که روا و مجاز نیست، با آنان در ارتباط و رفت‌وآمد باشند، و کسانی را که نمی‌پسندید، جز با اذن شما به خانه‌هایتان وارد شوند، و نیز هرگز گرد فحشاء و آلودگی نروند.

ب: حق اقتصادی

تصرّف مال حرام و خوردن مال دیگران بدون معیار شرعی و موازین عقلانی، موضوع مهم اقتصادی است، که با وجود این که اکنون حجة‌الوداع است و ۲۳ سال از عمر اسلام گذشته و در موارد متعددی پیامبر صلی الله علیه و آله آن را تبیین کرده و مسلمانان هم در مراحل مختلفی آن را رعایت نموده‌اند، باز هم رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان یک آموزه سرنوشت‌ساز اقتصادی، که موازین برادری را نیز تحکیم می‌بخشد و به منظور حفظ اخوت بیشتر می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ (۲) وَلَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالٌ أَخِيهِ إِلَّا مِنْ طَيِّبٍ نَفْسٍ مِنْهُ ... (۳)

ای مردم! همانا اهل ایمان با هم برادرند، و (تصرّف و خوردن) مال

۱-۱. تحف العقول، ص ۳۰

۲-۲. سوره حجرات، آیه ۱۰

۳-۳. تحف العقول، ص ۳۰ و ۲۹

ص: ۲۵۳

برادر مؤمن حلال نیست، مگر با رضایت وی (و بر اساس موازین شرعی).

اکنون دقت کنید، زائرنانی که در حال احرام و در سایر مراحل مناسک حج، نهایت مراقبت را برای پرهیز از «مال حرام» و تجاوز به حق دیگران معمول داشته‌اند، تا حج آنان صحیح صورت گیرد و از تأثیرپذیری ایمانی و عرفانی و سازندگی آن برخوردار باشند، با شنیدن این پیام پیامبر صلی الله علیه و آله به چه تحول اعتقادی و اخلاقی بزرگی دست خواهند یافت، تا پس از آن هرگز گرد مال حرام نگردند و این درس بزرگ و سرنوشت‌سازی در زندگی پاک اجتماعی و به وجود آوردن یک اقتصاد سالم و صالح خواهد بود.

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در این بیان، دو موضوع مهم: حفظ امانت دیگران و بازگرداندن آن را به صاحبش و نیز خودداری از «رباخواری» را که میراث عصر جاهلیت بود، یادآور می‌شود، و رعایت آن‌ها را از وظایف واجب هر مسلمانی اعلام می‌کند.

ج: حقوق اجتماعی

رعایت حقوق اجتماعی که اساس یک جامعه سالم را استوار می‌سازد و مناسبات «روابط اخلاقی و انسانی» را تبلور عینی می‌بخشد، در مراحل مختلف «مناسک حج» مشاهده می‌شود.

رسول گرامی اسلام، در خطابه خویش این‌گونه بیان می‌دارد:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ دِمَائِكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ إِلَيَّ أَنْ تَلْقُوا رَبَّكُمْ كَحَرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا... (۱)

ص: ۲۵۴

ای مردم! به یقین ریختن خون‌ها و آبروهای شما بر یکدیگر حرام است و احترام دارد، همچون احترام این روز و احترام این ماه و رعایت این دو حق بزرگ یعنی حرمت خون‌ریزی و آدم‌کشی و نیز ریختن آبروی مسلمان و لطمه به عرض و حیثیت او، تا زنده هستید، بر شما حرام خواهد بود.

به هر حال، بیان این دو موضوع مهم حیاتی، به عنوان دو درس بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله که در حج اعلام نموده، یعنی خودداری از «ریختن خون» که مایه حیات است و پرهیز از «ریختن آبروی مسلمان» که سرمایه حیات و شخصیت اجتماعی اوست، باید مورد توجه هر مسلمانی باشد، به خصوص خودداری از ریختن عرض و آبروی مسلمان، که آن حضرت در بیان دیگری فرموده است: **إِنَّ أَرْبَى الزَّيْبِ، عَرَضُ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ. (۱)**

یعنی، بدترین نوع بهره‌وری و رباخواری، بهره‌برداری از ریختن آبروی مسلمان می‌باشد.

د: حقوق سیاسی

با توجه به این که زائر خانه خدا، از یک جامعه بسته به یک کنگره عظیم بین‌الملل اسلامی وارد شده، اعمال و رفتار و خصوصیات اقوام و نژادهای مختلفی را از نزدیک مشاهده کرده، که لازمه آن بینش و بصیرت جدید، و در نتیجه تعهد و مسؤلیت بزرگ‌تری را فراروی او قرار می‌دهد تا وابستگی و روابط متعهدانه خویش را با افراد جامعه، تدبیر و تنظیم بخشد، آموزه‌های دیگری را، که رسول گرامی اسلام، در «مسجد حَیَف»

ص: ۲۵۵

و در سرزمین «منا» در حضور جمع زیادی بیان داشته، قابل توجه است.

آن حضرت، در سال «حجّه الوداع» پس از حمد و ستایش الهی و دعا برای کسانی که پیام او را دریافت می‌دارند و به انجام دستورات الهی و احکام توجه می‌کنند، فرموده: ثَلَاثٌ لَا يُغْلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ:

إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَالنِّصَّةَ بِحُجَّةِ الْأَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ، وَاللُّزُومَ لِجَمَاعَتِهِمْ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مُحِيطَةٌ مِنْ وَرَائِهِمْ. الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ، تَتَكَافَأُ دِمَائُهُمْ، يَسْعَى بَدَنَتِهِمْ أَذْنَاهُمْ، وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ. (۱)

سه چیز است، که قلب هیچ فرد مسلمانی نسبت به آن خیانت و تقلب نمی‌کند: اخلاص عمل (بدون ریا) برای خدا، خیرخواهی و نصیحت نسبت به پیشوایان مسلمان، همراه بودن با جماعت مسلمانان (و پرهیز از اختلاف و تفرقه‌افکنی) زیرا دعوت مسلمانان، افراد عقب سر (و غایب) را هم شامل می‌شود (و همه در هدف شریکند) مسلمانان همه برادرند، خون آن‌ها برابر (و یک‌سان) است، اگر کم‌ترین فرد آن‌ها پیمانی بست یا امانی داد، برای وفای به آن کوشش می‌کند (و دیگران نیز آن عهد و پیمان را محترم می‌شمارند) و همه، یک دست (و یک قدرت) در برابر دیگران می‌باشند.

بیا تا شمع هم، پروانه هم، یار هم باشیم در این گلشن بهار هم، گل هم، خار هم باشیم
پریشان خاطران بر گرد هم، از جان و دل گردیم ز شهر آوارگان، در دشت غم، غمخوار هم باشیم

۱-۱. کافی، ج ۱، ص ۴۰۴، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۸ و ج ۲۱، ص ۱۳۸، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۲، خطب.

ص: ۲۵۶

به صحرای صفا، در پرده با هم، راز هم خوانیم به گل زار وفا، همناله و هم زار هم باشیم
 شبان تیره را، روشن کنیم، از مهر یک دیگر در این تاریک محفل، شمع گل رخسار هم باشیم
 ز یک رنگی به هم، آئینه‌وار اوصاف هم گویم به یک تایی دل هم، دیده بیدار هم باشیم
 چو یاران نبی، در صُفّه توحید بنشینیم صفای هم، گل هم، باغ هم، گل زار هم باشیم
 اوئیس و بُوذَر و مِقَداد و عَمّار و حبیب هم کَمیل و زید و حُجر و میثم تَمّار هم باشیم
 رقیب ار آتش افروزد، که ما را آشیان سوزد پناه هم، ز آب دیده خونبار هم باشیم
 در این سختی، طیب درد بی درمان هم گردیم بدین زندان، گروه بی دلان، دلدار هم باشیم
 شب ظلمت، چراغ شادی از صحبت برافروزیم به روز هوشیاری، رهبر افکار هم باشیم
 گر از دام بلا رستیم، هم پرواز هم گردیم و راز تیر فلک خستیم، در طومار هم باشیم
 «الهی» دشمنان دادند، دست دوستی با هم چرا ما دوستان، پیوسته در پیکار هم باشیم؟ (۱)

۱- ۱ الهی قمشه‌ای، محی الدین مهدی ۱۳۱۹-۱۳۹۳ ه. ق.، مشاعره جدید، احمد صادقی اردستانی، بهار ادب، عبدالعلی باقی
 شهرضائی، ص ۲۳۲ چ ۴، ۱۳۴۹ ش. ق.

ص: ۲۵۷

آن چه در بالا گذشت، عمده درس‌های حج بود، که باید برای همه و همیشه و همه جا جاودان بماند، چنانکه پیام‌رسان آن، تاکنون جاودان مانده است و رمز جاودانی آثار و کلام و پیام و مرام و مکتب او این است، که به فرموده قرآن، هر چه می‌گفت و هر عملی انجام می‌داد، خود به آن ایمان و باور داشت:

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ... (۱)

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۲۸۵.

ص: ۲۵۸

۱۴ منافع و آثار حج

اشاره

ص: ۲۵۹

۱۴ منافع و آثار حج

ص: ۲۶۱

۱۴ منافع و آثار حج

خوش است خلوت، اگر یار، یار ما باشد نه من بسوزم و آن، شمع انجمن باشد

روا مدار خدایا! که در حریم وصال رقیب محرم و حرمان، نصیب ما باشد

بیان شوق چه حاجت، که سوز آتش دل توان شناخت ز سوزی، که در سخن باشد (۱)

با انجام «مناسک حج» علاوه بر این که، واجبی تحقق می‌یابد، تکلیف بزرگی ادا می‌شود، بار سنگین مسؤلیتی به منزل می‌رسد و

تقرّب به خداوند حاصل می‌گردد، در پرتو این عبادت بزرگ، آثار و منافع فراوان مادی و معنوی مترتب می‌گردد، که عمده‌ترین،

درخشان‌ترین و با ارزش‌ترین آن‌ها، طبق احادیث، بدین قرار است:

۱- آموزش و گناهسوزی

۱-۱. دیوان حافظ، چاپ حافظ نوین، ص ۱۶۵.

ص: ۲۶۲

عظمت و شرافت مکان، معنویت و قداست زمان، حالات معنوی و عرفانی زائران، که در پرتو اخلاص و انقلاب روحی به آنان دست می‌دهد، چنان امواج رحمت و عنایت خداوندی را به جوش می‌آورد، که آفریدگار جهان هستی، بندگان دلداده خود را مشمول لطف و عنایت قرار می‌دهد و گناهان آنان می‌بخشد.

در این باره، روایات زیادی وارد شده، که از باب نمونه چند مورد آن را مورد دقت قرار می‌دهیم:

۱- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پدرم امام باقر علیه السلام بارها می‌فرمود:

هرکس این خانه را به عنوان حج یا عمره زیارت کند، در حالی که از «کبر» و خودپسندی پیراسته باشد، از گناهان پاک می‌شود، مثل روزی که از مادر متولد شده است. سپس این آیه را قرائت کرد: *وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى ... (۱)*

، هرکس تعجیل کند و ذکر خدا را در روز (۱۱ و ۱۲ ذی‌حجه) انجام دهد، گناهی بر او که تقوا پیشه است، و تأخیر انداخته نیست.

سؤال کردم: منظور از «کبر» چیست؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: *إِنَّ أَعْظَمَ الْكِبْرِ، غَمْضُ الْخَلْقِ وَسَفَهُ الْحَقِّ ...*

بزرگ‌ترین «کبر» و خودپسندی این است، که کسی مردم را خفیف و سبک شمارد و چیز باارزشی به حساب نیاورد و نسبت به حق جاهل و ناآگاه باشد، و نیز همراهان و اعضای خانواده خود را سرزنش کند، هرکس گرفتار چنین کبر و نخوتی باشد، خداوند لباس کرامت و ارزش را

ص: ۲۶۳

از تن او می‌کند! (۱)

- ۲- در بیان دیگری، که رسول خدا صلی الله علیه و آله حاجیان را از لحاظ بهره‌وری حج تقسیم‌بندی می‌کند، درباره یک دسته می‌فرماید: *فَرَجُلٌ غَفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ وَبَسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ، فِي مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ ...* (۲)
- گروهی هستید، که گناهان گذشته آنان آمرزیده می‌شود و برای بقیه عمر خویش باید اعمال خود را شروع کنند.
- ۳- در روایتی هم امام صادق علیه السلام فرموده: خداوند متعال، حاجی، اعضای خانواده، قوم و خویشان و کسانی را، که حاجی در بقیه ذی‌حجه، محرم، صفر و دهه ربیع‌الثانی برای آنان دعا می‌کند، مورد مغفرت و آمرزش قرار می‌دهد.
- ۴- موضوع پاک شدن از گناهان و شست‌وشوی تباهی‌های پرونده اعمال، در پرتو اعمال نورانی حج، که با نیت خالص و دقت لازم برای صحت آن صورت می‌گیرد، به قدری دارای اهمیت و قابل توجه است، که امام علی علیه السلام هم فرموده، حج و عمره خانه خدا، فقر و پریشانی را برطرف می‌کند و گناهان و لغزش را نیز می‌شوید. (۳)
- ۵- هم‌چنین، پیامبر گرامی اسلام، در بیان و تمثیل بسیار زیبا و عمیقی فرموده: *تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ، كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حُبَّ الْحَدِيدِ.* (۴)

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۲۵۳ و ۲۶۲

۲- ۲. همان.

۳- ۳. نهج‌البلاغه دکتر صبحی صالح، خ ۱۱۰، ص ۱۶۳

۴- ۴. کافی، ج ۴، ص ۲۵۵، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۴۴، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۳ و ۵۰، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص

ص: ۲۶۴

حج و عمره را دنبال هم انجام دهید، زیرا آنان فقر و گناهان را از بین می‌برند، همانطور که کوره آهن‌گران، زنگ و آلودگی آهن را آب می‌کند و آن را پاک و خالص و شفاف می‌گرداند.

۲- سلامتی و طول عمر

علاوه بر این که نفس مسافرت با تنوع و تحوّل و تفرّج همراه است و این جهت در به وجود آوردن صحّت و سلامتی نقش مستقیم دارد، سفر حج چون با معنویت و عبادات مختلف و متنوع همراه است، این جهات را افزون می‌گرداند، روی سلامت جسم و جان و در نتیجه طول عمر تأثیر به سزایی دارد و این مطالب در احادیث مختلفی آمده، که ۵ نمونه آن را ذکر می‌کنیم:

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سَافِرُوا تَصِحُّوا، وَجَاهِدُوا تَغْنُمُوا، وَحُجُّوا تَشْتَعِنُوا. (۱)

مسافرت کنید تا صحّت و سلامتی یابید، و جهاد کنید تا غنیمت به دست آورید، و حج به جا آورید، تا غنی و بی‌نیاز گردید.

۲- همچنین آن حضرت فرموده: لَا يُحَالِفَ الْفَقْرُ وَالْحَمِي مُدْمِنُ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ. (۲)

کسی که حج و عمره پیوسته به جا آورد، به فقر و تهی دستی گرفتار و به تب (که عنوان کلی امراض است) گرفتار نخواهد شد.

۳- امام زین‌العابدین علیه السلام فرموده:

۱- ۱. المحاسن للبرقی، ج ۲، ص ۳۴۵

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۲۵۴ و ۲۵۲

ص: ۲۶۵

حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا، تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ، وَتَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ، وَتُكْفُونَ مَوُونَاتِ عِيَالِكُمْ (۱)

حج و عمره به جا آورید، بدن‌های شما سالم می‌شود، روزی‌های شما گسترش می‌یابد، و مخارج زندگی و خانواده شما نیز تأمین می‌گردد.

۴- امام صادق علیه السلام فرموده: مَا مِنْ سَفَرٍ أُبْلَغَ فِي لَحْمٍ وَلَا دَمٍ وَلَا جِلْدٍ وَلَا شَعْرٍ مِنْ سَفَرِ مَكَّةَ، وَمَا أَحَدٌ يُبْلَغُهُ حَتَّى تَنَالَهُ الْمَشَقَّةُ.

(۲)

هیچ سفری مثل سفر مکه، در گوشت و خون و پوست و موی انسان تأثیر (سودمند) نمی‌گذارد، و هیچ کس هم جز با تحمل سختی و مشقت به آن مکان (و تأثیر مفید) دست نمی‌یابد.

۵- همچنین، امام صادق علیه السلام فرموده: مَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ، وَهُوَ يَنْوِي مِنْ قَابِلٍ، زَيْدٌ فِي عُمُرِهِ. (۳)

هر کس از مکه برگردد و تصمیم داشته باشد سال بعد هم به مکه برود، به عمر او افزوده می‌گردد.

۳- به میهمانی خدا

این که انسان پس از سال‌ها انتظار، قدم به سرزمین وحی گذارد، جایی که در آن طی ۲۳ سال آیات قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، هر نقطه آن یادآور فریاد توحید و جهاد و فداکاری و عبادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام و اولیای الهی بوده، توفیق بسیار بزرگی است و لیاقت و ظرفیتی در انسان یافت شده، که خداوند مهربان او را بدین سفره نعمت پربرکت

۱- ۱. کافی، ج ۴، ص ۲۵۴ و ۲۵۲

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۲۶۲

۳- ۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۱

ص: ۲۶۶

فراخوانده است. از طرفی او دعوت ابراهیم علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را عملاً پاسخ داده و به واقع دعوت کننده او خداوند متعال است و از طرف دیگر او میهمان خداوند محسوب می گردد، و این میهمان نسبت به میزبان باید ادب میهمانی و شرایط آن را در محضر ذات ربوبی، که آفریدگار جهان هستی است، با همه وجود به جای آورد و از آن، حداکثر بهره‌برداری را بنماید.

درباره موضوع میهمانی خدا به عنوان یک نتیجه حج، امام صادق علیه السلام فرموده است: الْحَاجُّ وَالْمُعْتِمِرُ وَقَدْ أَلَّ اللَّهُ إِنَّ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ، وَإِنْ دَعَوُوهُ أَجَابَهُمْ، وَإِنْ شَفَعُوا شَفَعُوهُمْ، وَإِنْ سَكَّتُوا ابْتَدَأَهُمْ، وَيَعْوِضُونَ بِالذَّرِّهِمْ أَلْفَ دِرْهَمٍ. (۱)

حج و عمره کنندگان، میهمانان خداوند هستند، اگر درخواستی کنند خدا به آنان عطا می کند، و اگر خدا را بخوانند، خدا دعای آنان را مستجاب می کند، و اگر شفاعت کنند خداوند شفاعت آنان را می پذیرد، و اگر ساکت بمانند، خداوند درباره تأمین حوائج آنان، خود آغاز می کند و در مقابل خرج کردن یک درهم در راه حج، هزار درهم پاداش داده می شوند.

امام علی علیه السلام درباره قدر و منزلت این میهمان در پیشگاه خداوند فرموده: الْحَاجُّ وَالْمُعْتِمِرُ وَقَدْ أَلَّ اللَّهُ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَقْدَهُ وَيَحْبُوهُ بِالْمَغْفِرَةِ. (۲)

حج کننده و عمره گزار میهمانان وارد بر خدا هستند و بر خداست، که

۱-۱. کافی، ج ۴ ص ۲۵۵، وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۶۸

۲-۲. الخصال، ج ۲، ص ۶۳۵، تحف العقول، ص ۷۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۸

ص: ۲۶۷

میهمانان وارد بر خود را اکرام نموده و مشمول رحمت و آمرزش خویش قرار دهد.

از امام علی علیه السلام نقل شده که شبی شاهد زیارت یک عرب بیابانی بوده که دامن کعبه را به دست گرفته و چنین عرض حال می کرد:

يا صاحبَ الْبَيْتِ! أَلْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالضَّيْفُ ضَيْفُكَ، وَلِكُلِّ ضَيْفٍ مَنْ ضَيَّفَهُ قَرِيٌّ، فَاجْعَلْ قَرَايَ مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْمَغْفِرَةَ. (۱)

ای صاحب خانه! خانه بیتیست توست و میهمان هم میهمان توست، و برای هر میهمانی هم از سوی میزبانی که میهمانی می کند میهمان نوازی ای خواهد بود، خدایا! میهمان نوازی مرا در این شب، آمرزش و مغفرت خود قرار بده ...

۴- در پناه و ضمان خداوند

زائری که دل از علایق مادی دنیا کنده و برای ادای تکلیف و شوق دیدار کعبه با تحمل رنج و سختی زیاد، به وادی عشق حق شتافته و میهمان پروردگار عالم است، طبق روایات متعدد، به عنوان یک بخش از پاداش، در پناه و کفالت و ضمانت جانی و مالی و عملی خداوند قرار می گیرد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: الْحَاجُّ حُمْلَانِيهِ وَضَمَانِيهِ عَلَى اللَّهِ، فَإِذَا دَخَلَ مَسْجِدَ الْحَرَامِ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَئِينَ يَحْفَظَانِ طَوَافِهِ وَسَعْيِهِ ... (۲)

ضمانت و حفاظت حاجی و اثاث او برعهده خداست و آن گاه که وارد مسجدالحرام می شود، خداوند دو فرشته را مأمور حفاظت طواف و

۱- ۱. امالی صدوق، ص ۴۲۲، الحج فی الكتاب والسنة، ص ۲۵۰

۲- ۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۵، المحاسن، ص ۶۳، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۸

ص: ۲۶۸

سعی او می‌گرداند، و آن گاه که غروب روز عرفه می‌رسد، آنان به شانه راست او می‌زنند و می‌گویند: ای زائر خانه خدا! تاکنون ما از تو محافظت کردیم، برای اعمال آینده‌ات، خود مراقب باش!

همچنین درباره حفاظت از جان زائر خانه خدا، امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ ضَيْفَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجُلَّ رَجُلٌ حَجَّ وَاعْتَمَرَ، فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ. (۱)

کسی که حج و عمره انجام دهد، به راستی میهمان خداوند خواهد بود، و او میهمان خداست تا این که به خانه خود برگردد.

ابوبصیر نیز روایت می‌کند، امام صادق علیه السلام فرمود: ضَيْمَانُ الْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِ عَلَى اللَّهِ، إِنَّ أَبْقَاءَهُ بَلَّغَهُ إِلَى أَهْلِهِ، وَإِنْ أَمَاتَهُ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ. (۲)

ضمانت حج‌کننده و عمره‌گزار برعهده خداست، اگر او را باقی بدارد، به خانواده‌اش برمی‌گرداند، و اگر او را بمیراند، داخل بهشت می‌نماید.

۵- مصونیت مال و بستگان

وابستگی به خدا و رهاکردن اموال و زندگی به خاطر عشق به حق، که مالک و حافظ همه چیز است، طبق روایات، برای زائر این نتیجه و پیامد را نیز خواهد داشت، که در عین حالی که او از خانواده و فرزندان و محیط زندگی و اموال دور است و به حسب ظاهر، آنان مراقب و نگهبانی ندارند، خداوند حافظ آنها خواهد بود.

۱- ۱. الخصال، ص ۱۲۷، الحج فی الكتاب والسنة، ص ۲۹۰.

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۲۵۳.

ص: ۲۶۹

امام صادق علیه السلام فرموده است: إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا خَرَجَ إِلَى هَذَا الْوَجْهِ، يَحْفَظُ اللَّهُ عَلَيْهِ نَفْسَهُ وَمَالَهُ ... (۱) مسلمان وقتی از خانه خویش به طرف حج بیرون می‌رود، خداوند جان و مال او را محافظت می‌کند.

در بیان بسیار دقیق دیگری، که از امام صادق علیه السلام وارد شده، با تعبیر:

فَيَحْفَظُونَ فِي أَهْلِيهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ. (۲)

غیر از اموال و دارایی، اعضای خانواده حاجی هم، مورد حفاظت و مصونیت از جانب خدا می‌باشند.

۶- افزایش مال و ثروت

همانطور که به تجربه نیز ثابت شده، زیارت خانه خدا و تصمیم به صرف مال و دارایی حلال در این راه، موجب افزایش مال و ثروت می‌گردد. شاید یک جهت آن، غیر از جنبه معنوی و توجه الهی، این جهت باشد، که زائر خانه خدا قبل از سفر، با پاک و طاهر نمودن نیت و دارایی خویش، زمینه را برای سلامت و قبولی حج خویش فراهم می‌آورد.

اسحاق بن عمّار که از یاران ممتاز امام صادق علیه السلام است، به آن حضرت عرض می‌کند: من تصمیم دارم، هر ساله به حج مشرف شوم یا این که مخارج یکی از اعضای خانواده‌ام را برای حج تأمین کنم، امام صادق علیه السلام پس از آن که سؤال کرد: آیا راستی چنین نیتی داری؟ اسحاق بن عمّار

۱- ۱. المحاسن، ص ۶۴، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۸

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۴۶/۲۶۴، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۷

ص: ۲۷۰

جواب داد: آری، فرمود:

إِنْ فَعَلْتَ فَأَبْشِرْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ. (۱)

اگر چنین نیتی داشته باشی و چنین عملی را انجام دهی، مژده می‌دهم، که دارای مال و ثروت فراوانی خواهی شد.

۷- اصلاح ایمان

مسلمانی که سال‌ها از عمر خویش را گذرانده، نماز و روزه انجام داده، خمس و زکات پرداخت نموده، اکنون که قدم به سوی خانه خدا می‌گذارد تا حج انجام دهد، به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله، به درجه و مرحله بالاتری از ایمان صعود می‌کند.

(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم امام باقر علیه السلام بارها می‌فرمود: الْحَجُّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ ... (۳)

حج، از نماز و روزه برتر است، زیرا نماز گزار در وقت کمی «به مقدار اقامه نماز» از زندگی خویش و متعلقات آن جدا و مشغول است، و روزه‌دار از سپیده صبح تا غروب آفتاب اشتغال دارد، اما زائر خانه خدا، بدن خود را به رنج می‌اندازد، روح خود را مشغول می‌کند، مال خویش را خرج می‌نماید و در فاصله طولانی از زن و فرزندان و زندگی جدا می‌شود و توقع و انتظار تجارت و به دست آوردن مال و ثروتی هم ندارد.

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۲۵۳/۵، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۴۰/۵۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۰۵/۱۰۷.

۲-۲. کافی، ج ۴، ص ۲۶۲/۳۷.

۳-۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۴۳/۷۶، علل الشرایع، ص ۴۵۶، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۹/۶۷.

ص: ۲۷۱

بنابراین، با انجام حج، که گام نهادن در مرحله بالاتری نسبت به سایر اعمال است، انسان مؤمن اگر نارسایی‌هایی هم داشته مرتفع می‌گردد و بیان امام زین‌العابدین علیه السلام تحقق عینی بهتری پیدا می‌کند. آن حضرت، وقتی می‌فرماید: حج و عمره انجام دهید، به دنبال بیان آثار و منافع این اعمال با عظمت، ادامه می‌دهد: يُصْلِحُ إِيمَانَكُمْ، وَتُكْفُوا مَوْنَةَ النَّاسِ، وَمَوْنَةَ عِيَالِكُمْ. (۱) ایمان شما اصلاح می‌شود، و هزینه‌های زندگی مردم و هزینه‌های زندگی خانواده شما (از این ناحیه) تأمین می‌گردد.

۸- خیر دنیا و آخرت

تحوّلی که حج، در پرتو ایمان و معرفت در زندگی انسان به وجود می‌آورد، و او را از گناهان و آلودگی‌ها و کج‌روی و انحرافات و تباهی‌ها و خصلت‌های زشت اخلاقی و ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران باز می‌دارد، زمینه رشد و تکامل بخشی است، که انسان را در قله بلندی از دیانت و درستی و صداقت و پاکی و فضیلت قرار می‌دهد و در پرتو چنین رشد و تکاملی، می‌توان به خیر مادی و معنوی دنیا و آخرت دست یافت و آثار آن را در خدمت‌رسانی به خانواده و سایر حوزه‌های اجتماعی گسترش داد. بدین جهت، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ، فَلْيُؤَمِّمْ هَذَا الْبَيْتَ. (۲)

۱- ۱. ثواب الاعمال، ص ۴۲، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۰۶/۲۵

۲- ۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۴/۱۴۱

ص: ۲۷۲

هرکس تصمیم دارد به خیر دنیا و آخرت دست یابد، حتماً خانه کعبه را زیارت کند.

۹- برطرف شدن فقر و جلوگیری از مرگ بد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حُجُّوا تَسْتَعْنُوا، (۱)

حج به جای آورید تا بی نیاز شوید، و امام زین العابدین علیه السلام فرمود: تَسْعُ أَرْزَاقَكُمْ، (۲)

یعنی حج و عمره موجب وسعت و فراوانی روزی شما می گردد، و موضوع خیر و برکت در زندگی، به عنوان یک اثر عینی حج روشن می گردد.

برای این که، بدانیم فقر و پریشانی در زندگی چه فاجعه دردناکی است، سخن امام صادق علیه السلام را مورد توجه قرار می دهیم

که فرموده: الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَخْمَرِ. (۳)

فقر و پریشانی، مرگ سرخ و خونین است.

همچنین، باید بدانیم، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: الْصَّدَقَةُ تَمْنَعُ مِيتَةَ السُّوءِ. (۴)

یعنی، صدقه دادن، از مرگ بد جلوگیری می کند.

مرگ بد یا «موت سوء» یعنی مرگی که به طور طبیعی نباشد، بلکه با وضع ذلت بار و غیرطبیعی و دلخراش واقع شود، یک حادثه نگران کننده و

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۶۷

۲- ۲. همان.

۳- ۳. کافی، ج ۲، ص ۲/۲۶۶

۴- ۴. ثواب الاعمال، ص ۱۶۹، بحارالانوار.

ص: ۲۷۳

گاهی یک کیفر است، که برای پیش‌گیری از آن، باید به خدا پناه برد و صدقه داد. همانطور که در روایات آمده، عمل صادقانه و خالصانه و مفید به حال جامعه هم نوعی صدقه است، که انجام آن یک توفیق الهی است.

امام صادق علیه السلام نیز درباره یک اثر و نتیجه حج و عمره مکرر فرموده است: يُدْفَعَنَّ عَيْلَةَ الْفَقْرِ وَمَيْتَةَ الشُّوْءِ. (۱)

یعنی، حج و عمره مکرر، و پی‌درپی که با کوشش و تلاش انجام شود، از گرفتار شدن به فقر و پریشانی و مبتلا شدن به «موت سوء» و مرگ بد و دلخراش جلوگیری می‌کند.

۱۰- نورانیت حج

نورانیت حج را، که از «نور آسمان‌ها و زمین» (۲) نشأت می‌گیرد و در بستر نور کعبه و طواف و سعی و عرفات و مشعر و منا و مناجات پرورش می‌یابد، باید پرارزش‌ترین، زیباترین و ماندگارترین ارمغان و میراث حج دانست. برای تحصیل این نورانیت، باید مطالعه کرد، تلاش نمود و زحمت کشید و از آن مهم‌تر، برای حفظ و استمرار آن، مراقبت جدی نمود.

درباره اصل نورانیت به وجود آمده در پرتو حج، امام صادق علیه السلام فرموده است: الْحَاجُّ لَا يَزَالُ عَلَيْهِ نُورُ الْحَجِّ، مَا لَمْ يُلَمَّ بِذَنْبٍ. (۳)

حج‌کننده، پیوسته دارای نور حج خواهد بود، تا خود را به گناهان کوچک هم، آلوده نکرده است.

باری، این نورانیت بر اثر حج و اعمال نورانی آن، در درون و زبان و حرکات و سکناات زائر خانه خدا نمودار است، در برخوردها و روابط

۱-۱. کافی، ج ۴، ص ۳۶/۲۶۱

۲-۲. سوره نور، آیه ۳۵

۳-۳. کافی، ج ۴، ص ۱۱/۲۵۵، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۹/۱۴۵، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴/۶۸، بح

ص: ۲۷۴

اخلاقی و اجتماعی و حقوقی با همراهان و همسفران مشاهده می‌شود و غنیمت و سرمایه بسیار ارزش مندی است، که پس از بازگشت از سفر، دیگران نیز باید اثر عینی آن را در همه روابط و مناسبات حاجی مشاهده کنند و تحت تأثیر آن نیز واقع گردند. باری، این نورانیت حج را می‌توان عالی‌ترین ارمغان انسانی حج دانست و عنایت فوق‌العاده خداوندی را که حتی پس از بازگشت نیز حاجی را مشمول خود قرار داده است، به فراموشی نسپرد و آن را حفظ نمود و استمرار فزاینده بخشید. حسین بن خالد، می‌گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: چرا خداوند متعال برای حاجی تا مدت چهار ماه گناه او را نمی‌نویسد؟ فرمود: خداوند آمدن مشرکان را در حرم مدت چهار ماه مباح شمرد، آن جا که می‌فرماید:

در زمین چهار ماه سیاحت کنید (۱)، و آنان را معاف داشت، بدین جهت درباره میهمانان خویش کوتاهی نخواهد کرد. (۲) و آنان را از مجازات چهار ماه معاف می‌دارد.

گر تو سنگ خاره و مَرَمَر بُوی چون به صاحب‌دل رسی، گوهر شوی
 مهر پاکان، در میان جان‌نشان دل‌مده‌الّا به مهر دل‌خوشان
 کوی نومیدی مرو، امیدهاست سوی تاریکی مشو، خورشیدهاست

۱-۱ سوره توبه، آیه ۲.

۲-۲ کافی، ج ۴، ص ۱۰/۲۵۵، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۹.

ص: ۲۷۵

دل تو را، در کوی اهل دل کشد تن تو را، در حبس آب و گل کشد
 هین غذای دل طلب، از هم دلی رو بجوی اقبال را، از مُقبلِی
 دست زن، در ذیل صاحب دولتی تا ز افضالش بیابی رفعتی
 صحبت صالح، تو را صالح کند صحبت طالح، تو را طالح کند (۱)

۱۱- نشانه قبولی حج

نورانی‌تر را، که به عنوان یک ارمغان و یک نتیجه فوق‌العاده ارزش‌مند برای حج مطرح کردیم، می‌تواند در سراسر زندگی و در مراحل مختلف خوشی‌ها و سختی‌ها، امتحان‌ها و تضاد منافع‌ها، تمایلات نفسانی و خودمحوری‌ها، چنان زوایای فکر و روح انسان را روشن گرداند، تا از تاریکی‌هایی که موجب گم کردن راه و افتادن در چاله‌ها و سنگلاخ‌های تباهی و فساد می‌شود، حفظ گرداند و زائر خانه خدا صلاح و سداد و راه درستی را که در کنار کعبه از خدا خواسته است، فراروی او قرار دهد و اثر عینی حج را در همه روابط و اعمال فردی و اجتماعی او نمودار سازد.

بدین جهت، رسول گرامی اسلام فرموده است: آيَةُ قَبُولِ الْحَجِّ، تَزُكُّ مَا كَانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيمًا مِنَ الذُّنُوبِ. (۲)

۱- ۱ مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۲۹

۲- ۲ الجعفریات، ص ۱۱۵، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۱۶-۱۱۵

ص: ۲۷۶

نشانی قبولی حج (در پیشگاه پروردگار عالم) این است، که بنده گناहانی را که مرتکب می‌شد ترک کند. در بیان دیگری، که امام علی علیه السلام آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده می‌خوانیم: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: از جمله نشانه‌های قبولی حج این است، که انسان گناهانی را که قبل از حج مرتکب می‌شد کنار بگذارد و اگر از حج برگردد و همچنان به گناهانی که آلوده بود مبتلا گردد، حج او به خودش برمی‌گردد. (۱) و مقبول درگاه الهی قرار نمی‌گیرد. بنابراین، آثار و منافع حج را، که با زحمات زیادی به دست آمده و عمده آن عبارت بود از: آمرزش گناهان و پیراسته شدن از معصیت، سلامتی و طول عمر، مقام میهمانی خدا، مصونیت خویشتن و بستگان، افزایش مال و ثروت، اصلاح ایمان، خیر دنیا و آخرت، پیش‌گیری از فقر و مرگ بد و به خصوص نورانیت این عبادت بزرگ را، که نتایج آن در قبولی حج نیز نمایان می‌گردد، باید با مراقبت و تلاش فراوان حفظ نمود، و اگر این صدها هزار نفری، که هر سال به حج مشرف می‌شوند، به چنین دست‌آوردهای بزرگی دست یابند، تحوّل فرهنگی، اقتصادی و انسانی عظیمی در جوامع اسلامی به وجود خواهد آمد.

۱۵ فلسفه حج

اشاره

۱-۱ الجعفریات، ص ۱۱۵، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۱۶-۱۱۵.

ص: ۲۷۷
۱۵ فلسفه حج

ص: ۲۷۹

۱۵ فلسفه حج

«تا کی دور این خرمن می چرخید؟! و به این سنگ پناه می برید؟! و این بنای سنگی را برای ثواب می پرستید؟!» این‌ها، سخنان جسورانه و ناآگاهانه عبدالکریم بن عوجاء (۱) شاگرد «حسن بصری» بود، که در باطن به کفر و الحاد گراییده بود، ولی به حسب ظاهر به دین‌داری تظاهر می‌کرد، به مکه آمده بود! و با بی‌ادبی با حضرت امام صادق علیه السلام به بحث و گفت‌وگوهای مغرورانه پرداخت و از آن حضرت جواب دندان‌شکن دریافت نمود. (۲)

برای این که، این گونه ایرادها را با کمک از بیانات امام صادق علیه السلام و با سایر دلیل‌های قرآنی و حدیثی پاسخ داده باشیم و خود نیز اسرار و احکام و آثار مادی و معنوی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی کنگره عظیم حج را بیشتر مورد توجه قرار دهیم، به طور خلاصه، عمده

۱- ۱. هدیه الاحباب، محدث قمی، ص ۵۵

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۱۹۸ / ۱، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۲ / ۳۲

ص: ۲۸۰

محورهای، که می‌توان تحت عنوان «فلسفه حج» بررسی نمود، بدین شرح بیان می‌کنیم:

۱- آزمایش الهی

تحویل سختی‌ها، صرف مال، پیمودن راه‌های طولانی برای شرکت در یک مراسم عظیم طاقت‌فرسا، اما لذت‌بخش، غیر از اطاعت خدا و ادای یک تکلیف واجب، یک آزمایش بزرگ الهی و به نمایش گذاشتن روح اطاعت و عبادت، به منظور اوج دلدادگی و شیفتگی بندگی و توجه انسان‌ها به عظمت چنین آئینی نیز محسوب می‌شود.

امام علی علیه السلام درباره این آزمایش فرموده است: **أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ، اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْآخِرِينَ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تَسْمَعُ وَلَا تُبْصِرُ، فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ. (۱)**

آیا نمی‌بینید، خداوند سبحان آزمایش کرده، اولی‌ها از زمان آدم علیه السلام تا آخرین افراد در این عالم را به سنگ‌هایی، که نه ضرر می‌زنند و نه نفعی می‌رسانند و نه می‌شنوند و نه می‌بینند، و آن را خانه محترم خویش قرار داده است؟

سپس ادامه می‌دهد: **وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ، وَيَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ، وَيَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ، إِخْرَاجًا لِلتَّكْبِيرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ، وَإِسْكَانًا لِلتَّذَلُّلِ فِي نُفُوسِهِمْ ... (۲)**

ولیکن خداوند بندگان خود را به انواع سختی‌ها امتحان می‌کند و به انواع کوشش به عبادت و می‌دارد و به اقسام اعمالی که خوشایند او

۱- ۱ نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۱۹۲، ص ۲۹۲ و ۲۹۴

۲- ۲ نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۱۹۲، ص ۲۹۲ و ۲۹۴

ص: ۲۸۱

نیست، او را آزمایش می‌نماید، تا بدین وسیله تکبر و خودبزرگ‌بینی را از دل‌های آنان بیرون برد و در جان و روان آن‌ها، آرامش و تسلیم برقرار سازد و درهای فضل و رحمت خویش بر آنان بازگشاید و اسباب عفو و بخشایش را برای آنان هموار گرداند. در بیان دیگری آن حضرت، فلسفه حج را، نشانه تواضع و کوچکی بندگان در برابر عظمت خداوند، و اعتراف به عزت و قدرت پروردگار عالم می‌داند، و بالاخره حج را، علم و علامت اسلام (که موجب برافراشته شدن شکوه) است، معرفی نموده است. (۱)

(۲) تا زائران در موقع رفتن به حج، دقت در صحت انجام آن و آداب و اسرار آن، پیوسته این «ملاک آسمانی» را مورد توجه داشته، لحظه‌ای از آن غافل نشوند و هم مخالفان و خورده‌گیران، در برابر چنین موازین متقن و محکمی سر تسلیم و خضوع فرود آورند و همگان از این عبادت بزرگ، درس آگاهی‌بخشی و سازندگی فکری و فرهنگی و علمی دریافت دارند و مورد آزمایش قرار گیرند.

۲- شناخت عمومی

شناخت عمومی را به عنوان فلسفه عمیق دیگر حج، باید بدین ترتیب مورد توجه قرار دهیم، که با مشاهده موج انسان‌های مختلف که با رنگ‌ها

۱- ۱. نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۱، ص ۴۵

۲- ۲. کافی، ج ۴، ص ۱۹۸/۱، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۲، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱/۲۹

ص: ۲۸۲

و لهجه‌ها و زبان‌های متفاوت در یک نقطه مقدّس و معین گرد آمده‌اند، طبق بیان قرآن، همه به یک ریشه و به یک پدر و مادر بر می‌گردند و خداوند فرموده: **خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ (۱)**.

در اشعار منسوب به امام علی علیه السلام هم می‌خوانیم:

النَّاسُ مِنْ جَهَّةِ التَّمْثَالِ أَكْفَاءُ أَبْوَهُمْ آدَمُ، وَالْأُمَّ حَوَاءُ

وَإِنَّمَا امَّهَاتُ النَّاسِ أَوْعِيَةٌ مُسْتَوْدَعَاتٌ، وَلِلْأَحْسَابِ آبَاءُ (۲)

مردم، از نظر هیکل، مثل یکدیگر می‌باشند، پدر آنان آدم علیه السلام و مادر آن‌ها حوّا است؛

مادران، ظرف‌های نگه‌داری کودکان هستند و پدران هم برای اعتبار فرزندان می‌باشند.

بنابراین، همه افرادی که در حج مشاهده می‌کنیم و نیز افراد دیگری، که آن‌جا حضور ندارند، فرزندان آدم و حوّا هستند و در نتیجه آنانی را که پیوند توحید و ایمان بدانجا کشانده، خواهران و برادران ما می‌باشند.

این شناخت عمومی را، که به عنوان یک فلسفه مهم فرهنگی حج مطرح می‌کنیم، آن را در ۳ مرحله باید مورد توجه قرار دهیم:

۱- اکنون همه کسانی که در کنار کعبه، در طواف، نماز، عرفات، مشعر و منا کنار ما قرار گرفته‌اند، برادران و خواهران ما می‌باشند، لازم است در همه موارد و به خصوص در موقع ازدحام جمعیت حق و حدّ آنان را مراعات کنیم، و مراقب باشیم، که از سوی ما، بر ضیوف رحمان و میهمانان خداوند، هیچ‌گونه تعدّی و اجحاف و ظلمی وارد نیاید، بلکه

۱- ۱ سوره نساء، آیه ۱.

۲- ۲ دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۲۴.

ص: ۲۸۳

پیوند اخوت و برادری بین ما تحکیم و جلوه زیباتری یابد.

آری، تفاوت رنگ و قیافه و شکل و زبان، هرگز نباید موجب تبعیض و امتیاز گردد و بر اساس همان ریشه آفرینش، روابط و مناسبات انسانی، رنگ و پیوند بیشتری گیرد.

خداوند فرموده: ای مردم! شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما در پیشگاه خداوند، باتقواترین شماست. (۱)

بنابراین، شناخت این تکلیف اخلاقی و فرهنگی، یک بخش مهم شناخت عمومی حج است، به خصوص که امام صادق علیه السلام به ما فرموده است: كُونُوا لَنَا زَيْنًا، وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا، وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَكُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَقُبْحِ الْقَوْلِ. (۲)

برای ما زینت باشید و سرزنش ما را فراهم نکنید، با مردم خوب (و با ادب) سخن بگویید، زبان خود را از ناروا حفظ کنید و از سخنان اضافی و گفتار زشت و قبیح پرهیز داشته باشید.

همچنین، امام حسن عسکری علیه السلام فرموده: با عشایر و قبایل ارتباط برقرار کنید، در تشییع جنازه آنان شرکت نمایید، به عیادت بیماران آنان بروید، حقوق آن‌ها را ادا کنید، زیرا اگر کسی از شما در دین‌داری خویش پرهیزگار، و در گفتار خود راستگو باشد، ادای امانت کند و با مردم با خوش خلقی رفتار نماید، می‌گویند: این شخص شیعه است و این موضوع مرا خوش حال می‌کند، خدا را در نظر داشته باشید و زینت ما باشید نه

۱- ۱ سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲- ۲ سفینه البحار، ج ۲، ص ۹۱۱، شیخ.

ص: ۲۸۴

سبب سرزنش ما، جَزُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ، وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ. (۱)

همه مودت‌ها و محبت‌های مردم را به سوی ما جاری گردانید، و هرگونه قبیح و ناروایی را از ما دفع نمایید.

۲- شناخت لازم دیگری را، که به عنوان یک فلسفه مهم حج مطرح می‌کنیم، شناخت از اوضاع و احوال ملل و نحل و گروه‌های مختلفی است که از نقاط مختلف کشورهای اسلامی و غیراسلامی در این کنگره عظیم عبادی و سیاسی شرکت می‌کنند، تا حداقل در پرتو این آشنایی، زندگی اجتماعی و شرایط اخلاقی و سیاسی و اقتصادی جامعه آنان را باز شناسیم و در صورت ممکن به یاری آنان بشتابیم.

وقتی از امام صادق علیه السلام درباره فلسفه و علت حج سؤال می‌شود، آن حضرت می‌فرماید: وَجَعَلَ فِيهِ الْأَجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ، لِيَتَعَارَفُوا... (۲)

خداوند، حج را واجب فرمود، تا مردم از شرق و غرب عالم، در سرزمین مکه حضور یابند و یکدیگر را بشناسند. یکی از نکات بسیار حساس، که زائران خانه خدا باید بدانند و آن را مورد توجه قرار دهند، این است، که «جهان اسلام دارای حدود ۳۵ میلیون کیلومتر مربع وسعت است و حدود ۲۰۰ بندر مهم و استراتژیک دنیا مربوط به جهان اسلام است، بیشترین ذخایر نفت جهان، به کشورهای اسلامی تعلق دارد. سرنوشت جهان صنعتی به نفت بستگی دارد، تا جایی که «ناتو» و قدرتهای بزرگ، برای حفظ منافع نامشروع خود در خلیج فارس و در دست داشتن این

۱-۱ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲ / ۳۷۲

۲-۲ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۶، وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۱۸ / ۹

ص: ۲۸۵

گذرگاه آبی، بیش از ۸۰ ناو جنگی به این منطقه اعزام داشته‌اند، که علت اصلی آن، همین منابع حیاتی و استراتژیک می‌باشد.» (۱)

یکی از نکات ضعف مهم مسلمانان و کشورهای اسلامی، عدم آگاهی لازم به مبانی اصیل دینی و تفرقه و اختلاف و نفوذ بیگانگان و استعمار است، که در فراز دیگر آن را بررسی می‌کنیم.

۳- غیر از شناخت وظیفه سنگین خویش و شناخت اوضاع و احوال مسلمانان، شناخت تاریخ و آثار و زحمات بنیان‌گذار اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام را به عنوان یکی از فلسفه‌های مهم حج، باید ضروری دانست و بدان اهمیت داد و به مطالعه و تعمق در آن پرداخت.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: *وَلِتَعْرِفَ آثَارَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَعْرِفَ أَخْبَارَهُ، وَيَذْكُرَ وَلَا يَنْسَى (۲)*

و نیز بدین جهت افراد مأمور به انجام حج شده‌اند، که حتماً آثار و اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله را بشناسند و پیوسته آن را یادآور شوند و هرگز آن را فراموش نکنند.

آری، یادآوری آن روزگار سختی، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام فقط نماز جماعت ۳ نفری می‌توانستند برقرار کنند و مورد آزار و اذیت و شکنجه مخالفان و کافران قرار می‌گرفتند، (۳) محاصره رسول خدا صلی الله علیه و آله در شعب اُبی‌طالب به مدت ۳ سال با گرسنگی و تشنگی در

۱- ۱ سخنانی‌ها و مقالات دومین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ ه. ش سخنانی مهندس میرحسین موسوی، نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۷.

۲- ۲ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۶، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۸/۹، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۳.

۳- ۳ اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۳، ص ۴۱۴، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۴۸۰.

ص: ۲۸۶

گرمای شدید و با تحمل سختی‌های دردناک، (۱) و صدها زجر و ستمی که برای اسلام و مکتب توحید کشیدند و از راه باز نماندند تا به هدف برسند، هر کدام درس آموزنده است، که باید در پرتو حج حاصل شود، یاد آنان گرامی، و از آموزه‌های مجاهدانه و فداکارانه آنان، جهت معرفت بیشتر و اطاعت پویاتر حدّا کثر استفاده صورت گیرد.

۳- منافع عمومی

منافع عمومی حج را، قرآن کریم با عبارت: لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ ... (۲)

که شامل منافع مادی و فرهنگی می‌گردد، به عنوان یک فلسفه مهم حج مطرح کرده است.

امام رضا علیه السلام در تفسیر این آیه، همه موارد منافع و بهره‌وری مادی و معنوی حج را بدین شرح بیان فرموده است:

علت حج، به سوی خدا و به میهمانی پروردگار با عظمت رفتن، فزونی خواستن، خارج شدن از همه گناهان و توبه از لغزش‌های گذشته و از سر گرفتن اعمال نیک است، چون در این راه مال‌ها و پول‌ها خرج شده، بر جسم و جان، رنج و زحمت وارد گردیده و از اعمال شهوت‌ها و لذت‌ها صرف نظر شده، و این جهات باز هم باید استمرار یابد.

همچنین حاجی، در پرتو حج و انجام عبادت، به خدای متعال نزدیک می‌شود، با خضوع و خشوع، احساس امن و آرامش، و اظهار بندگی و کوچکی در پیشگاه خداوند می‌کند، در گرما و سرما، و در امتیّت

۱- ۱ السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۸۱، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۳۲-۱۳۱

۲- ۲ سوره حج، آیه ۲۸

ص: ۲۸۷

و ترس حرکت کرده و پیوسته از زیر بار سفر شانه خالی نکرده است.

فلسفه دیگر حج، تأمین منافع همه خلق، و ایجاد شوق و رغبت به لطف و رحمت خداوند و بیم و ترس از عقوبت و مجازات اوست، چنانکه حج، قساوت و سنگ‌دلی، حساست نفس و گدامنشی و فراموشی ذکر و یاد خدا را از بین می‌برد، و نیز امیدها و آرزوهای بی‌اساس را قطع می‌کند، تا با همه تجدید رابطه و تنظیم حقوق شود و با مهار نفس اماره بتواند از فساد و تباهی بازایستد و با برادران دینی، دوستی و روابط صحیح برقرار نماید.

منفعت و فلسفه دیگر حج این است، که عموم مردم از شرق و غرب، آن‌هایی که در خشکی کار می‌کنند و آن‌هایی که در دریا، آن‌هایی که به حج آمده‌اند و آنانی که آن جا حضور ندارند، از تاجر و سوداگر، مشتری و فروشنده، کاسب و خریدار، به صادرات و واردات و خرید و فروش می‌پردازند و بالاخره آنان که از اطراف و جاهای دیگر آمده‌اند، احتیاجات و کالاهای مورد نیاز خویش را تأمین می‌کنند و خلاصه جامعه از این گونه منافع و سودها بهره‌مند می‌گردد و این است، که خداوند فرموده: «تا شاهد منافع گوناگون آن باشند.» (۱)

باری، علاوه بر این که از بیان امام رضا علیه السلام منافع فرهنگی حج نیز روشن شد، به منظور اهمیت جنبه منافع فرهنگی حج، در فراز دیگری از سخنان آن حضرت می‌خوانیم: مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ، وَنَقَلَ الْأَخْبَارَ الْأَثَمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى كُلِّ صُفْعٍ وَنَاحِيَةٍ ... (۲).
از دیگر منافع حج، تفقه و داناشدن به احکام و معارف دین و انتقال

۱-۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۵، بحارالانوار، ج ۹۶ ص ۸/۳۳، سوره حج، آیه ۲۸

۲-۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۵/۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۴۱

ص: ۲۸۸

اخبار و آثار و احادیث پیشوایان دین، به شهرها و روستاها و نواحی دیگر است، چنانکه خداوند فرموده: «چرا از میان شما گروهی کوچ و مسافرت نمی‌کنند، تا در دین دانا و فهمیده شوند و آن‌گاه که به قوم (و قبیله و شهر و دیار) خویش بر می‌گردند، آنان را آگاه کنند و بیم دهند، باشد که آنان از بدی‌ها و کجی‌ها خودداری کنند و به خوبی‌ها و درستی‌ها بگرایند.» (۱)

۴- وحدت جبهه توحید

از این که هم‌اکنون حدود ۲ میلیون زائر خانه خدا، با هم طواف و سعی انجام می‌دهند، با هم به عرفات و مشعر و منا می‌روند، با هم به مکه باز می‌گردند و طواف حج می‌نمایند، به یک جهت می‌ایستند و یک شعار می‌دهند، به خوبی شکوه وحدت جبهه اهل توحید در برابر جبهه کفر و شرک و نفاق به نمایش در می‌آید.

اما، علاوه بر این که محتوای عبادی و فرهنگی و سیاسی حج را بررسی کردیم، برای این که، این شکوه وحدت حفظ شود و پیوسته بر پویایی و شعاع آن افزوده گردد، جهات دیگری را هم بدین شرح باید مورد توجه قرار دهیم:

الف: حج اکبر

قرآن کریم، با آیه وَاذَانُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ

ص: ۲۸۹

الْحَجَّ الْأَكْبَرِ (۱)

اعلام از ناحیه خدا و رسول به (عموم) مردم در روز «حج اکبر» به منظور بیزاری خدا و رسول، از مشرکان است. درباره این که «حج اکبر» چه روزی است؟ عموم مفسران قرآن با استفاده از روایات، آن را روز «عید قربان» یا «روز نحر» که عمده اعمال حج به پایان می‌رسد، دانسته‌اند. (۲)

اما، در این روز چه واقعه‌ای رخ داده، که «حج اکبر» نامیده شده است؟

امام باقر علیه السلام فرموده: در آن سالی، که «آیه برائت» نازل گردید، امام علی علیه السلام که مأمور اعلام آن شده بود، طی خطبه‌ای درباره اعمالی که مشرکان انجام می‌دادند فرمود: از این پس، هیچ کس نباید برهنه طواف کند، هیچ مشرکی حق شرکت در مراسم حج را ندارد، آنها که پیمانشان با پیغمبر صلی الله علیه و آله مدّت دارد تا پایان مدّت، آن پیمان محترم است، و آنها که پیمانشان مدت ندارد، مدّت آن چهار ماه خواهد بود. (۳)

بدین مناسبت، مناسک صحیح حج از اعمال روزگار جاهلیت تفکیک شد و پیامبر صلی الله علیه و آله با این دستور آسمانی «برائت از مشرکان» را به منظور تفکیک جبهه توحید از شرک و بت پرستی، اعلام نمود، و حج آن سال «حج اکبر» نامیده شد. امام علی علیه السلام فرموده: در آن سال، همه گروه‌های مسلمان و مشرک، در مراسم حج شرکت کرده بودند، ولی از آن سال به بعد شرکت مشرکان

۱-۱. سوره توبه، آیه ۳

۲-۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۸۴، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳-۳۲۲

۳-۳. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴

ص: ۲۹۰

در مراسم حج ممنوع شد، و بدین جهت آن حج، به «حج اکبر» موسوم گردید. (۱)

ب: نماز جماعت

با توجه به این که، امام رضا علیه السلام علت این را که خانه کعبه در وسط کره زمین قرار گرفته، این جهت را معرفی می کند، تا وجوب شرکت در آن برای اهل مشرق و مغرب مساوی باشد (۲) عبادت و اطاعت به طور دست جمعی، که بخش مهمی از آن در «نماز جماعت» تبلور می یابد، عظمت و شکوه و پاداش و تأثیر بیشتری دارد.

بدین جهت، امام صادق علیه السلام فرموده: مَنْ صَلَّى خَلْفَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ. (۳)

هر کس پشت سر مسلمانان در صف اول نماز بخواند، مثل این است، که عقب سر رسول خدا صلی الله علیه و آله در صف اول نماز خوانده است.

اسحاق بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام سؤال کرد: آیا با مسلمانان در مسجد نماز می خوانی؟ گفتم: آری، فرمود: صَلَّى مَعَهُمْ، فَإِنَّ الْمُصَلِّيَ مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۴)

با آنان (مسلمانان) نماز بخوان، زیرا کسی که در صف اول با آنان (مسلمانان) نماز (جماعت) بخواند، مثل کسی است، که شمشیر خود را

۱-۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۲۸، معانی الاخبار، ص ۲۹۶، علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۴۲، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۷/۳۲۳

۲-۲. علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۹۶/۱، وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۱/۸

۳-۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۶/۲۵۱، وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۱/۳۸۱

۴-۴. تهذيب الاحكام، ج ۳، ص ۳۰۶

ص: ۲۹۱

برای جهاد در راه خدا از غلاف بیرون کشیده است.

ج: نماز منظم

علاوه بر شرکت در نماز جماعت مسلمانان، که با نظافت و رعایت جهات بهداشتی باید صورت گیرد، آداب مستحب، که موجب نظم و جلوه و شکوه نماز جماعت می‌گردد و پاداش آن را نیز افزون می‌سازد، مثل تکمیل صف‌ها و صاف بودن آن‌ها، مورد سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای گرامی اسلام است.

امام صادق علیه السلام از اجداد خود روایت می‌کند، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سُوُوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ، وَحَادُوا بَيْنَ مَنَابِكُمْ، لَا يَسْتَحْوِذَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ. (۱)

میان صف‌های خود را صاف و منظم گردانید، شانه‌های شما محاذی و روبه‌روی هم باشد، تا شیطان بر شما مسلط نشود.

در روایات دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله: اعتدال در صفوف، صاف بودن صف‌های نماز جماعت، فاصله نداشتن با افراد کنار خود در صف‌های جماعت و پرهیز از اختلاف و گفت و گوهای ناروا، مورد تأکید و توصیه زیاد قرار گرفته است. (۲)

د: روابط انسانی

به منظور حفظ وحدت و تحکیم مبانی آن، زائران خانه خدا به خصوص برای عظمت مذهب، از روابط اخلاقی زیبا و جذاب با سایر

۱- ۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۵۹/۳۱۲، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴/۴۷۲

۲- ۲. عقاب الاعمال، ص ۲۷۴، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۷/۴۷۲

ص: ۲۹۲

مسلمانان، به هیچ وجه نباید غفلت داشته باشند.

زید شحام، می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: با اخلاق مسلمانان هماهنگ شوید، در مسجدهای آنان نماز بخوانید، از بیماران آنان عیادت کنید، در تشییع جنازه آنها شرکت کنید، و اگر بتوانید امامت و گفتن اذان را به عهده گیرید، اگر این گونه رفتار کردید، می گویند: اینان جعفری هستند، خدا رحمت کند جعفر علیه السلام را، راستی چه یاران خوبی تربیت کرده، و اگر برخلاف این روش ها رفتار کردید، می گویند: اینان جعفری هستند، خدا جعفر علیه السلام را خیر ندهد، که چنین یاوران بدی پرورش داده است! (۱)

آری، به همان میزانی که مؤمن منسوب به اهل بیت علیهم السلام عظمت دارد و با توجه به این عظمت، روی رفتار مؤمنانه و بزرگوارانه او حساسیت وجود دارد و عمل او به حساب مکتب و مذهب او نیز گذاشته می شود، رفتار ناپسند و ناآگاهانه و عوامانه و عصیانگرانه وی هم، گاهی جزو مذهب و مکتب و پیشوای او محسوب می گردد، به همین دلیل، امام صادق علیه السلام به «صالح بن عقبه سمعان» (۲) معروف به «شقرانی» که دارای لغزشی بود و او را مورد عطف و جذب قرار داد، فرمود: **إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ، وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا، وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ، وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ ... (۳)**.

عمل خوب از هر کسی خوب است، اما عمل خوب از تو، که منسوب به ما هستی بهتر است و نیز عمل زشت و قبیح از هر کسی زشت و قبیح است، اما عمل قبیح تو، که منسوب به ما هستی زشت تر و قبیح تر است.

۱-۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۹ / ۲۵۱

۲-۲. بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، ج ۵، ص ۲۹

۳-۳. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹، سفینه البحار، ج ۲، ص ۸۵۷، کلمه شقر

ص: ۲۹۳

بنابراین، ما علاوه بر شخصیت فردی، به عنوان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام مسئولیت افزون‌تری داریم، که باید در اخلاق، معاشرت، داد و ستد و روابط فردی و اجتماعی، نهایت دقت و مراقبت را داشته باشیم.

به هر حال، انجام وظایف یادشده و به کارگیری تدابیری که بر اساس قرآن و روایات و سیره امامان علیهم السلام و توصیه‌های فراوان آنان به دست آوردیم، عزت مذهب، عظمت ایمان و استواری صف‌های مسلمانان را به صورت «جبهه متحد توحید» در برابر شرک و نفاق و اختلاف و دشمنان، در پی خواهد داشت، که فلسفه حج را عملی و محتوای آن را عمیق‌تر و بارورتر می‌گرداند.

۵- قیام برای مردم

قرآن کریم فرموده: **جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيَتَّى الْحَرَامِ قِيَامًا لِلنَّاسِ ... (۱)**

خداوند، کعبه، بیت‌الحرام را، وسیله «قیام» و سامان‌بخشیدن به کارهای مردم قرار داده است.

قیام برای مردم را، امام علی علیه السلام به عنوان یک فلسفه مهم حج مطرح نموده، (۲) و یک جهت مهم این «قیام» این است، که زائران باید توجه کنند، اکنون با آشنایی با گروه‌های مختلف مسلمانان و شناخت مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنان، باید بیندیشند و راه چاره بیابند و با تفاهم، برای دفع و رفع آن‌ها اقدام

۱- ۱. سوره مائده، آیه ۹۷

۲- ۲. نهج‌البلاغه صبحی صالح، خ ۱۹، ص ۲۹۳

ص: ۲۹۴

عملی نمایند.

آری، فراموش کردن مسایل شخصی و قومی و نژادی و «اهتمام به امور مسلمین» (۱) برای سامان دادن به عقب‌ماندگی‌ها، آشفتگی‌ها، نابسامانی‌ها و رسیدن به یک جامعه گسترده ایده‌آل، که از عزت و شوکت و قدرت، در قلمرو حیات اجتماعی برخوردار باشد و از فقر و فساد رهایی یابد، از مصادیق روشن قیاماً لِلنَّاس است و این «فلسفه مهم حیاتی» را همه زائران، از هر نژاد و ملتی که هستند، با دقت باید مورد توجه قرار دهند، تا راز مهم حضور در مکه و طواف حول کعبه نمودار گردد.

باری، همانطور که امام علی علیه السلام کعبه و حج را «عَلَمَ اسْلَام» نامیده (۲) که با برقراری آن اسلام نیز قوام و دوام دارد، امام صادق علیه السلام هم فرموده: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا، مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ». (۳)

تامادامی، که کعبه و حج برقرار است، دین هم دوام و استواری و اعتلا خواهد داشت.

به هر حال، این خانه و این حج، با تشکیل یک کنگره عظیم جهانی، پیوند اعتقادی و برادری را در میان مسلمانان سراسر کره زمین استوار می‌سازد.

خلاصه، قرآن کریم، مکه و حج را مرکز قیام برای مردم، امام علی علیه السلام حج را، «تَقْوِيَةٌ لِلدِّينِ»، (۴) و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حج را:

۱-۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱/۱۶۳

۲-۲. نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۱، ص ۴۵

۳-۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۱/۲۵۸، وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۵/۱۴

۴-۴. نهج البلاغه فيض الاسلام، حکمت ۲۴۴، ص ۱۱۹۷

ص: ۲۹۵

«تَشْيِيداً لِلدِّينِ» (۱)

یعنی، وسیله تقویت و استحکام دین شمرده‌اند، تا حاجیان فارغ از مسایل فردی و نژادی و جغرافیایی، با انجام حج آگاهانه و عابدانه، به مصالح عمومی همه مسلمانان بیندیشند، دردها و مشکلات عمومی را بشناسند و برای رفع آنها تلاش جمعی و کارشناسانه صورت دهند، تا کیان دین در سراسر جهان، اعتلا و شکوه درخشان گیرد، و اگر جز این باشد، نتیجه لازم از حج به دست نمی‌آید.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «وَلَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ «إِنَّمَا» يَتَكَلَّمُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَمَا فِيهَا هَلَكُوا، وَخَرِبَتِ الْبِلَادُ، وَسَقَطَتِ الْجَلْبُ وَالْأَرْبَاحُ، وَعَمِيَتِ الْأَخْبَارُ، وَلَمْ يَقْفُوا عَلَى ذَلِكَ، فَذَلِكَ عَلَّةُ الْحَجِّ». (۲)

اگر هر قوم و ملتی، فقط از بلاد و کشور خود سخن بگویند و فقط به مسایل و مشکلات خود بیندیشند، همه نابود می‌شوند و کشورهای آنان ویران می‌گردد، منافع آنها ساقط می‌شود، و اخبار واقعی در پس پرده ابهام و پنهان قرار می‌گیرد و بر آنها آگاه نخواهند شد، و این است علت و فلسفه حج.

آری، به مکه می‌روند تا علاوه بر این که نفس مناسک آنان یک نوع قیام عمومی است، در ضمن این کنگره عظیم، با بحث و چاره‌اندیشی و برنامه ریزی برای مصالح عموم مسلمانان قیام کنند، چنان که طبق روایات، حضرت مهدی (عج) هم، برای محو ظلم و ستم و گسترش عدالت واقعی، از کنار کعبه قیام خواهد کرد. (۳)

۶- رعایت احکام

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳

۲- ۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۴۰۶، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۹

۳- ۳. کنز العمال ج ۱۴، ص ۵۹۰، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۳، ص ۲۵۷، منتخب الأثر، ج ۳، ص ۷

ص: ۲۹۶

با توجه به این که قرآن کریم می‌فرماید: اسلام متعلق به تمام طوایف است، هر کس به آن رسید باید ایمان بیاورد. (۱) و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرموده: بُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، الْأَخْمَرُ وَالْأَسْوَدَ ... (۲)

من، برای همه مردم، اعم از سرخ و سیاه، و جن و انس مبعوث شده‌ام. اسلام متعلق به همه امت است، این اصل، در همه اعمال باید مورد توجه قرار گیرد و به خصوص در احکام حج، که حج مرکز عظیم نمایش صفوف اتحاد مسلمانان است، باید رعایت شود. بدین لحاظ، توصیه‌ها و فتاوی مهم حضرت امام خمینی قدس سره را مورد توجه قرار می‌دهیم:

۱- عموم برادران و خواهران اسلامی، باید توجه داشته باشند، که یکی از مهم‌یات فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است. (۳)

۲- لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها، از اعمالی که موجب تفرقه بین صفوف مسلمین است احتراز کنند و در نمازهای جماعت مسجدالحرام و مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر شوند، و از انجام کارهایی که گاهی خلاف شرع است، جداً اجتناب نمایند.

۳- هنگام شروع نماز جماعت، از مسجدالحرام و یا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله خارج نشوند و با آنان نماز جماعت بخوانند. (۴)

۵- طواف را به نحو متعارف که همه حج‌جاج به جا می‌آورند،

۱- ۱. سوره نساء، آیه ۱۷۰، «یا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ».

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۳۱-المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۷۸

۳- ۳. کنگره عبادی سیاسی حج، مجموعه سخنان و پیام‌های امام خمینی قدس سره، ص ۳۳ و ۳۴

۴- ۴. مشعل اتحاد، ص ۴۷

ص: ۲۹۷

به جا آورند، و از کارهایی که اشخاص جاهل می‌کنند احتراز شود، و مطلقاً از کارهایی، که موجب وهن مذهب است، باید احتراز شود. (۱)

۷- بیعت با امام علیه السلام

پیوند حج با توحید و نبوت ناگسستنی است و امامت نیز، که استمرار نبوت است، این پیوند را تبیین و تحکیم عملی بیشتری می‌بخشد. در روایات گذشته خواندیم، یکی از اسرار حج، شناختن آثار و اخبار رسول‌خدا صلی الله علیه و آله است، (۲) همچنین، در حدیثی امام رضا علیه السلام فرمود: زائری که از شرق و غرب عالم به مکه آمده‌اند، باید اخبار و پیام‌های امامان علیهم السلام را به شهرها و روستاها و همه مناطق جهان منتقل کنند. (۳)

بنابراین، لازمه تحقق فلسفه حج در این زمان، انجام برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن است، که هر زائری در حدّ دانایی و توانایی خود باید این وظیفه را عملی نماید.

در عصر امامان علیهم السلام به خاطر سیاست‌های دژخیمانه حکام ظالم و فضای سخت رعب و وحشت و دستگیری و آزار و اذیت و زندان پیروان اهل بیت علیهم السلام ملاقات با آنان با مشکلات فراوانی همراه بوده است، در عین حال، برای تکمیل حج و دریافت پیام امامان علیهم السلام این کار وظیفه اجتناب‌ناپذیری بوده است که آن بزرگواران، ملاقات با خود را به عنوان یک بیعت و تجدید پیمان پیروان، و از مهمترین فلسفه‌های حج دانسته‌اند.

۱-۱. کنگره عبادی سیاسی حج، ص ۳۴، مطابق با کامل‌ترین مناسک حج امام خمینی قدس سره، ص ۱۰۷-۱۰۶ و مناسک جدید ص ۱۱۳

۲-۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۹

۳-۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۸، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۴/۴۱

ص: ۲۹۸

ابوحزمه ثمالی، داستان غمباری را بدین شرح روایت می‌کند: در حالی که حضور امام باقر علیه السلام رسیدم، که آن حضرت کنار در مسجد الحرام نشسته بود و به افرادی که طواف می‌کردند و بدون توجه به امام علیه السلام به راه خود ادامه می‌دادند، با تأسف و ناراحتی نگاه می‌کرد!

امام علیه السلام فرمود: ای ابوحزمه! چه دستوری برای اینان رسیده است؟

گفتم: نمی‌دانم ای مولای من!

آن حضرت فرمود: «إِنَّمَا أَمْرُوا أَنْ يُطَوَّفُوا بِهَذِهِ الْأَحْجَارِ، ثُمَّ يَأْتُونَا فَيَعْلَمُونَ وَلَا يَتَّبِعُونَ» (۱).

به اینان دستور داده شده دور این سنگ‌ها (کعبه) طواف کنند، سپس نزد ما آیند و ولایت (و اطاعت) خویش از ما را به ما اعلام کنند.

در بیان دیگری امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ ... (۲)، آن را ملاقات با امام علیه السلام دانسته و جمله: نصرت

و یاری خویش را از ما اعلام کنند دارد. (۳) چنانکه در بیان امام باقر علیه السلام: «يَعْرِضُوا عَلَيْنَا أَنْفُسَهُمْ» (۴)

یعنی، خود را بر ما عرضه کنند و جان خود را (به منظور اطاعت و فداکاری) در اختیار ما گذارند، آمده است.

به هر حال، پیوند حج و امامت و حضور پیروان آنان در این مراسم عظیم، به عنوان حلقه اتصال مکتب و مذهب و توحید تا آن جاست، که

۱- ۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۶، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۴ و ۴۸، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۳

۲- ۲. سوره حج، آیه ۲۹

۳- ۳. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۲۴، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۸۲، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۳۴

۴- ۴. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۴۸، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۳

ص: ۲۹۹

اگر افرادی به خاطر نداشتن امکانات یا موانع ایجاد شده از سوی دشمنان، مکه و کعبه و مدینه خالی و خلوت از زائران مؤمن گردد، دستور رسیده حاکمان با تأمین مخارج افراد، برای حضور در آن مراکز عظیم، آنان را اعزام دارند.

امام صادق علیه السلام فرموده: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكُوا الْحَجَّ، لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ...» (۱).

اگر مردم حج را ترک کنند، بر والی و حاکم مسلمانان است، که آنان را به انجام حج وادار کند تا در مکه حضور یابند، و همچنین است، اگر مدینه و زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله را ترک نمایند.

امام صادق علیه السلام فرموده: «إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ، فَلْيَخِمْ حَجَّهُ بِزِيَارَتِنَا، لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ.» (۲).

هرگاه کسی از شما حج انجام می‌دهد، حج خود را با زیارت ما پایان بخشد، چون این عمل موجب تکمیل حج است.

خلاصه، نکته مهم اعتقادی این است که، موضوع زیارت امام علیه السلام اگرچه وی اکنون به حسب ظاهر حضور ندارد و از دیده‌ها پنهان است، ولی آن قدر در خور اهمیت است، که امام رضا علیه السلام آن را به عنوان یک میثاق و پیمان لازم دانسته و فرموده: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ، وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ، زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ...».

هر امامی، بر گردن دوستان و شیعیان خویش عهد و پیمانی دارد، و تکمیل وفای به این عهد و پیمان این است، که قبرهای آنان را زیارت کند

۱-۱. کافی ج ۴، ص ۲۷۲، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶

۲-۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۵۹، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۴

ص: ۳۰۰

و هرکس آنان را از روی علاقه و تصدیق آن چه آنان میل دارند زیارت کند، آن بزرگواران روز قیامت، امامان و شفیعان او خواهند بود. (۱)

مهمترین اجتماع بزرگ

در پایان مناسب است گفتار دکتر فیلیپ حوزی حجتی، مستشرق و استاد دانشگاه آمریکائی بیروت را درباره فلسفه و منافع حج مورد توجه قرار دهیم. او می‌نویسد:

حج در طول قرن‌ها، نظام استواری را برای تفاهم اسلامی و الفت میان طبقات مسلمانان فراهم آورده است و در پرتو آن هر مسلمانی حداقل یک بار در طول عمر خویش موفق می‌شود کنار مؤمنین دیگر قرار گیرد و با آنان پیوند برادری برقرار نماید، و فکر خویش را با سایر مسلمانانی که از نقاط مختلف آمده‌اند هماهنگ سازد.

آری، در پرتو نظام حج، برای سیاه‌پوست، و بربر و چینی و فارس، و ترک و عرب، و دیگران اعم از غنی و فقیر، و شریف و سطح پایین اجتماع، پیوند زبان و عقیده و ایمان به وجود می‌آید. اسلام برخلاف سایر ادیان، این راز موفقیّت اهل ایمان را برای رنگ و نژادزایی یافته است و برای فرزندان و پیروان خویش، بهترین اجتماع و بزرگ‌ترین خدمت و برترین راه را انتخاب کرده است. (۲).

احمد صادقی اردستانی

۹ آبان ۱۳۸۳ - ۱۵ رمضان ۱۴۲۵

منابع عمده کتاب

۱- ۱ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۵، محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۱۸۳

۲- ۲ تاریخ العرب، ج ۱، ص ۱۸۷، روح الدین الاسلامی، ص ۲۵۷

ص: ۳۰۱

- ۱- قرآن کریم، کلام الله مجید
- ۲- بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمدباقر المجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ه. ق) مؤسسه الوفاء، بیروت، ط ۲، ۱۴۰۳ ه. ق
- ۳- بت‌های عرب، «الأصنام» ابن کلبی (۲۰۴ ه. ق) ترجمه و تألیف: یوسف فضائی، مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۴۸ ش.
- ۴- بهجة الآمال فی شرح زبده المقال، ملا علی علی‌یاری تبریزی (۱۳۲۷ ه. ق) مؤسسه فرهنگی کوشانپور، تهران، ۱۳۷۹ ه. ق.
- ۵- تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دکتر محمد ابراهیم آیتی، تحقیق، دکتر ابوالقاسم گرجی، چ ۵، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ه. ش.
- ۶- تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، ۹۱۱ ه. ق، چ مصر، ۱۳۷۱ ه. ق.
- ۷- تحریر الوسیله، آیه‌الله العظمی امام خمینی قدس سره (۱۳۲۵-۱۴۱۴ ه. ق) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چ اول، ۱۴۲۱ ه. ق.
- ۸- تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی (قرن ۴ ه. ق) مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۴ ه. ق.
- ۸- التحقیق والایضاح لکثیر من مسائل الحج، عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، وزارة الشؤون الاسلامیة للسعودی، ۱۴۲۳ ه.

ص: ۳۰۲

- ۹- تفسیر نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی (۱۱۱۲ ه. ق) قم، ۱۴۱۳ ه. ق.
- ۱۰- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن بن علی الطوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ه. ق) تعلیق: علی اکبر الغفاری (۱۳۰۳ - ۱۳۸۳ ش) مکتبه الصدوق، چ اول، تهران ۱۴۱۷ ه. ق
- ۱۱- ثواب الاعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (۳۰۶ - ۳۸۱ ه. ق) تحقیق: السید حسن الموسوی الخراسان، دارالکتب الاسلامیه، طهران، چ ۵، ۱۳۹۰ ه. ق.
- ۱۲- الجعفریات، محمد بن محمد بن الأشعث الکوفی (قرن ۴ ه. ق) تحقیق: احمد الصادقی الاردستانی، مؤسسه الثقافیه الاسلامیه لکوشانپور، تهران، ۱۴۱۷ ه. ق
- ۱۳- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محمدحسن النجفی (۱۲۰۰ - ۱۲۶۶ ه. ق) دار الاحیاء التراث العربی، بیروت چ ۷، ۱۹۸۱ م.
- ۱۴- الحج والعمرة ومعرفة الحرمين الشريفين، علی الافتخاری الکلیپاگانی، نشر مشعر، چ اول، ۱۴۱۷ ه. ق.
- ۱۵- حج الملائكة والأنبياء والأئمة، علی الافتخاری الکلیپاگانی، مؤسسه انصاریان للطباعة والنشر، قم، ۱۴۲۲ ه. ق
- ۱۶- الحج والزيارة وآداب الحرمين الشريفين، سید محمد حسینی، انتشارات بصائر، قم، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۷- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی (۲۷۴ ه. ق) تحقیق: السید جلال الدین الحسینی (محدّث) دارالکتب الاسلامیه، قم.
- ۱۸- الخصال، لشیخ الصدوق (۳۰۶ - ۳۸۱ ه. ق) تحقیق: علی اکبر الغفاری (۱۳۰۳ - ۱۳۸۳ ش) مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۰ ه. ق
- ۱۹- خسی در میقات، جلال آل احمد (۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ ش) چ ۹، ۱۳۷۹ ش، نشر فردوس، تهران.
- ۲۰- الدرّ المنتور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین السیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ ه. ق) بیروت.
- ۲۱- دیوان حافظ، خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی (۷۲۶ - ۷۹۲ ه. ق) حافظ نوین تهران چ ۵، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۲- سفینه البحار ومدینه الحکم والآثار، محدّث قمی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۹ ه. ق) تحقیق: مجمع البحوث الاسلامیه، اشراف: علی اکبر الهی خراسانی، مؤسسه الطبع والنشر فی آستانه

ص: ۳۰۳

- الرضویة المقدسة، چ اول، ۱۴۱۶ ه. ق
- ۲۳- السيرة النبوية، عبدالملك بن هشام الحميري (۲۱۸ ه. ق) مصر، ج ۱۳۵۵ ه. ق.
- ۲۴- سیری در تعالیم اسلام، علامه شیخ محمود شلتوت (۱۳۱۳-۱۳۸۳ ه. ق) ترجمه: دکتر سید خلیل خلیلیان، شرکت سهامی انتشار- تهران، چ ۶، ۱۳۶۱ ش.
- ۲۵- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (۲۰۶-۲۶۱ ه. ق) مؤسسه عزالدین للطباعة والنشر، مصر، ۱۴۰۷ ه. ق
- ۲۶- عرفان حج، آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۷- العبادة فی الإسلام، دکتر یوسف القرضاوی، مؤسسه الرسالة، بیروت، چ ۳، ۱۳۹۳ ه. ق
- ۲۸- علل الشرايع، لشیخ الصدوق (۳۰۶-۳۸۱ ه. ق) تقدیم، السید محمدصادق بحر العلوم، منشورات المكتبة الحیدریه، نجف، ۱۳۸۵ ه. ق
- ۲۹- غررالحکم ودرر الکلم، عبدالواحد آمدی (- ۵۱۰ ه. ق) ترجمه: محمدعلی انصاری، قم.
- ۳۰- فقه الإمام الصادق علیه السلام محمدجواد المغنیه (۱۳۲۲-۱۴۰۰ ه. ق) انتشارات قدس محمدی- قم، بی تاریخ.
- ۳۱- فريضة الحج، عبدالرزاق نوفل، دارالسلام للطبع والنشر والتوزيع، قاهره، و دارالکتب العربی للنشر والتوزيع- بیروت، بی تاریخ.
- ۳۲- قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر الحمیری (قرن ۴ ه. ق) تصحیح: احمد الصادقی الأردستانی، مؤسسه الثقافیه الاسلامیه لکوشانپور- تهران، ط ۱، ۱۴۱۷ ه.
- ۳۳- کافی (اصول، فروع) محمد بن یعقوب بن اسحاق الكليني (- ۳۲۹ ه. ق) تصحیح و تعلق: علی اکبر الغفاری (۱۴۲۵ ه. ق) دارالکتب الإسلامیه، تهران چ ۳، ۱۳۸۸ ه. ق
- ۳۴- کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علاءالدین متقی الهندی (- ۹۷۵ ه. ق) مؤسسه الرسالة، بیروت ط ۶، ۱۴۰۵ ه. ق
- ۳۵- کنگره عبادی سیاسی حج، مجموعه سخنان و پیام‌های امام خمینی قدس سره، مرکز تحقیقات حج، ۱۴۰۵ ه. ق
- ۳۶- مثنوی معنوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۶۰۴-۶۷۲ ه. ق) تهران، خط میرخانی.
- ۳۷- مجمع البيان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن الطبرسی (۴۶۸-۵۴۸ ه. ق) تصحیح:

ص: ۳۰۴

السید هاشم الرسولی المحلّاتی، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تاریخ.

۳۸- متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی (۵۸۰-۶۹۱ ه. ق) تصحیح: دکتر مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۴۰ ش.

۳۹- محجّه البیضاء فی تهذیب الإحیاء، مولی محسن الکاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ ه. ق) تعلیق علی اکبر الغفاری، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، ط ۴، ۱۳۸۳ ه.

۴۰- مجمع البحرین، فخرالدین الطریحی النجفی (۹۷۹-۱۰۸۷ ه. ق) کتابفروشی مصطفوی، تهران، ۱۳۷۹ ه.

۴۱- مصباح المنیر، احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی (- ۷۷۰ ه. ق) ط ۷، مطبعه الأميریه بالقاهره ۱۹۷۱ م.

۴۲- مشکاة الانوار فی غرر الأخبار، أبی الفضل علی الطبرسی (قرن ۶ ه. ق) تقدیم: صالح الجعفری، مکتبه الحیدریّه فی النجف ۱۳۸۵ ه. ق.

۴۳- معانی الأخبار، لشیخ الصدوق (۳۰۶-۳۸۱ ه. ق) تصحیح: علی اکبر الغفاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۷۹ ه.

۴۴- مستند الشیعۀ فی أحكام الشریعۀ، مولی احمد بن مهدی النراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ ه. ق) تحقیق مؤسسۀ آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، قم، ط ۱، ۱۴۰۷ ه. ق.

۴۵- مرآة الحج، الحاج سید علی مولانا، چ ۲، ۱۳۸۶ ه. ق.

۴۶- مناسک حج، امام خمینی قدس سره (۱۳۲۰-۱۴۱۴ ه. ق) انتشارات پاسدار اسلام، چ ۴، ۱۴۰۷ ه. ق.

۴۷- من لا یحضره الفقیه، لشیخ الصدوق (۳۰۶-۳۸۱ ه. ق) تحقیق: السید حسن الموسوی الخراسان، دارالکتب الإسلامیه، تهران- ط ۵، ۱۳۹۰ ه. ق.

۴۸- نهج البلاغۀ، ضبط لنصّه وابتکر فهارسه العلمیه، الدكتور صبحی صالح، ط ۱، بیروت ۱۳۸۷ ه. ق.

۴۹- وسائل الشیعۀ، إلی تحصیل مسائل الشریعۀ، محمد بن حسن الحرّ العاملی (۱۰۳۲-۱۱۰۴ ه. ق) مکتبه الإسلامیه بطهران، ط ۲، ۱۴۰۳ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

